



ماهنامه اقتصادی، فرهنگی - شماره ۹۰
آذرماه ۱۴۰۲ - ۶۴ صفحه - قیمت ۱۰,۰۰۰ تومان

Magazine's top show

موسوی مطرح کرد:
برخی آثار حوزه
کودک و نوجوان
تناسبی با فرهنگ
ایرانی ندارند

«نون خ»
نوروز و رمضان
روی آنتن تلویزیون

کسب و کار
در کتابخانه‌ها!

گردشگری ابزاری
مناسب برای
مبادلات فرهنگی
میان ملت‌هاست

سیدجواد هاشمی:

فیلمی که کودکان را بخنداند
و تربیت کند نداریم



ماهنامه اقتصادی، فرهنگی



صاحب امتیاز: مؤسسه سیمای سروش پارسیان

مدیر مسئول: محمدرضا محمدیوسفی

مدیر اجرایی: مهندس رضا یوسفی

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر تحریریه: مژگان ترکمانی

همکاران این شماره:

شقایق مبشری، فاطمه مرتضوی، پویش پور محمد، مهدی زارع،
بنفشه نیکیخت، علی آموزگار، مسعود یوسف نژاد، حمید خادم زاده

مدیر هنری: سروش پارسیان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

گنجینه مینیاتور

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۶۵

دفتر نشریه: تهران، خیابان جمهوری،

بین خیابان اسکندری و باستان، کوچه نفر، پلاک ۱۱

فاکس: ۶۶۴۱۹۲۷۶

Magazine's top show

نشانی پست الکترونیک: food.m.t@gmail.com



مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری مازندران:

مراکز آموزشی در جوار صنعت چاپ راهاندازی شود



در این حوزه شد، انقلاب صنعتی تغییر ماهیت شغل‌ها و صنایع را می‌طلبد که جهت ایجاد پیشروی و ماندگاری در حوزه فعالیت صنعت چاپ با ادبیات جدیدی در این عرصه ادامه یابد.

مراکز آموزشی در جوار صنعت چاپ راهاندازی شود

وی یکی از بخش‌هایی که در حوزه صنعت چاپ باید به آن پرداخت مساله اشتغال و نیروی شاغل در این مجموعه است که باید مدنظر قرار گیرد، گفت: تامین نیروی انسانی از محل آموزش نیروی انسانی فاخر، از ضعف‌های جدی در صنایع تخصصی مازندران است که در این حوزه ضعف بسیار وجود دارد.

مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری مازندران با اشاره به اینکه باید مراکز فنی و حرفه ای جوار صنعت به آموزش صنعت‌کاران بپردازند، افزود: در مازندران در ۲ سال اخیر شاهد رشد و رونق اقتصادی خوبی هستیم اما صنعت چاپ به میزان توسعه اقتصادی استان رشد نداشته است که باید در این زمینه طرح‌های جدید صنعت چاپ با رویکرد صادراتی مدنظر قرار گیرد.

مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری مازندران با اشاره به ضرورت استفاده از نیروی متخصص در صنعت چاپ استان، بر راهاندازی مراکز آموزشی در جوار این صنعت تاکید کرد.

به گزارش ایرنا، سید عباس حسینی روز جمعه در مراسم بزرگ روز صنعت چاپ در استان مازندران در مجتمع میزبان بابلسر، با اشاره به اینکه در صنعت چاپ به خصوص در دنیای امروز با پذیرش ایده‌ها و اطلاعات جدید، فرصت‌های نو را برای یک صنعت فراهم می‌کند، اظهار کرد: این صنعت تنها یک بخش تولیدی نیست و بخشی از فرهنگ و تاریخ مناطق مختلف از طریق نشر برای نسل آینده باقی می‌ماند.

وی با بیان اینکه اقتصاد خانواده‌ها در استقبال نکردن از مساله نشر و خرید کتاب، در این صنعت تاثیرگذار است، بیان کرد: شبکه‌های جدید اطلاعاتی و رسانه‌ای هم در این زمینه پیشگام شده و صنعت چاپ باید بتواند خود را با این شرایط روزآمد کند.

حسینی با اشاره به اینکه صنعت چاپ در زمره چند محور اصلی کمیته بهروری استان در سال جدید به شمار می‌رود و تصمیم بر آن است با استفاده از ظرفیت‌های مغفول مانده اتفاقات ویژه‌ای رقم بخورد، افزود: باید از نگاه سنتی وارد فضای جدید تعریف شده

سریال «اخت الرضا» برای تلویزیون آماده می‌شود

پژوهش درباره ساخت زندگی مادر بزرگ امام زمان (عج)



خوبی داریم و ان‌شاءالله امیدواریم دوستان و متولیان امر ما را حمایت کنند کارهای دیگری ساخته شود، ما حتما فضای داکیودرام و این فرمت خوب را ادامه خواهیم داد و دنبال پژوهش و آماده کردن مقدمات ساخت زندگی مادر بزرگ امام زمان (عج) هستیم که هم جنبه مهدوی دارد و هم جنبه تاریخ اسلام؛ روی آن تحقیق و پژوهش انجام می‌دهیم و حمایت شود تمایل داریم این کار انجام شود.

او همچنین با اشاره به استقبال از «اخت الرضا» در سینماها، گفت: با توجه به اینکه فیلم مناسبی بود خدا را شاکرم استقبال خوبی را از مخاطبین شاهدیم که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. اکران‌های متفاوتی پیشنهاد می‌شود و امیدوارم با افزایش بازه زمانی اکران‌ها در سینماها فرصت‌های بهتری برای مخاطبین فراهم شود تا عزیزان بیشتری بتوانند این فیلم را تماشا کنند.

آن به خبرنگار تسنیم گفت: دنبال آماده کردن یک مینی‌سریال دوسه قسمتی از فیلم اخت الرضا هستیم، هنوز قطعی نشده است چون یک مقدمه و یک مؤخره‌ای دارد، یک بخش‌هایی در فیلم اصلی وجود ندارد که نیازمند به پست‌پروداکشن (کارهای فنی پس‌تولید - جلوه‌های ویژه) است. سازمان سینمایی سوره و سرمایه‌گذاران باید همراهی کنند و ببینیم که چه اتفاقی را می‌توانیم رقم بزنیم.

وی خاطرنشان کرد: ان‌شاءالله اگر بتوانیم این سریال را آماده کنیم اولاً بستر پخش آن را با متولیان به جمع‌بندی خواهیم رسید، تلویزیون امکان‌پذیرتر خواهد بود تا نمایش خانگی و اگر شرایط فراهم شود و خوب پیش برود می‌توانیم برای وفات حضرت معصومه (س) سال آینده آماده کنیم و به پخش برسد.

کارگردان «اخت الرضا» همچنین به ساخت آثار مذهبی دیگری اشاره کرد و افزود: طرح‌ها و پیشنهادات

کارگردان «اخت الرضا» در حالی از ساخت مینی‌سریال این فیلم سینمایی خبر می‌دهد که پژوهش و فراهم کردن مقدمات ساخت فیلمی درباره مادر بزرگ حضرت مهدی (عج) را در دستور کار دارد. به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، فیلم سینمایی «اخت الرضا» این روزها در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است و به تعبیر سازنده آن روند خوبی را هم طی می‌کند.

این فیلم سفر حضرت معصومه (س) از مدینه به قم را روایت می‌کند، این فیلم به کارگردانی سید مجتبی طباطبایی و محصول سازمان سینمایی سوره است. سید مجتبی طباطبایی، کارگردان فیلم سینمایی «اخت الرضا» معتقد است اثری که کارگردانی کرده، یک داکو درام یا مستند سینمایی است و علت آن هم تکیه فیلم بر پژوهش و مستندات تاریخی است. طباطبایی درباره سریال شدن این فیلم و پخش



استخدام ۴۰ هزار نفر از خانواده ایثارگران در طرح ویژه «ایران کارآمد»

تولید دعوت و تصریح کرد: افراد جویای کار که جز خانواده شهدا و ایثارگران هستند برای تشکیل پرونده و ارسال مدارک با شماره تلفن ۰۲۱۵۵۴۲۴۸۸۲ تماس بگیرند.

بیگ محمدی بیان کرد: الویت اصلی موسسه طنین ایثارگران برای راه اندازی فاز اول طرح ویژه کار آمد استان‌های محروم و کم برخوردار است. وی گفت: بخشی از هزینه های راه اندازی این کارخانه‌ها از درآمد پایدار موسسه طنین ایثارگران کشور، بخشی از سوی سرمایه گذار و زمین آن از سوی دولت تامین می شود.

بیگ محمدی بیان با بیان اینکه تولیدی های زود بازده در استان تهران در شهرستان های دماوند، اسلامشهر، رباط کریم، پاکدشت، ورامین و شهریار ایجاد می شود، افزود: در این طرح ۱۵ سوله ۵۰۰ متری با میانگین هر سوله ۱۵۰ نفر برای استان تهران دزر نظر گرفته شده است به این ترتیب ۲ هزار و ۲۵۰ نفر در استان مشغول به کار می شوند. وی با بیان اینکه تاکنون ۱۰ هزار متر زمین در اسلامشهر برای ایجاد تولیدی واگذار شده است، افزود: کلنگ احداث این تولیدی ها از ماه آذرماه سالجاری بر زمین زده می شود.

بیگ محمدی تصریح کرد: با برنامه ریزی های انجام شده و همکاری دولت مردمی با اجرای این طرح مشکلات عدیده ای از خانواده های ایثارگران حل می شود.

ایرنا- رئیس مؤسسه طنین ایثارگران کشور گفت: طرح ویژه ایران کارآمد در راستای اشتغال و تولید ملی در سطح کشور، برای اشتغالزایی ۴۰ هزار نفر از خانواده های معظم شهدا و ایثارگران از سوی این موسسه وارد فاز اجرایی شده است.

اسماعیل بیگ محمدی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا بیان کرد: در هر استان ۱۰ سوله برای راه اندازی های تولیدی های کوچک و زود بازده شامل بسته بندی مواد غذایی، حبوبات و خشکبار برای خانواده های ایثارگران در نظر گرفته شده است. وی افزود: این تولیدی ها تا سالجاری در ۱۵ استان و تا پایان سال ۱۴۰۳ در ۱۷ استان دیگر به بهره برداری می رسد.

بیگ محمدی با بیان اینکه با بهره برداری از این تولیدی ها ۴۰ هزار نفر از خانواده های ایثارگران به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشغول کار می شوند، تاکید کرد: استخدام در تولیدی های زودبازده شامل همه خانواده‌های شهدا و ایثارگران می شود.

وی در خصوص حقوق و مزایای کارکنان این تولیدی ها نیز گفت: افراد به صورت پیمانی و قراردادهای سه ساله مشغول به کار می شوند و بعد از این مدت با تایید مسئول مجموعه به استخدام آن تولیدی در می آیند و حقوق و مزایای آنها براساس مصوبه وزارت کار با بیمه و سنوات پرداخت می شود.

رئیس مؤسسه طنین ایثارگران کشور از نخبگان و کارآفرینان برای همکاری در امر

ترسیم منظومه شیعی در قلب ایران با سفر تاریخی حضرت معصومه (س) به قم رقم خود

منظومه‌ای در مورد شهر قم و حضرت معصومه (س) وجود دارد؛ آن حضرت با حرکت خود به سمت قم، منظومه شیعی را در قلب فلات ایران ترسیم کردند.

حضرت معصومه سلام‌الله علیها در شهر قم، درباره این شهر وجود دارد که بسیار حائز اهمیت است، به طوری که بارها درباره اهمیت این شهر تأکید شده است.



به گزارش خبرگزاری تسنیم، امام رضا (ع) به خواهر خود، حضرت معصومه (س)، در نامه‌ای تأکید کرده بودند که هر محلی رسیدید که مردم جمع شدند، برایشان حدیث بخوان. منظور از حدیث خواندن، بحث علمی و مقابله با انحرافات است. در عین حال حتی مسیری که حضرت معصومه سلام‌الله علیها طی می‌کردند تا به برادر بزرگوار خود ملحق شوند را خود امام رضا علیه السلام تعیین فرموده بودند. به این منظور که مردمی که از دیدار و سخنان آن امام بزرگوار محروم شده بودند، با دیدار حضرت معصومه سلام‌الله علیها و شنیدن سخنان و احادیث ایشان، دل و جان خود را با نور اسلام و حقیقت روشن کنند. به این ترتیب سفر کریمه اهل بیت علیه السلام به خاک ایران را می‌توان سفری برای روشن کردن و تبیین حقایق دینی و معرفتی دانست که در نهایت به شهادت آن بانوی بزرگوار در خاک کشورمان منتهی شد.

حمید رسول پور، پژوهشگری است که مدت‌ها درباره زندگی و دلایل هجرت حضرت معصومه (س) تحقیقات گسترده انجام داده است. او درباره دلایل و مسیر حرکت آن بانوی بزرگوار نکات قابل توجهی را عنوان می‌کند.

در روایات تأکید زیادی درباره شهر قم شده است. دلیل این امر چیست؟

طبق نقشه‌های ژئوپلیتیک امروزی، شهر قم در قلب خشکی‌های جهان قرار گرفته است. احادیثی که پیش از حضور

هجرت امام رضا علیه السلام به مرو. مسیر هجرت حضرت معصومه سلام‌الله علیها مهم‌ترین مسیری بوده که در این هجرت‌های چهارگانه انجام شد. اگر به نقشه جغرافیایی آن زمان هم نگاه شود، آن حضرت دقیقاً از کران غربی جهان اسلام حرکت کرده و در قم به اتمام می‌رسد.

آیا امام رضا (ع) مسیر سفر حضرت معصومه (س) را تعیین کردند؟

در اینجا این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که این مسیر را امام رضا علیه السلام به ایشان تبیین کرده بودند که حتماً این مسیر را طی کنند؟ به هر حال مسیرهای گوناگونی وجود داشته که کاروان حضرت معصومه سلام‌الله علیها به شهر طوس و به خدمت امام رضا علیه السلام برسند.

از جمله با این روایت مواجه می‌شویم که هنوز حضرت معصومه سلام‌الله علیها متولد نشده بودند که امام صادق علیه السلام به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زمان قبل از ازدواج آن حضرت مژده می‌دهند که «خداوند فرزندی به شما می‌دهد که حرم او در قم، حرم اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.» به این ترتیب منظومه‌ای در مورد شهر قم و حضرت معصومه سلام‌الله علیها وجود دارد. از باب این مثل معروف که «شرف مکان بالمکین» مشخص می‌شود که شرف این مکان یعنی شهر قم، به مکین آن یعنی حضرت معصومه سلام‌الله علیها است. آن حضرت با حرکت خود به سمت قم، منظومه شیعی را در قلب فلات ایران ترسیم کردند.

حضرت معصومه (س) دقیقاً از کران غربی جهان اسلام حرکت کردند

در مورد مسیر سفر حضرت معصومه سلام‌الله علیها به سمت شهر قم مطالب مختلفی عنوان شده است. اما چرا آن حضرت از مسیری عبور کردند که از قم بگذرد و چرا راه دیگری را برای رسیدن به محل زندگی برادر بزرگوارشان انتخاب نکردند؟

همانند با هجرت حضرت معصومه سلام‌الله علیها به ایران، سه هجرت دیگر اتفاق افتاده بود: هجرت ادریس به سمت مراکش و تأسیس حکومت ادریسیان، هجرت اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام به آسیای شرق و جنوب شرق و

که تمام ارتباطات مخفیانه اهل بیت علیهم السلام با دوستان و شیعیان آن‌ها را تنظیم می‌کردند و در عین حال این سازمان وکالت، شبکه اقتصادی راه‌اندازی کرده بود که بتواند یک ساختار اقتصادی در داخل شیعیان ایجاد کند.

به این دلیل که عباسیان از لحاظ اقتصادی به شدت بر شیعیان سخت گرفته بودند. هارون الرشید تلاش زیادی کرد که به این شبکه صدمه وارد کند. به طوری که فرقه‌هایی مانند واقفیه ایجاد شد و پول‌هایی که از شیعیان جمع شده بود را به امام رضا علیه السلام تحویل ندادند تا در راه امور اسلام خرج شود.

مبارزه با تفکرات انحرافی در سفر

به همین دلیل بود که امام رضا علیه السلام این مسیر را انتخاب کردند تا با تفکرات انحرافی مبارزه کنند؟ بله؛ امام رضا علیه السلام قصد داشتند با گذشتن از این مسیر، رسالت الهی خود را انجام دهند. اما مأموران مأمون متوجه قصد آن حضرت شدند و مانع شدند که از این مسیر عبور کنند و به زور امام را به سمت بصره و ایران هدایت می‌کنند.

مسیر حضرت معصومه (س) طبق توصیه امام رضا علیه السلام

زمانی که حضرت معصومه سلام‌الله علیها به همان منطقه معدن نقره و بر سر درواهی رسیدند، طبق مسیری که امام رضا علیه السلام در نامه خود فرموده بودند، از جنوب عراق وارد شدند. در واقع این مسیر تعیین شده بود. با توجه به این شرایط، مشخص می‌شود کسی که از خاندان امام موسی بن جعفر علیه السلام وارد این مسیر مهم و پر حادثه می‌شود، باید یا خود امام باشد یا بیشترین قربت فکری و عقیدتی با امام را داشته باشد.

بنابراین حضرت معصومه سلام‌الله علیها راهی این مسیر شد تا راهی که امام رضا علیه السلام موفق به طی آن شد، آن حضرت طی کرده و مسئولیت الهی خود را به انجام برساند.

نکته قابل توجه این است که امام رضا علیه السلام به خواهر خود، حضرت معصومه سلام‌الله علیها، در نامه خود تأکید کرده بودند که هر جایی رسیدید که مردم جمع شدند، برایشان حدیث بخوان. منظور از حدیث خواندن، بحث علمی و مقابله با انحرافات است.

هم‌زمان در این مسیر دیده می‌شد که برخی تفکرات انحرافی مانند تفکر اسماعیلیه در حال شکل‌گیری بود. علاوه بر آن قیام انحرافی دیگری به نام قیام ابوالسرایا در میان شیعیان در حدود یک سال قبل از آن روی داده بود که منطقه همچنان ملتهب آن قیام بود.

شبکه وکالت ائمه اطهار علیهم السلام هم که در زمان امام صادق علیه السلام طرح‌ریزی شده بود، در همین زمان فعال بود.

درست است. شبکه وکالی ائمه اطهار علیهم السلام در این مناطق فعال بودند

مدیر کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی:

گردشگری ابزاری مناسب برای مبادلات فرهنگی میان ملت‌هاست



تکنولوژی در خدمت محتوا و روایت تاریخ در موزه باشد

مدیر مجموعه فرهنگی نیاوران نیز در این در کنفرانس اظهارداشت: رابطه تکنولوژی و موزه مسئله امروز ماست که ترکیبی جدید از جذابیت‌های هنری امروز با داشته‌ها و آثار مربوط به گذشتگان است، بنابراین تکنولوژی باید در خدمت محتوا و روایتی که از تاریخ در موزه داریم باشد.

بیژن مقدم گفت: این سوال مطرح است که آیا تکنولوژی به بهتر دیده شدن تاریخ کمک می‌کند یا آن را تحت الشعاع و تحت تاثیر جذابیت‌های خود قرار می‌دهد؟

گردشگری ابزاری مناسب برای مبادلات فرهنگی میان ملت‌هاست

وی افزود: به عبارت دیگر باید ببینیم تکنولوژی در این زمینه فرصت و یا تهدید است؟ این امری است که ممکن است عده‌ای را در دوراهی سخت انتخاب گرفتار کند.

مقدم بیان کرد: به نظرم برای آشتی دادن مردم و به ویژه جوانان و کودکان با موزه‌ها راهی جز استفاده از تکنولوژی روز نداریم تا آنان را به سمت این محیط‌ها سوق دهیم، مشروط بر اینکه تکنولوژی بر محتوای داستانی که روایت می‌کنیم غالب نشود.

مدیر مجموعه فرهنگی نیاوران اظهارداشت: امروز برخی از موزه‌ها آنچنان غرق در بهره‌گیری از جلوه‌های مختلف نور، رنگ، صدا و غیره شده‌اند که دیگر نمی‌توان نام موزه بر آن نهاد.

مقدم گفت: از این رو من در مجموع موافق این موضوع هستم، به شرط آن که هویت موزه را از ما نگیرد و معتقدم باید در این باره گفت و گویی نقادانه شکل گیرد تا مجموعه‌ها و موزه‌ها بتوانند از تجربیات یکدیگر در داخل و خارج از کشور استفاده کنند.

بر اساس این گزارش دو تفاهم نامه همکاری بین مجموعه‌های نیاوران، موزه ملک با موزه هنری شانگهای امضا شد.

با معرفی اثر معروف و جهانی شیخ صفی الدین اردبیلی، اردبیل را سرزمینی بی‌بدیل با ظرفیت فراوان در گردشگری خواند و گفت: مجموعه شیخ صفی الدین گنجینه ارزشمندی از دیرینگی روابط مستحکم فرهنگی بین دو ملت ایران و چین است و موزه چینی خانه آن یادآور این روابط دیرینه است.

در این نشست که به همت دفتر امور خارجه دولت مردمی شهرداری شانگهای، مرکز تبادلات فرهنگی دولت چین، موزه مجموعه هنری شانگهای و همکاری اداره کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی کشورمان برگزار شده بود، مباحث دیگری از سوی شرکت کنندگان ایرانی و چینی مطرح شد.

جو ایو معاون مرکز تبادلات فرهنگی چین با اشاره به ترویج توسعه گردشگری از طریق تبادل آثار فرهنگی اظهارداشت: تمدن‌های باستانی نظیر ایران و چین سهم زیادی در مبادلات و انتقال فرهنگ‌ها داشته‌اند و امروز از طریق همکاری برد-برد آن را رشد خواهد داد.

وی افزود: این تبادلات در حوزه صنعت گردشگری و گسترش فرهنگ کشورهای مسیر جاده ابریشم به افزایش قدرت کشورها کمک خواهد کرد.

معاون مرکز تبادلات فرهنگی چین گفت: ترکیب فرهنگ و گردشگری یک فرایند پویاست و امیدوارم با ایران و مردم همه کشورها در مسیر جاده ابریشم به برابری، یادگیری، وحدت، منفعت متقابل و همکاری دوجانبه دست پیدا کنیم.

هوموچینگ رئیس موزه هنری شانگهای نیز طی سخنانی به دوستی ایران و چین اشاره کرد و اظهارداشت: موزه هنری شانگهای سالهاست که با ایران ارتباط دارد و تاکنون نمایشگاه‌های متعددی از صنایع دستی، قالی بافی و هنر جوانان ایرانی در این مجموعه برگزار شده است.

وی از سفارت چین در تهران و کنسولگری ایران در شانگهای نیز در برگزاری این نشست تشکر کرد.

مدیر کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گردشگری را ابزاری مناسب برای مبادلات فرهنگی میان ملت‌ها دانست و گفت: تفکر جهانی شدن و برجیده شدن مرزهای فکری و مادی جز ترویج و تسلط فرهنگی کشورهای غربی حاصلی نداشت.

به گزارش ایرنا، هادی میرزایی در کنفرانس میراث فرهنگی و توسعه گردشگری ایران و چین ۲۰۲۳ که در شانگهای کشور چین برگزار شد، اظهارداشت: برای حفظ تنوع فرهنگی و مواجهه با جهانی شدن باید از جنگ و تبعیض و حذف ملت و هویت یک قوم بپرهیزیم، موضوعی که در حال حاضر در فاجعه نسل‌کشی غم‌انگیز در غزه و فلسطین شاهد آن هستیم.

وی با تاکید بر روابط دیرینه ایران و چین از گذشته تاکنون گفت: گردشگری ابزاری مناسب برای مبادلات فرهنگی بر پایه حفاظت از تنوع فرهنگی و تعامل برابر میان ملت‌هاست.

میرزایی با اشاره به مشترکات فرهنگی بین ایران و چین افزود: روابط دیرینه، شکل‌گیری جاده ابریشم و دو اثر اسطوره‌ای با روایت‌های بسیار مشابه در شاهنامه ایران و «فن شن یی ای» چین، می‌تواند به گسترش همکاری‌های دوستانه دو کشور در چهارچوب تبادلات فرهنگی کمک کند.

مدیرکل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گردشگری بیان کرد: این وزارتخانه با ۸۲۹ موزه و بیش از پنج میلیون اثر منقول فرهنگی آمادگی دارد تا همکاری‌های دوجانبه خود را در چارچوب قوانین ملی دو کشور و کنوانسیون‌های جهانی با کشور دوست جمهوری خلق چین گسترش دهد.

در این نشست دو روزه که با هدف ترویج مبادلات فرهنگی از طریق همکاری در منابع گردشگری برگزار شد، برخی شخصیت‌های چینی و مدیران موزه‌های ایرانی به سخنرانی پرداختند.

حسن ادیب مدیرکل میراث فرهنگی استان اردبیل

معاف: از فیلم نامه نویس ها خواسته ام وارد فضای قرآنی شون

پویانمایی حضرت ابراهیم (ع) در مراحل پیش تولید است

معاون قرآن و عترت وزارت ارشاد می گوید در همین جشنواره فیلم کوتاه که هم اکنون در تهران و چند شهر ایران برگزار می شود، برای شناسایی استعدادها فعالیت داریم به گزارش خبرگزاری تسنیم، علیرضا معاف، معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه صف اول با حضور در شبکه خبر درباره موضوع "ترویج فرهنگ قرآنی از مطالبه تا تحول" گفت: ما مخالف برخورد سکولار با قرآن هستیم و نگاه جمهوری اسلامی به قرآن این نبوده و نیست. وی ادامه داد: نسبت نظام و قرآن مثل نسبت پدر و فرزند است و نظام ما مانند فرزند قرآن است. الان در احکام دائمی ماده ۳۷ بند خوبی داریم که بر اساس آن همه دستگاهها موظف به توسعه فرهنگ قرآنی ذیل اهداف منشور هستند. معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نکته ای که الان در مورد آن با مجلس در حال گفت و گو هستیم، بحث یک درصد بودجه نهادها و مجموعه ها به امور فرهنگی است که در قانون بودجه هم آمده است. این موضوع که به بند ۹ تبصره «ه» معروف شده است، عدد قابل توجهی می شود. بر همین اساس دستگاهها موظف هستند یک درصد بودجه را به حوزه فرهنگ بدهند که بند اول آن هم به قرآن اختصاص یافته است.

وی در رابطه با برنامه هفتم توسعه و نسبت آن با قرآن کریم، تأکید کرد که برای بیان میزان تحقق برنامه های قبل از برنامه اول تا ششم اعداد مختلفی گفته شده است و گفت: عدد تحقق ۳۰ درصدی، ۲۰ درصدی و حتی ۱۰ درصدی هم شنیده شده است، آنچه مرکز پژوهش های مجلس اعلام کرده کمتر از ۳۰ درصد است.

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم، افزود: این عدد در حوزه فرهنگ زیر ۲۰ درصد و در حوزه قرآن حدود ۱۰ درصد است؛ بنابراین میزان تحقق سند یک مسئله است، ما که برنامه هفتم را در دولت و مجلس می نگاریم، باید نگاه کنیم چرا میزان تحقق برنامه های قبلی پایین بوده است. برنامه را برای دکور و بودجه نمی نویسیم بلکه برای اجزای نویسیم.

معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه دغدغه ما در دولت آقای رئیسی، نوشتن برنامه برای اجراست، گفت: ما به دنبال برنامه های هستیم که قرار است هر سال یک پنجم پیشرفت قابل ارزیابی داشته باشد. این در حالی است که برنامه های قبلی اجرا نشده و هنوز ۱۰ درصد از مطالبه مقام معظم رهبری در موضوع حفظ قرآن هم محقق نشده است.

وی افزود: نظام آموزش و پرورش ما که ۱۶ میلیون دانش آموز دارد، باید بخشی از این بار را به دوش بکشد. ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دو هزار و ۵۰۰ مؤسسه قرآنی مجوزدار داریم، اینها در زمینه تحقق همین هدف فعالیت می کنند.

معاف ادامه داد که ما در برنامه هفتم توسعه که مبنای بودجه ریزی سالانه و کنترل نهاد های نظارتی است، یک سری عدد مشخص داریم و می گوئیم تا پایان برنامه این میزان رشد را باید شاهد باشیم و افزود: خوشبختانه برنامه هفتم توسعه یک برنامه روبه جلو در حوزه قرآن کریم است.

برنامه ریزی تربیت سالانه یک میلیون نفر حافظ قرآن

وی در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به برخی مصادیق در نظر گرفته شده برای توسعه فرهنگ قرآنی در برنامه توسعه، از تولید پویانمایی با موضوع حضرت ابراهیم (ع) خبر داد و گفت: این پویانمایی با همکاری فارابی تولید می شود و در حال حاضر مرحله پیش تولید را سپری می کند.

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم موضوع مؤسسات قرآن و عترت را از آن دست موضوعاتی دانست که رشد کمی برای آن در نظر گرفته شده و گفت: در برنامه هفتم توسعه باید سالانه ۲۵ درصد رشد کمی داشته باشند. در موضوع حافظان نیز تا تربیت سالانه یک میلیون نفر برنامه ریزی شده است.

معاف در ادامه تصریح کرد که ما بسیار مراقب هستیم که قرآن را در حوزه فرهنگ و هنر سکولارانه پیگیری نکنیم و قرآن به صورت حداقلی نباشد، برای همین امروز مسئول قرآن و عترت وزارت ارشاد در گلوگاه ورودی و خروجی سینما حضور دارد و افزود: ما زمانی به دنبال این هستیم که پنج فیلمنامه قرآنی داشته باشیم، اما زمان دیگر دنبال این هستیم که خط کشی وجود داشته باشد تا بر اساس آن کار غیر قرآنی تولید نشود. زمان دیگر هم به دنبال این هستیم که این حرفها در سینما اشراک شود، این خیلی سخت است و نیاز به برنامه دارد. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه ما به عنوان وزارت ارشاد دنبال استعدادهای می گردیم و افزود: در همین جشنواره فیلم کوتاه که هم اکنون در تهران و چند شهر ایران برگزار می شود، برای شناسایی استعدادها فعالیت داریم؛ من بارها از فیلم نامه نویس ها خواسته ام وارد این فضا شوند.

وی در ادامه یکی از کارهای ویژه ای که در حوزه قرآن انجام شده است را برنامه تلویزیونی محفل نام برد و گفت: تولید کارهای جذاب قرآنی در رسانه کار سخت و البته بلندمدتی است، ما برای تولید همین پویانمایی حضرت ابراهیم (ع) بیش از یک سال و نیم رفت و برگشت داشته ایم.

معاف تصریح کرد که بخشی از کار، بردن فعالیت در فضای رسانه و پیدا کردن فرم های جدید و آرایه محتوا در رسانه است و افزود: برنامه محفل برنامه ای موفق و یک کار جبهه ای شبکه ای از سوی قرآنی ها بود. بر اساس آمار، این برنامه حدود ۲۰ درصد بیننده داشته و با باز تولید آن در فضای مجازی توانست قرآن را به طبقه خاکستری ببرد.

عملکرد قرآنی در قبال فلسطین

معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی در موضوع فلسطین و غزه به قرآن عمل می کند و کار قرآنی انجام می دهد، تصریح کرد: این یعنی دولت قرآنی است، حالا قرآن باید در همه شئون از سیاست خارجی تا اقتصاد و فرهنگ و... پیاده شود و به صحنه عملیات و اجرا بیاید.

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم به لایه هایی از قرآن که این معاونت به دنبال تحقق آن است، اشاره و گفت: ساختار وزارت ارشاد و معاونت قرآن

و عترت در یک لایه به دنبال تحقق دولت قرآنی، در یک لایه به دنبال فرهنگ اسلامی و قرآنی در خود وزارتخانه و معاونت های تخصصی و در لایه دیگر هم پرداختن به مسائل قرآنی و تمشیت فعالیت ها در حوزه تلاوت، حفظ، مسابقات، نمایشگاه و... است.

مسئله اول در وزارت ارشاد قرآن است

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم با تأکید بر اینکه امروز در وزارت ارشاد مسئله قرآن، مسئله اول است، گفت: وزیر محترم ارشاد بارها این را گفته است که قرآن اولویت وزارت ارشاد است و این باید در ساختار و بودجه خود را نشان دهد.

وزارت ارشاد می خواهد دولت قرآنی و حکمرانی قرآنی را تبدیل به گفتمان کند

معاف تأکید کرد که در حال حاضر سلسله نشست ها و مجموعه برنامه هایی ذیل عنوان «حکمرانی قرآنی» را طراحی و اجرا کرده ایم و افزود: ما معتقد هستیم حکمرانی غیر از حکومت کردن است، حکمرانی، همراهی کردن مردم با حکومت هم است. اگر قرار است در لایه نظریه پردازی و در لایه پردازش های عملیاتی و نگاشت نهادی هر دستگاهی وظیفه ای داشته باشد، اینجا و در حکمرانی قرآنی باید تعیین تکلیف شود. وزارت ارشاد می خواهد دولت قرآنی و حکمرانی قرآنی را تبدیل به گفتمان کند.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش به لایه هایی از قرآن که این معاونت به دنبال تحقق آن است، اشاره کرد و گفت: ساختار وزارت ارشاد و معاونت قرآن و عترت در یک لایه به دنبال تحقق دولت قرآنی و در لایه دیگر به دنبال فرهنگ اسلامی و قرآنی در خود وزارتخانه و معاونت های تخصصی و در لایه ای هم پرداختن به مسائل قرآنی و تمشیت فعالیت ها در حوزه تلاوت، حفظ، اجرای مسابقات و برگزاری نمایشگاه ها است.

شورای توسعه فرهنگ قرآنی واگذار نشده است

معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تشمت صورت گرفته در موضوع انتقال دبیر خانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی به سازمان تبلیغات، اظهار داشت: این شورا واگذار نشده است.

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم ادامه داد که بحث تعیین دبیر کمیسیون ها و روال کمیسیون ها مانند سابق است، گفت: این موضوع ناظر به بحث چابک سازی است که مقرر شده دبیر خانه شوراها به دستگاهها برود تا تنها از حیث بودجه و نیروی انسانی کمک کنند باشند.

معاف با اشاره به اینکه وزارت ارشاد تنها وزارتخانه دولت است که پسوند اسلامی دارد، گفت: این پسوند تشریفاتی نیست بلکه به نظر ما حقیقی و علی العرض است و اگر قرار است این پسوند محقق شود، باید اولویت و محوریت و مرکزیت کارهای فرهنگی کشور مسئله تبلیغ، ترویج و توسعه فرهنگ قرآن و عترت باشد.

«نون خ» نوروز و رمضان روی آنتن تلویزیون گمانه زنی‌ها برای حضور دوباره علی صادقی و یک بازیگر جدید



به روستای خاوه، کردستان و چابهار و کرمان هم خواهد رفت. توجه به محورهای موضوعی محیط زیست و میراث فرهنگی و مسائل اقوام کماکان در دستور کار سعید آقاخانی و همکاران او خواهد بود.

یکی از نکات مهم درباره این سریال، پخش آن در ایام ماه مبارک رمضان و نوروز ۱۴۰۳ خواهد بود که حداقل تکلیف یکی از مجموعه‌های مناسبی را روشن می‌کند. درباره بازیگران هم همواره گمانه‌زنی‌هایی می‌شود که بنابر پیگیری‌ها گویا قرار است برخلاف فصل گذشته، علی صادقی دوباره جلوی دوربین سعید آقاخانی قرار بگیرد. البته هنوز قراردادی منعقد نشده و باید دید مسیر مذاکرات و بقیه موارد نسبت به حضور این بازیگر در سریال «نون خ» چطور پیش می‌رود؟ در کنار این بازیگر نام سازان سماواتی هم مطرح می‌شود که تاکنون تجربه حضور در این مجموعه را نداشته است.

این‌طور که خبرها به گوش می‌رسد سریال همچون سنوات قبل در ۲۵ قسمت ساخته خواهد شد. مجموعه‌ای که تاکنون ۴ فصل آن تولید شده و جزو آثار پرمخاطب تلویزیون به شمار می‌رود.

حمیدرضا آذرنگ، سعید آقاخانی، امیر سهیلی، هومن حاجی عبداللهی، سیروس میمنت، مجید یاسر، بیژن بنفشه‌خواه، کاظم نوربخش، نسرین مرادی، هدیه بازوند، سیدعلی صالحی، پاشا جمالی، ندا قاسمی، ماشاالله وروایی، صهبا شرافتی از جمله بازیگران سریال تلویزیونی‌اند.

سازندگان و عوامل سریال «نون خ» در حالی این روزها مهیای تولید می‌شوند که قرار است در لوکیشن‌های مختلف با حضور بازیگران جدید اتفاقاتی را برای نوروز و رمضان ۱۴۰۳ رقم بزنند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، گمانه‌زنی‌ها این روزها برای ساخت فصل جدید سه سریال «نون خ»، «زیرخاک» و «پایتخت» به اوج خودش رسیده است. چندی پیش خبرهایی از شروع فصل جدید «زیرخاک» به گوش رسید که هنوز از سمت سازندگان و تلویزیونی‌ها مورد تأیید قرار نگرفته است.

البته درباره سریال «پایتخت» هم صحبت‌های بسیاری شد حتی رئیس مرکز سیمافیلم نسبت به آن واکنش نشان داد که هنوز فیلمنامه‌ای به دست آنها نرسیده است. پس از آن هم خبرهایی به گوش رسید که گویا مذاکراتی انجام شده و از جزئیات آن خبری به گوش نرسید. اما مدت‌ها پیش محسن برمهانی معاون سیمادرس سفر استانی به سیستان و بلوچستان چراغ سبز تولید فصل پنجم «نون خ» را سماروشن کرد. چراکه اعلام کرد ماجرای «نون خ» به سیستان و بلوچستان هم کشیده خواهد شد. چندی بعد مهدی فرجی تهیه‌کننده این سریال این موضوع را تأیید کرد و از شروع نگارش فیلمنامه و فراهم کردن مقدمات این سریال به خبرنگار تسنیم خبر داد.

پیگیری‌های خبرنگار تسنیم به اینجا رسیده که «نون خ» علاوه بر سیستان و بلوچستان

«شام اود» نمونه‌های از جلوه‌های باشکوه سبک ادبی شعر انقلاب اسلامی است



نغمه مستشار نظامی در مراسم نقد و بررسی کتاب «شام اود» سروده علیرضا قزوه گفت: اگر از دوران ما همین یک کتاب به آیندگان برسد برای نمایان کردن جلوه‌های باشکوه سبک ادبی شعر انقلاب اسلامی کافی است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، نشست ادبی «بررسی تحلیلی مجموعه غزلیات شام اود» اثر علیرضا قزوه شامگاه جمعه ۲۸ مهرماه، با حضور جمعی از اهالی فرهنگ کشورهای مختلف حوزه ایران فرهنگی به میزبانی گروه بین‌المللی هندیران به صورت مجازی برگزار شد. علیرضا قزوه، در این نشست در سخنانی با بیان این مطلب که دلم نمی‌خواست در شام از غزه گفتن از قزوه بگویند، گفت: داغدار غزاهم تا هنوز مثل یکایک شما و مدیون مهربانی آنها که سلام شام اود را علیکی گفته‌اند.

رضا اسماعیلی، شاعر و منتقد ادبی در اثنای برنامه طی سخنانی از دو کتاب «صبح بنارس» و «شام اود» علیرضا قزوه که در هند سروده شده اند نام برد و اظهار داشت: دو مجموعه شعر «صبح بنارس» و «شام اود» ره آورد شاعرانه علیرضا قزوه از زندگی در سرزمین هزار رنگ و آهنگ «هندوستان» است. به گفته شاعر زیباترین و خاطره‌انگیزترین صبح و شامها در هند، صبح‌های بنارس و شام‌های اود هستند. این دو نام نیز به خاطر لحظات خوشی که شاعر در این دو شهر داشته، انتخاب شده است. «صبح بنارس» در بردارنده غزل‌هایی ناب و خواندنی با مضامین عرفانی و معنوی است. سروده‌های «شام اود» نیز نشانه همدلی و خویشاوندی اعتقادی شاعر با شهروندان «اود» هندوستان است که اکثر شیعی مذهب هستند. این دو مجموعه شعر عرض ارادت شاعرانه و ادای دین هنرمندانه یک شاعر ایرانی به کشور و مردم دوست داشتنی هند است. و به نوعی ادای دین به زبان پارسی که حدود ۱۰۰۰ سال جزء میراث معنوی، علمی و ادبی مردم هند بوده است. رضا اسماعیلی ادامه داد: نکته دیگر این که به برکت حضور قزوه در هند، جوانان مستعد بسیاری به زبان و ادبیات پارسی علاقه‌مند شده و به عالم شعر و شاعری روی آوردند. شاعرانی چون بلرام شکلا، عزیز مهدی و نقی عباس که امروز به راحتی زبان مادری، به پارسی شعر می‌گویند. تولد نسلی از شاعران پارسی‌گو در هند از دیگر دستاوردهای حضور پر برکت علیرضا قزوه در این کشور است که زمینه احیا و گسترش زبان و ادبیات پارسی را در شبه قاره هموار کرده است.

بلرام شکلا شاعر پارسی زبان، و رابین فرهنگی هند در ایران در ابتدا از چگونگی آشنایی خود با علیرضا قزوه گفت: آشنایی من با علیرضا قزوه به بیش از یک دهه می‌رسد، آن سال‌هایی که وی در خانه فرهنگ ایران در دهلی بود. یاد آن روزها بخیر که در زندگی من باب تازه باز شد و آن باب تازه، باب شعر و شور عرفان و زبان فارسی و مهر ایران در زمینه‌های گوناگون بود. بارها از دانشگاه دهلی به خانه فرهنگ پیش وی می‌رفتم و او را مشغول کارهای علمی و ادبی می‌دیدم که برای من مصداق این شعر مشهور مولانا بودند: «کار مردان روشنی و گرمی است». در آن ایام زبان فارسی در زبان من در سن طفولیت بود و سرودن شعر فارسی هم همین‌طور. قزوه هر دو را پروراندند و به جایی رساندند که به کمک این دو می‌شد شرح حال دل کرد.

وی ادامه داد: همان زمان بود که استاد شعرهای نابشان را می‌سرودند و با جوش و ولوله پیش ما شاگردان ارایه می‌دادند. استاد خود اعتراف می‌کنند که زمین رنگارنگ هند تازگی خاصی به طبع شعری ایشان عطا کرده است. و ایشان در این باب از شاعر نامدار سبک هندی صائب تبریزی مثال می‌زنند که معمولاً به همان اندازه از عمر خود را در هند گذرانده است که استاد قزوه گذرانده است. و شعرهایی که صائب در خاک هندوستان سروده حال و هوای ویژه دارد. شکلا افزود: برخی از مجموعه شعرهای قزوه در زمان اقامتش در هند مرتب شد و به چاپ رسید و من خوشبختانه شاهد این قضیه بودم. کتاب‌هایی چون: با کاروان نیزه، صبح بنارس، شام اود و غیره. بعضی از شعرهای این مجموعه‌ها اینقدر در دلم نشسته است که من آنان را به زبان سنسکریت ترجمه منظوم کردم. یکی از این شعرها، شعر انتظار بود با این مصرع: - پرشکوفه کن مرا ای کرامت بهار. این شاعر هندی تصریح کرد: اما مضامین و محتوای مجموعه شام اود به دلایل متعدد خیلی نزدیک به دل ما هندی‌هاست. اول اینکه قزوه عنوان این کتاب را از فرهنگ هند برگزیده و این ستودنی است، البته اشعار مجموعه غزلیات شام اود چندان ربطی به سرزمین هندوستان ندارد. اگر چه نام و تلمیحات از هند را در برخی قیمت‌های کتاب می‌بینیم. «بازارگان دردا! اگر می‌روی به هند از ما به طوطیان رها از قفس سلام» شکلا ادامه داد: چونکه امروز من به عنوان نماینده فرهنگی هندوستان در ایران هستم. نه تنها باید برای این کتاب تبریک عرض کنم بلکه باید با تمام وجود و از عمق جان در حق علیرضا قزوه سپاسگزاری بجای آورم. همچنین این کتاب دارای اشعاری است که طبع وارسته شاعر را نشان می‌دهد. در بسیاری از اشعار این مجموعه ما می‌بینیم که علیه ایمان فروشان و رباکاران اشعار زیبایی سروده شده است.

«درویشی ما سلطنت ماست، اگر چه!»

دنیاست گدایی که رسیده ست به شاهی»

«مردان عشق و معجزه ما هستیم، مردان اربعین و امین‌الله»

آنان به مکر و حيله هر از گاهی تبری در این سپاه می‌اندازند»

نغمه مستشار نظامی شاعر و دبیر محافل ادبی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز در این مراسم در سخنانی با اشاره به اسامی کتاب‌های قزوه گفت: از «پرستو در قاف» تا «شبلی و آتش»، از «این همه یوسف» تا «دو رکعت عشق» از «خلستان تا خیابان» تا «خورشیدهای گمشده» از «قدم زدن در کلمات» تا «عشق علیه السلام» با «این همه یوسف»، «با کاروان نیزه»، «سوره انگور»، «تلاوت کردی تا بدانیم» «پشت هر سنگ خداست». طی ادامه داد: کتاب شام اود مثل دیگر آثار قزوه الگو و کتاب درسی‌ست برای سرودن و تدوین دواوین ادبی. کتاب با سلام آغاز می‌شود و به خداحافظ ختم می‌شود، تحمیدیه‌ها، اشعاری تقدیم به حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت(ع)، رضایه‌ها، عارفانه‌ها و اشعار اجتماعی همگی نمونه‌های عالی شعر پارسی امروزند و اگر از دوران ما همین یک کتاب به آیندگان برسد برای نمایان کردن جلوه‌های باشکوه سبک ادبی شعر انقلاب اسلامی کافی است.

زیبا فلاحي شاعر و منتقد ادبی با سخنانی تحت عنوان «سلوک در انقلاب؛ سرود در شعر ناب» گفت: علیرضا قزوه از جمله شاعران پرکار معاصر است. او در مجموعه غزلیات «شام اود» تمام آلام و اعتقادات خود را فرآوری کرده است. با آنکه شاعر عنوان مجموعه را در مقدمه، حاصل سفر خود در هندوستان و رفت و آمد در شهرهای کلکته و لکهنو و کشمیر و... نوشته است؛ اما جز تک بیت زیر در لفظ و بیان از آن سرزمین‌ها نگفته است: «همیشه شعله در جان‌ها زدن کار پلیدان است لپه رسم هندوان شرط است؛ هندو را بسوزانیم» و از کابل و خجند و هرات بیشتر سروده است: «راه خجند و نخشب و پنج راز مرو و چارجوی من است/ چون غزنه و مزار و هرات؛ کابل پسرعموی من است» فلاحي افزود: سمبلیسم قزوه در این مجموعه آشکارتر است. جریان سمبلیسم از دوران نیما آغاز شد و کسانی چون آنتی؛ فروغ؛ اخوان و دیگران پس از وی این سبک و اندیشه را دنبال کردند. علیرضا قزوه نیز با اتکا به مسئولیت خود در قبال جامعه؛ به طور غیرمستقیم از زبان نماد با اهل راز سخن می‌گوید: «سکوت ماهیان را گوش ماهی‌ها نمی‌دانند/ که ما خاکیم و می‌فهمیم فرق ماه و ماهان را»

سید حکیم بینش شاعر افغانستانی از علیرضا قزوه به عنوان «شاعر همه زمان‌های انقلاب» نام برد و عنوان نمود: مجموعه شام اود، سروده علیرضا قزوه، مثل مجموعه‌های از نخلستان و خیابان، شبلی و آتش، صبح بنارس، عشق علیه السلام و با کاروان نیزه، مخاطب را با صمیمی‌ترین و بی‌ریاترین حرف‌ها می‌نشانند؛ حرف‌هایی که همه از جنس دل‌اند. چیزی که در این مجموعه خیلی به چشم می‌آید، تنوع مضامین است. تنوع در این مجموعه خیلی زیاد است. این تنوع باعث شده است که خواننده با فضاهای متفاوت و متنوعی روبه‌رو باشد. می‌توانیم هر کدام این فضاها را به باغی تشبیه کنیم که هر کدام زیبایی خاص خود را دارد. یک باغ اشعار آیینی و بی‌آیینی، باغ دیگر اشعاری عرفانی و تغزلی که گاه رنگ و بوی حماسی هم می‌گیرد، باغهای دیگر هم اشعار اجتماعی و اعتراضی اوست.

مریم دوستی: سینما شعر از پایه‌های اصلی جشنواره سلفی ۲۰ خواهد بود

برای وقت هنرمندان احترام قائل باشید

پایه‌های اصلی این جشنواره است

وی افزود: در دوره دوم ما بخش سینما شعر که دستمایه اقتباس از سینمای شاعرانه است را در دو بخش فیلم و فیلمنامه داشتیم که فکر میکنم برای اولین بار در کل فستیوال‌های ایران ما بخش مستقل سینما شعر داشتیم، با داوری اساتید سینما و شعر برگزار شد و واقعا فیلم‌های شاعرانه و فیلمنامه‌های بسیاری به این بخش مستقل رسید که باعث شگفتی و شادمانی ما شد. سینما شعر زین پس یکی از پایه‌های اصلی این جشنواره است.

دوستی اظهار کرد: باید از فردیت عبور کرد و به ذات هنر رسید؛ آن وقت هنر ما دیده می‌شود و خود ما اگر هر کس بنابر شرایط روز و موقعیتی دارد، قدمی برای گسترش هنر بردارد، خودش نیز نتیجه و انعکاسی از آن روشنی را خواهد دید.

وی با اشاره به برنامه‌ریزی و تلاش برای برگزاری سومین دوره از جشنواره فیلم کوتاه سلفی ۲۰ بیان کرد: طرح جدیدی را در دبیرخانه این جشنواره با عنوان «هر ستاره» یک هنرمند» دنبال می‌کنیم. هدف این طرح حمایت از فیلمسازان کوتاه، ارتقای سطح کیفی و تولید فیلم‌های کارگردانان است.

دوستی ادامه داد: در این طرح فرصتی فراهم می‌شود تا فیلمسازان علاقمند بتوانند در زمینه‌های مختلفی چون فیلمنامه، کارگردانی، تولید، رسانه، پخش فیلم و ... با مشاوره هنرمندان و پیشکسوتان مطرح، اثر خود را به بهترین شکل ساخته و معرفی کنند که جزئیات این طرح در آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد.

این کارگردان خاطر نشان کرد: هر ستاره یک هنرمند، شامل حمایت از فیلم اولی‌ها و فیلمسازانی است که برای ارتقای سطح کیفی فیلمشان از پیش تولید تا پخش فیلم در فستیوال‌های جهانی نیاز به همراهی و مشاوره و کمک دارند، هنرمندان کارشناس و متعهد به سینما که در دوره قبلی نیز به نوعی همراه و یار جشنواره سلفی ۲۰ بوده‌اند. در بخش‌های مختلف، به فیلمسازان متقاضی، مشاوره خواهند داد. ما همواره امیدواریم که قدمی رو به جلو برداشته و همراه سینماگران جوان و فیلمسازان کوتاه باشیم.



فقط فیلمساز را با فیلمش معرفی کند، نگاه مدرن و امروزی یعنی فاصله گرفتن از سنت‌های دست و پا گیر، در همان جشنواره کودک که درباره‌اش صحبت کردیم، جایزه فیلم کوتاه بین‌المللی را فیلمی گرفت که فیلمنامه‌اش از طریق جشنواره سلفی ۲۰ به انجمن سینمای جوانان معرفی شد و طبق تعهدشان هزینه ساخت فیلم را تقبل کردند و فیلم تولید شد، سلفی ۲۰ بعنوان مجری طرح و کشف این فیلمنامه آیا جایگاه خودش را به درستی انجام نداده است؟! این کارگردان اضافه کرد: جشنواره سلفی ۲۰ از دل سختی‌های کرونا و در همان چند ماه اول بیماری برای ایجاد امید بر پا و برگزار شد، بنا به شرایط فستیوال که آنلاین بود و تایم جشنواره که محدود بود، فیلم‌های بسیار ساده و ارزان و حرفه‌ای جهت ارتقای سطح مبارزه با بیماری، صرفاً برای این جشنواره ساخته شد. من بارها در مصاحبه‌هایم از فیلمسازان درخواست کردم که فیلم‌های ساده و ارزان بسازند. با تیم جمع و جور خودشان را به خطر بیماری نیاندازند و خوشبختانه فیلم‌های خوبی برای جشنواره ساخته شد و از جای جای ایران مشارکت گسترده انجام شد که برای دوره اول فستیوالی نوپا، بسیار ارزشمند و ماندگار شد.

سینما شعر زین پس یکی از

واقعا احترام به وقت هنرمند و نویسنده و... در کجای سینمای ایران جای دارد؟ من ۵ ماه شبانه روز وقت گذاشتم و حالا هیچکس پاسخگو نیست. بنظر شما این رفتار ضد ارزش‌های سینمایی نیست؟! دبیر و موسس جشنواره فیلم کوتاه سلفی ۲۰ گفت: هر رویدادی هدف و رویکردی را دنبال می‌کند و در چاقوب همان موضوعات تعریف شده خود، باید آسیب‌شناسی، حمایت و گسترش پیدا کند. شیوه‌های نوین برگزاری، قالب‌های مختلف هنری و ... از جمله مسائلی است که باید در هر جشنواره و رویدادی به آن توجه کرد.

وی اضافه کرد: سلفی ۲۰ به عنوان یک رویداد مدرن، بصورت آنلاین با تمام هنرمندان در گستره ملی توانست ارتباط خوب و سازنده‌ای برقرار کند و به رویدادی بدل شد که تلاشش برای جلوه‌گر شدن هنرمند و فیلمساز است و نه خود رویداد. شاید اگر در میان اهداف آن تنها به گسترش امید، ایجاد صلح و همزیستی با شرایط و مسائلی مانند کرونا توجه کرده و خروجی دو دوره آن را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که به عنوان یک جشنواره فرهنگی مستقل توانسته است قدمی در جهت کشف استعداد و حمایت از هنرمندان جوان بردارد. این جشنواره سعی دارد همسو با تکنولوژی جلو برود و با بریز و به پاش و هزینه‌های اضافی خداحافظی کرده و سعی دارد

مریم دوستی کارگردان سینما و دبیر جشنواره فیلم کوتاه سلفی ۲۰ از طرح سینما شعر به عنوان یکی از پایه‌های اصلی این جشنواره نام برد و از شرایط بد فیلم و جشنواره فیلم کودک و نوجوان گفت.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، مریم دوستی، کارگردان سینما با اشاره به اهمیت برگزاری جشنواره‌های مختلف با اهداف و موضوعات گوناگون، عنوان کرد: هر جشنواره‌ای چالش‌ها و محاسن خودش را دارد و اگر به این فکر کنیم که با برپایی و اجرای هر جشنواره یک قدم به سینمای ایران کمک کردیم و آن را به جلو برده‌ایم از تمام انرژی‌هایی که برای آن رویداد صرف شده، راضی و خوشحال خواهیم بود. در واقع پر تعداد بودن جشنواره‌ها با موضوعات مختلف می‌تواند به بالندگی و رشد هنر کمک کند.

دلسوزان جشنواره کودک همگی باز نشسته شده‌اند

برخی معتقدند که تعدد جشنواره‌ها باید در تناسب با تولیدات سینمایی باشد و به عنوان مثال اگر تولید مناسب برای کودک و نوجوان نداشته باشیم برگزاری جشنواره فیلم کودک در این راستا کاری بیهوده به نظر می‌رسد. وی درباره این گزاره توضیح داد: تا جایی که من مطلع هستم، بخش امور جشنواره‌ها در سازمان سینمایی رویداد، پویا و جشنواره‌ها را با مجوز رسمی و وسواس در ارائه مجوز برگزار می‌کنند، ما نسبت به بسیاری از کشورهای سینما خیز اروپایی، تعداد جشنواره‌های مان، بسیار کمتر است، من با برپایی فستیوال موافقم به شرطی که برگزارکنندگان متخصص، آگاه و باتجربه به سینما و برگزاری جشنواره و متعهد به شرایط روز سینما باشند، درباره جشنواره کودک ترجیح می‌دهم که صحبتی نکنم، وقتی بارها و بارها گفتیم که باید سینمای کودک متحول شود و فکر اساسی انجام شود، ولی گویا دلسوزان جشنواره کودک همگی باز نشسته شده‌اند، بعنوان مثال من همین امسال به احترام فراخوان فارابی در صندوق پروانه ابتدا طرح و سپس فیلمنامه‌ام را ارسال کرده‌ام، مدیر وقت تغییر کرد و به کل آن طرح کنسل شد!

موسوی مطرح کرد:

برخی آثار حوزه کودک و نوجوان تناسبی با فرهنگ ایرانی ندارند

نقیسه سادات موسوی گفت: وضعیت ادبیات کودک و نوجوان امروز ما وضعیت کجدار و مرز است و متأسفانه در چند سال اخیر شاهد کمترین تناسب آن‌ها با فرهنگ ایرانی اسلامی‌مان بودیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست معرفی نامزدهای بخش داستان کودک و نوجوان سومین دوره جایزه ادبی شهید سیدعلی اندرزگو سه‌شنبه ۲۵ مهرماه با حضور داوران این بخش جایزه، در سرای خانه کتاب و ادبیات برگزار شد.



در ابتدای نشست یوسف قوجق داور بخش داستان و کودک نوجوان، با بیان مولفه‌هایی از ادبیات انقلاب گفت: مؤلفه داستان‌های انقلاب با ادبیات داستانی اشتراکاتی دارد که این مولفه‌ها و شاخصه‌ها ادبیات انقلاب اسلامی را برای عموم مردم، بالاخص برای کودکان خاص می‌کند. اگر بخواهیم شاخصه‌های مرتبط با ادبیات انقلاب اسلامی را مطرح کنیم باید از کلیه واژه‌هایی همچون استکبارستیزی، تظاهرات و اعلامیه‌ها، امام خمینی (ره)، زندان، شکنجه، بازداشت، ساواک و شهربانی... سخن بگوییم که اغلب از سوی نویسندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به همین خاطر است که ما به ادبیات داستانی پسوند انقلاب اسلامی می‌دهیم. در واقع درون‌مایه ادبیات انقلاب اسلامی همچون شخصیت‌ها، زمان و مکان انقلاب باید در ادبیات انقلاب اسلامی لحاظ شود.

داور بخش کودک و نوجوان جایزه ادبی شهید اندرزگو درباره آثار ارسال‌ی این جایزه گفت: به نظر من در بررسی ادبیات انقلاب اسلامی مخصوصاً در حوزه کودک و نوجوان خیلی کار شده و رشد خیلی خوبی در دهه اخیر داشته‌ایم که امیدواریم نویسندگانی که در این حوزه کار می‌کنند با لحاظ کردن این مولفه‌ها که عرض کردم آثار خوبی بنویسند و به مخاطبان عرضه کنند.

برخی آثار حوزه کودک و نوجوان تناسبی با فرهنگ ایرانی و اسلامی ندارند

در ادامه نقیسه سادات موسوی، دیگر داور بخش کودک و نوجوان جایزه شهید اندرزگو در ارزیابی کلی از فضای ادبیات کودک نوجوان افزود: وضعیت ادبیات کودک و نوجوان امروز ما وضعیت کجدار و مرز، سهل و ممتنع است. از لحاظ تعداد آثار و گرایش خانواده‌ها به خریدن آثار و قراردادن کتاب در سبد فرهنگی بچه‌ها، اوضاع خوبی داریم اما اگر به آثاری که منتشر و خریداری می‌شود دقیق‌تر نگاه کنیم متأسفانه در چند سال اخیر شاهد کمترین تناسب آن‌ها با فرهنگ ایرانی اسلامی‌مان بودیم. در حال حاضر کتاب‌هایی برای نوجوانان

خریداری می‌شود که متأسفانه از فضای ایرانی ما دور است و متأسفانه در بسترهایی اتفاق می‌افتد که فرهنگ ایرانی با آن فاصله دارد.

موسوی ادامه داد: بنده بخشی از این تقصیر را متوجه مؤلفان و ناشران می‌دانم چرا که آثار تألیفی ما کم است و کتب تألیفی هم که وجود دارد موانعی پیش روی آن‌هاست به طور مثال موانع اقتصادی، مثلاً هزینه تمام شده زحمت نویسنده که بخواهد زمان قابل قبولی را برای تولید یک کتاب خوب و مناسب برای قشر حساس نوجوان تولید کند بالاست و برای ناشر صرفه اقتصادی ندارد و ناشر ترجیح می‌دهد به کتاب‌های ترجمه و خارجی روی بیاورد. البته که تبلیغ‌های خوبی هم برای آن کتاب‌ها می‌شود که این هم ظرفیتی است که کمتر در اختیار مؤلف‌های ما برای کتب تألیفی قرار می‌گیرد.

کیفیت آثار تألیفی با رشد روبه‌رو بوده است

وی افزود: اما اگر بخواهیم در کنار این هشدار یا تلنگر، به یک اتفاق خوب اشاره کنیم باید بگوییم که کیفیت کتاب‌های تألیفی در این چندسال خیلی بهتر شده است و مبنای پژوهشی در این کتاب‌ها بیشتر نمایان است و تکرار و عامه پسند بودن کنار رفته و یک سری مباحث ایدئولوژیک که گنجانیدن آن در کتاب برای قشر کودک و نوجوان واقعاً سخت است به شیوه‌های هنرمندانه‌تری وارد ادبیات داستانی کودک و نوجوان شده است که این‌ها اتفاقات خوبی است که دارد اتفاق می‌افتد و به نظر من باید این اتفاقات خوب را شناسایی، گلچین، تقویت و به شیوه‌های مختلف حمایت کرد که از آنجایی که قشر نوجوان با مدیا پیوند دارد و به رسانه انقدر نزدیک هستند ما باید حتماً پیوست‌های رسانه‌ای، پویانمایی، پینما... برای این قشر در نظر بگیریم و زمانی که با کتاب خوبی آشنا می‌شویم که مفید و مناسب است حتماً باید به سرعت به سراغ پیوست رسانه‌ای آن برویم.

نوآوری و ساختاردهی توأمان در کتاب «بزرگ شدی ریزه میزه»

یوسف قوجق در ادامه این نشست در معرفی کتاب بزرگ شدی ریزه میزه گفت: این کتاب نوشته رفیق افتخار است که ایشان آثار خیلی خوبی برای کودک نوجوان منتشر کرده است. ماجرای این کتاب در خانواده‌ای در ایدیمشک اتفاق می‌افتد که شخصیت محوری داستان آن پسری به نام سپهر است که زندگی او از زبان سوم شخص روایت می‌شود. مهدی برادر سپهر، دانشجوی تهران است که برای شرکت در عروسی خواهرش به اندیمشک می‌رود و با خودش اعلامیه به همراه دارد که ساواک به او مشکوک می‌شود و با پیدا کردن اعلامیه‌ها او را دستگیر می‌کنند و به پنج سال حبس محکوم می‌شود که شروع حادثه این کتاب در لحظه دستگیری مهدی رقم می‌خورد و همین اتفاق و شوک بازداشت مهدی باعث بنامدن زبان سپهر می‌شود. با بحران‌هایی که در داستان ایجاد می‌شود روایت کتاب وارد جریان انقلاب می‌شود.

وی افزود: همه داستان‌ها یک مقدمه، یک بنده و یک پایان بندی دارد که اگر بخواهیم این داستان را از لحاظ ساختار بندی بررسی کنیم باید بگوییم این کتاب هر سه مؤلفه را به طور

کامل دارد که البته ابتدای داستان تا زمانی که حادثه اتفاق بیافتد کمی یکنواخت است.

قوجق در بیان دیگر ویژگی‌های کتاب نیز گفت: شخصیت‌ها پویا هستند و داستان عمق دارد و پیام داستان هم منطبق با مخاطب داستان است. مسائل سیاسی و اجتماعی هنرمندانه مطرح می‌شود. ساختار داستان ساختار خوب و مناسبی است و پی‌رنگ و زبان ساده مخاطبین هم در نظر گرفته شده است. چند بحران در این داستان وجود دارد عروسی، طلاق، تظاهرات، بازداشت و بازگشت مهدی که به نظر من می‌توانند نقاط قوت این داستان مطرح شوند. می‌توان گفت این کتاب در نوآوری‌ها و ساختاردهی داستان موفق عمل کرده و مخاطب می‌تواند با شخصیت‌های داستان هم‌ذات پنداری کند، تعداد صفحات مناسب است و مخاطب نوجوان می‌تواند با علاقه ماجراهای داستان را دنبال کند و آموزه‌های مفهومی نیز در این کتاب هست که به خوبی به مخاطب منتقل می‌شود.

یوسف قوجق در آخر صحبت‌های خود درباره کتاب «بزرگ شدی ریزه میزه» افزود: این کتاب در بین کتاب‌هایی که در جشنواره شهید اندرزگو معرفی شد یکی از کتاب‌های خوب با محوریت ادبیات انقلاب اسلامی و یکی از بهترین کتاب‌های این جشنواره است.

با کتابی جذاب و مفید برای نوجوانان روبه‌رو هستیم

نقیسه سادات موسوی در معرفی کتاب چاپیدشاه، به قلم سپیده انوشه که به عنوان نامزد این جایزه انتخاب شده است، گفت: جلد کتاب اولین نکته‌ای است که توجه افراد را برای خریدن و یا نخردن جلب می‌کند. تصویرسازی استفاده شده بر روی جلد کتاب برای نوجوانان به خودی خود جذاب است و فارغ از محتوایی که در حال نمایش است، تصاویر مختلفی را بر روی طرح جلد شاهد هستیم که حس طنز بودن را به مخاطب منتقل می‌کند و توجه او را به خود جلب می‌کند. نکته بعدی عنوان کتاب است که بازی واژگانی و آشنایی زیادی است و حس خوبی را به کشف بیشتر کودک و نوجوان می‌دهد. ما بر روی طرح جلد، علاوه بر اسم نویسنده و تصویرگر، اسم پژوهشگر اثر را نیز شاهد هستیم؛ باوجود این که سپیده انوشه، نویسنده و پژوهشگر تاریخ است اما از یک پژوهشگر دیگری بهره برده که این امتیاز بالایی برای این کتاب محسوب می‌شود.

این کارشناس حوزه کودک و نوجوان افزود: شیوه کتاب «چاپیدشاه» مستندروایی است. پرداختن به تاریخ برای قشر بزرگسال هم کار چندان آسانی نیست چراکه مسئله تاریخ یک تیغ دو لبه است؛ افراد یا به تاریخ علاقه‌مند هستند و یا نمی‌توانند این کتاب‌ها را بخوانند و پس می‌زنند و روی خوش نشان نمی‌دهند. اینکه برای نوجوان بخواهیم تاریخ را به شیوه مستندنگاری بخواهیم بنویسیم، حتماً کار دوچندان سختی است. من مدعی هستم اگر نوجوانان به درستی در معرض این کتاب قرار بگیرند و کتاب را به درستی به آن‌ها معرفی کنیم و در اختیارشان قرار داده شود، خودشان مشتاق آن شده و به سمتش می‌روند.

کسب و کار در کتابخانه‌ها!



حرف بزنییم و سریع یک برآیند کلی از شخصیتش داشته باشیم و متناسب با آن راهنمایی کنیم، این می‌شود کتابداری بالینی.

ما نقش یک مرورگر را در کتابخانه ایفا می‌کنیم، باید کتاب‌ها را بشناسیم تا بر اساس علائق مردم یا سبکی که دوست دارند معرفی کنیم. اصلاً دوست نداریم مانند یک تحویل‌دار بانک باشیم و می‌خواهیم با مراجعه‌کنندگان تعامل داشته باشیم. نمی‌خواهیم کتابخانه صرفاً محلی برای امانت گرفتن کتاب و قرائت‌خانه باشد بلکه می‌خواهیم یک پایگاه و مرجع باشد. می‌خواهیم به مرحله‌ای برسیم که آدم‌ها برحسب نیاز و سوالشان به جای مراجعه به اینترنت، کتابخانه را محلی معتبر و ایمن برای رسیدن به جواب‌هایشان ببینند.

کتابدار دیگری هم می‌گوید: «خیلی قبل از این همایش، چنین طرح‌هایی در شهرستان ما راه‌اندازی شده بود؛ طرح‌هایی چون پرورش دام سبک و کاشت گیاه دارویی محلی که مطابق با شرایط منطقه است. طرح‌هایی که دیگر کسب و کار کوچک محسوب نمی‌شوند و سودآوری بسیاری داشته‌اند. کارهای بسیاری انجام می‌شود که شاید برای شما حیرت‌آور باشد. اتفاق‌های خوبی را داریم رقم می‌زنیم.»

البته این نکته را هم یادآور می‌شوند که گاه برای طرح‌هایی که برای کسب و کارها دارند کتاب‌ها از چندین هفته قبل رزرو می‌شوند و در این بین کتاب فراموش یا کم‌رنگ نمی‌شود.

عرضه هنر و مهارتش ندارد. ما که در کتابخانه جایی داریم، به مربی می‌گوییم محلی را در اختیار شما قرار می‌دهیم، هنرآموز هم داریم. مثلاً در هفته یکی دو روز به مدت دو ساعت در اختیار شماست. گاه مراجعه‌کننده‌ای مهارت دارد، جایش را هم دارد اما محلی برای عرضه کالای خود ندارد، باز ما در نقش رابط می‌آییم آن‌ها را راهنمایی می‌کنیم. گاه مهارت دارد، محل تولید و عرضه دارد اما بازاریابی بلد نیست. ما کلاس‌های آموزشی در رابطه با برندینگ و تبلیغات برگزار می‌کنیم و یا کتاب معرفی می‌کنیم.»

کسب و کار در کتابخانه‌ها!

آن‌ها تأکید دارند فعالیت‌هایشان در این حوزه کتاب و کتابخانه را به حاشیه نمی‌برد و مخاطبان‌شان نیز از اعضای کتابخانه هستند. حتی گاه به واسطه این فعالیت‌ها افراد دیگری به کتابخانه می‌آیند. آن‌ها می‌خواهند کتابخانه‌شان یک پایگاه اجتماعی باشد. یک کتابدار می‌گوید: «برخی فکر می‌کنند کار ما خیلی راحت است اما ما باید روان‌شناسی بلد باشیم، روابط عمومی قوی‌ای داشته باشیم، با یک خانه‌دار، مانند خانه‌دار رفتار کنیم، با یک مهندس، مهندس باشیم، با یک نوجوان، نوجوان و با یک کودک مانند یک کودک برخورد کنیم. برای کودکان که سخت‌تر است، در یک دقیقه باید با او دوست شویم، اعتمادش را جلب کنیم و راهنمایی‌اش کنیم. به طور کلی با کسی که از در وارد می‌شود،

توسعه دانش‌افزایی کسب و کار را از ظرفیت‌های کتابخانه‌ها برای تأثیرگذاری در کسب و کارها عنوان می‌کنند.

در حاشیه این همایش نمایشگاهی از کسب و کارهای کوچک در کتابخانه مرکزی مشهد راه‌اندازی شده و از استان‌های همدان، خراسان رضوی، مازندران، زنجان، هرمزگان، سمنان، یزد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و اردبیل نمونه‌هایی از فعالیت‌های کسب و کاریشان را از خیاطی، بافندگی و گلیم‌بافی گرفته تا سوزن‌دوزی، حصیربافی و گاه احیای هنرهای محلی فراموش شده مثل زربافی و چاروق‌سازی به نمایش گذاشته‌اند و کتابدارانی که در این استان‌ها چنین فعالیت‌هایی داشته‌اند به نمایندگی غرفه‌داری می‌کنند تا برای مخاطبان از فعالیت‌هایشان بگویند. سرشان خلوت است، هرچند می‌گویند بعد از ظهرها و ظهرها سرشان شلوغ‌تر است. پای قصه‌شان می‌نشینم. یکی از معرق می‌گوید، دیگری از شغل کتابداری.

از همایش که می‌پرسی تمام‌قد از آن دفاع می‌کنند و تأکید دارند: ما می‌خواهیم از شکل سنتی کتابخانه‌ای خارج شویم و وارد جامعه شویم، کنشگر باشیم و در عزلت و خلوت‌نشینی قرار نگیریم. قدم‌هایی را هم برای کنشگری برداشته‌اند و الان محصول‌شان را آورده‌اند هرچند با تأکید بر این‌که فعالیت‌ها گسترده‌تر از آن است که در اینجا مشاهده می‌شود. آن‌ها در شهرستان فقط کتابدار نیستند، روان‌شناس و کارآفرین و مشاور اقتصادی هم هستند.

موضوع همایش را دور از سخنرانی‌های رسمی و گاه کسالت‌آور این‌گونه تعریف می‌کنند: «این‌طور نیست که کتابخانه خود بخواد وارد کار اقتصادی شود یا کلاس آموزشی برگزار کند؛ کتابدار یک مشاور و رابط است. ماهیت کارمان این نیست. گاه پیش می‌آید یک مراجعه‌کننده می‌آید با ما درددل می‌کند. ما نیز به عنوان یک روان‌شناس به حرف‌هایشان گوش می‌دهیم و در پایان حرف‌هایشان کتابی معرفی می‌کنیم که به کارشان بیاید. گاه در این صحبت‌ها می‌شود مراجعه‌کننده‌ای می‌گوید من نه کاری دارم، نه مهارتی بلدم. اما مراجعه‌کننده دیگری هنر و مهارت دارد اما جایی برای

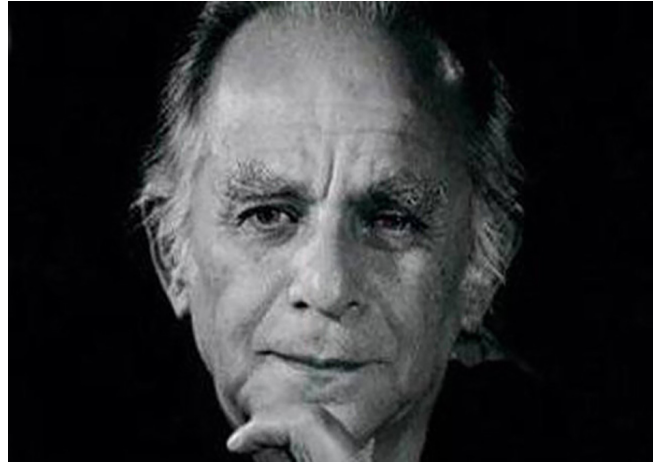
«ما نمی‌خواهیم مانند تحویل‌دار بانک باشیم و بده و بستانمان در حد امانت‌دادن کتاب و پس گرفتنش باشد. می‌خواهیم کتابخانه یک پایگاه اجتماعی-فرهنگی باشد.»

به گزارش ایسنا، «کتابخانه عمومی» و «کسب و کار کوچک» دو کلیدواژه اساسی همایشی هستند که سال اولش در شیراز برگزار شد و سال دومش در مشهد. دو کلیدواژه‌ای که نشان‌دهنده در یک جا سخت به نظر می‌رسد. معمولاً تعریف سنتی از کتابخانه این‌گونه است که محلی است که مخزن کتابی دارد، قرائت‌خانه‌ای که روزهای منتهی به کنکور جای سوزن انداختن ندارد و دیگر ایام خلوت‌خانه‌ای است و شخصی که کتاب یا کتاب‌های موردنظر را از میان کتاب‌ها پیدا می‌کند و یا راهنمایی می‌کند کتاب را از کدام بخش برداری. یا به عبارت دیگر محلی آرام و زیاده‌ده که آورده مالی ندارد؛ اما این تعاریف دیگر دارد منسوخ می‌شود. از میان صحبت‌ها متوجه می‌شوی می‌خواهند از آن نگاه سنتی به کتابخانه‌ها رها شوند.

علی‌اکبر سبزیان، مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی می‌گوید: «شاکله کتابخانه‌های عمومی در دنیا و پیرو آن در ایران در حال گذار از شکل سنتی به نسل جدید است. امروزه کتابخانه‌های عمومی دیگر تبدیل به فرهنگسراهای اجتماعی شده‌اند و پافراتر از کارکرد سنتی گذاشته‌اند. نسل جدید کتابخانه‌های عمومی مکان سوم، دانشگاه مردم، مرکز غیررسمی آموزش و مهارت‌افزایی و فرهنگسرای اجتماعی است. باید به این نکته مهم توجه کنیم که یکی از مسائل و چالش‌های مهم کشورهای توسعه‌یافته در دنیای امروز مشکلات اقتصادی و شکل‌گیری کسب و کارهای جدید است.»

شناخت خوب کتابخانه از جامعه محلی، ظرفیت‌ها و نیازها، منابع مناسبی که متناسب با نیاز جامعه انتخاب و دسترس‌پذیر می‌کنند، برقراری ارتباط بین جویندگان کار و صاحبان سرمایه و جویای نیروی کار، سازمان‌های حقوقی و حامی، استفاده از فضای در اختیار برای تقویت بازاریابی، عرضه محصولات، اطلاع‌رسانی و ترویج کسب و کارها، و فضایی یادگیرنده برای

شاعری که حرف خودش را می‌زد



ایرانی داشت و به همین دلیل عضویت شورای موسیقی و شعر رادیو را پذیرفته بود. او از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در کنار افرادی چون هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی و عماد خراسانی، سهمی بسزا در پیوند دادن شعر با موسیقی و غنی ساختن برنامه «گل‌های تازه» رادیو ایران آن سال‌ها داشت.

عبدالحسین زرین‌کوب درباره فریدون مشیری گفته است: «فریدون مشیری با زبان ساده، روشن و درخشان واژه به واژه با ما حرف می‌زند، حرف‌هایی که مال خود اوست. نه ابهام‌گرایی زندانه، آن را تا حد هذیان، نامفهوم می‌کند و نه «شعار» خالی از «شعور» آن را وسیله مریدپروری و خودنمایی می‌سازد. شعر و زبان در سخن او، شاعری را تصویر می‌کند که هیچ میل ندارد خود را غیر از آنچه هست، بیش از آنچه هست و فراتر از آنچه هست نشان دهد. شاعری که دوست ندارد خود را در پناه جبهه خاصی، مکتب خاصی و دیدگاه خاصی از بیشترین اهل عصر جدا سازد. بی‌روی و ریا عشق را می‌ستاید. انسان را می‌ستاید. و ایران را که جان او به فرهنگ آن وابسته است دوست دارد.»

همچنین محمدعلی اسلامی‌نوشن درباره او گفته است: «بی‌اغراق ایران یکی از پرشعرتین کشورها در جهان است و هیچ دوره‌ای در تاریخ ادب این سرزمین به قدر دوره معاصر پرشعر نبوده. اما با وجود این فراوانی شعر و شاعر، هنوز شاعر خوب کم دیده می‌شود و کمیت زیاد دلیل بر کیفیت مطلوب نیست. سه خصیصه عمده در معرفی شاعر خوب وجود دارد: ۱. شناخت کافی از فرهنگ این کشور داشته باشد. ۲. با مردم ارتباط مستمر داشته باشد، آن‌ها را قبول داشته باشد، صاحب حق را بشناسد و با آن‌ها پیوند خورد، ۳. از حداقل صداقت برخوردار باشد و در پی کسب شهرت‌های کاذب و فانی نباشد. فریدون مشیری به حق این سه شرط را در خود گردآورده و گذشت زمان - که در این کشور به دلیل نبود نقد مناسب، بهترین ناقد محسوب می‌شود - نشان داده که خط اعتدال بر اشعار وی فائق شده و افراط و تفریط گذرا و فانی در سخنش راه ندارد. و فریدون مشیری از ادامه‌دهندگان خط جاوید و ماندگار اعتدال بوده و هست.»

فریدون مشیری در بامداد سوم آبان‌ماه ۱۳۷۹ در سن ۷۴ سالگی در تهران از دنیا رفت.

آغاز کرده بود که به قول خود «جنجال شدیدی بین شعر نو و کهنه بود». اما او راه میانه‌ای را انتخاب کرده بود؛ نه اسیر سنت‌گرایان بود و نه مجذوب نوپردازان. اولین کتابش را به نام «تشنه طوفان» در سال ۱۳۳۴ با دو مقدمه از شهریار و علی دشتی منتشر کرده بود. در این باره می‌گوید: «آن زمان شهریار در اوج شهرت بود. ایشان مرا ندیدند، نامه‌ای برای من نوشتند: «شاعر بلندپایه و دوست نادیده آقای مشیری.» من آن زمان شاید هنوز دانشکده هم نرفته بود. اما شیوه شهریار را دوست داشتم. بیشتر به سبک او می‌گفتم. او هم اشار کرده که شعر شما به سبک و سلیقه من نزدیک است. جنجال شدید بین شعر نو و کهنه بود که هر دو اشتباه می‌کردند. ما شعر کهنه و نو نداریم. شعر خوب و بد داریم. شعر خوب شعر فردوسی، حافظ، سعدی و نظامی است که هزار سال مانده است.»

معروف‌ترین اثر فریدون مشیری شعر «کوچه» نام دارد که در اردیبهشت ۱۳۳۹ در مجله «روشنفکر» چاپ شد. قسمتی از شعر «کوچه»:

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم

همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم

شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم

شدم آن عاشق دیوانه که بودم در نهانخانه جانم گل یاد تو درخشید باغ صد خاطره خندید
عطر صد خاطره پیچید

با توجه به علاقه‌ای که فریدون مشیری به عرفان و تصوف ایرانی داشت، مجموعه‌ای از ۱۰۰ ماجرای منسوب به «شیخ ابوسعیدالخریر» را با عنوان «یک‌سو نگرستن و یکسان نگرستن» و با مقدمه‌ای به قلم دکتر جواد نوربخش در اوایل دهه ۱۳۴۰ منتشر کرد.

پس از هفت سال که از چاپ موفقیت‌آمیز «بر و کوچه» می‌گذشت، مشیری در سال ۱۳۴۷ دفتر «بهار را باور کن» را به چاپ رساند و بعد «کتاب‌های مروارید مهر» را در سال ۱۳۵۵ و «ز خاموشی» را در سال ۱۳۵۷ به چاپ رساند. فریدون مشیری در سال‌های دهه ۵۰ به عضویت شورای موسیقی و شعر رادیو درآمد.

این شاعر توجه خاصی به موسیقی

بسیاری را از حفظ بودم. در مدرسه، در زنگ انشاء معلمی داشتیم که می‌خواست به هر حال شعر بشنود. من تمام بچه‌های کلاس را در مشاعره به حرف «لام» می‌بستم. نمی‌دانم این حرف را چه کسی به من القاء کرده بود که این کلمه سختی است و در مشاعره وقتی «لام» بخواهی (یک شعری بگویی که آخرش «لام» باشد) نمی‌تواند پاسخ دهد. من خوب یادم هست که معلم انشای ما زنگ تفریح مرا به دفتر برد، گفت: پسر جان آن شعر حافظ را که خواندی دوباره بخوان. گفتم که «دل داده‌ام به یاری عاشق‌کشی نگاری/مرضیه‌السنجایا محموده‌الخصائل». برای این من «لام» را انتخاب کرده بودم که او قطعاً نمی‌توانست جواب بدهد یا یکی یک چیزی به بچه‌ها می‌گفت و یا به او کمک می‌کردند: «لب چون بگشود سوی آن به شتاب/ استخوانش فتاد اندر آب» بچه‌ها از حرف «لام» همین‌ها را بلد بودند. این‌ها می‌خواستند ببینند که من در آن سن و در آن مشاعره این کلمات (مرضیه‌السنجایا و...) را همان‌طور حفظ کرده و خواندم. منظورم از این سخنان این است که این حافظه خیلی از سوال‌هایی را که مغز کسی می‌تواند بارور شود و چیزهایی را در خودش ذخیره کند حاضر کرده و می‌خواند. این‌ها حامل بر خودستایی نشود. ولی کمتر شعری است از حافظ بخوانند و من حفظ نیاشم، کمتر شعری است از سعدی و کمتر جایی است در فردوسی که صحبتش بشود و من حفظ نیاشم، نظامی، هر کدام و درباره هر کدام از این‌ها هم اگر بخواهید آماده امتحان هستم.»

فریدون مشیری، شاعری را در دورانی

ست‌وسه سال پیش و در سومین روز از آبان ۱۳۷۹، شاعری از این دنیا کوچ کرد که با شعر «کوچه» شهره بود.

به گزارش ایسنا، فریدون مشیری را همه با شعر «کوچه» اش به یاد دارند؛ شاعری که در شهریور ۱۳۰۵ به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۹ به جهان باقی کوچ کرد. و امروز ۲۳ سال از کوچ ابدی‌اش می‌گذرد. او درباره تاریخ و محل تولد خود گفته بود: «بنده در سی‌ام شهریورماه ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمدم. تا هفت‌سالگی در تهران تا کلاس دو و سه ابتدایی به مدرسه رفتم و به علت مأموریت پدرم در خراسان، ما به مشهد منتقل شدیم و تا کلاس دهم در مشهد بودیم. شهریور ۱۳۲۰ که همه از هر جا به سوی می‌گریختند و روس‌ها هر روز مشهد را بمباران می‌کردند، ما دوباره به تهران، زادگاهمان برگشتیم و من بقیه دبیرستان را در تهران ادامه دادم. پس از آن در کنکور در رشته ادبیات قبول شدم، به دانشگاه تهران رفتم و در کنار آن رشته روزنامه‌نگاری را هم می‌خواندم. از بچگی به شعر خیلی خیلی علاقه داشتم و در منزل ما چندین کتاب بود که من آن‌ها را بسیار خوانده بودم و با تعجب بسیار به شما بگویم که من آنقدر حافظ را در هفت - هشت‌سالگی خوانده بودم که وقتی در کلاس سوم دبستان زنگ انشاء، معلم از من خواست که انشاء بخوانم، من آن را به زبان شعر گفته بودم.»

مشیری که از همان دوران کودکی به شعر علاقه داشت، گفته است: «از بچگی فردوسی، سعدی، حافظ، عارف قزوینی، ایرج میرزا، خسرو و شیرین نظامی و بقیه آثار نظامی، همه این‌ها را می‌خواندم و

زهراسعدی در گفت‌وگو با ایسنا:

ترجیح می‌دهم بازی نکنم تا حرص نخورم



او درباره حضورش در سریال‌های تلویزیون و اینکه اغلب در نقش‌های مثبت و مادر مهربان ظاهر می‌شود، در واکنش به اینکه آیا خودش دوست داشته ایفاگر نقش‌های منفی هم باشد؟ بیان می‌کند: مسلماً بازیگر دوست دارد در کارش چالش باشد و این هم یک لذت است اما متأسفانه این موضوع نیز برای خودش معضلی است. همین که یک بازیگر نقشی را خوب بازی می‌کند، دیگر همه به او همین نقش‌ها را پیشنهاد می‌دهند و مدام تکرار می‌شود و این خوب نیست.

بازیگر سریال‌های «مریم مقدس»، «یوسف پیامبر(ع)»، «کیمیا»، «ستایش» و «هوش سیاه» سپس درباره حضورش در شبکه نمایش خانگی و اینکه بیشتر ترجیحش تلویزیون است یا شبکه نمایش خانگی؟ چنین می‌گوید: فضا برایم فرقی ندارد هر کجا کار خوب باشد هستم. اگر شبکه نمایش خانگی نقش خوبی به من پیشنهاد بدهد حتماً قبول می‌کنم. اتفاقاً بهترین سریال‌ها این روزها در شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شوند. در نهایت کیفیت کار برایم مهم است.

به تئاترهای سخت می‌گذرد

وی درباره فعالیت‌های تئاتری اش هم اظهار می‌کند: متأسفانه مدت‌هاست در تئاتر هم کار نمی‌کنم چون معتقدم خیلی موقعیت مظلوم و ضعیفی دارد. حتی چندین بار شده که تا مرحله دورخوانی متن هم پیش رفته‌ایم اما بودجه‌ها آنقدر ناچیز است و امکانات آنقدر کم که نشد کار کنیم. از طرفی شرایط خوبی هم برای فروش وجود ندارد و حمایتی نمی‌شود. کسانی که در تئاتر کار می‌کنند بی‌تعارف می‌گویم از جیب خودشان می‌خورند و از جان خودشان مایه می‌گذارند و به نتیجه‌ای هم نمی‌رسند. متأسفانه به تئاتری‌ها خیلی سخت می‌گذرد.

زهراسعدی در پایان می‌گوید: مدت‌هاست که در عرصه هنر فعالیتی ندارم و مشغول نوشتن دومین رمانم هستم که به تازگی آن را تمام کرده‌ام. رمان «سومین پر سیمرغ» که سال‌ها مشغول نگارشش بودم. من اوقات فراغتم را این روزها فقط با نوشتن پر می‌کنم.

زهراسعدی، بازیگر باسابقه سریال‌های تلویزیونی علت حضور کمرنگش در عرصه تصویر و نمایش را پایین بودن کیفیت آثار عنوان می‌کند و می‌گوید: دوست دارم کار کنم اما فعلاً ترجیحم این است کار نکنم تا حداقل حرص نخورم. به قول قدیمی‌ها «جان نکنده در تن می‌ماند».

زهراسعدی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون که مدت‌هاست در قاب تلویزیون دیده نمی‌شود، در گفت‌وگویی با ایسنا علت را پایین بودن کیفیت کارها عنوان می‌کند و می‌گوید: سریال «باور» به کارگردانی آقای سعید سلطانی آخرین همکاری‌ام با تلویزیون بود که مربوط به دو سال گذشته می‌شود. بعد از آن هم پیشنهاد داشتم و هنوز هم دارم اما کارها را دوست نداشتم چون در حدی نبودند که مرا جذب کنند.

او درباره مشکل عمده این روزهای تلویزیون که باعث ریزش مخاطبان هم شده است، خاطر نشان می‌کند: معتقدم مشکل عمده ارگان‌ها این است که افراد سر جایشان نیستند از جمله تلویزیون هم همین‌طور است. در حال حاضر به خاطر اینکه بودجه کمتری به رسانه ملی تعلق می‌گیرد، در نتیجه تهیه‌کننده‌های خاصی هم وارد کار می‌شوند و یا اسپانسر می‌گیرند و متأسفانه مجاز هستند که هر اشتباهی را انجام بدهند؛ به عنوان مثال پذیرایی سر پروژه‌ها به شدت خجالت‌آور است و اصلاً در شأن هنرمندان نیست و به قدری پایین است که قابل بیان نیست.

سعیدی ادامه می‌دهد: به قول قدیمی‌ها جان نکنده به تن می‌ماند. خلاصه اینکه من هم تصمیم گرفتم فعلاً کار نکنم تا حداقل حرص نخورم. باز هم اگر متن‌ها خوب بودند و کارهای خوبی ارائه می‌شد، با خودم می‌گفتم عیبی ندارد کم می‌خورم، کم استراحت می‌کنم اما در عوض کار خوب و با کیفیت بازی می‌کنم اما واقعاً آثار خوب نیستند. من به عنوان یک هنرمند واقعاً مردم کشورم را دوست دارم و دلم می‌خواهد کار کنم اما به امید اینکه تلویزیون یک تجدید نظر کلی در مورد برنامه‌هایش داشته باشد. اگر تلویزیون تغییر روش بدهد حتماً کار می‌کنم چرا که نه. ما مردم را دوست داریم و تلویزیون خانه ماست.

همیشه مادری مهربان و دلسوز

سیدجواد هاشمی:

فیلمی که کودکان را بخنداند و تربیت کند نداریم



به این فیلم ما داده اند، چون می خواستند بگویند فیلم های فارابی خوب بوده است.

نمایی از فیلم «اختاپوس: آهوی پیشونی سفید»

هاشمی در پاسخ به این سوال که آیا خودتان دوست دارید با مشارکت فارابی فیلم بسازید اظهار داشت: سال گذشته آقای جواد، مدیرعامل وقت فارابی فیلم کاپیتان را به من پیشنهاد کردند. من فیلمنامه را خواندم و دیدم مثل بقیه کارهایی که فارابی می سازد، باید داخل کتو برود. یا نهایتاً صد میلیون تومان فروش می کند. فیلمنامه خوبی داشت. من حس خوبی نسبت به آن داشتم. اما بچه ها مثل ما نیستند. اتفاقاً من یک روز در ایام جشنواره اصفهان فیلم کاپیتان را با بچه ها تماشا کردم. هیچ کسی فیلم را نگاه نمی کرد. خیلی مایه تاسف است.

فیلم از نگاه بچه ها باید ارزیابی شود

وی ادامه داد: خوشحالم از این که فیلم های خودم در جشنواره سانس فوق العاده می گیرد. اما داوران به آن جایزه نمی دهند. واقعیت ماجرا این است که فیلم از نگاه بچه ها باید مورد ارزیابی قرار بگیرد. دخل و تصرف مسوول هیات داوران نباید در فیلمها صورت بگیرد. یک دوره ای یاد می آید رئیس هیات داوران پشت تربیون رفت و گفت ما به بچه ها آموزش دادیم فیلم هایی را انتخاب کنند که سرش به تنش می آزد. یعنی وارد ذهن بچه ها شده بود که آن چیزی که ما می گوییم را انتخاب کنید. آن شب «قطار شب» به عنوان فیلم برتر از نگاه داوران کودک و نوجوان انتخاب شد. قطار شب فیلم بسیار قشنگی بود؛ اما بچه ها دوستش نداشتند. چقدر فروش کرد. همان سال فیلم «تورنادو» ۲۵ برابر قطار شب فروخت. در حالی که داوران به تورنادو هیچ توجهی نداشتند.

کارگردان فیلم آهوی پیشونی سفید در پاسخ به این سوال که آیا قصد ساخت فیلم کودک را دارید گفت: قصد دارم برای کودکان و نوجوانان فیلمی بسازم؛ ولی پولش را ندارم. یک نفر از من پرسید اصلی ترین واژه ای که می شود برای کل سینمای کودک به زبان جاری کنی چیست من جواب دادم پول. اگر پول باشد می شود فیلم ساخت. مذاکراتی با دکتر علامتی، رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و آقای زین العابدین، مدیرعامل فارابی داشته ام که ببینم می توانم روی آنها اثر بگذارم یا نه. می خواهم بگویم باید فیلم فانتزی و بزرگ بسازید. باید فیلمی مثل شهر موش ها و کلاه قرمزی و پسر خاله ساخته شود که پروداکشن و جلوه های ویژه دارند. بچه ها این فیلم ها را دوست دارند.

سینمای کودک قیچی شد

این بازیگر و کارگردان ادامه داد: تلویزیون در طول تاریخ فشل بوده است. قبلاً فشل بوده و الان هم فشل است. کارهای ترکیبی بی مایه ضعیف بدون پروداکشن می سازند که هیچ کدام شان در شان بچه ها سرزمین ما نیست. این ها بدر نمی خورد. سینما بوده که بچه ها را جذب می کرده. ولی از دهه هشتاد به بعد کم کم بچه ها با اینترنت آشنا شدند. بچه ها از سینما جدا شدند و سینمای کودک قیچی شد. ما در تهران چند سالن سینمای کودک داشتیم؟ آن سال ها دیگر وجود خارجی ندارند. پس الان را با دهه شصت قیاس نکنیم.

وی درباره حضورش در ادوار جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان توضیح داد: من در ۹ دوره جشنواره فیلم کودک به عنوان کارگردان، تهیه کننده و نویسنده خودم فیلم داشتیم. بیشتر از ۱۵ بار هم به عنوان مهمان حضور یافتیم. اولین فیلمی که حدود بیست سال پیش با آن به عنوان کارگردان شرکت کردم دوئت نام داشت. فیلم را در اصفهان فیلمبرداری کردم. قصه یک کودک ایرانی و یک کودک فلسطینی بود که با هم ارتباط برقرار می کنند. نابینای ایرانی و نابینای فلسطینی زیر آوار می مانند. ارتباط این دو نفر با ساز بود. جفت شان ساز می زدند و یک دوئت در پل خواجوی اصفهان اجرا می کردند. یک استاد عرب پس از شنیدن ماجرای مظلومیت فلسطینیان تصمیم می گرفت صدای مظلومان جهان را از طریق اجرای یک کنسرت موسیقی به گوش مردم برساند. این اولین کار سینمایی بلند من بود. در سال ۱۳۹۱ با فیلم «اختاپوس: آهوی پیشونی سفید» در جشنواره حاضر شدم. هفت کار دیگر هم در جشنواره داشتم.

فانتزی برای داوران مهم نیست

هاشمی با یادآوری این که امسال اولین برای اولین بار فیلمم را در جشنواره شرکت ندادم، درباره دلایل عدم حضورش تاکید کرد: این دفعه من تصمیم گرفتم نباشم تا ببینم کسی دلش برای من تنگ می شود یا نه. فیلم دوئت و آهوی پیشونی سفید یکی دو تا جایزه از جشنواره کودک اصفهان گرفتند. متأسفانه در جشنواره فیلم کودک فانتزی برای داوران مهم نیست. چون خودشان هیچ تصویری از فانتزی و تولید این فیلم ها برای کودکان ندارند. هیچ وقت داوران این خصوصیت را نداشتند. این دفعه آقای جعفری به عنوان انیمیشن کار در جمع داوران جشنواره سی و پنجم حضور داشت. اکثر داورانی که در ادوار مختلف داوری کردند اصلاً متوجه نیستند که بچه ها احتیاج به فیلم های خیال انگیز دارند.

وی ادامه داد: فیلم های ماندگار تاریخ سینمای کودک و نوجوان هرگز از جشنواره اصفهان جایزه نگرفته اند. اکثریت بچه های این سرزمین فیلم آهوی پیشونی سفید را در سینما یا تلویزیون دیده اند. ولی در جشنواره به نسخه دوم و سوم این فیلم هیچ توجهی از سمت داوران نشد. البته برای من مهم نبود. برای تورنادو هم همین اتفاق افتاد. فقط بازیگر نقش اصلی من جایزه تقدیر گرفت. فیلم در هیچ بخشی نامزد نشد. دبیر جشنواره جایزه بازار را به فیلمی که به فارابی مربوط می شد داد. فارابی در همه ادوار فیلم های خودش را نامزد کرده است. هیات داوران چطور دلشان آمده که هیچ کدام از فیلم های خارج از فارابی را تحویل نگیرند. البته یکی دو تا جایزه فرمالیته

کارگردان فیلم «آهوی پیشونی سفید» با تاکید بر این که باید برای بچه ها فیلم های «الف و ب» ساخت، گفت: ما فیلم کودک و نوجوانی که بچه ها پای آن بنشینند و خوب بخندند و یاد بگیرند و در بعد تربیت و آموزش سیر بشوند نداریم.

به گزارش ایرنا، سیدجواد هاشمی در ۹ فیلم کودک و نوجوان به عنوان کارگردان و تهیه کننده مشارکت داشته است. شهر گربه ها، تورنادو، پیشونی سفید ۲، پیشونی سفید ۳ و آهوی پیشونی سفید از جمله این فیلمها هستند. وی امسال در سی و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم کودک کان و نوجوانان اصفهان نیز به عنوان مهمان حضور داشت.

بخشی از مصاحبه خبرنگار ایرنا با سیدجواد هاشمی در ایام برگزاری این جشنواره منتشر شد. آنچه در ادامه می آید مشروح این مصاحبه است.

این بازیگر ضمن مقایسه فیلم های امروز با سینمای کودک در دهه شصت بیان کرد: الان از جهت کمیت تعداد فیلمها برای کودک و نوجوان بد نیست، ولی از جهت کیفیت وضعیت افتضاح است.

وی با بیان این که سینما بدون بچه های امروز در آینده سقوط خواهد کرد اظهار داشت: نفوذ در قلب آینده هر جامعه ای به شرطی اتفاق می افتد که از کودکی شروع کنیم. اگر در هر کشوری قرار است آینده درخشان برای سینما و جامعه رقم بخورد باید برای بچه ها فیلم های بزرگ ساخت و آنها را جدی گرفت. اگر بچه های امروز به سینما رفتن عادت نکنند چگونه ممکن است فردا سینمای ما از علاقه مندان پر شود؟ بچه ها اگر به ماهواره و نتفلیکس و دیدن فیلم از طریق گوشی رو بیاورند، چگونه ممکن است فردا به سینما بروند؟ اگر بچه های امروز به سینما رفتن عادت نکنند چگونه ممکن است فردا سینمای ما از علاقه مندان پر شود؟

هاشمی ادامه داد: هنر تنها واژه نافذ برای ارتباط با آدم ها در سراسر دنیاست. فوتبالی و وقتی هنر مندان است جذاب می شود. این هنر تکنیک آدمهاست. وگرنه می گویند چه بازی بدی بود. ما بچه ها را تحویل نمی گیریم. من در ایران خیلی تلاش کردم. این کار را بکنم. باید برای بچه ها فیلم های الف و ب ویژه ساخت. من از نه فیلمی که ساختم هشت تایش فیلم هایی است که پرهزینه ترین فیلم های تاریخ سینمای کودک بوده است.

وی با بیان این که الان بیننده فیلم های کودک نسبت به دهه شصت کمتر نیست گفت: دهه شصت را مدام مثال می زنند. ولی اگر کارها را بشماریم در دهه شصت کمتر از ده فیلم ماندگار برای بچه ها ساخته شده است. شهر موش ها، کلاه قرمزی و پسر خاله، گلنار، پاتال و آرزوهای کوچک فیلم های خوب دهه شصت هستند. این طور نیست که ما فکر کنیم تعداد فیلم های ماندگار آن زمان زیاد بوده است. آن زمان فضای مجازی و پلتفرم و گوشی موبایل و نت فلیکس نبود. مجبور بودند بچه ها را به سینما ببرند. الان بیننده فیلم های کودک نسبت به دهه شصت کمتر نیست. بچه ای هست که باب اسفنجی را ندیده باشد؟ هر کسی که به اینترنت و تلویزیون متصل باشد قطعاً فیلم های کودکان را می بیند. دهه شصت سینما رونق داشت چون گزینه دیگری وجود نداشت. من قبول ندارم که دهه شصت تعداد بینندگان فیلم های کودک بیشتر بود.

راهاندازی پایگاه میراث جهانی؛ آغاز فصلی نوین در راه آهن شمال

برتر را در جذب گردشگر کسب کرد. باید برای چنین مسائلی برنامه ریزی درستی داشته باشیم و زیرساخت مناسب را فراهم کنیم

پایبندی به برنامه های یونسکو

مدرس دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران خاطرنشان می کند: تلاش بر این است که با راهاندازی پایگاه میراث جهانی راه آهن در مازندران در مسیر اهداف مد نظر برنامه مدیریتی یونسکو پیش برویم و مستندنگاری، معرفی و ارتباطات برون سازمانی بین دستگاه های مرتبط با راه آهن را به درستی انجام دهیم.

نیکوبیان با اشاره به چندوجهی بودن جایگاه راه آهن شمال و ضرورت همراهی و همکاری بین دستگاه های مرتبط برای اجرای برنامه های مد نظر پایگاه تصریح می کند: در حوزه راه آهن شمال علاوه بر اداره کل راه آهن شمال و اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مازندران، دستگاه هایی مانند حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی به دلیل عبور راه آهن از عرصه های ملی و آبمنطقه ای به دلیل وجود رودخانه در مجاورت ریل مرتبط هستند. بنابراین به توجه همه دستگاه ها برای اجرا شدن برنامه های مدنظر پایگاه نیاز داریم.

وی ضمن قدردانی از تلاش های کارشناسان و مدیران شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران و اداره کل راه آهن شمال برای نهایی شدن پرونده ثبت جهانی، اظهار کرد: بدون شک این پرونده بدون تلاش های شرکت راه آهن ایران به سرانجام نمی رسد. از زمان تهیه و تدوین پرونده تیم کارشناسان خبره راه آهن به همراه تیم ثبت جهانی وزارت میراث فرهنگی با رایزنی فرهنگی یونسکو همکاری های زیادی داشتند که این تلاش ها در سال ۱۴۰۰ به نتیجه رسید. اکنون نیز با راهاندازی پایگاه استانی میراث جهانی راه آهن در مازندران به همین همکاری و دغدغه اداره کل راه آهن شمال و البته سایر دستگاه های مرتبط نیاز داریم.

برنامه های مقدماتی مطرح شده توسط نیکوبیان و چشم اندازی که یونسکو برای این مسیر ریلی منحصر به فرد ترسیم کرده می تواند فصل نوینی در اقتصاد گردشگری شرق مازندران و به ویژه شهرستان سوادکوه رقم بزند و یک بار دیگر راه آهن را به محور توسعه این منطقه از مازندران تبدیل کند. هدف از شکل گیری پایگاه های ملی و جهانی میراث فرهنگی در وهله نخست صیانت از یکپارچگی، اصالت، تمامیت و ارزش های برجسته آثار فرهنگی - طبیعی کشور است. این پایگاه ها مأموریت دارند در چهارچوب مدیریت یکپارچه و نظام مند با بهره مندی از ظرفیت ها و توان علمی و تخصصی، ضمن ارتقاء حفاظت از این آثار، زمینه ترویج و انتقال آن ها به نسل های آینده را فراهم کنند.

راه آهن شمال به عنوان بخشی از خطوط ریلی سراسری از سال ۱۳۱۶ فعالیت خود را آغاز کرد که از نظر قدمت بخشی از شبکه ریلی قدیمی کشور به شمار می رود. تونل های پر تعداد در دل رشته کوه های البرز، پل های منحصر به فرد مانند ورسک، اوریم و کلاتری که به خاطر نحوه ساخت از آن ها به عنوان شاهکار مهندسی راه آهن یاد می شود، بناها و زیرساخت های باقیمانده از زمان ساخت، طبیعت زیبا و دیدنی حاشیه ریل، ساختار خاص مهندسی راه آهن در ریل گذاری مانند سه خط طلا و ساختمان ایستگاه های ۲۲ گانه راه آهن شمال از این مسیر یک جاذبه کم نظیر تاریخی ساخته است.

مازندران مستندنگاری و به روزرسانی شاخصه های عناصر معماری، طبیعی، تاریخی در محدوده نلوگان ریلی راه آهن شمال، پایش مستمر و حفاظت پیشگیرانه، تاسیس نخستین موزه تخصصی راه آهن در شمال کشور و در رأس همه فعالیت ها نیز رونق گردشگری ریلی و جذب گردشگران خارجی را اهداف اصلی این پایگاه بیان می کند و می گوید: راه آهن ایران به ویژه در منطقه شمال فقط یک مسیر حمل و نقلی نیست، بلکه مجموعه ای آمیخته با فرهنگ مردم مازندران بوده و با معیشت آن ها گره خورده که در کنار همه عناصر و اجزای آن اعم از پل و تونل و ایستگاه یکی از مهم ترین مزایای این خط ریلی است.

ابوالفضل نیکوبیان اظهار می کند: سازمان یونسکو برای ثبت آثار در فهرست جهانی پنج معیار در نظر دارد که راه آهن ایران با ۲ معیار از پنج معیار به ثبت رسید. معیار شماره ۲ که نشان دهنده تبادل ارزش های بشری از لحاظ پیشرفت معماری و فناوری در یک بازه زمانی و در یک منطقه فرهنگی است و معیار شماره چهار که بر نمونه و برجسته بودن معماری یا تکنولوژی به عنوان مرحله مهمی از تاریخ بشر توجه دارد. وی می افزاید: در این مسیر ۱۴۰۰ کیلومتری باید اتفاقات خوبی بیفتد و سازمان های زیادی پای کار بیایند تا ضمن حفظ اصالت و زیبایی های مسیر، زیرساخت های متناسب با گردشگری نیز فراهم باشد که به عنوان یک مسیر ریلی گردشگری در کنار حمل و نقل عمومی از آن بهره ببریم.

حفظ یکپارچگی و اصالت راه آهن شمال

سرپرست پایگاه استانی میراث جهانی راه آهن ایران در مازندران با اشاره به اولویت ها و دغدغه های این پایگاه خاطرنشان می کند: در کنار حمایت های فنی اداره کل راه آهن شمال کشور، دغدغه حفاظت و نگهداری کالبد تاریخی این مجموعه اعم از مسیر ریلی، پل ها، زیرساخت ها و ایستگاه ها با معماری جذاب شان که یکی از شاخص ترین معماری های دوره معاصر و یک سده اخیر منطقه است و دارای شخصیت و هویت مستقلی هستند، حفظ یکپارچگی و اصالت مجموعه در دستور کار پایگاه است.

نیکوبیان به الزامات و ضرورت های مرتبط با ثبت جهانی اشاره می کند و می افزاید: هر اتفاق بزرگی چالش هایی هم دارد که باید برای مدیریت آن ها برنامه ریزی کرد. چالش نخست مربوط به انجام اقدامات ضروری پس از ثبت راه آهن است و دومین چالش هم تاثیر در حضور و جذب گردشگر است. کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی می گوید: در مساله نخست یعنی اقدامات پس از ثبت جهانی، عمل به تعهداتی که اداره کل راه آهن ایران و وزارت میراث فرهنگی در پرونده ثبت جهانی به یونسکو داده ضروری است. طبیعتا برای این که راه آهن در فهرست یونسکو باقی بماند و از دریافت اعتبار جهانی بهره مند باشد لازم است که برنامه های مدیریتی مد نظر یونسکو رعایت شود. تلاش و هدف ما این است که این برنامه جهانی را با همراهی مسئولان و دستگاه های مرتبط برای مسیر ریلی کشور بومی سازی و اجرا کنیم.

وی می افزاید: چالش بعدی مدیریت و برنامه ریزی برای حوزه گردشگری است. معمولا زمانی که یک اثر در فهرست میراث جهانی ثبت می شود، مورد توجه گردشگران خارجی قرار می گیرد و پس از ثبت جهانی در ورود گردشگر به منطقه میزبان اختلاف محسوسی دیده می شود. یک سال بعد از ثبت جهانی یزد به عنوان بزرگترین شهر خشتی جهان، یزد رتبه

مسیر ریلی جذاب و منحصر به فرد راه آهن شمال با همه اجزا و متعلقات پیرامونی اش، برش متفاوتی از تاریخ صنعتی و میراثی مازندران است که اکنون همراه با بیش از یک هزار کیلومتر دیگر از مسیر راه آهن سراسری، میراث جهانی به حساب می آید و با راهاندازی نخستین پایگاه استانی میراث جهانی در مازندران، قرار است فصل نوینی را به خود ببیند. به گزارش خبرنگار ایرنا، کمتر کسی است که یک بار چشمش به مسیر ریلی جذاب و خاص مازندران افتاده باشد یا سفر در این مسیر را تجربه کرده باشد و مسحور زیبایی های طبیعی و تاریخی و معماری آن نشود. محور ۳۳۱ کیلومتری زیبایی که بخشی از راه آهن سراسری ایران است و از خروجی گرمسار در استان سمنان آغاز می شود و تا ورودی ایستگاه گلوگاه در مازندران ادامه دارد.

فعالیت راه آهن شمال به عنوان بخشی از راه آهن سراسری ایران از سال ۱۳۱۶ آغاز شد و از همان زمان به عنوان عنصری برجسته از مدرنیته در زندگی مردم منطقه جا باز کرد. جاذبه های معماری و صنعتی این مسیر ریلی از یک سو و پیوند عمیق آن با فضای اجتماعی و اقتصاد و صنعت در مازندران از سوی دیگر سبب شد که راه آهن و قطار به جزئی جدانشدنی و کاملا پرتنگ از زندگی روزمره تبدیل شود.

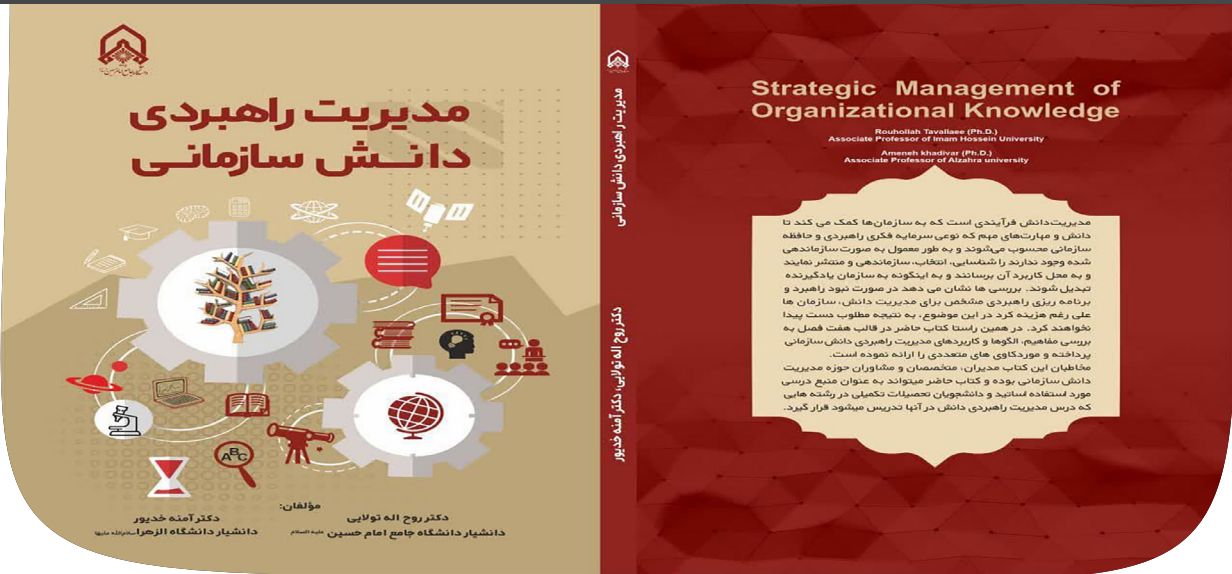
حالا همین عنصر دوست داشتنی و جذاب مدرنیته که در نهمین دهه فعالیت قرار دارد، با همه متعلقات زیرساختی و مسائل اجتماعی پیرامونی اش مجموعه ای جذاب برای حوزه میراث فرهنگی در عرصه بین الملل است. آن قدر جذاب که ۲ سال پیش در قالب راه آهن سراسری ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید تا مقدمات معرفی و حفاظت از آن بیش از روال مرسوم در دستور کار قرار بگیرد.

سوم مرداد ۱۴۰۰ در چهل و چهارمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو رأی نهایی برای پرونده ثبت جهانی راه آهن سراسری ایران صادر شد و این زیرساخت مهم حمل و نقلی ایران و منطقه، به عنوان نخستین اثر صنعتی ایران و بیست و پنجمین اثر میراث فرهنگی ملموس کشور در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید. مسیری با طول تقریبی یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر که اکنون طولانی ترین راه آهن تاریخی جهان و پنجمین مسیر ریلی ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو است.

زیباترین و منحصر به فردترین قسمت این مسیر یک هزار و ۴۰۰ کیلومتری تاریخی و جهانی که از بندر ترکمن در استان گلستان تا بندر امام خمینی (ره) ادامه دارد، از مازندران و دل رشته کوه های البرز می گذرد. پرونده ثبت جهانی مسیر راه آهن سراسری شمال - جنوب ایران در یونسکو به هشت ناحیه با ویژگی های مشترک اقلیمی در داخل هر ناحیه و متمایز با سایر نواحی تقسیم شده و ۸۹ ایستگاه منتخب نیز به دلیل اهمیت ارزش های تاریخی و کارکردی مورد مطالعه و مستندنگاری قرار گرفت. بر همین اساس نیز مقرر شد در هشت استان پایگاه استانی میراث جهانی راه آهن ایران تاسیس و فعال شود که مازندران با توجه به جذابیت های تاریخی و طبیعی مسیر راه آهن شمال در این زمینه پیشگام شد و با معرفی سرپرست پایگاه نخستین واحد از پایگاه های استانی میراث جهانی راه آهن ایران در این استان راهاندازی شد.

در هفتینگی راه آهن شمال با فرهنگ بومی

سرپرست پایگاه استانی میراث جهانی راه آهن ایران در



«مدیریت راهبردی دانش سازمانی» منتشر شد

فکری راهبردی و حافظه سازمانی محسوب می‌شوند و به طور معمول به صورت سازماندهی شده وجود ندارند را شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر نمایند و به محل کاربرد آن برسانند و به اینگونه به سازمان یادگیرنده تبدیل شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در صورت نبود راهبرد و برنامه ریزی راهبردی مشخص برای مدیریت دانش، سازمان‌ها علی‌رغم هزینه کرد در این موضوع، به نتیجه مطلوب دست پیدا نخواهند کرد. در همین راستا کتاب حاضر در قالب هفت فصل به بررسی مفاهیم، الگوها و کاربردهای مدیریت راهبردی دانش سازمانی پرداخته و موردکاوی‌های متعددی را ارائه نموده است.

مخاطبان این کتاب مدیران، متخصصان و مشاوران حوزه مدیریت دانش سازمانی بوده و همچنین علاقه‌مندان به این موضوع که می‌خواهند مباحث مربوطه را در سطحی پیشرفته‌تر دنبال کنند.

این کتاب همچنین می‌تواند به عنوان کتاب درسی مورد استفاده دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌هایی که درس مدیریت دانش در آنها تدریس می‌شود، مخصوصاً رشته‌های مدیریت فناوری اطلاعات در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (PhD) و نیز سایر رشته‌هایی که این موضوع در قالب دروس مرتبط در آنها تدریس می‌شود مانند همه‌گرایش‌های رشته‌های مدیریت، مهندسی صنایع، مهندسی فناوری اطلاعات و علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گیرد.

از همه مدیران، اساتید، دانشجویان و پژوهشگران فرهیخته تقاضا می‌کنیم نقطه نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را در خصوص مطالب این کتاب برای مولفین از طریق پست الکترونیک ckm@ihu.ac.ir ارسال نمایند.

مدیریت راهبردی دانش سازمانی در ۳۰۶ صفحه تالیف شده است.

مدل‌ها و متدولوژی‌های مرتبط با راهبرد مدیریت دانش معرفی شده و چگونگی کاربرد هر کدام از الگوها را در سازمان‌های مختلف متناسب با شرایط هر سازمان تشریح شود.

در فصل چهارم نیز الگوهای مختلف راهبرد دانش در سازمان‌ها ارائه و چگونگی شناسایی و به‌کاربرد رساندن منابع دانشی سازمان تبیین شده است.

در فصل پنجم تلاش شده است تا چگونگی برنامه ریزی راهبردی و تدوین سند راهبردی مدیریت دانش در سازمان‌ها و شرکت‌ها تشریح شده و تدوین نقشه راهبرد مدیریت دانش به منظور نشان‌دادن پیوند با راهبرد کسب‌وکار ارائه شده است.

در فصل ششم از کتاب تلاش شده است تا چگونگی پیاده‌سازی راهبرد مدیریت دانش تشریح شود. لذا براساس تجربیات مولفین کتاب، چالش‌ها و ملاحظات پیاده‌سازی برنامه راهبردی مدیریت دانش در حوزه‌های مختلف معرفی شده است. سپس چگونگی ساختاردهی به توانمندی‌های چهارگانه مدیریت دانش شامل افراد، فرایندها، فناوری‌ها، و حاکمیت تبیین شده است.

در فصل هفتم و پایانی نیز تلاش شده است تا با تبیین نقشه راهبرد و وجوه آن در سازمان، شناختی جامع در ارزیابی راهبردی مدیریت دانش ترسیم شود. همچنین کاربرد کارت امتیازی متوازن در ارزیابی عملکرد مدیریت دانش با رویکردهای جدید مسئولیت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. در پایان نیز تلاش شده است تا براساس تجربیات موجود، موانع پیاده‌سازی راهبرد در سازمان‌ها و چگونگی مواجهه با آنها تبیین شود.

خلاصه کتاب:

مدیریت دانش فرآیندی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا دانش و مهارت‌های مهم که نوعی سرمایه

«مدیریت راهبردی دانش سازمانی» منتشر شد تهران- ایرنا- کتاب «مدیریت راهبردی دانش سازمانی» در قالب هفت فصل به بحث در خصوص مدیریت راهبردی دانش سازمانی پرداخته است.

به گزارش ایرنا، کتاب مدیریت راهبردی دانش سازمانی تالیف دکتر روح اله تولایی (دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))، و دکتر آمنه خدیو (دانشیار دانشگاه الزهراء (س)) از سوی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع) منتشر شده است.

این کتاب در قالب هفت فصل به بحث در خصوص مدیریت راهبردی دانش سازمانی پرداخته است. در فصل اول تلاش شده است تا مبانی فلسفی مدیریت دانش شامل مبانی معرفت‌شناسی، مبانی هستی‌شناسی و مبانی انسان‌شناسی مورد بحث قرار گیرد و ابعاد اصلی هر کدام از این مبانی در سطح عام علوم تبیین شود.

خوانندگان کتاب پس از آشنایی با مباحث این فصل، توانایی تطبیق و ارزیابی نظریه‌ها و الگوهای مدیریت راهبردی دانش سازمانی که در فصل‌های بعدی کتاب مورد بحث قرار گرفته است را با مبانی فلسفی مدیریت دانش از دیدگاه اسلام خواهند داشت و علاوه بر امکان تولید دانش بومی، زمینه کاربردی نمودن مباحث را در شرایط بومی سازمان‌های ایرانی اسلامی فراهم می‌نماید.

در فصل دوم به بررسی برخی از دسته‌بندی‌های مختلف موجود برای راهبردهای مدیریت دانش پرداخته شده است. راهبرد‌های انسان‌گرا و سیستم‌گرا به عنوان یک دسته‌بندی پر تکرار تشریح شده و ویژگی‌ها و اثرات آنها بر ابعاد مختلف سازمان بررسی شده است. همچنین راهبردهای متمرکز و نامتمرکز مدیریت دانش تبیین شده‌اند و در ادامه به معرفی راهبرد پویای مدیریت دانش، ریشه به وجود آمدن آن، ویژگی‌های آن و تفاوت آن با رویکردهای قبلی پرداخته شده است.

در فصل سوم از کتاب تلاش شده است تا چارچوب‌ها،

نگاهی به «متافیزیک شعر» و ساختار و محتوای آن

معنابه در حوزه دانش‌ها و بینش‌های معطوف به اتوپیاشناسی تبدیل کرده که می‌تواند راهگشای بسیاری از علاقمندان و پژوهشگران این عرصه باشد. همچنین ذیلی عنوان «هوش و حواس پسانسان» و تحریف جایگاه او، این مضمون با تدقیق در نتایج مدرنیته در بستر تکنولوژی و صنعت عصر جدید که شرافت انسانی را به حاشیه رانده، شکافته و واکاوی شده است. از این نظر گویی قلم مظفری نقش همان تیغ جراحی را بر عهده دارد که اعضا و جوارح جوامع بشری را می‌شکافد و لایه‌های زیر پوست را در پی عامل عفونت و التهاب می‌کود.

ساجی در پایان به شعر رجعت می‌کند و این هنر را مرهمی بر زخم‌ها و جراحات زمینی می‌داند که آدمی همواره در طول اعصار و قرون بر روح خویش هموار و وارد است. در این مقام، شعر همان وطن آدمی است که هایدگر با نظر به هلدرلین به آن اشاره می‌کند. وطنی که می‌خواهد انسان را از غربت و بی‌سامانی نجات دهد و او را به سرپناهی مألوف و مأنوس که همانا آسایشی توأم با آرامش است برساند.

پیوسته‌های مکمل متن، مرجع شناخت دقیق و نمایه‌ها، بخش پایانی مجلد سوم را تشکیل داده‌اند.

در پایان باید یادآور شد که مؤلف با تفکیک و لایه‌بندی موضوعی، به تالیفی مطلوب رسیده و متنی ارائه کرده که خواننده ضمن سفری تاریخی و گذار از مباحث گسترده، به مناظر و چشم‌اندازهایی بکر و بدیع، که حاصل نگرش و نگارشی اصیل و عمیق است می‌رسد. شرح و بسط این تودرتو بودن مطالب و بهره‌گیری از ایده‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران به موازات حجم اثر، و نیز بیان موجز و در عین حال گویای کتاب که حاکی از کیفیت مطالب و آرای مؤلف است، در قالب چنین کوتاه‌یادداشتی نمی‌گنجد؛ به همین دلیل، آگاهی کامل از محتوای چنین اثری جز از طریق مطالعه کامل آن امکان‌پذیر نیست. از این نظر، یاد اعلان کرد که متافیزیک شعر، کتاب مستطابی است که هیچ کتابخوان و کتابخانه‌ای از آن بی‌نیاز نیست. شاید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قابل توجه در مواجهه با این متن، گفت‌وگوی شاعران و پژوهشگرانی است که از دیرباز تا امروز دیدگاه‌ها و آرای خود را درباره شعر، به عنوان هنر هنرها، ارائه و ابراز کرده‌اند و مهدی مظفری ساجی با احاطه

و اشراف کم‌نظیر خود به این معارف و بینش‌ها اثری خواندنی و ماندگار به دوستداران شعر و فلسفه تقدیم کرده است. اثری که مؤلف، برای نگارش آن به مکالمه رو آورده و تقریباً در هیچ‌یک از فصل‌ها و فرازهای آن متکلم وحده نبوده است. در واقع ساجی در متافیزیک شعر، ضمن ابراز دیدگاه‌های خود درباره شعر، به تناسب و اقتضا از بیان آرای صاحب‌نظران عرصه ادبیات و هنر، به ویژه شعر غافل نبوده و همین شکلی افلاطونی به کتاب او بخشیده است. شکلی که نشان از دیالکتیک و دیالوگ دارد و به اقتضای پیکره و ساختار خویش، از حدیث نفس می‌پروریزد. مضافاً این که به استناد کثرت تألیفات مهدی مظفری ساجی در حوزه ادبیات و اعتماد و اعتنا به داوری و دانش او در این باب که حاصل سال‌ها خردورزی و تحقیق این شاعر و پژوهشگر کوشا و پویاست می‌توان به نتیجه‌های مطلوب و مقبول در خصوص اهمیت متافیزیک شعر رسید. به منظور درک پیوند دوسویه این دو پدیده به ظاهر متمایز، یعنی «شعر» و «فلسفه»، لزوم خوانش این اثر، به‌ویژه برای اهالی ادبیات امری خوشایند و در عین حال اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

و در پیوند با همین مسئله، تشریح این هنر را به میانجی ابعاد و اضدادی چند در ساخت و یافت شعر و مقایسه آن با «نظم» و «نثر» پی می‌گیرد. مظفری در ادامه به مؤلفه‌های مختلف و مرتبط دیگر با ادبیات و شعر، از جمله «موسیقی»، «الهام و اراده»، «واقعیت و تخیل»، و... می‌پردازد و این نشانه‌ها و نمودها را که از دیرباز تا دوران معاصر در پرتو اساطیر، در قالب نهال‌های شعر بالیده و برگ و بر گسترده و در طول قرون به درختانی تناور و سایه‌گستر بدل شده‌اند به تفصیل بررسی و سپس لایه‌های مختلف دید پدیداری و هرمنوتیک در پیوند با شعر را از نظر بزرگان فلسفه مورد تخصص قرار داده است.

سفر تکامل (جلد دوم)، همچنان که از عنوان آن پیداست، ناظر به دگردیسی‌ها و دگرگونی‌های شعر است و همین تحول و تطور، خواننده را با دوران‌های گذار که اغلب به مواجهه تجدد و سنت می‌انجامد مواجه می‌کند.

در متافیزیک شعر ساجی، تضاد سنت و مدرنیته، با اشاره به طلیعه آن در غرب و کم‌وکیف تأثیرپذیری شاعران، نویسنده‌گان، پژوهشگران و منتقدان زبان و ادبیات فارسی از آن، مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این، نقش و پایگاه بنیان این جریان که به نوعی ریشه‌ای عمیقاً تاریخی دارد و طبق پژوهش‌های مظفری ساجی نسب و نی‌ای از آن باب تبارشناسی، به یونان باستان و فلاسفه پیشاسقراطی از جمله هراکلیتوس می‌رسد، بررسی شده و در ایران نیز به تبع همین ارزیابی و تحلیل تاریخی، آرا و آثار صاحب‌نظران سیاسی و ادبی تأثیرگذار بر چنین جریان اصیل و بظاهر متضاد و متناقضی بازنمایانده شده است. مؤلف در جستاری دیگر از کتاب خود پیوند موسیقی با ساختمان شعر را، با تمرکز بر مصالحی چون وزن، قافیه، محتوا و... در مدار شعر نو و سپید، در پرتو دیدگاه بزرگانی چون نیما، شاملو، فروغ، به‌رانی، شفیعی کدکنی و... بررسی کرده و میزان نفوذ در نفوس شعر با توجه به این عناصر را در معرض تحلیل و ایمان نهاده است. پس از آن، مسائل دیگری از جمله زبان، فرم و محتوا، سادگی و پیچیدگی کلام، بحران مؤلف و مسئله روشنفکری نیز به‌طور مبسوط، از زوایای مختلف ادبی، تاریخی و فلسفی، با استناد به منابع و مآخذ اصیل و دست‌اول، مورد تحلیل و تعلیل قرار گرفته است.

سفر خروج (جلد سوم)، با واکاوی «توپیا» (آرمان‌شهر) در سایه جمهور افلاطون، ضمن گریزی به «پایدیا»، آغاز و سپس به گیل‌گمش و شاهنامه و نقش آرمان‌شهر در پی‌افکندن فرازهایی از این آثار پرداخته شده است. علاوه بر این، در سطرهایی از این فصل، با نگاهی به مشخصه‌هایی چون شی‌وارگی انسان، تراژدی زبان، خلوص نژادی (با اشاره به نازیسیم)، بهشت‌های دوزخین و... از حقیقت زندگی انسان معاصر در قالب «مجاز» رونمایی می‌شود و نقش عمیقاً در دناک انسان مدرن بر زمینه ایجاد چنین فجایعی ارزیابی و تأثیر این نقش در شعر طیفی از شاعران و نویسندگان معاصر جهان از جمله تی. اس. الیوت، برتولت برشت، پل والری، سیلیوا پلات، ریکاردو، فروغ فرخزاد، جورج اورول، فرانتس کافکا، آلبر کامو، ماکسیم گورکی، الکساندر پوشکین، میلان کوندرا، اوژن یونسکو، آلدوس هاسکلی، ری‌برادری، زامیاتین، داستایوفسکی و... بررسی و تحلیل شده است.

تشریح این عناوین با اتکا به آرای پژوهشگران و منتقدان بزرگ معاصر، که در این عرصه صاحب‌نظرند کتاب را به منبعی

کامران جوهری نویسنده و پژوهشگر می‌گوید کتاب «متافیزیک شعر»، کتاب مستطابی است که هیچ کتابخوان و کتابخانه‌ای از آن بی‌نیاز نیست.

کامران جوهری نویسنده و پژوهشگر یادداشتی با عنوان «هیچ کتابخانه‌ای بی‌نیاز از این کتاب مستطاب نیست» نوشته که در آن نگاهی به کتاب «متافیزیک شعر» داشته و آن را برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است.

مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:
«شاعر، نویسنده و پژوهشگر نام‌اشنا مهدی مظفری ساجی، جدیدترین تألیفاتش، «متافیزیک شعر» را با حجمی قابل توجه (۱۴۷۰ صفحه) در ۳ مجلد به یکی از بکرترین تأملات ادبی در این زمینه اختصاص داده و اثری جدی و قابل توجه در حوزه تفکر در شناخت موجود (پدیده) و ناموجود (ایده) تألیف کرده است؛ پژوهشی بینارشته‌ای در خصوص درهم‌تندیدگی فلسفه و هنر هنرها (شعر) و تلاش برای تابانیدن پرتوی بر بنیان‌های مشترک این دو پدیده، با استناد به منابع و آرای نظریه‌پردازان و بزرگان عرصه‌های مزبور. ساجی با دسته‌بندی مطالب و بعضاً واکاوی جریان‌ات ادبی و هنری در پارهای از مقاطع تاریخی (از جمله یونان و روم باستان، قرون وسطی، رنسانس و روشنگری و نیز مشروطیت در ایران) به سیر شعر و نسبت و تناسب آن با ادراکات متافیزیکی و ظهور و تکامل تخیل و خلاقیت‌های حاصل از آن پرداخته و سلوک تاریخی و اجتماعی شعر و پیوند آن با دیگر علوم و هنرها از جمله فلسفه، روانشناسی، موسیقی، تئاتر، سینما و... را با دقت نظری معطوف به منابع و مآخذ اصیل در معرض ارزیابی و تحلیل قرار داده است.

مؤلف بر هر کدام از مجلدات مذکور عنوانی نمادین، با نیم‌نگاهی به عناوین کتب عهد عتیق، نهاده؛ جلد نخست: سفر تکوین، جلد دوم: سفر تکامل و جلد سوم: سفر خروج. سفرهایی که بی‌ارتباط با سفر تاریخی شعر و سیر تکاملی این هنر در ادوار تاریخ نیست و همین نشان می‌دهد که این نام‌گذاری‌ها هوشمندانه و با اشراف به سیر و سلوک تاریخی این هنر صورت گرفته است.

در سفر تکوین (جلد اول)، که در حقیقت پایه‌های کتاب بر آن نهاده شده و تلویحاً شکل تکوین شعر را یادآور می‌شود، ضمن نگاهی کلی به جایگاه شعر و ارتباط ذاتی آن با دیگر ساخت‌های هنر، در آغاز به دیدگاه فیلسوفان از هراکلیتوس تا ویتگنشتاین پرداخته شده و سپس «خلقت زبان»، «مسأله خالق» و «عطش جاودانگی»، که همواره مطمح نظر شاعران در طول سده‌ها و اعصار بوده، مورد واکاوی و تبیین قرار گرفته است. در ادامه پیدایش خط و الفبا، باورها و اسطوره‌های ملل، نقش ادیان در تکوین ادبیات و... به عنوان مبادی و مبانی متون مکتوبی نظیر گیل‌گمش، انوما الیش، اوبانیاشاداها و... مورد واکاوی قرار گرفته و در فرازهایی دیگر از این گشت و گذار تاریخی و بالطبع، تحلیلی به آرا و نظریات فریود و یونگ نیز به عنوان بنیان روانشناسی، در یکی دو سده اخیر اشاراتی کامل و قابل تأمل شده است و ضمن همین یادکرد، نسبت و رابطه ادبیات با مسائل معطوف به روان انسان نیز در معرض ایمان و داوری قرار گرفته است.

مخاطب در فرازی دیگر از متافیزیک شعر، با «شعر»، «نظم» و «نثر» به عنوان «ماده و صورت شعر» مواجه می‌شود

سرداری که جهانش بدون مرز بود



همه چیز از «فئات ملک» شروع می‌شود؛ روستایی دورافتاده که زادگاه قهرمانی است از عشیره سلیمانی. سرداری که مرد ابل و کوچ است؛ اما جایش فراتر از کوه و دشت و دمن است. سرداری که در یادها ماندگار می‌شود؛ از همان کودکی ماندگار می‌شود ... مگر می‌شود کودکی غذای خود را به دیگر دانش‌آموزانی که اوضاع مالی خوبی نداشتند بدهد و در خاطر هم ولایتی‌هایش نماند؟

به گزارش ایسنا، کتاب «سرباز قاسم سلیمانی» (زندگی نامه مستند سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی) نوشته مصطفی رحیمی در گروه زندگینامه «سومین دوره دوسالانه انتخاب آثار برتر مدافعان حرم و جبهه مقاومت» به عنوان اثر برگزیده معرفی شد.

به همین مناسبت مریم عرفانیان در یادداشتی، ویژگی‌های این کتاب را معرفی کرده است. به اعتقاد عرفانیان (نویسنده)، نویسنده به خوبی توانسته با نثری روان و خواندنی، کامل‌ترین زندگینامه مستند سردار دل‌ها را بنویسد.

در این یادداشت می‌خوانیم: قاسم سیزده چهارده‌ساله، عازم کرمان می‌شود تا در تأمین مخارج خانواده کمک‌خرج پدر باشد؛ ره‌توشه‌اش یک سارق است و ۵ تومان پول. قد کوچک و جثه نحیفش، باعث نمی‌گردد که نتواند کار و باری جور کند و می‌شود کارگر ساختمان و بعدتر شاگرد رستوران کسری. و غیرت قاسم ورزشکار، اولین بار به خاطر دفاع از ناموس به جوش می‌آید و با پاسبان سر چهارراه درگیر می‌شود. کمی بعد، در مشهد، تصویر امام را می‌بیند و آنچه سبب ارتقای دانش عقیدتی سیاسی‌اش می‌گردد، تأثیر افکار سه روحانی مبارزه‌است: آیت‌الله شیخ عباس حقیقی، سید رضا کامیاب و علی‌اصغر صالحی ... و اینجا سرآغاز مبارزات سیاسی و شعارتویسی قاسم است. تصویر امام، آیین روزانه او می‌شود و روزی چند بار به آن نگاه می‌کند و اثری می‌گیرد.

صبح ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، ورود امام یکی از حوادثی است که هیچ‌گاه از حافظه «فئات ملک» پاک نخواهد شد. روزی که قاسم از اهالی خواست گرد هم جمع شوند تا از رادیو در جریان ورود امام قرار بگیرند و پیشنهاد کرد به مناسبت ورود امام سجده شکر به جای آورند ...

و چه کسی فکر می‌کرد، قاسم با

مناطق تصرف‌شده یکی‌یکی پس گرفته می‌شوند و امنیت دوباره به سوریه و عراق برمی‌گردد...

و در فصول بعد و بعدتر نکته‌های دیگر از شخصیت سردار روشن می‌گردد؛ حتی در نامه‌ها و وصیت و اشعار و دیدگاه‌ها ... آنگونه که در بخشی از وصیت‌نامه آمده: «... خدایا به عفو تو امید دارم. ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا، دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی. من بدون برگ و توشه‌ای، به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر (را) در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟ ساروق چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود، دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن، در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد، و آن، گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل‌بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم ...»

در نهایت باید گفت مصطفی رحیمی با زندگینامه مستند «سرباز قاسم سلیمانی»، تاریخ را در بطن ماجراها نوشته است. تاریخی که منابع آن، از کتاب‌های دیگر، مصاحبه‌ها و مستندهای حاج قاسم گرفته‌شده و به دوران حیات قهرمان دل‌ها می‌پردازد. تاریخی که از «فئات ملک» شروع و به حوالی فرودگاه بین‌المللی بغداد ختم می‌گردد ...

پایان جنگ، برای حاج قاسم پایان جهاد نبود؛ چراکه این بار مبارزه با اشرار را سرلوحه کارش قرارداد. اشراری که از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کردند.

و حاج قاسم در سال ۷۶ شد فرمانده نیروی قدس. جعفر اسدی که آن زمان جانشین نیروی زمینی بود، در این باره می‌گوید: «خیلی دلم تنگ قاسم بود. یک روز رفتم نیروی قدس. برای اولین بار قاسم را پشت میز دیدم. با مزاح گفت: «پشت‌میز نشین شده‌ای؟» گفت: «اسدی این مدت نشستم برنامه‌ها را نوشتم. از هفته آینده ان‌شاءالله شروع می‌کنم. خواهی دید.»

حاج قاسم، پشت‌میز نشین نبود، بلکه مرد میدان عمل بود. او مأموریت داشت در شکل‌گیری و حمایت از هسته‌های مقاومت در جای‌جای جهان اسلام با تمام توان بکوشد. آن چیزی که نیروی قدس انجام می‌دهد دارای این معانی هست: مقابله با ظلم، مقابله با دشمنان اسلام، دفاع از اسلام، ترویج اسلام، ترویج فرهنگ اسلامی.

حاج قاسمی که جهانش بدون مرز است؛ او در افغانستان به شاه احمد مسعود و نیروهای مبارز پنجشیر کمک می‌کند و در لبنان در جنگ ۳۳ روزه به نیروهای حزب‌الله.

با پیدایش داعش، حاج قاسم خود را به دمشق می‌رساند تا وضعیت را دوباره مدیریت کند. با تلاش و درایت ایشان،

آن هیکل ورزشی، پیراهن آستین‌کوتاه و چسبان، موهای وزوزی و کمربند پهن که یک‌مرتبه هم رد صلاحیت شده بود، بشود پاسدار و کمتر از یک سال به عضویت رسمی سپاه دربیاید؟

آری، حاج قاسم را باید شناخت، با عملیات شهید چمران، وقتی به خط می‌رود و مجروح می‌شود و با همان لباس بیمارستان و در وضعیت زخمی دوباره خودش را به عملیات می‌رساند.

حاج قاسم را باید در ۸ سال دفاع مقدس شناخت، در سوسنگرد و زمان عملیات طریق‌القدس و آزادسازی بستان، در دشت عباس و ارتفاعات شمالی آن و عملیات کربلای ۲ (فتح‌المبین)، در عملیات بیت‌المقدس و ... در هشت سال جنگ. او را باید از سال ۶۰ که ۲۳ سال داشت و فرماندهی گروه رزمی کرمان را به عهده گرفت تا پایان جنگ که در آستانه ۳۱ سالگی بود و فرمانده لشکر بزرگ ثارالله، شناخت.

با پایان جنگ اما فرهنگ‌سازی حاج قاسم پایان نیافت؛ او در فکر تربیت اخلاقی و رفتاری و رزمی سربازان امام‌زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بود.

حاج قاسم همواره پنج ویژگی از فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس را برمی‌شمرد که متأثر از معنویات و رفتار عملی امام خمینی (ره) بود؛ معنویت و اخلاص، خستگی‌ناپذیری، شهادت‌طلبی، تعبد و ولایت‌پذیری، خضوع و افتادگی.

چرا «مارکز» راضی به انتشار آخرین رمانش نبود؟



خیلی از هم‌تایان او رخ نداد.

این نویسنده شناخته‌شده کلمبیایی معروف به گابو را پس از «میگوتل سروانتس» نویسنده قرن هفدهمی «دون کیشوت»، محبوب‌ترین نویسنده اسپانیولی‌زبان می‌دانند. علاوه بر محبوبیت ادبی، مارکز برای خلق سبک ادبی «رنالیسم جادویی» هم اعتبار بسیاری برای خود خرید. رنالیسم جادویی دربردارنده المان‌های فانتزی و جادویی در بستر زندگی روزمره است. با این حال این‌ها تنها افتخارات ادبی مارکز نیستند.

او در هشتم دسامبر ۱۹۸۲ مهم‌ترین جایزه ادبی جهان، یعنی نوبل را به دست آورد. آکادمی سوئد نوبل ادبیات برای «رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی که المان‌های واقعی و فانتزی آن‌ها در دنیایی از تخیلات با هم آمیخته‌اند و زندگی و بحران‌های یک قاره را منعکس می‌کنند» او را شایسته دریافت مهم‌ترین جایزه دنیایی ادبیات شناخت. او اولین کلمبیایی و چهارمین نویسنده اهل آمریکای لاتین بود که به این افتخار دست یافت.

داستان بیماری روانی این نویسنده هم از پرحاشیه‌ترین بخش‌های زندگی او بود. برادر او طی سخنرانی که برای دانشجویان کارتاخنا کلمبیا داشت، اعلام کرد «گابو» از بیماری زوال عقل رنج می‌برد و از سال ۱۹۹۹ به سرطان غدد لنفاوی مبتلا شده است. او همچنین گفت که خالق «صد سال تنهایی» دیگر قلم به دست نمی‌گیرد و پس از چاپ آخرین کتابش در سال ۲۰۰۴ دیگر اثری را به نگارش درنیاورده است.

سرانجام خبر درگذشت این نویسنده بزرگ در هفدهم آوریل ۲۰۱۴ (برابر ۲۸ فروردین ۱۳۹۳) منتشر شد و «کریستوبل پرا» ویراستار او در انتشارات «رندم هاوس»، مرگ این نابغه ادبی را در سن ۸۷ سالگی تایید کرد.

در آرکاتاکای کلمبیا متولد شد. زمانی که او در دانشگاه ملی کلمبیا رشته حقوق می‌خواند، به طور جدی وارد کار روزنامه‌نگاری شد. این نویسنده اولین اثر داستانی خود را در سال ۱۹۴۷ در روزنامه «ال اسپکتادور» چاپ کرد، اما دبیر ادبی همین نشریه درباره داستان او نوشت: نسل جدید کلمبیایی‌ها دیگر در حوزه ادبیات خوب حرف جدیدی برای گفتن ندارد.

از آن پس «گابریل گارسیا مارکز» هفت سال برای نگارش اولین رمان کوتاه خود تحت تأثیر نویسندگانی چون «ویلیام فاکنر» و «ویرجینیا وولف» وقت صرف کرد. «طوفان برگ» سرانجام در سال ۱۹۵۵ به چاپ رسید و سپس شاهکار او «صد سال تنهایی» در سال ۱۹۶۷ روانه بازار کتاب شد.

«صد سال تنهایی» در واقع سفری به گذشته و حال کلمبیاست. کارتاخنا، جایی که گابو به عنوان روزنامه‌نگار در «ال یونیورسال» قلم می‌زد، مکان مناسبی برای شروع داستان بود. «مارکز» آغازگر موج نو ادبی آمریکای لاتین نبود؛ در آن دوران نویسندگان مطرح دیگری همچون «کارلوس فوئنتس»، «خولیبو کورتاسار» و «ماریو بارگاس یوسا» هم قدرتمندانه پا به عرصه ادبی گذاشته بودند، اما انتشار این کتاب که ترکیبی از داستان‌های تخیلی، تاریخچه کارتاخنا پشت نقاب روستایی خیالی به نام «ماکوندو» و روایت هفت نسل از یک خانواده بود، اغلب به عنوان پیشگام جریان ادبی «بوم» در دنیای انگلیسی‌زبان محسوب می‌شود.

«مارکز» در طول عمرش به نوشتن ادامه داد و آثاری را چون «پاییز پدرسالار» (۱۹۷۵) و «عشق سال‌های وبا» (۱۹۸۵) که از معروف‌ترین رمان‌هایش هستند، خلق کرد. این نویسنده کلمبیایی شانس این را داشت که در زمان حیاتش به موفقیت مالی برسد و مورد تحسین منتقدان ادبی قرار گیرد؛ اتفاقی که برای

در حالی که «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده فقید و نامدار کلمبیایی راضی به انتشار آخرین رمانش نبود اما خانواده او تصمیم به انتشار این کتاب در سال آینده میلادی گرفته‌اند.

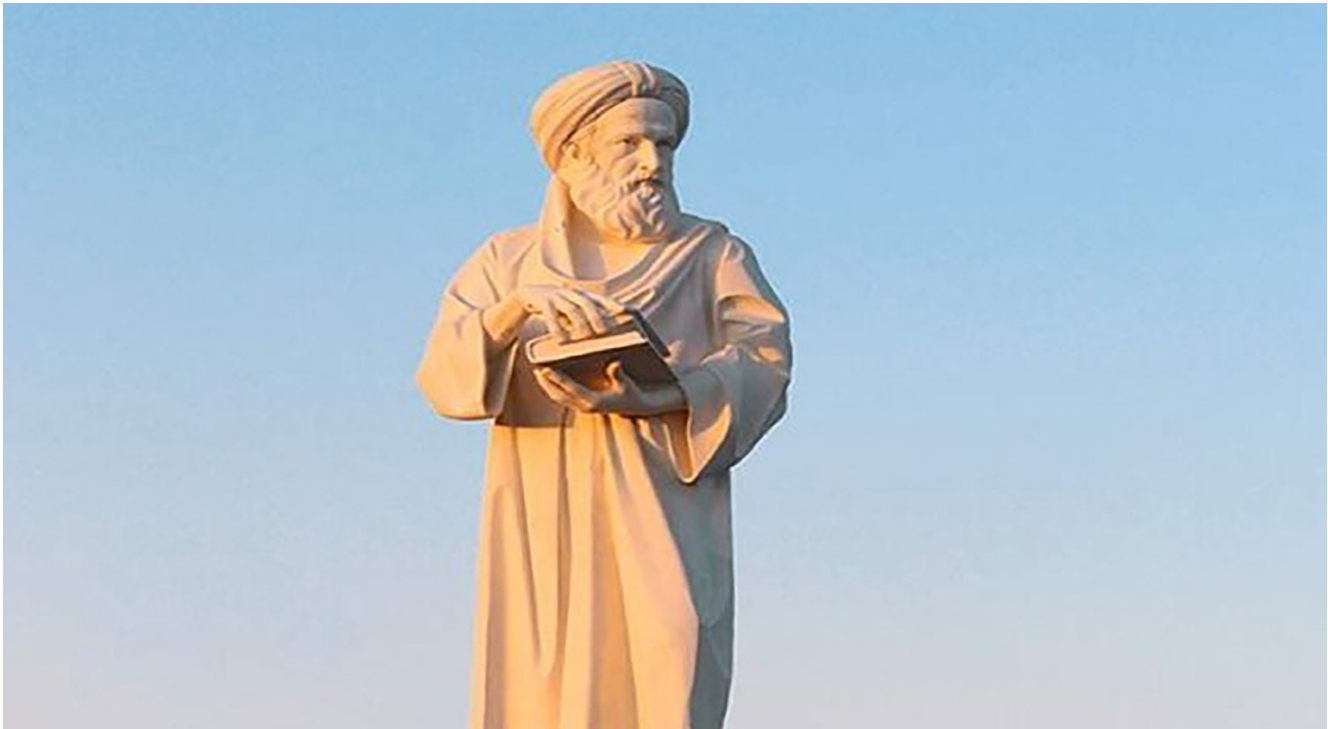
به گزارش گاردین، «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده تحسین‌شده کلمبیایی اندکی پیش از مرگش در سال ۲۰۱۴ درخواست کرد که آخرین رمانش با عنوان «تا ماه آگوست» منتشر نشود، با این حال، هفته گذشته پسران او بر خلاف وصیت پدرشان اعلام کردند که این اثر در ماه مارس سال آینده منتشر خواهد شد. درست و یا اشتباه بودن تصمیم خانواده مارکز بر خلاف میل این نویسنده پیچیده است چرا که او در زمان نوشتن رمان پایانی خود دچار زوال عقل شده بود. شاید مارکز که در سال ۱۹۸۲ برنده جایزه نوبل ادبیات شد، این اثر را با رمان‌های قبلی خود مقایسه کرده و به دلیل زوال عقلش آن را اثری نامناسب می‌دانسته است. منتقدان نسبت به آخرین رمان منتشرشده او با عنوان «خاطره دلبران غمگین من» (در ایران با این عنوان منتشر شد) خیلی مهربان نبودند، شاید به همین دلیل بود که مارکز می‌خواست رمان آخرش منتشرنشده بماند و تصور شکست دیگری در هنر نویسنده‌اش برای او بیش از حد تحمل بوده است.

پسران «مارکز» در این باره گفته‌اند که رمان «تا ماه آگوست» نتیجه آخرین تلاش پدرشان برای ادامه خلق برخلاف همه دشواری‌ها و بیماری بوده است. شاید آن‌ها فکر می‌کنند که کار روی این رمان به کاهش اثرات زوال عقل پدرشان کمک کرده است. به هر حال، این زوال عقل نبود که سرانجام مارکز را کشت، بلکه او به سبب ابتلا به ذات‌الریه درگذشت.

گابریل گارسیا مارکز که از مشهورترین نویسندگان آمریکای لاتین به حساب می‌آید، ششم مارس ۱۹۲۷

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

ایران به ابوالفضل بیهقی می‌بالد ابوالفضل بیهقی گزارشگر حقیقت است



دانشگاه حکیم سبزواری، با یاری مسئولان ملی و محلی در مسیر ارتقای سطح نثر پژوهی و بیهقی پژوهی و اعتلای فرهنگ و اندیشه و ارج نهادن به هویت ملی، گام برداشته‌اند و نیز بسیار خوشحالیم که برگزاری «سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی»، با ثبت روز اول آبان به نام روز ملی بزرگداشت بیهقی در تقویم ملی کشور از سال ۱۴۰۰ همراه شده است. «همچنین وحید حدادی اصل، قائم‌مقام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در امور بین‌الملل و رییس مرکز همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت عتف، در پیامی به مناسبت برگزاری «سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازساخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی» آورده است: «در دوران معاصر، روابط بین کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار است، به ویژه اگر این گونه تعاملات و پیوندها در زمینه‌های علمی - پژوهشی شکل گیرد، اهمیت و جایگاه روابط بین‌الملل دوچندان می‌شود.

بسیار خوشنودیم در سال‌های اخیر، همکاری‌های علمی - بین‌الملل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گسترش فزاینده‌ای یافته است. در این میان، برگزاری همایش‌های بین‌المللی نقش بسیاری در بسط و گسترش روابط بین‌المللی دارد، به ویژه اگر این گونه همایش‌ها در عرصه فرهنگ و اندیشه و زبان و ادبیات شکل گیرد، این گونه روابط بین‌الملل، ژرفای بیشتری می‌یابد.

برگزاری «سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازساخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی»، در اول آبان ۱۴۰۲ در شهر فرهنگ‌پرور سبزوار پایتخت نثر فارسی و به همت دانشگاه حکیم سبزواری و در بزرگداشت پدر نثر فارسی، فرصتی ارزشمند است تا بار دیگر شماری از نثر پژوهان و پژوهشگران از ایران، پاکستان، هندوستان، عراق، ارمنستان و اقلیم کردستان عراق گرد هم آیند و به جایگاه ادبیات کلاسیک فارسی به ویژه نثر فارسی و پیوند آن با جهان معاصر و نقش ادبیات و فرهنگ در ارتقای زندگی مردم روزگار ما بپردازند. به ویژه آنکه این همایش به موضوع بسیار مهم «هویت ملی» می‌پردازد که در این روزگار، پرداختن به آن بسیار لازم و ضروری است.»

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر، پدر نثر فارسی، یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگانی است که ایران به او می‌بالد، او گزارشگر حقیقت است. محمدعلی زلفی گل، دوشنبه اول آبان ماه، در پیامی به مناسبت برگزاری «سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازساخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی»، گفت: «بیهقی و سبزواری، از دیرباز تاکنون، اندیشمندان و دانشمندانی بزرگ و توانا پرورنده است. فرهیختگانی که موجب سربلندی و افتخار زادگاه خود و سرزمین پهناور خراسان و ایران شده‌اند. اندیشمندانی مانند ابوالفضل بیهقی، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، عطاملک جوینی، ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری، حکیم اسرار سبزواری و از میان معاصران دکتر علی شریعتی، نویسنده بزرگ انقلاب، آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری، مجتهد و عالم بزرگ دینی، استاد حمید سبزواری، شاعر بزرگ انقلاب و سروده‌های انقلابی و زنده‌یاد دکتر سید محمدعلی مقدم، چهره ماندگار ادبیات و استاد برجسته دانشگاه و بسیاری دیگر از آن جمله هستند.

در این میان ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر، پدر نثر فارسی، یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگانی است که ایران به او می‌بالد. تاریخ بیهقی نمونه‌ای کم‌مانند از بهترین و کامل‌ترین تاریخی است که می‌توان نگاه داشت.

برگزاری «همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازساخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی»، فرصتی است ارزشمند و درخور تقدیر تا بار دیگر شماری از نثر پژوهان و پژوهشگران فرهنگی و ادبی که دغدغه اعتلای فرهنگ و اندیشه را در جهان معاصر دارند گرد هم آیند و به جایگاه ادبیات کلاسیک فارسی به ویژه نثر فارسی و پیوند آن با جهان معاصر و نقش ادبیات و فرهنگ در ارتقای زندگی مردم روزگار ما بپردازند. این همایش به موضوع بسیار مهم «هویت ملی» پرداخته که در این روزگار، پرداختن به آن بسیار لازم و ضروری است چراکه هویت، بخشی از وجود ما است و کمرنگ شدن آن، آسیب‌های جدی به فرهنگ و اندیشه دینی - ملی ما وارد می‌کند.

بسیار خوشنودیم در تمام همایش‌های گذشته از سال ۱۳۸۶ تاکنون، همکاران ما در

گفت‌وگویی در تلویزیون که به مناظره تبدیل شد کودک و نوجوان امروز از محتوای تصویری چه می‌خواهد؟

سیدجواد هاشمی و محمدصادق باطنی به تلویزیون آمدند تا درباره کودک و نوجوان و موضوع مهم «هویت» صحبت کنند اما انتقادات و صحبت‌های صریح اجازه نداد بحث کامل و جامع پیش برود.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، جدیدترین قسمت برنامه تلویزیونی «جام‌جم» با موضوع و چالش هویت، کودک و نوجوان و رسانه پیش رفت. سیدجواد هاشمی کارگردان و بازیگر شناخته شده و محمدصادق باطنی مدیر شبکه کودک و امید میهمان این برنامه بودند و صراحت کلام و انتقادات دو طرف بحث‌ها را به سمت مناظره برد.

سیدجواد هاشمی آغازگر بحث شد و به سراغ موضوع انتخاب مدیران در تلویزیون رفت. او گفت: در دیدار با آقای جبلی این نکته را مطرح کردم چرا در انتخاب مدیران متأسفانه براساس تخصص‌های لازم صورت نگرفته است. آقای جبلی به من گفتند شما ناراحت هستید چون‌ها را دعوت کردیم جای شما را بگیرند؟ من گفتم اتفاقاً خیلی ناراحت‌م از این جهت که تلویزیون مثل تریلی می‌ماند و نباید هرکسی که پایه دو دارد پشت فرمان آن بنشیند. اینجا جای شوخی کردن نیست!

وی افزود: اینجا جای حضور آدم‌های با تجربه است؛ اگر روزی به من بگویند یک مربی کودکان مسئول شبکه پویا شده بیشتر خوشحال می‌شوم تا ببینم کسانی متأسفانه متولی امر مدیریت در عرصه بخش‌های مختلف هنری برای کودک و نوجوان شدند و هیچ تجربه خاصی ندارند.

هاشمی خاطر نشان کرد: من البته درباره آقای باطنی تحقیق کردم که قدری اطلاعات درباره حوزه نوجوانان دارند. به آقای سرشار هم احترام می‌گذارم که پیش از این عهده دار این مسئولیت بودند ایشان متأسفانه شایسته حضور برای شبکه پویا نبودند. وقتی حرف از شبکه تخصصی می‌زنیم باید به ابعاد تخصصی آن در مدیریت هم توجه کنیم. مخصوصاً الان کسی اینجا جلوی من ننشسته که دو شبکه کودک و نوجوان (پویا و امید) به او سپرده شده است.

او سپس در پاسخ به این سؤال که آیا مخالف حضور جریان فکری و اندیشه‌های در آنتن و حوزه کودک و نوجوان است، گفت: من مخالف نیستم. اندیشه نو همیشه خوب است. به شرطی که ببینیم چه اتفاقی افتاده است. آنچه که در شبکه پویا خاصه می‌بینم، شبکه پویا به جز تأمین چه چیزی دارد. چقدر فیلم‌های قدیمی یا جدید سانسور شده که برخی از آنها کامل دیده شود؛ فاجعه است. چه چیزی دارید الان در پویا ارائه بدهید.

محمدصادق باطنی در ادامه برنامه در پاسخ به سؤالی درباره استراتژی صداوسیما در حوزه کودک و نوجوان با توجه به دوره تحولی چیست و امروز شبکه کودک در تحقیق این مأموریت به کجا می‌رود، خاطر نشان کرد: بگذارید من اول سؤالی از آقای هاشمی بپرسم که آیا برنامه «یک خونه یک آشپزخونه»، «سر سفره خدا» و «خانه آب نباتی» و «انیمیشن ماجرای نوید» را دیده‌اید؟ می‌توانم چندین مورد دیگر نام ببرم. آقای هاشمی شما جزو قدیمی‌های سرود ما هستید امروز ببینید که چقدر در موضوع سرود ما پیش رفته‌ایم و تا ۲، ۳ هزار ویدئوی ما در پویا نوشت‌افزار دیده

می‌شود و یک رکوردی محسوب می‌شود.

وی افزود: هنوز اتفاقات امروز به نوستالژی‌های دیرپا تبدیل نشده‌اند. بگویم یک چیزی است که زمان گذشته و اثبات شده این اثر یا آثار ماندگارند. از «خونه مادر بزرگه» و «آقای حکایتی» تا «زی‌گولو» به یکسری نوستالژی تبدیل شده‌اند. چون زبان‌شان زبان قصه بود و از این حیث جذابیت دارد. اما رفته رفته در دهه ۷۰ تا نیمه دهه ۹۰ در جهتی حرکت کردیم که هنوز هم رگه‌هایی از آن روی آنتن وجود دارد؛ به خاطر کم حوصله شدن و کمبود بودجه و شاید افزایش شبکه جنسی از کار به تلویزیون آمد که جنس خارجی داشت مبتنی بر بازیگری که به عمو خاله‌های تلویزیون معروف شدند. اما آن کارکردهای محتوایی و هویتی که در چند دهه گذشته بود را نداشتند.

باطنی با اشاره به تمرکز در حوزه کودک و نوجوان در سپهر رسانه‌های سازمان صداوسیما، تأکید کرد: اگر امروز بخواهیم درباره کودک در تلویزیون صحبت کنیم فقط نباید درباره شبکه کودک صحبت کنیم. مادر حوزه کودک و نوجوان در کل سپهر سازمان صداوسیما مجموعه‌ای از اتفاقات را داریم که در دوره جدید با همیت و جدیتی پیگیری می‌شود. اما اتفاق دیگری همزمان افتاد؛ آن بزرگان و کسانی که در دهه ۶۰ و ۷۰ کارهای ماندگاری ساختند خودشان را با کودک در حال رشد، رشد ندادند و در واقع آن تجربه زیستی‌شان با کودک و نوجوان، نو به نو نشد.

وی خاطر نشان کرد: ما مجموعه‌ای از آثار را در پلتفرم‌ها دیدیم که ظاهراً کودک است چون متخصص این عرصه تولید کرده اما محتوا بزرگسال است. کودک می‌بیند جذب آن می‌شود اما قهقهه را بزرگتر می‌زند. در آنتن هم آرام آرام کارهای عروسکی و کودک به سمت بزرگسال رفتند و البته این فضا بیشتر در پلتفرم‌ها وجود دارد. ما در شبکه کودک فعالیت تخصصی که دوست ما آقای سرشار در شبکه شروع کردند این ریل را با مجموعه‌ای از ارتقاها در دوره تحول ادامه می‌دهیم؛ مبنای‌مان ورود به قصه و جهان خیال و رویاست. بازگشت و احیای حوزه‌های نمایشی روی آنتن و بازگرداندن حوزه عروسکی به کودک با تجربه عروسک‌خونه و خانه آب‌نباتی اتفاق افتاد.

مدیر شبکه امید و کودک گفت: نکته‌مان این است که امثال سیدجواد هاشمی که عمر خودشان را در حوزه کودک و نوجوان گذاشتند به نظر من در طی دورانی که در سینما رشد کردند سن دغدغه‌ها، مسائل و نحوه پرداخت‌شان در حوزه کودک و نوجوان، بزرگسال شد. این بزرگان شاید کماکان برای بچه‌ها، دیدن و کار کردن‌شان برای کودک و نوجوان خاطره ایجاد می‌کند، اتفاقاً به خاطر نو به نو نشدن هنوز می‌خواهند با همان سلیقه و تجربه دهه ۷۰ و ۸۰ مخاطب را پای آنتن نگه دارند. اینجا است که نیاز به فکر جدید است.

وی ادامه داد: بدون شک تجربه بزرگان حوزه کودک لازم و ضروری است. از روزی که به شبکه کودک آمدیم با تعداد بسیار زیادی از برنامه‌سازان، تولیدکنندگان، مجریان، بازیگران و درام‌پردازها و قصه‌نویسان گفت‌وگو داشتیم و از آنها مشورت گرفتیم. امروز این تجربیات باید وسط میدان باشند و

این بی‌هنری من است اگر نتوانم آن تجربیات گرانسنگ را در کنار این افکار نو و بالنده قرار دهم و پیش ببرم.

سیدجواد هاشمی در واکنش به صحبت‌های باطنی گفت: شما در میان صحبت‌هایتان خیلی نرم به مضمین برومند و کاری که در پلتفرم داشت پرداختید و حتی نسبت به خود من نکته‌ای گفتید که من کودک و نوجوان را نمی‌شناسم. ۳۰ سال است افتخار معلمی دارم و همچنان با این بچه‌ها به اردو می‌روم. کودک و نوجوان را همیشه خوب می‌شناختم و می‌شناسم. من خودم مدعی آن هستم پرهزینه‌ترین کارهای کودک و نوجوان کار بنده بوده و ناگفته نماند چه بلاهایی بر سر من آمد تا این کارها به سر منزل برسند و اکران شوند. من همیشه سعی کردم شتر گاو پلنگی باشد که خانواده بچه را به سینما بیاورد. اما هیچ وقت تلویزیون تیزرهای مرا پخش نکرد! وی افزود: شما در تلویزیون مجبور نیستید این کار را بکنید. من همیشه خصوصی فیلم می‌سازم و شما دولتی! اگر من سیدجواد هاشمی پول کافی داشتم حتماً کارهای ذی‌قیمت در شأن و منزلت کودکان سرزمینم می‌سازم اگر خانه شخصی و ماشینم را فروخته باشم یقیناً کاری می‌سازم فقط کودک ببیند. از کارهای ترکیبی و داستانی نام بردید که به اندازه یک پنجم یک فیلم سینمایی من بودجه نداشته است. یعنی شما بچه‌ها را دست کم گرفتید.

بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون خاطر نشان کرد: اگر تأمین برنامه نتواند کارتون و انیمیشن‌شان را دوبله کند هیچ چیز برای گفتن ندارد. تمام این کارهایی را که نام بردید کارهای عمیقی نیستند که به بچه‌ها نفوذ کنند و برای آنها تأثیرگذار باشند. من «آهوی پیشونی سفید» می‌سازم که بچه‌ها ۳۰ بار آن را می‌بینند اما کاری که در تلویزیون تولید می‌کنید یک بار اگر ببینند خیلی شانس آوردید. خواهش می‌کنم از کاری که فشل است تعریف نکنید.

وی افزود: من برای شما (باطنی) فیلم نمی‌سازم برای تلویزیون هم فیلم نمی‌سازم. برای کسی فیلم می‌سازم در خانهاش اسم خدا نیست. در فیلم «پیشونی سفید» سرش را بالا می‌آورد و می‌گوید خدا کمک کن و خدا کمکش می‌کند. یا در قصه «تورنادو» جایی می‌گوید خدا کم آوردم؛ خدا کمکش می‌کند. من این حرف‌ها را در کارهایم مطرح می‌کنم؛ این فرهنگ‌سازی نیست!؟

باطنی در واکنش به صحبت‌های سیدجواد هاشمی، گفت: ما سال گذشته (شبکه کودک) کنار دو انیمیشن خوبی بودیم یکی پسر دلفینی و دیگری لوتو؛ یک رونقی را در حوزه انیمیشن ایجاد کردند. مفصل روی آنتن تبلیغ شدند. شبکه کودک الان خودش را کنار افراد و آثاری می‌داند که بتواند با خیال راحت تبلیغ آنها را بکند.

سیدجواد هاشمی در ادامه برنامه، گفت: من ۸ فیلم سینمایی ساختم و در هر کدام از آنها سعی کردم قهرمان معرفی کنم. اما باید سلیقه کودکان را ببینیم. آنها امروز «باب اسفنجی» را چند باره می‌بینند چون سرگرم‌شان می‌کند. من مگر چقدر پول دارم و می‌توانم جذب سرمایه کنم؟ وقتی می‌روم فارابی می‌گویم می‌خواهم «شهر الاغ‌ها» را بسازم می‌گویند نسا! متن را نخوانده می‌گویند. کارهایی که به ارتقاء قوه خیال‌انگیزی کودکان کمک می‌کند.

رسیدن به «نقطه سرخط»

ایرنا- شورای فرهنگ عمومی کشور زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران (ماده ۱ آیین نامه) و رئیس این شورا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است (ماده ۳ آیین نامه). در ششصد و شصتیمین جلسه شورای فرهنگ عمومی، روز چهاردهم آبان به نام «فرهنگ عمومی» نامیده شد. به این بهانه، به آسیب های این بخش پرداخته و راهکارهایی تبیین می شود.

تعریف فرهنگ

واژه فرهنگ مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف شده است (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۶). «هنگ» را از ریشه «تنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرختن و فرهنگ ذکر می کند (فرهنگ دهخدا، ۱۳۷۷). معنای اصطلاحی فرهنگ عبارت است از «مجموعه ای از آداب و رسوم، عقاید و افکار، پندارها و باورها، گفتارها و کردارها ابداعات و اختراعات، هنجارها و اعتقادات، هنر و ادبیات است که طی زمان در جامعه شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و عموم اعضای جامعه آنها را بصورت عادت به منصف ظهور می رساند» (درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران، ۱۳۸۹).

آسیب شناسی فرهنگ عمومی

تفاوت ها و یا شکاف هایی معنادار میان نسل های مختلف جامعه وجود دارد. نسل کودک جامعه ایران با نسل نوجوان، جوان، میانسال و پیر تفاوت های قابل توجهی در باور و رفتار دارند. به عنوان نمونه موضوع «موش مصنوعی» کودکان ما را به خود مشغول کرده که در آینده نه چندان دور ثمرات قابل توجهی خواهد داشت. اگر یک نسل با نسل قبل خود از نظر ارزشی و نگرشی تفاوت داشته و آرمان های دیگری را پیگیری کنند، معنایش این است که «فاصله یا گسست نسل ها» پدید آمده است. مطلب دیگر که بسیار اهمیت دارد، وجود «شکاف درون نسلی» است که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد.

شکاف میان نسل ها و تفاوت در انتظارات، برنامه ها و اهداف، موجب «شکاف فرهنگی» در جامعه خواهد بود. به هر اندازه که تفاوت نسل های بیشتر باشد، شکاف فرهنگی نیز عمیق تر خواهد بود. شکاف فرهنگی در یک جامعه، به طور حتم پیامدهایی خواهد داشت که گاهی خطرناک خواهد بود. پیامدهایی که در برخی حوزه ها مانند حوزه جامعه شناسی، حوزه روان شناسی و حوزه علوم تربیتی قابل مطالعه و بررسی دقیق است. برای آزمون جامعه در این موضوع به این عبارت ساده توجه کنید: اگر مسائلی در حوزه فرهنگ عمومی از حاکمیت و یا نسل فراتر به نسلی دیگر ابلاغ شود ولی آنها بدون توجه به ابلاغ، مسیر و برنامه دیگری را پیگیر باشند، بدانیم «گسست فرهنگی اتفاق افتاده است». هر چه نگرش ها و تفاوت ها بیشتر باشد، شکاف فرهنگی نیز عمیق تر خواهد بود.

با توجه به وجود شکاف بین نسلی در جامعه ایران و دغدغه های موجود در این بخش، چند راهکار بنیادین و مهم تبیین می شود:

یک. یکی از مهم ترین وظائف در جهت تقویت فرهنگ عمومی، «مطالعه دائمی وضع فرهنگ عمومی کشور» است. مطالعه منطقی و دائمی وضع فرهنگی عمومی در کشور

اهداف فرهنگی، «هنر شناخت و درک» کافی از موضوع بحث است. با توجه به مثال مرسوم «ثبت العرش (الارض) ثم انقش»، ابتدا باید بدانیم در چه زمینی در حال ایفای نقش هستیم. تا زمانی که شناخت کافی از مردم صورت نپذیرد، هدایت فرهنگی مردم نیز بر زمین خواهد ماند. البته شناخت و درک به آسانی صورت نخواهد گرفت بلکه باید از مسیر درست علمی خود انجام شود. استفاده از علوم مختلف تجربی و غیر تجربی می تواند موجب این شناخت شود.

به عنوان نمونه، دانش «روان شناسی رشد» که اندیشمندان مختص به خود دارد، موجب شناخت دقیق روان نشاختی نسل ها و دوره های مختلف رشد از بدو تولد تا پیری می شود. دانستن دقیق و عمیق این دانش در کنار دانش های جامعه شناختی و غیره می تواند موجب شناخت و درک بهتر از موضوع بحث های فرهنگی یعنی مردم یک جامعه ایفا نماید. سه. حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی عصر یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۷ در دیدار صدها نفر از استادان، اعضای هیأت های علمی و پژوهشگران دانشگاه ها و مراکز علمی، دانشگاه راز مراکز بسیار مهم «تربیت قوه عاقله کشور» خواندند و با تبیین سه ضرورت اساسی دانشگاه ها یعنی «درگیر شدن با مسائل و چالش های کشور»، «تربیت فرهنگی، اخلاقی و هویتی دانشجویان» و «تحول دائم و اصلاح مستمر در محیط های دانشگاهی» تأکید کردند: «مسائل و مشکلات کشور باید عالمانه حل شود و استفاده از توانایی ها و ظرفیت های دانشگاه ها و اساتید و دستان توانا و مستعد جوانان پرتلاش و پراگنده در این مسیر، بسیار اساسی و مهم است».

برای اجرایی شدن فرمایشات رهبری در این حوزه، دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی می توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. به عبارتی دیگر، اگر مدیران مراکز علمی به وظائف ابلاغی خود در مواردی مانند «ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه»، «آمایش آموزش عالی» و «طرح جامع تحقیقاتی اعضای هیأت علمی» توجه کند و «جهت اقدام لازم» را خود به عهده گرفته و به درستی اجرایی نمایند، به طور حتم بخش فرهنگ عمومی جامعه دینی ما نیز از ثمرات آنها بهره مند خواهد شد.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از مهم ترین چالش های فرهنگ عمومی جامعه ایران شکاف بین نسل های آن است. گسسته شدن میان نسل ها، موجب عدم درک آنها نسبت به یکدیگر و در نتیجه، عدم تعامل سازنده می شود. اولین قدم برای هدایت فرهنگ عمومی جامعه، جمع آوری اطلاعاتی درست درباره نسل های حاضر آن است. این اطلاعات نباید توسط یک طیف اجتماعی صورت گرفته بلکه از اندیشمندان متخصص در این زمینه باید استفاده شود. طبق فرمایشات مکرر رهبری، دانشگاه ها و مراکز علمی مرتبط، مغز محرک جامعه بوده و باید نسبت به این چالش فرهنگ عمومی در جامعه احساس مسئولیت عمیق نمایند. در صورت اجرای دقیق بخشی از آیین نامه های مراکز علمی، ثمرات آن را در جامعه و به خصوص بخش فرهنگی جامعه مشاهده خواهیم کرد. قابل توجه است که همه این ها به این مهم بستگی دارد که در مراکز علمی از چه مدیرانی استفاده شد؟! ضمن تقدیر از بخش قابل توجهی از آنها، مع الاسف در این قسمت باید تاملی دیگر داشته و به عبارتی دیگر، «نقطه سر خط» را بیابیم.

موجب می شود درک درستی از نسل ها صورت گرفته و با توجه به دغدغه ها، برنامه ریزی مناسبی صورت پذیرد. دومین نکته مهم، «هدایت فرهنگ عمومی» با «تهیه و تدوین طرح ها» است. در این صورت، وضعیت فرهنگی جامعه رها شده به نظر نرسیده و مردم متوجه یک مدیر در این بخش خواهند شد. سومین مطلب مهم، «همانگی دستگاه های دولتی» برای اجرای اهداف فرهنگ عمومی در جامعه است. این فرایند، با اهتمام و برنامه ریزی منسجم و دقیق قابل اجراست که البته در موارد فراوان دیگری نیز این همانگی ها مشاهده شده است. مطلب مهم دیگر، توجه به «عدم مغایرت آنها با اصول سیاست فرهنگی کشور» است. در نهایت، «اتخاذ سیاست های تشویقی به منظور شکوفایی فرهنگ عمومی» نیز اهمیت بسزایی دارد. به نظر می رسد با اجرای دقیق این فرایند، فرهنگ عمومی در جامعه مسیر درستش را یافته و اهداف این بخش قابل اجرا خواهد بود.

لطفاً به این مطلب توجه فرمایید که آنچه در این بخش به عنوان گام ها و اصطلاحات تبیین نمودم، آیین نامه شورای فرهنگ عمومی است. طبق ماده ۲ آیین نامه شورای فرهنگ عمومی که در جلسه مورخ ۱۰/۲۱/۱۳۹۷ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید وظایف شورای فرهنگ عمومی عبارتند از:

الف- مطالعه دائمی وضع فرهنگ عمومی کشور، ارزیابی آن و بررسی مداوم و چگونگی اجرای اصول سیاست فرهنگی کشور و تهیه گزارش نوبه ای (سالانه) و ارائه آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ب- برنامه ریزی و هدایت فرهنگ عمومی به منظور تحقق اهداف و اجرای سیاست های فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ج- تهیه و تدوین طرح هایی برای هماهنگ کردن کوشش های فرهنگی و هنری و تبلیغی در سازمان ها و مراکز رسمی فرهنگی و هنری در جهت اعتلای فرهنگ و هنر و بهبود کیفیت آنها و پیشنهاد طرح ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی. د- فراهم کردن زمینه همکاری و هماهنگی دستگاه های دولتی در اجرای آن بخش از وظایف آنها که راجع به گسترش، ارتقاء و تعمیق فرهنگ عمومی است.

ه- بررسی آثاری فرهنگی مرتبط بر سیاست ها و اجرای طرح ها و برنامه های اقتصادی، اجتماعی به منظور اطمینان از همسویی و عدم مغایرت آنها با اصول سیاست فرهنگی کشور و ابلاغ نتیجه به دستگاه های اجرایی.

و- اتخاذ سیاست های تشویقی به منظور شکوفایی فرهنگ عمومی در ابعاد مختلف آن.

ز- اظهار نظر نسبت به موضوعات، طرح ها و گزارش های راجع به فرهنگ عمومی کشور که از طرف مراجع ذی صلاحیت به شورا ارجاع می شود.

ح- پیشنهاد تحقیق در مسائل مهم فرهنگی و همکاری با شورای پژوهش های علمی کشور برای ایجاد هماهنگی در برنامه های تحقیقاتی فرهنگی و هنری.

بنابراین، پیشنهاد می گردد برای اجرای اهداف فرهنگی در جامعه اسلامی ایران، از مدیران و متولیان استفاده شود که اهل درایت در شناخت وضعیت فرهنگی جامعه و اجرای آیین نامه با روش هایی جذاب باشند.

دو. یکی از مهم ترین مقدمات رسیدن به هر امری از جمله

در نقد «ماکارونی با سس مشاعره» عنوان شد

مشکلات نویسنده کودک و نوجوان برای ترسیم عشق



و نویسنده در نوشتن قصه برای کودک و نوجوان برای ترسیم عشق و ورود به حوزه‌های ممنوعه‌ای چون گفتن ناسزا که بین بسیاری از بچه‌ها رایج است، با مقاومت روبه‌روست.

مشام راوی پر از فرهنگ است

وحید نیکخواه آزاد، نویسنده و فیلمساز در نشست نقد و بررسی رمان «ماکارونی با سس مشاعره» با بیان اینکه ادبیات و سینما باغ گل سرخی است که بهتر است به جای کشف رازها و خارهای آن در لذت خواندن و دیدنش شناور باشیم، گفت: مشام راوی این رمان پر از فرهنگ است و شاهکار کتاب، یک‌دفعه رو کردن «سهراب» است که ما بدون دیدن او دل‌بسته‌اش می‌شویم و بعد می‌فهمیم که وی ناپیاست؛ کسی که در مقایسه با دیگران نقصی دارد، از همه یک سر و گردن بالاتر است و این‌ها به مخاطب انگیزه می‌دهد؛ چرا که همه ما بویژه نوجوانانی که اهل مشاعره و کتاب و حافظ هستند، می‌خواهیم زندگی‌هایمان را پربارتر کنیم.

نشست نقد و بررسی رمان «ماکارونی با سس مشاعره» نوشته زهره مسکنی از نشر پیدایش، به مناسبت «روز عسای سفید» و همزمان با هفته نابینایان با اجرای حسین مسعودی آشتیانی، نویسنده، مترجم و منتقد و حضور نویسندگانی چون محمود برآبادی، مصطفی علیزاده، فرزانه رحمانی، معصومه نوازنی، شیرین صفایی، حوریه حافظیان، فاطمه رضایی و جمعی از دانش‌آموزان نابینا، نوجوانان و خوانندگان این رمان برگزار شد.

در ادامه این نشست، سلاله حقی، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به بوه‌ها و مزه‌های مختلف جاری در اثر زهره مسکنی گفت: بوی کنتل، ماکارونی با سس، همبرگر، چیزبرگر و بسیاری بوه‌ها و مزه‌های دیگر در این رمان، ما را از بو و مزه مدرسه بی‌نیاز می‌کند و این کتاب برای کسانی نوشته شده که تازه وارد یک مدرسه شده‌اند؛ اسمشان عجیب و غریب است، توان‌خواه هستند یا به هر دلیلی با بقیه فرق دارند و آدم جدیدی هستند که با بقیه سر ناسازگاری دارند.

حقی با اشاره به اهمیت چاقی و لاغری به عنوان یکی از شاخص‌هایی که نوجوانان بویژه خانم‌ها دائم خودشان را با آن می‌سنجند، اضافه کرد: عصیان، گیجی، دستپاچگی، مبهوتی، از خود بی‌خاری، عشق دوران نوجوانی و مواردی از این قبیل، در این رمان به تصویر کشیده شده و تناقض‌های ناشی از روحیه یک دختر نوجوان، شگفتی از نوع ارتباط با توان‌خواهان، تلخی و زهرآلودی و بدجنسی نوجوانان در حق یکدیگر هنگام ورود یک شخص جدید یا خروج کسی از عرف، از طریق دیالوگ‌های رمان مشهود است.

تحمیل زبان منزه

محسن هجری، نویسنده و پژوهشگر نیز در این نشست با اشاره به یک مشکل فرامتنی که ادبیات کودک و نوجوان از آن رنج می‌برد، گفت: مشکل، زبان منزهی است که به این ژانر تحمیل می‌شود؛ چرا که در این عرصه، به آسانی نوشتن از عشق با دو نظام ممیزی رسمی و جامعه سنتی یا خانواده مواجه است

در نقد رمان «ماکارونی با سس مشاعره»، محسن هجری از مشکلات نویسنده ادبیات کودک و نوجوان برای ترسیم عشق و ورود به حوزه‌های ممنوعه‌ای چون گفتن ناسزا که بین بسیاری از بچه‌ها رایج است، سخن گفت.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، رامبد خانلری، نویسنده و منتقد در نشست نقد و بررسی رمان «ماکارونی با سس مشاعره» نوشته زهره مسکنی که در کتابفروشی نشر چشمه کارگر برگزار شد، پیش‌تولید کار کودک و نوجوان را فرایندی بسیار عظیم، حرفه‌ای و پیچیده دانست و گفت: شرط موفقیت یک داستان، همراهی مخاطب با آن است و کتاب «ماکارونی با سس مشاعره» امکان همراهی خودش با من را مهیا کرد که چون هنر داستان‌نویسی ارتباط مستقیمی با لذت دارد، اینکه از داستانی لذت ببریم، از نکات مثبت آن است.

او در ادامه با بررسی کدها و کلیدواژه‌ها، اتمسفر و زمان‌های مختلف رمان «ماکارونی با سس مشاعره»، بر ضرورت نوشتن داستان نوجوان مطابق با نوجوانان امروزی تأکید کرد و افزود: این داستان یک برگ برنده دارد که خیلی صمیمی است و لذت این صمیمیت باعث می‌شود داستان را دوست داشته باشیم؛ اما چیزی که بین من و داستان فاصله می‌اندازد، این است که راوی داستان، خودش حرف نمی‌زند و این نویسنده است که به جای راوی صحبت می‌کند.

این کتاب برای کسانی است که با بقیه فرق دارند

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران خبر داد اکران اشعار ۱۲۰ شاعر معاصر در تهران حواشی اشعار «فروغ و سهراب» اجحاف در حق شعر و ادبیات بود



مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران با اشاره به اکران اشعار ۱۲۰ شاعر در سازه‌های تبلیغاتی شهر تهران در قالب پویش «شهر شعر» از ساخت المان قرآنی و مؤذن در شهر تهران خبر داد.

به گزارش ایسنا، رضاصیادی در نشست خبری پویش «شهر شعر» در تشریح جزئیات برگزاری این پویش در شهر تهران گفت: سال‌ها بود در شهر تهران آرزو بود که مجموعه‌ای از اشعار شاعرهای مختلف اکران شود و شهر را به بستری برای ادای دین به شعر فارسی تبدیل کنیم. با وجود دو رخداد طوفان الاقصی و قتل مرحوم مهرجویی پویش شهر شعر آغاز شد و هر چند که حواشی در خصوص آن مطرح شد و به این حواشی پاسخ دادیم. در حقیقت در مورد فروغ فرخزاد و سهراب سپهری حواشی مطرح شد که پاسخ دادیم و این حواشی را البته اجحاف در حق شعر و ادبیات کشور می‌دانیم. امروز باید به متن وارد شویم و درباره اصل موضوع برگزاری این پویش صحبت کنیم.

وی افزود: از حدود ۱۲۰ شاعر در این مجموعه آثاری انتخاب و بر روی حدود ۱۰۰۰ تابلو در تهران نصب شد. تلاش کردیم در این پویش همه سلاطین را تحت پوشش قرار دهیم و کسانی که به این مجموعه نگاه می‌کنند این تلاش را که به سمت و سوی خاصی متمایل نشده‌ایم، می‌بینند. وی ادامه داد: تلاش شده که حجم اشعار در قالب‌ها و گونه‌های مختلف متناسب باشد و به این ترتیب شعر عاشقانه، آئینی و سیاسی در این مجموعه داریم که در کنار هم سمفونی را شکل می‌دهند و موضوع دیگری که مورد توجه قرار گرفت استفاده از بانوان شاعر در این کمیسیون بود که مورد توجه قرار گرفت.

به گفته وی، بی تردید نقدهایی در همه کارها وجود دارد که به ما نیز وارد است اما تلاش می‌کنیم از آنها بیاموزیم و امیدواریم با کمک رسانه‌ها این پویش بیش از پیش دیده شود. برای تکریم ادبیات و فرهنگ شعر پارسی باید از حواشی که البته به آنها پاسخ داده شده عبور کنیم و به اصل موضوع بپردازیم.

مدیرعامل سازمان زیباسازی در تشریح روند انتخاب اشعار گفت: در سازمان زیباسازی شورای فرهنگی داریم که در مورد تبلیغات فرهنگی راهبردها را تنظیم می‌کند و معاون فرهنگی شهرداری تهران بخش مهمی از این اتاق فکر را هدایت می‌کند. در این پویش تلاش شد از ظرفیت شاعران و ادیبانی که در این حوزه صاحب‌نظر هستند بهره بگیریم. بر همین اساس از آقای اسفندقه که مشاور شهردار تهران است کمک گرفتیم.

صیادی عنوان کرد: شاعران در اتاق فکر نظرات خود را ارائه کردند تا به ساختاری برای انتخاب برسیم. مبدا زمانی را شهریار در نظر گرفتیم و مقصد را شاعران دهه شصتی، این بازه زمانی انتخاب شد و بالغ بر ۵۰۰ اثر وارد اتاق فکر شد و پس از بحث و تبادل نظر مفصل نهایتاً ۱۲۰ اثر برای اکران فرهنگی در شهر تهران انتخاب شد.

وی تاکید کرد: نگاه این بود که در انتخاب شعر برای

وی ادامه داد: مجموعه آثار این پویش در اختیار معاونت فرهنگی مترو گرفته و اکران آن ظرف روزهای آینده در مترو نیز آغاز خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه برخی از اکران‌ها بر روی سازه‌ها در نقاط مرتبط انجام خواهد شد، افزود: در حقیقت اکران سازه‌ها را هوشمند کردیم و در نقطه‌های هدف این پویش به صورت هوشمند اکران شده است. مثلاً در مسیر شهر ری شعری از آقای مهدی نژاد در مورد سید الکرم به اکران درآمده است. همچنین اجرای پویش‌های تعاملی را در دستور کار داریم تا بیلبردهای سطح شهر کارکرد پیدا کند. مثلاً در اکران اماکن دیدنی تهران سامانه خدماتی که محصولی ارائه می‌کند و یا استفاده از کیو آر کدها در قالب پویش‌های تعاملی اجرایی شد و برای پویش شهر شعر نیز در تلاش هستیم که از پویش تعاملی در آینده بهره بگیریم. پویش شهر شعر بازخوردهای بسیار خوبی را از حوزه‌های مختلف داشته است.

به گزارش ایسنا، در بخش دیگری از این نشست مرتضی امیری اسفندقه مشاور شهردار تهران نیز در خصوص پویش شهر شعر گفت: شهرداری با زبان شعر همدلی و همراهی با شهروندان را در دستور کار قرار داده تا در تردد شهروندان و ترافیک این همدلی و همراهی مورد توجه قرار گیرد. این پویش در حقیقت غلبه بر متن است نه عکس و نام شاعر این پویش نگاه‌ها را به خود جلب کرده و شهرداری در قامت «شعرداری» قرار گرفته تا یادآور شود شهروندان «شعروندان» هم هستند و شهروندان با نگاه به این سازه‌ها و شعرها که در بالاترین نقاط شهر قرار گرفته در حقیقت نگاه‌ها را آسمانی کرده است. به این بیت‌ها که بالا کشیده شده است پناه می‌بریم و احساس آرامش به دست می‌آوریم. وقت آن رسیده است که با شعر نسل انقلاب آشنا شویم. کار خوبی که شروع شده و باید بال و پر آن باز شود و نباید بال و پر آن را بزنینیم.

رساندن معانی دقت شود. در حال حاضر به شدت در سازه‌های تبلیغات محیطی دچار مناسب زدگی هستیم و زمان خلوتی که بتوان تمرینی را بالا بیآوریم بسیار کم است. حجم اکران‌ها زیاد است، لذا از این فرصت استفاده کردیم که همه سلیقه‌ها را پوشش دهیم. در اجرای پویش شهر شعر تلاش شد در سازه‌های پیاده محور بیشترین استفاده را داشته باشیم تا کامل تر شعرها دیده شود و شعرهای کوتاه‌تر را در بزرگراه‌ها قرار دادیم.

وی ادامه داد: در مورد کمیسیون شهر قرآنی تلاش کردیم که در همه مناسبت‌های خود نگاه قرآنی را داشته باشیم که البته در مناسبت ماه رمضان این نگاه بیشتر مشهود است.

صیادی از تلاش برای ساخت یک نماد قرآنی در تهران و همچنین ساخت المان مؤذن در میدان نماز تهران خبر داد و افزود: این دو المان برای ساخت و نصب در تهران مورد توجه قرار گرفتند و ساخت آنها در دستور کار است. پویش شهر شعر حداقل تا ۱۰ روز آینده در شهر تهران ادامه دارد و با بروز رسانی و جایجایی سازه‌ها با هدف خوب دیده شدن این پویش اجرا خواهد شد و اساساً در نظر داریم شعری که از اولویت‌های کارهای فرهنگی سازمان باشد. در مورد نگاه‌های موضوعی نیز این بحث وجود دارد و تلاش خواهیم کرد در مناسبت‌های مختلف همچون مناسبت‌های دفاع مقدس اشعار این حوزه را در تهران اکران کنیم.

وی ادامه داد: توسعه کمیسیون در سایر رسانه‌ها با توجه به استقبالی که انجام شده پیگیری می‌شود به شکلی که صدا و سیما موشن‌هایی از این پویش را در شبکه‌های مختلف پخش می‌کند و شعر در کنون توجهات قرار گرفته و این موضوع دست ما را برای حرکت‌های بعدی باز می‌کند. در گام اول تاکید داشتیم عکس شاعران در بیلبردها قرار بگیرد تا بگوئیم شاعران هم قهرمانان شهر هستند. قرار نیست تنها عکس بازیگران که البته آنها نیز عزیز هستند در تابلوهای تبلیغاتی شهر نصب شود.

نگاهی به کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» سبک زندگی صهیونیست‌ها در بوته نقد



میخائیل که پهنای صورتش از اشک خیس شده بود بلند شد. اشک‌هایش را پاک کرد و از جیب بالاپوش بلندش بطری آب مقدس را خارج کرد. بدون آن که به پرستار نگاه کند، به سمت اتاق عمل حرکت کرد. بالای سر میشل ایستاد. قطراتی از آب مقدس را روی پیشانی و سینه میشل چکاند. در حالی که روی لب اذکاری را به زبان عبری از کتاب مقدس تلاوت می‌کرد، انگشت سبابه‌اش را با آب مقدس، تر کرد و روی پیشانی و سینه نوزاد تازه به دنیا آمده‌شان مالید.

خم شد و ابتدا گونه‌ها و پیشانی میشل و سپس سینه نوزادش را بوسید. دکتر و پرستاران از اتاق بیرون رفتند و خانواده جوان را تنها گذاشتند. نوزاد پسری را که مثل قرص ماه می‌درخشید، بین حوله‌ای سفید پیچانده و به آغوش پدر سپردند.

یکی از پرستاران با سینی استیل تمیزی وارد اتاق شد. روی سینی، شیردوشی قرار داشت. پرستار مشغول دوشیدن شیر میشل شد که بی‌حال روی تخت دراز کشیده بود و به‌سختی با گوشه چشم به میخائیل و پسرش نگاه می‌کرد.

شیرهای غلیظ زردرنگ، کم‌کم سفید و رقیق شدند. پرستار به اندازه یک بند انگشت از شیرهای تازه‌ای که نرم و رقیق شده بودند، دوشید و آن را داخل قطره‌چکان ریخت. همان طور که نوزاد در آغوش پدرش بود، نوک قطره‌چکان را روی لب‌های کوچکش گذاشت و به آرامی دوسه قطره روی لب‌های پسر زیباروی میخائیل چکاند.

فعالیت‌های غیر انسانی در خصوص مردم دنیا نویسنده برای فضا سازی و روایت داستان خود، از اسناد تاریخی موثق استفاده کرده است؛ به طوری که اکثر اسامی و شخصیت‌های داستانی با اسامی و مشخصات حقیقی خود وارد داستان می‌شوند و بر مدار تخیل نویسنده نقششان را ایفا می‌کنند.

«پرونده فوق سری ۲۰۴۰» حاوی عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی و مهیج است که با کشمکش‌های داستانی مخاطب را در جریان جنایات رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد. نویسنده در قالب داستان، سبک زندگی صهیونیست‌ها را به بوته نقد می‌کشد. آن نگاه بسیار تبعیض‌آمیز به جنسیت و برتر دانستن جنس مذکر و مراسم خرافی که در پوشش دین به خورد مردمشان می‌دهند. قنبری زاویه دانای کل را برای داستان انتخاب کرده تا بتواند در نگارش کار اختیار و انعطاف بیشتری داشته باشد.

در قسمتی در این کتاب می‌خوانیم:

عقره‌های ساعت عدد ده و بیست و دو دقیقه شب را نشان می‌دادند. صدای گریه نوزاد تمام سالن را پر کرد. میخائیل روی زانوهایش نشست و کتاب مقدس را به صورت چسبانند. سرش را به نشانه شکر گذاری تا سینه پائین آورد. یکی از پرستاران که بسیار محجبه بود از اتاق عمل خارج شد و به میخائیل مژده سلامتی میشل و پدر شدنش را داد و با خوشحالی از او دعوت کرد: «بفرمایید داخل جناب میخائیل، همسر و پسر تون منتظر شما هستند.»

شخصیت اصلی داستان یا همان بنیامین، دقیقاً در همان ساعت و دقیقه‌ای که امام خمینی (ره) علیه از دنیا می‌روند، به دنیا می‌آید و تحت شدیدترین مراقبت‌های موساد زندگی می‌کند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی تسنیم، بیش از ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد. در این مدت، بسیاری از مورخان و محققان در مقطعی همچون ترور شهدای هسته‌ای و غیره بر این مهم تأکید کردند که در پس پرده بسیاری از مخاطراتی که برای انقلاب پیش آمده همواره صهیونیست‌ها یک طرف این ماجرا بودند. برای انتقال و درک این سطح از دشمنی و خصومت علیه ملت ایران توسط رژیم کودک‌کش صهیونیستی، آن چیزی که می‌تواند بیشتر از هر روشی به این موضوع کمک کند، مستندنگاری اسناد این جنایات است. یکی از تلاش‌هایی که در این مسیر انجام گرفته، نگارش کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» به قلم محمد قنبری است که به شیوه‌ای جالب، با داغام اسناد معتبر و عناصر داستانی به نقش موساد و رژیم غاصب اسرائیل علیه کشورمان پرداخته است.

سیزدهم خرداد سال ۱۳۶۸ هجری شمسی مردی بزرگ از دنیا رفت. در همان شب در سراسر دنیا ۱۲ نفر یهودی متولد شدند. یازده پسر و یک دختر! در بین آنها فقط یک پسر بود که در اجداد پدری و مادری اش اصالت یهودی‌اش اثبات شده بود و از وفاداران به صهیونیسم بودند. اسمش را بنیامین گذاشتند. او که در ساعت و دقیقه‌ی روز خاصی به دنیا آمده بود و از طرفی هوش بسیار فعالی داشت، مورد توجه موساد قرار می‌گیرد.

شخصیت اصلی داستان یا همان بنیامین، دقیقاً در همان ساعت و دقیقه‌ای که امام خمینی (ره) از دنیا می‌روند، به دنیا می‌آید و تحت شدیدترین مراقبت‌های موساد زندگی می‌کند. بر اساس برنامه طراحی شده آنها زندگی می‌کند. والدین او هر دو کارمند موساد هستند. مادرش نسبت به تبعیض جنسیتی یهود نسبت به دختر و پسر ناراحت است و دائماً همسرش و منابع دینی‌شان را مورد سؤال و مقایسه قرار می‌دهد. به همین خاطر در بخشی از کتاب برخی از رسوم و آداب صهیونیست‌ها در خصوص تبعیضات جنسیتی از زبان او برای مخاطب بیان می‌شود.

بنیامین تحت حرفه‌ای ترین و پیشرفته‌ترین آموزش‌های عمومی، تخصصی و اطلاعاتی قرار می‌گیرد. رژیم غذایی، تردها، حتی منابع مطالعاتی و رسانه‌های اش به دقت سانسور می‌شود. تحصیلاتش از پیش دبستانی تا قبل از دانشگاه در اسرائیل به اتمام می‌رسد و برای ادامه تحصیل راهی اروپا می‌شود. او تحت تأثیر مادرش، به دنبال کشف حقیقت‌های دین و آئینش می‌پردازد. در دانشگاه عاشق دختری مسیحی به نام مریا می‌شود که با همراهی هم مسیر کشف حقیقت را طی می‌کند.

در فصول مختلف زندگی بنیامین و جنایات رژیم صهیونیستی در قالب داستان روایت می‌شود. از ایفای نقش در ناآرامی‌های مدنی ایران تا ترور دانشمندان هسته‌ای و

رامهریزی مطرح کرد:

ویرایش کتاب‌های خاطره‌نگاری به نثر بی‌رمق جان می‌بخشد



به بهانه ویرایش یا گویاسازی اطلاعات یا جذاب‌سازی روایت تقریباً هیچ‌یک از ویژگی‌های زبان گفتار از خطر دخل و تصرف‌های ویراستارانه یا نویسندگان خاطرات راویان در امان نمانده و شاهد آن هستیم که یا زبان راوی به زبان معیار رسمی و گاه حتی به زبان معیار ادبی، نزدیک و سپس بازنویسی می‌شود یا به خاطرات چیزهایی افزوده یا از آنها کاسته شده است.

شیوه‌نامه‌ها، با وجود کاستی‌هایشان، لازم است منتشر شوند تا مشکل ضعف نگارش برخی کتاب‌ها حل شود. در ادامه این نشست جمشیدی گفت: محفوظ‌ماندن زبان گفتار راوی، ضرورت رسمیت‌بخشی به زبان گفتار در کتاب‌های خاطره و تعریف دقیق آن و تهیه و تدوین شیوه‌نامه ویرایش این زبان از دلایل تهیه این شیوه‌نامه است. در کتاب‌های پرشمار خاطرات،

یک نویسنده در نشست نقد کتاب «خطبه‌خط خاطره، شیوه‌نامه ویرایش متون خاطره‌نگاری مستند» گفت: ویرایش کتاب‌های خاطره‌نگاری باعث جان‌گرفتن نثر بی‌رمق و ارتباط بیشتر و صمیمی‌تر مخاطب با کتاب می‌شود. به گزارش خبرگزاری مهر، نشست نقد و بررسی کتاب «خطبه‌خط خاطره، شیوه‌نامه ویرایش متون خاطره‌نگاری مستند» نوشته راضیه حقیقت و مریم بیات با حضور دکتر جواد کامور بخشایش، فرانک جمشیدی، معصومه رامهریزی و نویسندگان اثر توسط اندیشکده پایداری و دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری در سالن سلمان هراتی حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار شد.

وی ادامه داد: از بین‌بردن ضعف‌های نگارش از اهداف ما در خصوص تولید شیوه‌نامه بود. ویرایش کتاب‌های خاطره‌نگاری باعث جان‌گرفتن نثر بی‌رمق و ارتباط بیشتر و صمیمی‌تر مخاطب با کتاب می‌شود. این شیوه‌نامه باعث ایجاد شأن و جایگاه برای کتاب‌ها می‌شود. ویراستار هم نباید کاری کند که خود را جای نویسنده بگذارد و گمان کند که متن کار خود او است. همچنین باید نگاهی نو به انواع ادبی داشته باشیم. رامهریزی افزود: این کتاب نیاز محور است نه موضوع‌محور. ما اثر این کتاب را در کتاب‌های پایداری دیده‌ایم که این مهم‌ترین دلیل بر این است که این‌گونه

در ابتدای این نشست رامهریزی گفت: امروزه کمیت‌گرایی همه امور را تحت‌الشعاع قرار داده و مسئولان حوزه کتاب نیز بر اساس ضرورت‌ها خواهان تولید کتاب‌های بیشتری هستند. قطعاً این کمیت‌گرایی با اقتضانات و امکانات ما

هوشنگ توکلی: مدیران سینمایی در ریل عدالت حرکت

پیشکسوت سینما و تلویزیون در شرح عملکرد دولت سیزدهم در حوزه سینما گفت: منویات رهبری انقلاب بر اساس عدالت اجتماعی است و دولت در ریل عدالت حرکت می‌کند و طبیعتاً این عدالت برای همه برقرار می‌شود.

هوشنگ توکلی در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا اظهار داشت: دیگر این چند دستگی‌ها و حذف نیروها و لجبازی کردن‌ها بس است؛ من به عنوان نماینده نسل اول انقلاب که ۴۴ سال عمرم را در این راه گذاشتم و شاگردهای زیادی هم تربیت کردم و حداقل ردپای من در سینما وجود دارد، یک روزی چشمم را باز کردم دیدم ۳۰ سال به خاطر همین دو دستگی‌ها کار نکردم.

وی افزود: هنرمندانی که آسیب‌پذیرترین قشر این جریان فرهنگی در این ۴۰ سال بودند و آسیب دیدند، باید با هم جمع شوند و راجع به وحدت ملی حرف بزنند و هر هنرمندی بر اساس توانایی‌هایش ارزشیابی شود و سر جای خود قرار گیرد.

توکلی گفت: ما توانایی داریم و در دنیا حرف اول را می‌زنیم نه به دلیل فیلم‌هایی که به جشنواره‌های خارجی رفته است بلکه به دلیل توان نیروهایی است که در ایران داریم و منتظر هستند از بلا تکلفی در بیایند.

قهر کردن، بازی‌های منافقانه است

وی همچنین با تأکید بر این که قهر کردن، بازی‌های منافقانه است، گفت: انقلاب بخشی از نیروهای مخالف خود را در شروع انقلاب توانست عقب براند، آنهایی که ماندند هنوز نگاه منافقانه نسبت به رشد مملکت و کارهایی که در آن انجام می‌شود دارند. توکلی افزود: ظرفیت یک میلیون فارغ‌التحصیل هنرمند در تمام زمینه‌ها داریم و این قهرها، بازی‌های بی‌نتیجه است و آورده‌ای برای مردم و هنرمندان ندارد.



روان‌شناسی موسیقی

سوزان هلم

ترجمه سهند سلطاندوست



موسیقی چطور در خلق و خوی ما تأثیر می‌گذارد؟ بهترین راه برای پرورش مهارت‌های موسیقایی چیست؟ تنوع تعریف موسیقی در میان فرهنگ‌ها چگونه است؟

روان‌شناسی موسیقی تأثیر مهمی که موسیقی در زندگی روزمره ما دارد، و اثرش را بر جامعه، گروه‌ها و افراد بررسی می‌کند. این کتاب نشان می‌دهد که موسیقی چطور می‌تواند برای عملکرد فکری، سلامت و رضایت خاطر ما مفید باشد، و توانایی موسیقایی را هم به مثابه موهبت می‌سنجد و هم به مثابه آنچه می‌توان از طریق یادگیری و تمرین بهبود بخشید. این کتاب همچنین اهمیت موسیقی و تأثیرش را در رفتار ما نشان می‌دهد.

سوزان هلم استاد افتخاری آموزش و روان‌شناسی موسیقی در مؤسسه آموزشی یوسی‌ال است. او در فهرست پرگزیدگان سال ۲۰۱۵ مفتخر به دریافت نشان امپراتوری بریتانیا (MBE) شد و پیش از درآمدن به کسوت دانشگاهی هم در مقام موسیقیدان حرفه‌ای مشغول به کار بود.

تأثیر موسیقی بر روان افراد

او پیش از درآمدن به کسوت دانشگاهی هم در مقام موسیقیدان حرفه‌ای مشغول به کار بود.

قسمتی از متن کتاب

مفهوم اوقات فراغت چیز جدیدی نیست. از دوره‌ای به قدمت قرن چهارم پیش از میلاد، ارسطو از آن به منزله تجربه‌ای فعالانه و فراگیر از نغمه، نمایش، شعر و رقص یاد کرده است. او این‌ها را استفاده‌های «شریف» از اوقات فراغت تلقی کرد و در تقویت سعادت شهروندان ضروری دانست. به تازگی استیبنز فرقی قائل می‌شود بین اوقات عادی فراغت، عمدتاً شامل تعاملات اجتماعی و رفتارهای موجب خوشامد شخصی که مفرح‌اند، با اوقات جدی فراغت که معمولاً جد و جهد قابل توجهی می‌طلبند.

افرادی که در اوقات جدی فراغت شرکت می‌جویند ممکن است مبتدی، اهل تفنن یا داوطلب باشند. مبتدی‌ها در قیاس با حرفه‌ای‌ها انتظارات مشابهی دارند و برای قدردانی و پشتیبانی از فعالیت‌های خود، به عموم مردم، معمولاً از طریق شرکت در کنسرت، تکیه می‌کنند. موسیقی از عناصر اصلی هویت آن‌ها است و زمان و توان زیادی به آن اختصاص می‌دهند. اهل تفنن دل‌سپردگی مشابهی دارند، اما همتای حرفه‌ای (برایشان) وجود ندارد. فعالیت‌های آن‌ها معمولاً به تنهایی انجام می‌شود.

به نظر می‌رسد اصطلاحات «اهل تفنن» یا «شوریده» به بهترین وجه کسانی را توصیف می‌کنند که تمرکزشان بر گوش دادن است و مجموعه‌های مفصل موسیقی دارند، درباره موسیقی می‌آموزند و بحث می‌کنند و تجهیزات با کیفیتی برای پخش آن تدارک می‌بینند. برخی از آن‌ها شاید سفت و سخت پیگیر کنسرت‌ها یا جشنواره‌ها باشند. داوطلبان، چه به صورت رسمی و چه غیررسمی، خدمات خود را در رخدادهای موسیقایی عرضه می‌کنند. ناشی‌ها یا هوسبازها، برای مدتی کوتاه یا به میزانی محدود، در فعالیت‌های اوقات فراغت شرکت می‌جویند. اگر شما فعالانه درگیر ساختن یا شنیدن موسیقی به طور منظم هستید، خودتان را با توجه به آن دسته‌بندی‌ها چطور توصیف می‌کنید؟ آیا به قدر کافی مشارکت شما را توضیح می‌دهند؟ اگر نه، چرا چنین است؟ (صفحه ۷۲ و ۷۳)

کتاب روان‌شناسی موسیقی نوشته سوزان هلم و ترجمه سهند سلطاندوست در ۱۶۸ صفحه در تیراژ ۱۱۰۰ نسخه در سال ۱۴۰۲ منتشر شد.

ایرنا- کتاب «روان‌شناسی موسیقی» تأثیر مهمی که موسیقی در زندگی روزمره انسان دارد و اثر موسیقی بر جامعه، گروه‌ها و افراد را بررسی می‌کند.

به گزارش ایرنا، کتاب «روان‌شناسی موسیقی» با رویکرد نوین تجربی به علم روان‌شناسی و عمدتاً در چهار چوب «عصب‌روان‌شناختی» تالیف شده است. یکی از زیرشاخه‌ها یا بخش‌های مجاور روان‌شناسی موسیقی و مرتبط با آن، یعنی موسیقی درمانی، امروز در پهنه علمی، عمومی یا حتی شبه‌علمی خود ایرانی‌ها هم با اقبال خوبی مواجه شده است و اقداماتی در این حوزه انجام شده است. کتاب روان‌شناسی موسیقی تأثیر مهمی که موسیقی در زندگی روزمره انسان دارد، و اثر موسیقی بر جامعه، گروه‌ها و افراد را بررسی می‌کند. این کتاب نشان می‌دهد که موسیقی چطور می‌تواند برای عملکرد فکری، سلامت و رضایت خاطر انسان مفید باشد و توانایی موسیقایی را هم به مثابه موهبت می‌سنجد و هم به مثابه آنچه می‌توان از طریق یادگیری و تمرین بهبود بخشید. این کتاب همچنین اهمیت موسیقی و تأثیرش را در رفتار انسان نشان می‌دهد.

کتاب روان‌شناسی موسیقی، پس از روان‌شناسی هنر، دومین عنوان از مجموعه «روان‌شناسی همه‌چیز» انتشارات راتلج است که با ترجمه سهند سلطاندوست تقدیم علاقه‌مندان روان‌شناسی و به‌ویژه حوزه‌ای از آن می‌شود که می‌توان - با الهام از اصطلاح رایج‌تر «فلسفه مضاف» - آن را «روان‌شناسی مضاف» نامید. کتاب حاضر، یکی از زیرشاخه‌ها یا بخش‌های مجاور و مرتبط با روان‌شناسی موسیقی، یعنی موسیقی درمانی است.

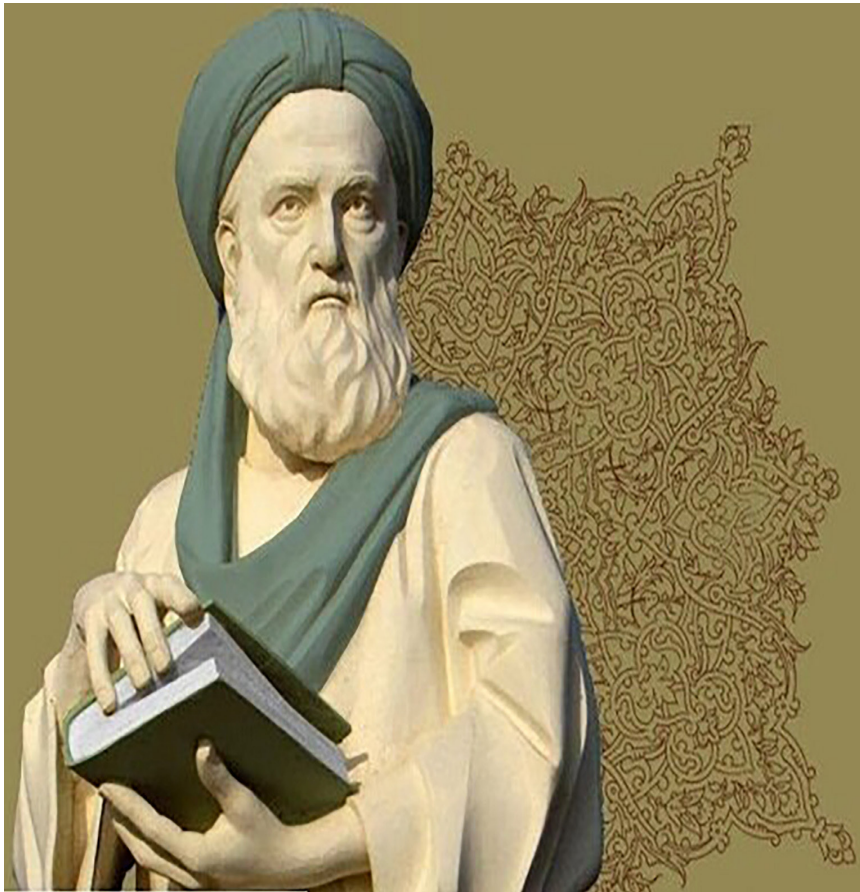
این کتاب با عنوان Psychology of Music در سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات راتلج منتشر شده است.

سوزان هلم متولد ۹ آوریل ۱۹۴۹ یک آکادمیک، محقق و نویسنده انگلیسی است. او استاد بازنشسته آموزش و روان‌شناسی موسیقی در دانشگاه کالج لندن است.

پژوهش هلم در دو حوزه متمرکز است: روان‌شناسی موسیقی و آموزش موسیقی و نوازندگی و یادگیری؛ او ۱۵ کتاب و بیش از ۲۵۰ مقاله نوشته است. او عضویت مادام‌العمر انجمن روان‌شناسی بریتانیا، انجمن بین‌المللی آموزش موسیقی، و SEMPER و عضویت افتخاری مادام‌العمر موسیقی مارک را دریافت کرده است. هلم در سال ۲۰۱۵ مفتخر به دریافت نشان امپراتوری بریتانیا شد.

عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی:

قلمرو زبان فارسی بر نام بلند بیهقی تبلور یافته است



عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی گفت: قلمرو زبان فارسی بر نام بلند بیهقی تجسم و تبلور یافته است و بخشی عمده ارتباط فارسی زبانان مرهون زحمات ابوالفضل بیهقی است.

دکتر محمدجعفر یاحقی یکم آبان در آیین سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازشناخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی که در سبزواری برگزار شد، افزود: ابوالفضل بیهقی در تقویت اشتراکات فرهنگی و اجتماعی سرزمین‌های فارسی زبان و اتصال بین ایران، افغانستان و بخش عظیم قلمرو زبان فارسی در شبه قاره هند و آسیای مرکزی نقش مهمی دارد.

وی تصریح کرد: یکی از دستاوردهای همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی تحکیم ارتباطات فرهنگی کشورهای منطقه و فارسی زبانان بوده است.

نجیب بارور، شاعر برجسته اهل کشور افغانستان نیز در این همایش گفت: شاهنامه فردوسی و تاریخ بیهقی بیان نامه‌های ملی هستند که در عنصر مشترک جغرافیای فرهنگی شکل گرفته است.

او با بیان اینکه شیوه بیان خاصی در تاریخ وی بکار رفته چنان‌که این نثر از حالت عادی به نثر ماندگاری تبدیل شده است، افزود: آهنگ پنهانی در نثر ابوالفضل بیهقی مشاهده می‌شود و متن تاریخ بیهقی همچون بیان شاعرانه و قابل توجه است.

رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران هم با اشاره به اینکه زبان و ادب فارسی و امدار نثر فاخر و وزین ابوالفضل بیهقی است، افزود: کوشش برای ارج نهادن به زبان ادب فارسی و توجه به شعر و نثر که استوانه‌های وزین آن به شمار می‌رود، اقدامی شایسته است.

محمود شالویی اظهار کرد: در شرایطی که زبان و ادب فارسی در معرض خطر و تهاجم زبانی از سوی بیگانگان و خارج از مرزها واقع شده، همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی امری نیکو و شایان تقدیر است.

وی ادامه داد: سرزمین گرانقدر ایران در جهان به زبان و ادب خویش شناخته می‌شود که در این بین شعر و نثر بسان گوهرهای ارجمندی هویت خویش را نمودار می‌کند.

معاون استاندار و فرماندار ویژه سبزواری نیز در ادامه گفت: امروز بیش از هر دوره‌ای تهاجم فرهنگی سرعت گرفته و گسترده شده است و فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی مورد هجوم فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته است.

حسین ابراهیمی کردیانی توجه به هویت ملی را ضرورت دانست و بیان کرد: زبان، فرهنگ و ادبیات فارسی مؤلفه‌های هویت ایران اسلامی هستند و پاسداشت بیهقی که ادیبی نامدار است تکریم و پاسداشت زبان و ادب فارسی محسوب می‌شود. وی گفت: از طریق این همایش بین‌المللی که با

اهدای نشان عالی سرداران و خوانش شعر توسط ۲ شاعر بلندآوازه افغانستان نجیب بارور و عبدالغفور آرزو از دیگر برنامه‌های این مراسم است.

علوی مقدم یادآور شد: در قالب این همایش دو روزه کارگاه‌های پژوهشی در زمینه‌های پیوند نثر کلاسیک فارسی و نثرهای پهلوی و اوستایی با هویت ملی، جنبه‌های دراماتیک و نمایشی نثر فارسی، مطالعات حقوقی نثر فارسی، آشنایی با نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی و جایگاه موزه نثر فارسی در پیوند با هویت ملی، توسط استادان بارز و برجسته دانشگاهی برگزار می‌شود.

دبیر همایش بیهقی گفت: یکی از برنامه‌های جنبی این همایش بین‌المللی برگزاری سه کارگاه تخصصی در حوزه تئاتر با حضور قطب‌الدین صادقی، کارگردان برجسته تئاتر کشور است.

علوی گفت: همچنین در پایان این همایش از کتاب دار و ندار حسنک به نویسندگی دکتر حسن دلبری و کتاب از لونی دیگر (بازنویسی متن کامل تاریخ بیهقی) به کوشش دکتر عبدالرضا مدرس زاده رونمایی شده است.

همت دانشگاه حکیم، پژوهشگران اساتید و با حضور چهره‌های شاخص علم و ادب کشورهای منطقه در حال برگزاری است مفاهیم و اندیشه زبان فاخر فارسی به اشتراک گذاشته می‌شود.

دبیر سیزدهمین همایش بین‌المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی و بازشناخت پیوند نثر فارسی و هویت ملی در ادامه گفت: در این همایش دو روزه که به همت دانشگاه حکیم سبزواری برپا شده است، علاوه بر سخن‌شناسان و استادان ایرانی شماری از پژوهشگران کشورهای منطقه از کشورهای پاکستان، افغانستان، ارمنستان، عراق و اقلیم کردستان عراق به صورت حضوری و یا مجازی شرکت دارند که به موضوع بسیار ضروری و مهم «هویت» می‌پردازند.

مهیار علوی مقدم افزود: افتتاح موزه نثر فارسی، به صدا درآمدن زنگ بیهقی در مدارس سبزواری، قرائت پیام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، سخنرانی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از جمله برنامه‌های اصلی این رویداد فرهنگی است.

وی تصریح کرد: برگزاری آیین‌نامه اسب چوبی،

داریوش مهرجویی؛ سینماگری دل‌بسته ادبیات

با وجود این احساس رضایت و خوشبختی رضا از زندگی بدون فرزند، لیلا را تحت فشارهای شدید قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که اجازه دهد برای رضا همسری بگیرند تا فرزندى برای او بیاید و سپس همسر دوم رضا از زندگی آن‌ها خارج شود. فشارهای مادر رضا بالاخره کارگر می‌افتد و لیلا، رضا را راضی می‌کند. بدون اطلاع خانواده لیلا از دواج مجدد رضا با گیتی (شقایق فراهانی) انجم می‌شود. اما شب عروسی، لیلا به خانه مادرش پناه می‌برد و حاضر نمی‌شود به زندگی رضا برگردد. رضا این عمل را خلاف قول‌های قبلی لیلا می‌داند و مدتی بعد همسر دومش را طلاق داده و فرزند دختری را که از او دارد به مادرش می‌سپارد و خود تنها زندگی می‌کند. رضا هم با خواش‌های مکرر از لیلا و خانواده‌اش، روزی در همان مراسم شله‌زردپزان با دخترش باران به دیدار لیلا می‌رود.

«درخت گلابی» محصول سال ۱۳۷۶ به کارگردانی داریوش مهرجویی است که براساس داستان کوتاهی از مجموعه داستان «جایی دیگر» نوشته گللی ترقی ساخته شده است. فیلم داستان یک نویسنده است؛ نویسنده‌ای که برای نوشتن باقی‌مانده کتاب جدید خود در پی یک کم‌کاری طولانی، به باغ پدری خود در دماوند پناه آورده است. اما در باغ، درخت گلابی قدیمی که برای محمود سرشار از خاطره است میوه ندهاده و باغبانان از او می‌خواهند که در مراسمی آیینی برای ترساندن درخت و به بار نشستن دوباره آن شرکت کند و محمود می‌پذیرد و در این بین او به مرور خاطرات نوجوانی خود می‌پردازد؛ زمانی که شیفته دختر عمه‌اش، میترا (با به قول محمود در دفتر خاطراتش، میم) بوده و با این که دختر از او بزرگتر است به او ابراز عشق می‌کند و برایش اشعار عاشقانه می‌گوید و با او ساعت‌ها در باغ به اجرای نمایشنامه‌های مختلف می‌پردازد، چرا که هر دو به ادبیات علاقه‌مندند. اما روزی دختر برای خداحافظی می‌آید، چون قصد دارد نزد پدرش که خارج از کشور است برود. محمود از او می‌خواهد که صبر کند و دختر می‌پذیرد، اما سال‌ها بعد که محمود وارد جریانات سیاسی می‌شود نامه‌های دختر را پاسخ نمی‌دهد و رفتنش را به تاریخی بعد موقوف می‌کند تا این که بر اثر فعالیت‌های سیاسی به زندان می‌افتد و آن‌جا با دیدن یکی از اقوام دختر خبر فوت او را دریافت می‌کند. محمود اکنون در آستانه شصت‌سالگی همانند درخت گلابی که هنوز بوی کفش‌های کتانی میم را می‌دهند بی‌بار شده و نمی‌تواند کتاب آخرش را تمام کند.

«مهمان مامان» یک فیلم کمدی خانوادگی به کارگردانی داریوش مهرجویی محصول سال ۱۳۸۲ است. این فیلم بر اساس کتاب «مهمان مامان» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی تولید شده است. مرادی کرمانی که خود از نویسندگانی است که آثارش مورد اقتباس قرار می‌گیرند، زمانی گفته بود: اقتباس‌های داریوش مهرجویی از داستان‌های خارجی هم بسیار موفق بوده؛ چون فکر مهرجویی فرهنگی است و بومی فکر نمی‌کند؛ برای همین اقتباس‌هایش از کارهای خارجی خیلی خوب انجام شده است. در کارهای ایرانی هم آن‌هایی که نویسنده در کنار او بوده مانند فیلم «گاو» خیلی خوب از آب درآمده است.

هدایت نوشته شده است. درباره داستان فیلم آمده است: «حمید هامون که با همسرش، مهشید، دائم کشمکش دارد زندگی کابوس‌گونه خود را مرور می‌کند. او که مشغول نوشتن رساله‌اش درباره عشق و ایمان است، در پی دوست قدیمی و مرادش علی عابدینی می‌گردد. خانه و کاشانه را ترک می‌کند و دست به اعمال دیوانه‌واری می‌زند. او در حالی پریشان، در پی شکایت‌هایش، خود را به امواج دریا می‌سپارد، اما عابدینی او را نجات می‌دهد. همچنین، این فیلم به دغدغه‌های جوانان روشنفکر بعد از انقلاب می‌پردازد؛ میان دنیاخواهی و آرمان‌خواهی. تصویری از آرمان‌خواهی که به دلیل حبّ دنیوی (زیبایی و...) در تلاطم است و در مقابل، علی عابدینی فردی که تکلیفش با خودش مشخص است و دنیا را فدای آرمان‌ها و عقایدش کرده است. «پری» نام فیلمی است به کارگردانی و نویسندگی داریوش مهرجویی، ساخته‌شده در سال ۱۳۷۳. این فیلم اقتباسی از رمان «فرانی و زوی» و داستان کوتاه «یک روز خوش برای موزماهی» نوشته «جروم دیوید سالینجر» است؛ «پری» دانشجوی ممتاز رشته ادبیات و تئاتر که از همه مزایای زندگی یک دختر جوان برخوردار است، با خواندن کتاب سبز کوچکی دچار تحولات فکری و حسی می‌شود. کتاب سرگذشت سیر و سلوک عارف گمنامی در قرن پنجم هجری است. پری پس از خواندن کتاب با آن که خواهان مراتب معنوی بالاتری است، از زندگی معمولی دل‌کنده و در وادی دردناک طلب سرگردان می‌شود.

«سارا» که محصول سال ۱۳۷۱ است، از نمایش‌نامه «خانه عروسک» اثر هنریک ایبسن الهام گرفته شده است. در خلاصه داستان فیلم می‌خوانیم: «حسام برای درمان بیماری‌اش مجبور است به خارج از کشور سفر کند. سارا همسر او مخارج سفر او را تأمین می‌کند، اما می‌گوید که این پول را از محل ارثیه پدرش به دست آورده است. حسام بهبود می‌یابد. سارا پنهان از چشم شوهرش با کار سخت و مداوم خیاطی سعی می‌کند بدهی‌های خود را پرداخت کند. گشتاسب مردی که به سارا کمک مالی کرده است متهم به جعل اسناد شده است و موقعیت شغلی او در بانک دچار مخاطره می‌شود و از سارا می‌خواهد از طریق اعمال نفوذ حسام که حالا رئیس بانک شده است در شغلش ایفا شود. سارا خود نیز می‌داند که امضای پدرش در اسناد جعل شده چون خود او امضای پدرش را جعل کرده است. وقتی حسام پی به واقعیت امر می‌برد، در جریان یک نزاع لفظی می‌گوید که او را لایق زندگی و معاشرت با خود و فرزندانش نمی‌داند. سارا آزرده از بیرحمی شوهرش در قبال رنجی که خاطرش متحمل شده ناگزیر خانه او را ترک می‌کند.»

«لیلا» هم که در سال ۱۳۷۶ ساخته شده، بر اساس داستانی نوشته مهناز انصاریان به نگارش درآمده است؛ لیلا (لیلا حاتمی) و رضا (علی مصفا) در یک مراسم شله‌زردپزان همدیگر را می‌بینند و چندی بعد با هم ازدواج می‌کنند. آن دو، بعد از مدتی زندگی متوجه می‌شوند که لیلا نمی‌تواند فرزندى به دنیا بیاید. آن‌ها در مان‌های متعدد و آزمایش‌های گوناگونی را دنبال می‌کنند اما همه بدون نتیجه می‌ماند. در این میان هر چند برای رضا بچه‌دار نشدن لیلا اهمیتی ندارد، اما مادرش

بدون تردید «داریوش مهرجویی» از فیلمسازان تأثیرگذار سینمای ایران و از معدود کارگردان‌های ایرانی است که عموم فیلم‌هایش در گونه سینمای اقتباسی قرار می‌گیرد.

به گزارش ایسنا، داریوش مهرجویی که زندگی‌اش با پایان تراژیکى مواجه شد و خبر قتل او و همسرش وحیده محمدی فر همه را در شوک فرو برد، علاوه بر کارگردانی، گاه در قامت نویسنده هم ظاهر شده است. او معتقد بود کار فیلم و نوشتن رمان هیچ فرقی با هم ندارند و هر فیلمی یک رمان است. می‌گفت: «همیشه وسوسه نوشتن داشته‌ام و سناریو همه فیلم‌هایم را خودم نوشته‌ام و آن‌سی با کلام و شیوه‌های نگارش دارم و سعی کرده‌ام خودم را در کوران ادبیات دنیا و ایران بگذارم و چون کار دیگری بلد نیستم، نوشته‌ام». انگیزه‌اش از نوشتن را هم این گونه بیان می‌کند که «خیلی آرزو داشتم که سناریوهایی را از نویسندگان به فیلم تبدیل کنم، اما متأسفانه اغلب نویسندگان ما از هنر، تاریخ و زیباشناسی سینما غفلت دارند و سینما را نمی‌شناسند. بنابراین نمی‌توانند کمک‌کننده باشند. عامل دیگری که باعث شد رمان بنویسم این بود که هریک از فیلم‌هایم چه قبل و چه بعد از انقلاب با سد عظیم سانسور مواجه شد. از فیلم «گاو» که دو سال توقیف شد تا «پستیچی» و «دایره مینا». بعد از انقلاب هم بسیار دیگری از فیلم‌هایم از جمله آخرین آن‌ها فیلم «سنتری» با سانسور و توقیف مواجه شد.» به گفته خودش نمی‌خواست در حرفه‌اش در سینما و ادبیات، جلو دوربین باشد و بنزد زیرا معتقد بود: «مردم ما فهیم، باذکوت و زیرک هستند و حتی نسل جدید موشکاف و زیرک هستند و من خوشحالم که می‌توانم از طریق آثارم به ذهن و بارورهای آن‌ها کمک کنم.»

«گاو»، «سارا»، «پری»، «مهمان مامان»، «درخت گلابی» و «دایره مینا» از جمله فیلم‌های داریوش مهرجویی هستند که اقتباس ادبی دارند. ناگفته نماند که این علاقه در مهرجویی نسبت به اقتباس، به علاقه وافرش به کتاب هم برمی‌گردد، چرا که از جمله فیلمسازان کتابخوان بود.

در میان نویسندگانی که آثارشان محل اقتباس مهرجویی بوده است، غلامحسین ساعدی جایگاهی خاص دارد. فیلم «گاو» در سال ۱۳۴۸ ساخته شد و در جشنواره‌های بین‌المللی به نمایش درآمد. ساعدی درباره ساخت این فیلم حساسیت‌های زیادی نشان داد. او سر صحنه‌ها حاضر می‌شد و در جریان ساخت فیلم قرار داشت، اما به دلیل برخی محدودیت‌ها در زمان ساخت فیلم برخی بخش‌ها حذف می‌شود. مهرجویی «دایره مینا» را نیز براساس داستان «آشغال‌دونی» از مجموعه داستان‌های «گور و گهواره» غلامحسین ساعدی ساخت. این فیلم به مدت سه سال توقیف بود و سرانجام در ۱۳۵۶ پروانه نمایش گرفت و در جشنواره پاریس و برلین و سپس ایران به نمایش درآمد. «پستیچی» محصول سال ۱۳۵۱ از نمایشنامه ویسک نوشته گئورگ بوشنر اقتباس شده است. در خلاصه این فیلم آمده است: تقی پستیچی در خانه اربابی‌اش با همسر زیبای خود زندگی می‌کند و ...

«هامون» فیلمی اجتماعی و سوررئالیستی است که در سال ۱۳۶۸ به کارگردانی داریوش مهرجویی ساخته شد. داستان این فیلم با الهام گرفتن از «بوف کور» صادق

مجت‌الاسلام (رفیعی):

در دفاع از مظلوم، دین، مذهب و آئین هیچ معنایی ندارد

حجت‌الاسلام ناصر رفیعی با اشاره به مظلومیت ملت فلسطین و جنایت‌های رژیم غاصب صهیونیستی، گفت: امام علی (ع) در روایتی می‌فرمایند: «مردم یا برادر دینی شما هستند یا برادر انسانی؛ لذا در دفاع از مظلوم دین، مذهب و آئین هیچ معنایی ندارد». حجت‌الاسلام رفیعی: در دفاع از مظلوم، دین، مذهب و آئین هیچ معنایی ندارد

به گزارش خبرگزاری فارس، حجت‌الاسلام ناصر رفیعی در ویژه‌برنامه رحلت کریمه‌اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) در مسجد اعظم قم برگزار شد، گفت: ۴ امام زیارت حضرت معصومه (س) را سفارش کردند و عجیب است که بیش از ۴۰ سال قبل از تولد ایشان و بیش از ۷۰ سال قبل از وفات حضرت معصومه (س) به زیارت ایشان توصیه شده است.

مقام بالای حضرت معصومه (س) به دلیل ویژگی ولایت‌پذیری اوست

وی ابراز کرد: زمانی که حضرت معصومه (س) هنوز به دنیا نیامده است، امام صادق (ع) سفارش زیارت ایشان را کرده است، چگونه امام صادق (ع) در میان این همه امامزادگان و فرزندان سایر ائمه اطهار به زیارت ایشان توجه دارد؟ قطعاً این توجه بی دلیل نیست.

این سخنران تصریح کرد: مقام حضرت معصومه (س) به واسطه مدح امام صادق (ع)، امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بسیار بالاست و این مقام تصادفی نیست و بخشی از مقام ایشان به دلیل ویژگی ولایت‌پذیری حضرت معصومه (س) است.

حضرت معصومه (س) محدثه بود

وی به مقام علمی حضرت معصومه (س) اشاره کرد و گفت: ایشان از خاندان امامت بود که مخزن اسرار دانش الهی و منبع

علم و معرفت شمرده می‌شوند. حضور ایشان در کنار پدری همچون امام موسی بن جعفر (ع) و برادری چون امام رضا (ع) سبب شده، از نظر آگاهی به مسائل دینی و معارف اسلامی، در حد بالایی از رشد علمی باشد. رفیعی دیگر ویژگی این حضرت را عبودیت ایشان ذکر کرد و افزود: محدثه بودن و کرامت ایشان از دیگر ویژگی‌های بارز این بانوی با کرامت است.

۳ موج هجرت سادات و امامزادگان به سرزمین ایران

وی در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به سیر تاریخی هجرت سادات و امامزادگان به سرزمین ایران، با بیان این که نخستین هجرت بزرگ سادات به سرزمین قم بعد از ظلم بنی‌امیه و غالباً در زمان عبدالملک مروان صورت گرفت، اظهار کرد: دومین موج بزرگ هجرت سادات و امامزادگان به سرزمین ایران، به بعد از حضور امام رضا علیه‌السلام در خراسان برمی‌گردد.

این سخنران مذهبی همچنین با اشاره به این که سومین موج هجرت سادات و امامزادگان بعد از تأسیس حکومت علوی طبرستان در سال ۲۵۰ هجری قمری رقم خورد، یادآور شد: علویان با قیام در طبرستان یا همان گلستان امروزی، حدود ۷۰ سال حکومت در آن منطقه را بر دست گرفتند و بسیاری از نوادگان ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در آن دوران برای حضور در پناه حکومت شیعی به ایران هجرت کردند.

قم، همواره مهد دانش و فضیلت بوده است

رفیعی در ادامه به ویژگی‌های شهر مقدس قم در روایات اسلامی اشاره کرد و یادآور شد: شهر قم از زمانی که به‌عنوان مرکزی شیعی در نزد پیروان اهل بیت (ع) شهرت یافت، پیوسته مهد دانش و فضیلت و سرچشمه حکمت و معرفت بوده، مهم‌ترین کتاب‌های دینی و معارفی توسط مردانی از دیار قم از جمله شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، علی بن ابراهیم قمی

نگاشته شده است.

وی با بیان این که کتاب کافی مرحوم کلینی، ملول از روایت محدثان قمی است، تأکید کرد: شهر مقدس قم همواره کانون توجه اهل بیت (ع) قرار داشت و تربش به شرافت و مردمش نیز به فضیلت ستوده شده است؛ دیار قم در گذرگاه‌های مختلف تاریخی از جمله در دوران حضرت معصومه (س) کانون محبین اهل بیت (ع) بود.

بارزترین علت تأسیس و تقویت مرکز بزرگ دینی و حوزه علمیه در قم

این استاد حوزه و دانشگاه ضمن بیان کرامات فاطمه معصومه (س)، مراجع و علما را برجسته‌ترین ناقلان کرامات حضرت معصومه (س) دانست و اظهار کرد: وقتی مراجع، بزرگان و علمای تراز اسلام، ناقل کرامتی می‌شوند، نشان‌دهنده عظمت کرامت این بانوی بزرگوار است.

وی در ادامه برخی از کرامات حضرت معصومه (س) که توسط علما و بزرگان دین نقل شده را مورد توجه قرار داد و یادآور شد: زبان مراجع، مجتهدین و علما سرشار از نقل کرامات حضرت معصومه (س) است؛ وجود مضجع شریف فاطمه معصومه (س)، بارزترین علت تأسیس و تقویت مرکز بزرگ دینی و حوزه علمیه در قم است.

در دفاع از مظلوم، دین، مذهب و آئین هیچ معنایی ندارد رفیعی در بخش پایانی سخنان خود ضمن اشاره به مظلومیت ملت فلسطین و جنایت‌های رژیم غاصب صهیونیستی، با تأکید بر این که قیام ملت مظلوم فلسطین و جنایات دیوانه‌وار این رژیم کودک‌کش، زمینه‌ساز سقوط سریع دولت صهیونیستی خواهد بود، تصریح کرد: امام علی (ع) در روایتی تأکید کردند: «مردم یا برادر دینی شما هستند یا برادر انسانی؛ لذا در دفاع از مظلوم دین، مذهب و آئین هیچ معنایی ندارد».





استاد دانشگاه: شیعه‌ای که برای فلسطین سکوت کند، در زمان ظهور یار امام زمان (عج) نخواهد بود

به اروپا شود. در بیانیه هر تسلسل به تصریح آمده که باید هر جور که شده، مانع نفوذ اسلام در جهان شد. عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالائمیه (ع) افزود: این هدف آنان متوجه همه مسلمین است و شیعه و سنی را درگیر خواهد کرد. به طور مثال در طول ۴۴ سال انقلاب اسلامی همواره دست‌های فتنه‌گر صهیونیست‌ها برای ایجاد مشکل فعال بوده و از ۸ سال جنگ گرفته تا فتنه سال ۱۴۰۱، آنان همیشه در پی خلق توطئه بودند. لذا طبیعی است که مسلمین جهان چه از بُعد عقیدتی و ایمانی و چه از بُعد سیاسی همواره موضع مخالف نسبت به رژیم صهیونیستی را داشته باشیم.

شیعه‌ای که برای فلسطین سکوت کند در زمان ظهور یار امام زمان (عج) نخواهد بود

یاوری ادامه داد: سیره شیعیان نشان می‌دهد که آنان همواره یاور مظلوم و دشمن ظالم بودند. امروزه برخی نفرت برای ایجاد افتراق می‌گویند فلسطینیان سنی هستند و ما شیعه، پس وضعیت آنان به ما ربطی ندارد! در صورتی که ظلم جدای از مذهب بوده و سیره اهل بیت (ع) هم چنین نبوده که بخواهد با معیار مذهب از مظلومی دفاع کنند. وی در پایان خاطر نشان کرد: آن شیعه انگلیسی که امروزه چشمش را به ظلم در فلسطین می‌بندد، چرا وقتی داعش به جان، مال و ناموس شیعه تجاوز می‌کرد، موضع‌گیری نداشت و به جنگ با او بلند نشد؟ شیعه‌ای که امروزه برای فلسطین سکوت کند، در زمان ظهور هم پشتیبان امام زمان (عج) نخواهد بود.

وی ادامه داد: در آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره حج مفصلاً به این مسأله پرداخته شده و نوعی منطق را در مورد ظلم و ظالم پیش پای ما قرار می‌دهد: «به کسانی که ستمکارانه مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. هم آنان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند و گناه و جرمی نداشتند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آن‌ها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند و قطعاً خدا به کسانی که دین او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند. مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است. همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند. عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.

هدف اسرائیل و جریان سلطه نابودی کل مسلمین است

یاوری افزود: امروزه نیز ما شاهد آن هستیم که جریان یهودی استکبار و سلطه، کمر همت به نابودی اسلام بسته و از هر راهی برای ایصال به هدف خود بهره می‌برد. آن‌ها همان‌هایی هستند که یکبار در این منطقه، داعش را خلق کردند که ضمن بدچهره نشان دادن اسلام مانع رشد و نفوذ تمدن اسلامی و دین حق

محمدجواد یاوری گفت: شیعه‌ای که در قبال جنایت‌های اسرائیل در فلسطین سکوت کند، در زمان ظهور یار امام زمان (عج) نخواهد بود. سیره شیعیان نشان می‌دهد آنان همواره یاور مظلوم و دشمن ظالم بوده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فارس، بیش از ۲۰ روز از درگیری‌های جدید نیروی مقاومت فلسطینی با رژیم صهیونیستی می‌گذرد و بار دیگر ظلم و تجاوز اسرائیل به جان مردم بی‌پناه فلسطین، سرخط اخبار و مطبوعات شده است. اما با این حال برخی متحجرین چنین گفته‌اند که ما شیعه هستیم و مسأله ما فلسطینی که سنی است، نخواهد بود. برای پاسخ به چنین انگاره منحرفی با حجت‌الاسلام محمدجواد یاوری، عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالائمیه (ع) گفت‌وگویی داشتیم.

حجت‌الاسلام یاوری

دفاع از مظلوم یک عقیده شیعی است

یاوری در ابتدا گفت: در ایامی قرار داریم که شاهد اعمال وحشیانه رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی هستیم و جا دارد این فاجعه را تسلیت بگوییم. اما در باب حمایت و موضع‌گیری جهان اسلام و بالخصوص ما شیعیان نسبت به اتفاقات اخیر، نکات حائز اهمیتی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازم. نکته اول که جنبه معرفتی بالایی دارد و از قرآن و روایات معصومین (ع) به دست می‌آید، ایمان و عقیده دفاع از مظلوم است.

توسط انتشارات جهان کتاب؛

ترجمه مجموعه نمایشنامه‌های غسان کنفانی منتشر شد

و همه آن‌هایی که در انتظار مرگاند این را می‌دانند. با توجه به مطالب بالا، کتاب پیش‌رو، ۳ نمایشنامه را در بر می‌گیرد که به ترتیب عبارتند از: «در» با ۵ پرده، «کلاه و پیام‌آور» با ۳ پرده و «پلی به سوی ابدیت» با ۱۰ پرده. در بخشی از نمایشنامه «کلاه و پیام‌آور» می‌خوانیم:

قاضی شماره ۱: (به قهقهه می‌افتد) قاتل! این بار، کاملاً به دام افتادی... ما توانستیم فریب دهیم و از تو اعتراف بگیریم. خب، طبیعی هم هست... تو تخصص حقوقی نداری و از قانون سر در نمی‌آوری... احیاناً این اولین جرمی بود که در عمرت مرتکب آن شده‌ای... هیچ‌وقت هم قاضی نبوده‌ای و فوت و فن گریز از قانون را هم نمی‌دانستی... با زبان خودت و خیلی آسان زبان به اعتراف گشودی... تا چند دقیقه پیش ادعا می‌کردی که تو این موجود را نمی‌شناسی... نه اسمش را می‌دانی و نه از هویتش خبر داری. می‌گفتی که اصلاً معلوم نیست که شخص باشد یا شیء، جنسیتش را هم انکار می‌کردی... با ایهام می‌گفتی که معلوم نیست مرد باشد یا زن... همه‌چیز را انکار می‌کردی تا بگویی که اصلاً او را نمی‌شناسی... خب حالا، با زبان خودت داری اعتراف می‌کنی که او را کشته‌ای چون او را نمی‌شناختی.

قاضی شماره ۲: (با لبخند) بله... جمله خودت همین بود، مگر نه؟! (جمله متهم را تکرار می‌کند) «ما کسانی را می‌کشیم که آن‌ها را نمی‌شناسیم.»

قاضی شماره ۱: حکم قانون این بار کاملاً علیه توست... باید قبول کنی. متهم: خب، اعتراف می‌کنم. اما خواسته‌ای دارم و آن اینکه به من فرصت بدهید تا من تمام حرف‌هایم را بزنم و شما هم گوش بدهید...

قاضی شماره ۱: با چه عنوانی باید خواسته تو را منظور کنیم؟ به کدام ماده قانونی استناد می‌کنی؟! متهم: نه آقایان نه... به نام قانون حرف نمی‌زنم... فقط می‌خواهم به حس فضولی شما پاسخ داده باشم! (از جای خود برمی‌خیزد و به سمت ترده قفس اتهام می‌رود.)

قاضی شماره ۲: (خطاب به قاضی شماره ۲ و با نگاهی رندانه) خواسته‌اش می‌تواند صحیح باشد... این هم به هر حال عنوانی است برای خودش! فضولی!

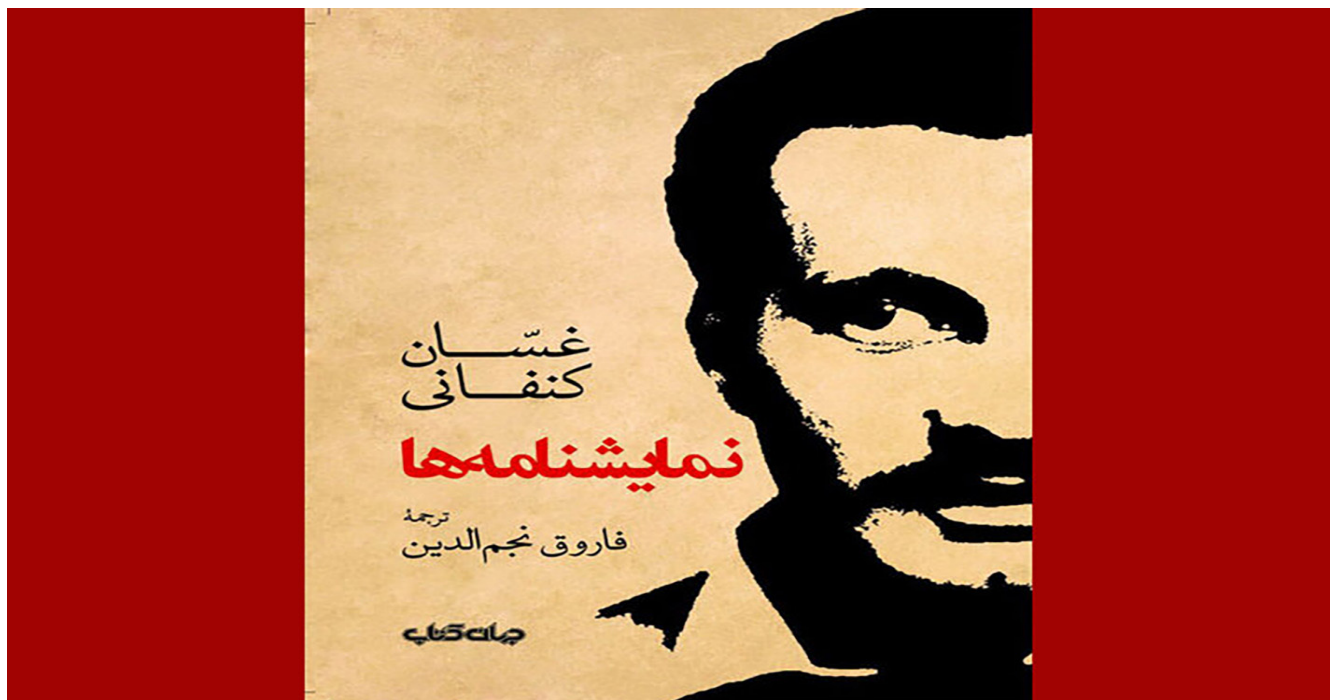
این کتاب با ۲۶۸ صفحه، شمارگان ۳۰۰ نسخه و قیمت ۱۹۰ هزار تومان منتشر شده است.

کتاب «نمایشنامه‌ها» نوشته غسان کنفانی با ترجمه فاروق نجم‌الدین توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش مهر، کتاب «نمایشنامه‌ها» نوشته غسان کنفانی به‌تازگی با ترجمه فاروق نجم‌الدین توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب نهمین‌عنوان از مجموعه «همایش‌های زمانه» است که این ناشر چاپ می‌کند.

فاروق نجم‌الدین می‌گوید کمتر کسی از مخاطبان آثار کنفانی خبر دارد که او به‌جز رمان‌ها و مقالات ادبی‌اش، نمایشنامه هم در کارنامه دارد. او ۳ نمایشنامه نوشت که در زمان حیاتش تنها موفق به چاپ یکی از آن‌ها («در») شد. این نمایشنامه هم که سال ۱۹۶۴ منتشر شد، تحت تاثیر شهرت رمان «هردانی در آفتاب» خالقش قرار گرفت و دیده نشد. نمایشنامه دیگر کنفانی با عنوان «کلاه و پیام‌آور» سال ۱۹۶۷ نوشته شد و مجله شوون فلسطینی در آوریل ۱۹۷۳ آن را چاپ کرد؛ یعنی به‌فاصله کمی از ترور کنفانی توسط نیروهای اطلاعاتی اسرائیل.

«پلی به سوی ابدیت» هم یک‌نمایشنامه رادیویی است که برای پخش از رادیوی یکی از کشورهای عربی نوشته شد اما کنفانی کاری برای انتشارش نکرد. احساس گناه و دادن مکافات یکی از مفاهیم محوری در نوشته‌های غسان کنفانی هستند که در نمایشنامه‌های این کتاب به‌ویژه «پلی به سوی ابدیت» هم خود را به خوبی نشان می‌دهد. چون در این نمایشنامه جوانی مرتکب اشتباهی در حضور مادرش می‌شود و باید برای جبران مجازات شود. شخصیت‌های اصلی نمایشنامه‌های این نویسنده فلسطینی، همیشه سر دوراهی قرار می‌گیرند؛ این که یا تسلیم شرایط شوند یا اعتراض کنند و بهای این اعتراض را بپردازند.

با وجود تفاوت‌هایی که نمایشنامه‌های کنفانی دارند، منتقدان ادبیات عرب می‌گویند قهرمانان او، جلوه‌ای از هویت فلسطین هستند و دغدغه‌های فکری فلسطینی‌ها را نشان می‌دهند. یوسف اردیس داستان‌نویس و منتقد ادبی برای مجموعه داستان‌های کوتاه کنفانی مقدمه‌ای نوشته و در آن می‌گوید فلسطین، موضوع زندگی اوست؛ موضوع داستان‌های کوتاهش، مقاله‌هایش و نمایشنامه‌هایش هم همین‌طور. موضوع زندگی و مرگ خودش نیز بود. به همین خاطر توسط اسرائیلی‌ها کشته شد و صهیونیست‌ها هر غسان دیگری را نیز خواهند کشت. یوسف اردیس می‌گوید غسان کنفانی به‌خوبی این واقعیت را می‌دانست



نگاهی به خدمات «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور»

مؤسسات مردمی به ما ارائه می‌دهند در کارگروه مطرح و چنانچه مناسب باشد مصوب شده و به سایر دستگاه‌ها هم ابلاغ می‌کنیم.

مدیرکل دبیرخانه کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم در پایان در مورد برگزاری سلسله نشست‌های حکمرانی قرآنی نیز تصریح کرد: در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سه سطح یعنی دولت قرآنی، امور قرآنی و فعالیت‌های قرآنی در حال کار هستیم، در سطح دولت قرآنی ما موظف هستیم تا کاری کنیم که تمام ارکان نظام جمهوری اسلامی بر مبنای قرآن کریم حکمرانی کنند و هر تصمیم‌گیری که جاری می‌شود بر مبنای قرآن باشد و از این رو با تدبیر معاون قرآن و عترت سلسله نشست‌های حکمرانی قرآنی برگزار شده‌است که تا به امروز شخصیت‌های مختلف دولتی در این جلسات حضور پیدا کردند.

سلیمانی در پایان گفت: حکمرانی قرآنی باید در دولتمردان این گفتمان را ایجاد کند که تمام تصمیمات‌شان بر پایه قرآن باشد. از این رو تا به امروز موضوعات مختلف در نشست‌های حکمرانی قرآنی مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته‌است.

و موضوعات مختلف به بحث و گفت‌وگو گذاشته‌شد.

مدیرکل دبیرخانه کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم ابراز کرد: ماحصل این جلسات نهایتاً تدوین یک سند کاربردی پیشنهادی شد که براساس آن وظایف تمام دستگاه‌ها در آن مشخص شده است. قرار است این سند در کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی ترویجی قرآن کریم طرح و بررسی شود و پس از تصویب توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دستگاه‌های مورد نظر ابلاغ خواهد شد. سلیمانی در ادامه در مورد مردمی‌سازی فعالیت‌های قرآنی خاطر نشان کرد: دستگاه‌های اجرایی خودشان به صورت مستقیم خیلی از فعالیت‌ها را نمی‌توانند انجام دهند، مثلاً اگر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخواهیم دوره‌های آموزشی بگذاریم خودمان به صورت مستقیم امکان برگزاری دوره‌ها را نداریم و بازوهای قرآنی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان تبلیغات اسلامی مجوز گرفتند این کار را انجام می‌دهند.

وی یادآور شد: البته جلسات کارگروه مردمی‌سازی فعالیت‌های قرآنی نیز در حال برگزاری است و مشاوره‌هایی که خود

مدیرکل دبیرخانه کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم در مورد تعداد مؤسسات حاضر در این سامانه نیز افزود: در «سامانه حمد» اطلاعات ۳ هزار و چهارصد موسسه بارگذاری شده که حدود ۲ هزار موسسه آن در «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور» به مخاطبین قرآنی خدمات می‌دهند.

سلیمانی بیان کرد: البته فراخوانی هم دادیم که پس از رونمایی از «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور» مؤسسات وظیفه دارند اطلاعات خود را تکمیل کنند و برخی از مؤسسات هم که اطلاعات خود را قرار ندادند باید اطلاعات خود را تکمیل کنند.

وی در ادامه در خصوص نوآوری‌های قرآنی نیز بیان کرد: یک تکلیفی از سوی شورای عالی فرهنگ قرآنی به ما واگذار شد که براساس آن کارگروه توسعه صنایع خلاق و دانش‌بنیان قرآنی را تشکیل دادیم و حدوداً ۶ جلسه این کارگروه تشکیل شد و نمایندگان دستگاه‌های قرآنی که در حوزه صنایع نرم و خلاق فعالیت داشتند به جلسات آمده و حتی مؤسسات خلاق و دانش‌بنیانی که از معاونت علمی ریاست جمهوری مجوز گرفته و در حوزه‌های قرآنی فعال بودند پای کار آمدند

دبیر کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم به تشریح خدمات «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور» پرداخت. به گزارش خبرگزاری فارس دبیرکل کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم از رونمایی «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور» خبر داد و گفت: در این سامانه جانمایی تمام مؤسسات قرآنی کشور قابل مشاهده است و مردم می‌توانند با مراجعه به این سامانه نزدیک‌ترین مؤسسه قرآنی به محل سکونت خود را مشاهده و به آن مراجعه کنند.

حسین سلیمانی مدیر دبیرخانه کمیسیون توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی قرآن کریم از رونمایی «سامانه جامع اطلس قرآنی کشور» خبر داد و گفت: جانمایی تمام مؤسسات حاضر در «سامانه حمد» در این اطلس مشخص شده است، مؤسسات موجود در این سامانه نیز خدمات مختلف اعم از دوره‌های آموزشی حفظ، روخوانی و روان‌خوانی را ارائه می‌دهند. همچنین برخی خدمات مؤسسات نیز هم جدای از عموم مردم برای سایر مؤسسات قرآنی نیز قابل استفاده است مثل امکانات استودیویی که برخی مؤسسات دارند.



ساختار جدید نمایشگاه‌های استانی کتاب تشریح شد

اطلاع‌رسانی نیز برای نمایشگاه‌های کتاب در استان‌ها در نظر گرفته شده است تا به مخاطبان برای انتخاب کتاب‌ها کمک کنند. همچنین کارافزار نمایشگاه نیز در حال طراحی است تا مخاطبان به سادگی بتوانند به کتاب‌های مورد نظر خود دسترسی پیدا کنند. به طور کل تلاش شده تا ناشران در این نمایشگاه‌ها به جز دغدغه‌های فرهنگی به موضوعات دیگر فکر نکنند. ناشر تولیدکننده کتاب است و اگر در نمایشگاه دغدغه تامین نیرو، روش‌های تبلیغ و عرضه و دیگر موضوعاتی از این دست را نداشته باشد، می‌تواند توان خود را روی مسائل اصلی برنامه‌ریزی برای تولیدات آینده بگذارد.

رضانی نحوه حضور کتابفروشی‌ها در نمایشگاه‌های کتاب استانی را چنین توضیح داد: امکان حضور کتابفروشی‌های سراسر کشور در نمایشگاه‌های استانی فراهم شده است. زمان ثبت‌نام کتابفروشان جهت مشارکت در هجدهمین نمایشگاه فروش یکپارچه کتاب آذربایجان شرقی اطلاع‌رسانی خواهد شد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همراه با برگزاری نمایشگاه‌های استانی به بهینه‌سازی ساختار توزیع کتاب در سراسر کشور نیز می‌اندیشد. نمایشگاه‌های استانی نیز مانند نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران یک رویداد به شمار می‌روند و در ایجاد هیجان‌های عقلانی برای امر کتابخوانی موثر عمل می‌کنند. بی‌تردید استقبال مناسب مردم عزیز ایران از نمایشگاه‌های استانی کتاب، فعالان این صنعت را متقاعد به حضور بیشتر در استان‌ها می‌کند و این باعث تقویت کتابفروشی‌های محلی است. ضمن اینکه این کتابفروشی‌ها نیز امکان حضور در نمایشگاه‌ها را دارند.

او ادامه داد: عرضه حداکثری محصولات ناشران، پشتیبانی از کتابفروشی‌ها در آخرین حلقه صنعت نشر، یاری رساندن به چرخه پخش و مصرف کتاب در کشور به منظور گسترش عدالت فرهنگی و تقویت اقتصاد نشر و... را می‌توان از جمله نکات مثبت شیوه جدید برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب دانست. در واقع شیوه ترکیبی و چندضلعی فعلی که با استقبال بسیار خوب ناشران در ثبت‌نام مواجه شده در حال شکل دهی به سازه جدیدی در این صنعت و ارتقاء دسترسی مردم به کتاب و تازه‌های نشر است، به طوری که قطعا در تعداد و تنوع عناوین عرضه شده، همچنین کیفیت خدمات فرهنگی و محتوایی فاصله بسیاری با شیوه قبلی خواهد داشت. البته همانند هر اتفاق جدیدی ممکن است اشکالات و نقایصی هم داشته باشد که ان‌شاءالله به صورت مداوم رصد و برطرف خواهد شد. مدیر عامل خانه کتاب و ادبیات ایران در پایان گفت: تشکل‌ها و انجمن‌های فعال در این صنعت از جمله انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی، انجمن فرهنگی ناشران آموزشی، مجمع ناشران دفاع مقدس و مجمع ناشران انقلاب اسلامی، همانند نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در شکل‌گیری این شیوه نمایشگاه و انتقال دغدغه‌ها و راهکارهای مدنظر ناشران برای ارتقای نحوه برگزاری مشارکت گسترده و تنگاتنگی با خانه کتاب و ادبیات ایران دارند.

بر اساس این گزارش، ناشران سراسر کشور می‌توانند تا چهارشنبه (سوم آبان ۱۴۰۲) با مراجعه به سامانه ketab.ir نسبت به ثبت‌نام برای حضور در هجدهمین نمایشگاه فروش یکپارچه کتاب آذربایجان شرقی اقدام کنند.



انتخاب نوع حضور از سوی خریداران در این نمایشگاه‌ها فراهم است. در بخش مجازی امکان بازدید و خرید ۲۴ ساعته وجود دارد. بهینه‌سازی تخصصی، ایجاد شفافیت و کاهش احتمال سوءاستفاده در توزیع یارانه حمایتی، توزیع مناسب کتاب و امکان دسترسی مناسب علاقه‌مندان از سرتاسر استان به نمایشگاه و... از مزایای برگزاری همزمان بخش حضوری و مجازی به شمار می‌رود. یارانه اختصاص یافته به این نمایشگاه در بخش حضوری به بازدیدکنندگان تعلق می‌گیرد و در کنار این روش افراد ساکن در استان آذربایجان شرقی می‌توانند از کتابفروشی‌های حاضر در این نمایشگاه، کتاب را به صورت مجازی خریداری کنند.

رضانی در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله دریافت امانی کتاب از ناشران برای عرضه در نمایشگاه‌های استانی اشاره کرد و ادامه داد: تصمیم داریم در صورت تامین منابع مالی و زیرساختی مورد نیاز آثار ناشران را در همه استان‌ها در معرض دید مخاطبان قرار دهیم. با توجه به ضرورت تقویت عرضه تولیدات استان‌ها، ناشران استانی می‌توانند در نمایشگاهی که در استان آن‌ها برپا می‌شود به صورت حضوری شرکت کنند و غرفه مستقلی برای معرفی رو در رو و عرضه کتاب‌های خود داشته باشند. این میان هزینه‌های حمل و نقل، نیروی انسانی و اسکان و تغذیه بر عهده ناشران نیست و تخفیف‌های در نظر گرفته شده برای ناشران متناسب با روندهای عادی و جاری صنعت نشر تعریف شده است.

هزینه ناشران صفر می‌شود

او همچنین مطرح کرد: در واقع در ساختار جدید، ناشران برای حضور در این نمایشگاه نیازی به هزینه کردن، ندارند. آنها محصولاتشان را در تهران تحویل می‌دهند و نیازی به تامین نیرو برای حضور در نمایشگاه نیز ندارند. پس از پایان نمایشگاه نیز مبالغ فروش کتاب‌هایشان را در حساب خود خواهند داشت. تلاش می‌کنیم مانند رویه نمایشگاه‌ها و رویدادهای دو سال گذشته تسویه حساب با ناشران در کوتاه‌ترین زمان ممکن بعد از پایان نمایشگاه انجام شود.

مدیر عامل خانه کتاب و ادبیات ایران با بیان اینکه عرضه کتاب‌ها در نمایشگاه‌های استانی زین‌پس به صورت موضوع محور و در قالب یکی از موضوع‌های عمومی، تخصصی و دانشگاهی، کودک و نوجوان و کمک درسی خواهد بود، گفت: برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی نیز در این نمایشگاه‌ها مبنی بر استانداردهای ارتقا یافته در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و متناسب با فضای استان‌ها خواهد بود. مشاوره تخصصی کتاب

علی رضانی گفت: برای برپایی دوباره نمایشگاه‌های استانی کتاب مطالعاتی صورت گرفت و ساختار آن به دو بخش حضوری و مجازی تقسیم‌بندی شد. در ساختار جدید ناشران برای حضور در نمایشگاه‌های استانی هزینه‌ای را متحمل نخواهند شد.

به گزارش ایسنا، روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران در گزارشی نوشته است: یکی از مهم‌ترین مولفه‌های موج‌فرینی و ایجاد فضای پرشور و نشاط فرهنگی در مجموعه‌ها و جماعات انسانی در جای جای جهان برپایی نمایشگاه‌های کتاب است. این رویدادها باعث می‌شوند تا مردم ذیل واژه و مفهومی به نام کتاب گردهم آیند و در فضایی گفت‌وگو محور به کنش فرهنگی بپردازند. همین ویژگی باعث شده تا نمایشگاه‌های کتاب در زمینه شناخت‌شناسی فرهنگی کشورهای مختلف، عنصری محوری محسوب شوند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز همین ویژگی را دارد.

ضرورت تکثیر این فضا در کلیه استان‌های کشور باعث تولد نمایشگاه‌های استانی کتاب شد و این رویداد به مرور جای خود را در فضای فرهنگی کشور باز کرد. شیوع ویروس کرونا اما باعث شد برپایی نمایشگاه‌های استانی کتاب با واژه تعلیق همراه شود. این تعلیق برای مدتی ادامه پیدا کرد و همین امر بهانه‌ای شد تا مسئولان فرهنگی کشور به مطالعات انتقادی پیرامون دوره‌های گذشته این رویداد بپردازند و ادامه کار را با رفع نواقص دوره‌های گذشته و ارائه ایده‌های جدید همراه سازند.

اکنون دوره جدید این نمایشگاه‌ها با برپایی قریب‌الوقوع هجدهمین نمایشگاه کتاب آذربایجان شرقی آماده ثبت در تقویم فرهنگی کشور است. این نمایشگاه با استفاده از ظرفیت آثار منتشر شده ناشران فعال سراسر کشور در سالن‌های یکپارچه به صورت حضوری و همچنین با مشارکت کتابفروشان سراسر کشور به صورت مجازی از چهارشنبه (هفدهم آبان‌ماه) تا یکشنبه (بیست‌ویکم آبان‌ماه ۱۴۰۲) برپا می‌شود.

به همین مناسبت و برای بررسی ساختار جدید نمایشگاه‌های استانی کتاب با مدیر عامل خانه کتاب و ادبیات ایران به گفت‌وگو نشستیم. علی رضانی با اشاره به اینکه شروع دوباره این نمایشگاه‌ها با مطالعات مختلف روی وجوه گوناگون دوره‌های گذشته آن ممکن شده است، گفت: برای برپایی دوباره این رویداد در استان‌ها مطالعاتی در ساختار آن صورت گرفت و نسبت نمایشگاه با بافت فرهنگی و اقتصادی استان‌ها بررسی شد. در نهایت برای شیوه برگزاری نیز به دو بخش حضوری، با عرضه و فروش یکپارچه آثار ناشران کشور و حضور ناشران استانی و بخش مجازی، با حضور کتابفروشی‌های سراسر کشور رسیدیم. عدم استقبال ناشران از شیوه برگزاری نمایشگاه‌های کتاب پیشین و صرف‌نظر از حضور یا واکنش به دیگران، کاهش کیفیت محتوایی نمایشگاه‌های استانی، تخفیف‌های نامتعارف و عدم توزیع مناسب یارانه‌ها و هزینه بالای برگزاری نمایشگاه برای ناشران و عوامل دیگر باعث شد ضرورت برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب با شیوه جدید احراز شود.

او افزود: تلفیق بخش‌های حضوری و مجازی نمایشگاه با هدف ایجاد دسترسی برای تمامی مردم ساکن در یک استان و نه فقط مرکز استان، ارتقای سطح کیفی و کمی آن و امکان

ریل آهن از «تپه حصار تاریخی دامغان» پاپس می‌کشد؟



سمنان - ایرنا - مجموعه تاریخی «تپه حصار دامغان» با قدمت هفت هزار سال مربوط به عصر آهن و نمادی از تمدن کهن ایران زمین است که به خاطر عبور ریل راه آهن از دل آن، در زیر چرخ آهنین دست کم روزانه ۸۰ رام قطار به لرزه می‌افتد. مقرر است در دور دوم سفر رییس جمهور به استان سمنان، اعتباراتی برای مطالعات خروج ریل راه آهن از حریم این محوطه تاریخی پیش‌بینی شود. به گزارش ایرنا، مجموعه تاریخی «تپه حصار» در جنوب شهر دامغان و در نزدیکی روستای حیدرآباد قرار گرفته و با قدمتی افزون بر هفت هزار سال، یکی از نمادهای تمدنی ایران محسوب می‌شود که مستندات و آثار زیادی از آن در موزه‌های اقصی نقاط جهان و کشور وجود دارد.

مجموعه تاریخی تپه حصار دامغان در استان سمنان، از بزرگ‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ شمال شرقی فلات ایران، در ۱۲ هکتار، از اواخر هزاره پنجم تا نیمه نخست هزاره دوم قبل از میلاد مسیح سکونتگاه بود. این میراث کهن ایران زمین در هزاره‌های چهارم و سوم قبل از میلاد یکی از مراکز مهم تولیدی برای ساخت انواع اقلام صادراتی نظیر اشیای سنگی و فلزی در فلات ایران به شمار می‌رفت، اما آنچه که بقای این تمدن چند هزار ساله را به خطر می‌اندازد، عبور ۲ خط ریلی و تردد روزانه دسته کم ۸۰ رام قطار مسیر تهران - مشهد در کنار کاوش‌های غیرقانونی است که روز به روز پیکر این تمدن را می‌خراشد و به ورطه نابودی می‌کشانند.

آیا ریل آهن از «تپه حصار تاریخی دامغان» پاپس می‌کشد؟

مسیر آهنی بنا شده روی مجموعه تاریخی تپه حصار دامغان متعلق به عصر آهن در هفته پیش از ۵۰۰ بار، در ماه پیش از ۲ هزار بار و در سال بیش از ۲۹ هزار بار میزبان عبور قطار است و اکنون سرنوشت این بنای کهن با خط آهن گره خورده است.

مسیر اصلی ریلی تهران - مشهد که بخش مهمی از آن زیرپوشش ناحیه شمال شرقی (۱) قرار دارد از استان سمنان عبور می‌کند و تپه حصار در فاصله پنج کیلومتری در مسیر ریلی دامغان به شاهرود قرار دارد، یعنی خط ریلی در ۲

مسیر رفت و برگشت از دل تپه حصار دامغان عبور می‌کند.

آسیب به تپه حصار از عبور ریل آهن

تپه حصار دامغان این روزها دچار تخریب فرسایشی به دلیل عبور روزانه دست کم ۸۰ رام قطار تهران - مشهد از دل آن است و باید برای حفظ این میراث کهن اقدام کرد.

به گفته کارشناسان عبور قطارهایی که از پیکره تپه حصار دامغان می‌گذرد تا ۱۰۰ سال آینده اثری از این میراث کهن برجای نخواهد گذاشت و باید با جابه جایی خط ریلی قطار و یا احداث پل برای خط ریلی، برای حفظ و احیا این اثر ملی اقدام کرد.

گذشته از آسیب‌های وارد شده بر پیکر تپه حصار دامغان به دلیل کاوش این بنای تاریخی در دوره‌های پیشین، لزوم همکاری جدی وزارت راه و شهرسازی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای ترمیم این یادگار کهن ضروری است.

پیش‌بینی‌های اعتباری در دور دوم سفر رییس جمهور برای خروج ریل آهن از تپه حصار

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان سمنان گفت: مطالعات مربوط به جابه‌جایی ریل راه آهن در محدوده تپه حصار دامغان با تمدن هفت‌هزار ساله با همراهی مرکز مطالعات وزارت راه و شهرسازی انجام شد. امیر کرمزاده افزود: تخصیص اعتبارات

از محل دور دوم سفر رییس جمهور به استان سمنان برای اجرای مطالعات جابه‌جایی ریل راه آهن در محدوده تپه حصار دامغان پیگیری می‌شود.

«مسجد تاریخانه دامغان» در یک قدمی ثبت در فهرست آثار جهان اسلام فرونشست زمین در مجموعه آرامگاه خرقانی شاهرود در دست بررسی است آیا ریل آهن از «تپه حصار تاریخی دامغان» پاپس می‌کشد؟

قلب تپه حصار دامغان نهفته از اسرار نوسنگی تا مفرغ

تپه حصار هفت هزارساله برای نخستین بار توسط «اریخ اشمیت» از دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۱۳۱۲ مورد کاوش قرار گرفت و پس از آن و در سال ۱۳۵۵ هیاتی از باستان‌شناسان دانشگاه پنسیلوانیا، تورین ایتالیا و مرکز باستان‌شناسی ایران به سرپرستی رابرت دایسون و موریتزیو توری کاوش‌هایی در تپه حصار انجام دادند.

براساس بررسی‌های انجام شده، تپه حصار دامغان سه دوره اصلی فرهنگی از اواخر نوسنگی تا پایان عصر مفرغ را پشت سر گذاشته است و کاوش‌های انجام شده نشان می‌دهد استقرار در تپه حصار در ظاهر تا حدود یک هزار و ۷۰۰ سال قبل از میلاد به‌طور پیوسته ادامه داشت و پس از آن هیچ‌گاه مورد سکونت قرار نگرفت، اما در دوره ساسانی ساختمانی بزرگ دارای گنج‌بری‌های زیبا در فاصله حدود ۲۰۰ متری تپه حصار ساخته شد.

در گمانه‌زنی‌های سال ۱۳۸۵ به‌منظور

تعیین محدوده واقعی این محوطه، با کشف گورستانی از عصر آهن (۵۵۰ تا یک هزار و ۵۰۰ سال پیش از میلاد) در غرب تپه حصار مشخص شد که این محوطه، برخلاف آنچه تصور می‌شد، پس از عصر مفرغ نیز مورد سکونت اقوام بوده است.

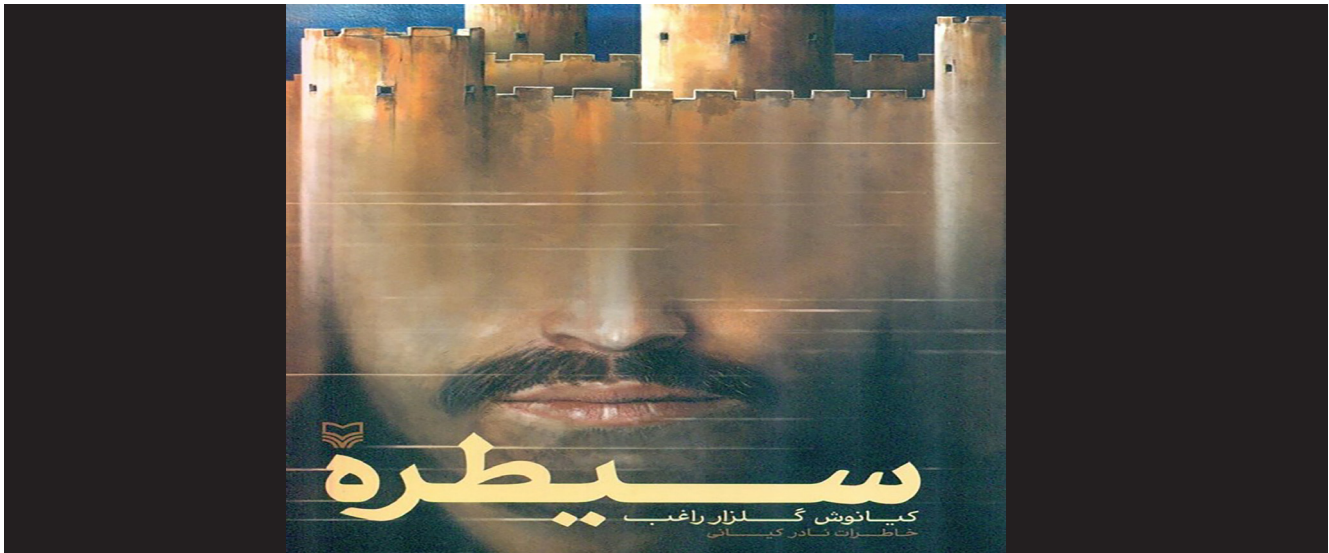
دفن مردگان، از شگفتی‌های تاریخی تپه حصار

نکته جالب دیگر از تپه هفت‌هزارساله حصار دامغان دفن مردگان به سمت مشرق یعنی رو به سوی طلوع آفتاب است که این آیین نشان می‌دهد خورشید یکی از خدایان مهم این مردم به‌شمار می‌رفته که با ظهور ظروف سیاه رنگ این قاعده ترک شد و در کنار مردگان، اشیاء مختلفی از قبیل ظروف سفالی، آلات، ادوات برنزی و بعضی اوقات سلاح‌های جنگی قرار داده می‌شد. تپه حصار هم اینک بی حصار، دیوار و حفاظت فیزیکی مناسب توسط ریل‌های قطار به دو نیم تبدیل شده و این روزها تردد قطار از دل تاریخ همچنان دوستداران میراث فرهنگی را نگران کرده است.

دامغان (معروف به شهر صد دروازه در تاریخ) از شهرهای باستانی و قدیمی ایران است که در دوره ای مرکز ایالت قومس بوده و عده‌ای این شهر را پایتخت اشکانیان می‌دانند.

شهرستان دامغان با قدمت هفت هزار ساله، دارای ۲ هزار اثر تاریخی و فرهنگی است که از این تعداد ۴۰۰ اثر شناسایی و تاکنون ۱۳۱ اثر ثبت ملی شده است.

چرا نوجوانان و جوانان ایرانی باید «سیطره» را بخوانند؟ روایت‌هایی از ذبح انسان توسط مدعیان آزادی



اولیه خود را نیز رعایت نمی‌کنند، بسیاری از نیروهایشان بعد از مدتی سرخورده و پشیمان شده و نهایتاً فرار می‌کنند البته تعدادی هم خودکشی می‌کنند، این بخش‌ها باید برای مخاطب برای نوجوان و جوان ایرانی شفاف‌تر شود. ما در «سیطره» تا جایی که توانستیم، تلاش کردیم ولی چون کتاب اولی بود که به این موضوع می‌پرداخت، تلاش کردیم متعادل‌تر پیش رویم.

وی درباره بازخورد کتاب پس از انتشار نیز ادامه می‌دهد: امروز دوره و زمانه روشنگری است، همین قدر که کتاب‌های ما مورد هجومه ضد انقلاب و عوامل این گروه‌ها قرار می‌گیرد و می‌گویند، این‌ها توهم و خیال است، بر علیه ما دروغ‌پردازی می‌کنند، خودش نشان می‌دهد که ما در پیمودن مسیر موفق بوده‌ایم. هرچقدر که تاکنون نوشته‌ایم، قطره کوچکی از فداکاری مردم کردستان است. بسیاری از مردم کردستان پس از مطالعه کتاب‌ها پیام‌های دلگرم‌کننده‌ای برایم می‌فرستند، از سوی دیگر این کتاب‌ها نگاه مردم سایر نقاط کشور را نیز به مردم کردستان عوض کرده است.

نادر کیانی نیز درباره دلیل روایت خاطرات خود با وجود خطراتی که برایش داشته است، می‌گوید: خاطراتم را روایت کردم تا مردم و خصوصاً جوانان به خوبی فاصله شعار تا عمل این گروه‌ها را بشناسند و فریب نخورند. هدف دیگر این بود که کومه‌ها بدانند با وجود همه تهدیدها و بلاهایی که سر من در طول این سالها آمده، نتوانسته‌اند از انگیزه‌های من کم کنند. تهدید گروه‌ها تا به امروز هم ادامه دارد، هر چند مدت یکبار بیانیه و گزارشی علیه بنده در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی‌شان می‌نویسند و بارها هم به صفحات بنده در اینستاگرام و فیسبوک حمله کرده و علناً و آشکاراً تهدید به مرگ کرده‌اند. چاپ دوم کتاب «سیطره» در ۲۸۳ صفحه و با شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه با قیمت ۱۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

را غارت و علیه انقلاب اسلامی به جنگ مسلحانه پردازند. آنها هزاران نفر از رزمندگان اسلام و مردم کردستان را قتل عام کردند. در سال‌های اولیه دفاع مقدس این گروه‌ها از ایران رانده شده و به دامن دشمن پناه بردند و دست به ترورهای کور مردم ایران زدند.

کتاب «سیطره» اطلاعات خوبی از مناسبات داخلی ضد انقلاب، هویت سران احزاب، فساد و فحشاء و روابط داخلی و خارجی آنها بر ملا می‌سازد. کیانی در خلال روایت ۷ سال نفوذ خود در کومه، پرده از جنایت‌های بی‌شمار این گروه‌های تروریستی بر می‌دارد، یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب حضور داوطلبان مختلف در کومه و بیان سرنوشت آن‌ها از زبان نادر کیانی است. جوانانی که با تبلیغات بی‌پشتوانه با سودای سفر به اروپا با پای خود به کومه می‌آمدند اما بعد از مشاهده وضعیت اسفبار مقرر پشیمان می‌شدند. برخی می‌توانستند برگردند اما برخی دیگر به طرز فجیعی نیست و نابود می‌شدند. کتاب اطلاعات بسیار خوبی از کومه، مناسبات آن‌ها با کشورهای مختلف و نوع ارتباط با دیگر انشعابات کومه به دست مخاطب می‌دهد. جنایت، تجاوز، بی‌اخلاقی، بی‌بندوباری، لایبالی‌گری، وضعیت اسفبار زنان و دختران، اعتیاد و تاکید بر خداناباوری از برجسته‌ترین اطلاعاتی است که این کتاب به مخاطب می‌دهد. تصویری واقعی از گروه‌های تروریستی کرد که خود را حامی مردم معرفی می‌کنند، اما حتی چشم دیدن هم را نیز ندارند. کیانوش گلزار راغب نویسنده کتاب درباره چرایی نگارش این خاطرات به تسنیم می‌گوید: سال‌هاست که سازمان کومه شعارهای جذاب و فریبنده‌ای را وارد ذهن جوانان این سرزمین می‌کند، شعارهایی که با عملکردشان کاملاً متفاوت است، ظاهر ماجرا جذاب و فریبنده است، وقتی درون این گروه‌ها و سازمان‌ها می‌رویم، کاملاً با یک سازمان امنیتی مخوف مواجه می‌شویم که حتی اصول

انتشارات سوره مهر چاپ دوم کتاب «سیطره» خاطران نادر کیانی را منتشر کرده است، خاطراتی که کیانی از ۷ سال نفوذ خود به درون حزب کومه روایت کرده است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، «در آخرین روز، فیلم مستند جنگ ۲۴ روزه سنندج را هم نمایش دادند. این فیلم نشان می‌داد چگونه نیروهای کومه در جنگ سنندج توی جاده‌ها کمین کرده و سربازان بی‌گناه را با نفرت زجرکش کرده بودند. صحنه‌های فیلم آنقدر فجیع و منزجرکننده بود که خودش هم طاق‌ناشتند نگاه کنند. نشان می‌داد چگونه تیر به کمر سرباز بیچاره می‌زنند تا زجرکش شود. با زخمی‌ها تفریح می‌کردند و هر بار به قسمتی از بدنشان تیر می‌زدند و به عذاب آنها می‌خندیدند. به سرش نمی‌زدند که زود بمیرد، پوست‌کندن و سربریدن فرزندان ایران زمین جزو افتخاراتشان بود که به ما نشان می‌دادند. این صحنه‌ها را خودش‌ها حین کمین و درگیری و کشتار فیلمبرداری کرده بودند.»

این بخشی از کتاب «سیطره» خاطرات نادر کیانی به قلم کیانوش گلزار راغب است که انتشارات سوره مهر چاپ دوم آن را منتشر و روانه بازار نشر کرده است. «سیطره» خاطرات هفت سال نفوذ «نادر کیانی» از نیروهای انقلابی ایران به اردوگاه حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان کومه در اقلیم کردستان عراق است، کیانی که تا سطوح عالی سازمانی و مسئول کل پذیرش این سازمان رشد کرده و با دسترسی به اطلاعات ارزشمند درون گروهی، گرفتار زندان اقلیم کردستان می‌شود و با تحمل رنج و مرارت زیاد، عقابت به کشور باز می‌گردد و ثمره سال‌ها تلاش و مجاهدت خود را در خدمت نظام جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های ضد انقلاب فرصت پیدا کردند تا اسلحه و مهمات پادگان‌های نظامی

زخم برپیکرپل تاریخی بابل بخشی از طاق «محمدحسن خان» فروریخت



میراث فرهنگی با قرار دادن نماد از تندیس کوچ دامداران بر روی این پل فضای خاصی را ایجاد کرده که احتمال فروپاشی این بنای تاریخی و پایان خاطره بازی روستائینان جنوب بابل با این بنا هر روز برنگرانی آنها می‌افزاید.

تاریخ نویسان هزینه ساخت این پل را که تا سال ۱۳۴۳ تنها راه ارتباطی بابل به بندپی، آمل، تهران و روستاهای جنوب و جنوب غربی شهرستان بود، ۱۲۰ هزار ریال ذکر کرده‌اند. پل محمدحسن خان با ۱۴۰ متر طول و ۶ متر عرض، دارای ۶ چشمه یا طاق اصلی و ۲ چشمه فرعی است و ارتفاع آن از بستر رودخانه ۱۱ متر است.

این پل به سبک پل‌های دوران صفوی و در اواخر دوران افشاریه ساخته شده است و از ویژگی‌های مهم آن استفاده از سفیده و تخم مرغ و ساروج در ساختش است. پل تاریخی محمدحسن خان قاجار یک بار در زمان پهلوی اول ترمیم شد و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ با شماره ثبت ۱۴۱۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شد. این پل ۳۰۰ ساله حدود نیم قرن پیش با ثبت نامش در فهرست آثار ملی به شماره ۱۴۱۴ به سن بازنه‌سنگی رسیده بود، ولی به علت نبود پل جایگزین مناسب زیر بار ترافیک باقی ماند. عبور و مرور ماشین بر روی پل محمدحسن خان پس از بهره برداری از پل سومی با همین نام در جوار آن در سال گذشته ممنوع شد.

تلاش‌های زیاد تردد خودروهای سنگین را در زیر پل تاریخی محمدحسن خان بابل ممنوع کردیم.

کمیل هاشمی با بیان این که عده ای سودجو به خاطر استفاده خودروهای سنگین، از زیر این پل سازه‌های بتنی را جابجا و دوباره از زیر آن تردد می‌کنند، اضافه کرد: برای حل ریشه‌ای مشکل چند طرح در دست بررسی داریم که بازگشایی جاده جایگزین در محدوده پل یکی از آنهاست.

وی اظهار داشت: برای ساماندهی محدوده پل تاریخی محمدحسن خان به همکاری و کمک چند دستگاه دولتی نیازمند هستیم تا بتوانیم این بنای تاریخی را از خطر تخریب حفظ و تردد تمامی خودروهای سبک و سنگین را ممنوع کنیم. این پل ۳۰۰ ساله حدود نیم قرن پیش با ثبت نامش در فهرست آثار ملی به شماره ۱۴۱۴ به سن بازنه‌سنگی رسیده بود، ولی به علت نبود پل جایگزین مناسب زیر بار ترافیک باقی ماند.

شورای ترافیک بابل تردد از زیر پل تاریخی محمدحسن خان را ممنوع کرد
پل تاریخی محمدحسن خان بابل چشم انتظار مساعدت مسوولان

این پل تاریخی که از گذشته‌های دور شهر بابل را به جنوب این شهرستان در بخش بندپی شرقی، بندپی غربی و کتاب متصل می‌کرد و در یک مقطعی از تاریخ عبور احشام از روی این پل انجام می‌شد،

تاریخی داشتند اعلام کردند طرح جاده جایگزین در محدوده این پل در دست بررسی است اما نیازمند تعامل و همکاری چند دستگاه دولتی هستیم.

تردد خودروهای سبک و سنگین ممنوع

معاون میراث فرهنگی، گردشگری صنایع دستی استان مازندران به خبرنگار ایرنا گفت: تردد تمامی خودروهای سبک و سنگین از زیر پل تاریخی محمدحسن خان بابل ممنوع است. محسن باستانی با اشاره به اینکه طی نامه‌ای این مطلب را به شهرداری بابل اعلام کردیم که تردد خودروهای سبک و سنگین از زیر پل تاریخی خطر آفرین است، بیان داشت: برای حفظ این بنای تاریخی باید یک جاده جایگزین جدید در این محدوده تعریف شود تا این بنای ارزشمند بیش از این تخریب نشود. این مقام مسوول ادامه داد: با استفاده از ظرفیت استانی و شهرستانی باید بخش تخریب شده پل را مرمت کنیم تا شدت تخریب و شکاف ایجاد شده بیشتر نشود.

جاده جایگزین در دست بررسی

رییس کمیسیون فنی و عمرانی شورای اسلامی شهر بابل که امروز پنجشنبه به همراه معاون عمرانی شهرداری بابل از بخش تخریب شده پل تاریخی بازدید داشتند در گفت و گو با خبرنگار ایرنا بیان داشت: با

بخشی از طاق پل تاریخی ۳۰۰ ساله محمدحسن خان بابل در چشمه دوم آن بر اثر برخورد خودروهای نیمه سنگین تخریب و فروریخت.

به گزارش ایرنا، تردد از روی پل تاریخی محمدحسن خان بابل پس از کش و قوس‌های فراوان از سال ۱۳۹۵ ممنوع شد، اما تردد خودروهای سبک و نیمه سنگین از زیر این پل تاریخی همچنان ادامه دارد، و در روزهای اخیر یک خودروی نیمه سنگین که حامل بار بود به بخشی از طاق برخورد و این بنای تاریخی در چشمه دوم ریزش کرد و در همان محدوده بر روی سازه پل شکاف ایجاد شد. ۲۵ مهرماه امسال بود که تعدادی از رانندگان خودروهای سنگین با کنار گذاشتن سازه‌های بتنی زیر پل دوباره تردد را آغاز کرده بودند، که با ورود فرماندار بابل سازه‌های بتنی به زیر پل برگشت و تردد خودروهای سنگین ممنوع شد، اما در حال حاضر تردد خودروهای سبک و نیمه سنگین از زیر پل تاریخی ادامه دارد، و این تردد در حالی انجام می‌شود که مسوولان میراث فرهنگی مازندران اعلام کردند طی نامه‌ای به شهرداری بابل اعلام شد تردد تمامی خودروهای سبک و سنگین از زیر پل ۳۰۰ ساله محمدحسن خان ممنوع است و زمینه تخریب بیشتر این بنای فاخر فراهم می‌کند.

مسوولان مدیریت شهری بابل طی بازدیدی که از بخش تخریب شده این بنای

تراژدی و رنج تراژیک دانستن

رایج‌ترین مفهوم تفکر آن است که به‌طور روزمره از آن در گفت‌وگوها استفاده می‌کنیم و همه انسان‌ها دارای آن هستند، افزود: ارسطو و دیگر دانشمندان تلاش کردند قواعد فکر کردن صحیح را کشف کنند. فکر وقتی روشن می‌شود، علوم را ایجاد می‌کند.

این پژوهشگر فلسفه خاطر نشان کرد: باید توجه داشت تفکر فلسفی طیف خاصی از تفکر است. در فلسفه تفکر، تفکر مفهومی است و کار فیلسوف، مفهوم‌پردازی است. فیلسوف برای پاسخ به پرسش‌هایش، مفهوم‌سازی می‌کند. مثلاً اگر از فیلسوف بپرسند انسان چیست؟ فیلسوف می‌گوید جواب من باید بر اساس ذات و ماهیت موضوع باشد. انسان یک موجودی زنده و دارای حیات است و تفاوت او با سایر موجودات اهل فکر و سخن بودن اوست.

صافیان با اشاره به اینکه نحوه دیگری از تفکر وجود دارد که تفکر شاعرانه است و این تفکر نزد شاعران بزرگ دیده می‌شود، اضافه کرد: شاعران هم اهل تفکر هستند. سیاستمداران بزرگ و بنیان‌گذاران ادیان بزرگ نیز اهل فکر هستند. تفکر شاعرانه مفهوم‌پرداز نیست و شاعر نمی‌خواهد مفهوم بسازد. ما فهمیم در فلسفه کلی هستند و شاعر هم در عین حال از امر کلی سخن می‌گوید. هرچند در موضوع سخن شاعر، اسم یک انسان خاص ذکر می‌شود، اما همان انسان نیز یک نمونه از امر کلی است. شاعر در مورد جهان، سرنوشت، انسان، تقدیر، روابط انسانی در نمونه‌های خاص سخن می‌گوید. این نمونه‌ها قابل تعمیم به کل هستند.

همچنین نویسنده تلاش کرده که تفاوت بین دو مفهوم تراژدی و تراژیک را به مخاطب نشان دهد.

او با معرفی بخش‌های مختلف کتاب، بیان کرد: فصل اول کتاب «رنج تراژیک دانستن» به این پرسش پاسخ می‌دهد که اساساً تراژدی چیست و ریشه‌شناسی این کلمه و دیدگاه افلاطون و ارسطو در مورد شعر دراماتیکی و تراژدی در این فصل بررسی شده است. مفهوم تراژیک، آثار آشیل و بخش تحلیل فلسفی امر تراژیک را در فصل دوم شاهد هستیم. تأکید کتاب بر روایت ادیپ و تراژدی بودن مفهوم دانایی، مسائلی است که در فصل سوم آنها را می‌بینیم. فصل چهارم نیز به ویژگی‌های تراژدی از منظر ارسطو و وحدت‌های چهارگانه او اختصاص یافته است.

این فعال حوزه تئاتر که معتقد است کتاب «رنج تراژیک دانستن» برای اهالی تئاتر جذاب است، تأکید کرد: خوانش کتاب کلاسیک است و جا داشت که این کتاب به خوانش‌های مدرن نیز توجه می‌کرد. آموزه‌های تفهیمی در حوزه تئاتر در این کتاب مطرح شده است.

محمدجواد صافیان، عضو سابق هیئت‌علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان، در ادامه این نشست، اظهار کرد: نویسنده کتاب با عشق و علاقه، پایان‌نامه ماندگاری تدوین کرد که به این کتاب تبدیل شد.

او از منظر متفاوتی در مورد تراژدی، گفت: تراژدی نویسان که در یونان ظهور کردند، از طایفه شاعران هستند. تراژدی یک‌گونه شعر به معنای یونانی است. تراژدی یکی از مصادیق تفکر شاعرانه است. او با بیان اینکه تفکر، انواع و اقسامی دارد و

تراژدی، حامل رنج دانستن است؛ رنجی که به شادی منتهی خواهد شد. تراژدی و اسطوره، زبان استعاری دارند و نباید با زبان علمی آنها را مورد بررسی و واکاوی قرار داد، بلکه مفاهیم درونی آنها باید به‌صورت استعاری کشف شوند.

موضوع پژوهش حاضر تراژدی است. اما تراژیک چیست؟ تراژیک به امری گفته می‌شود که بی‌خسونت فیصله نمی‌یابد و یا آن گره‌ای که بدون تندی گشوده نمی‌شود. رام شدن بادهای قربانی شدن ایفی‌ژنی را می‌تبلد و پایان یافتن خودکامگی، به بهای خون‌خواهی ارسته انجام می‌شود. اما این خسونت و تندی بشری تصفیه حساب نیست، بلکه خواست الهی در آن غلیان دارد.

این جمله‌ها، بخشی از محتوای کتاب «رنج تراژیک دانستن» نوشته «علیرضا محمدی بارچانی» است که در یکی از سلسله نشست‌های فصل سخن که در روز سه‌شنبه (۲۵ مهرماه) در کتاب‌فروشی اردیبهشت جهاد دانشگاهی واحد اصفهان برگزار شد، مورد بررسی و گفت‌وگو قرار گرفت.

در ابتدای این نشست، سعید محسنی، فعال حوزه تئاتر، گفت: اکثر اوقات در مورد جهان تراژیک یونان، فقط مفاهیم تکنیکال و تاریخ آن را جست‌وجو و مطالعه می‌کردیم، اما جای این کتاب در فرهنگ نمایشی ما خالی بود. مقدمه مصطفی ملکیان و دکتر بینای مطلق در ابتدای کتاب دیده می‌شود که مخاطب را به روش خود به مکث بر روی مفهوم تراژدی آن دعوت کردند.



ISNA PHOTO
Rokhsareh Pourheidar

فضیلت انسانی است و آنتی‌گونه نماد انسانیت است. در داستان پرومته در زنجیر مطرح می‌شود که پرومته در تقابل با زئوس (خدای خدایان) آتش را به انسان می‌سپارد تا از نسل بشریت محافظت کند. این روایت نیز نشانه این است که آیسخولوس در تراژدی خود به دنبال اندیشه‌ای است که ناشی از فضیلت است.

محمدمدی بارچانی خاطر نشان کرد: از یک طرف افراد تراژدی‌نویس مثل آیسخولوس یا سوفوکل و از طرف دیگر افرادی چون ارسطو و افلاطون برای نجات اندیشه و فضیلت در مقابل سوفسطاییان فعالیت کرده‌اند.

او با بیان اینکه آیسخولوس علت رنج تراژیک قهرمان را گناه، تخطی از قانون طبیعت، جدایی از خواست خدایان و به‌خصوص غرور و طغیان و سرکشی آدمی بیان می‌کند، افزود: مثلاً خود کامه‌ای مثل خشایارشا با غرور خود دست به شورش و طغیان می‌زند. آیسخولوس به یک نظام الهیاتی باور دارد که آن را در حال فروپاشی می‌بیند و در زمینه دولت‌شهر برای نشان دادن آن سنن الهی که به آن معتقد است، اسطوره‌ای چون پرومته در زنجیر را مطرح می‌کند. این ماجرا، بحث دوری از غرور و عدم تخطی از نظم طبیعت را بیان می‌کند.

نویسنده کتاب «رنج تراژیک دانستن» خاطر نشان کرد: از این تراژدی‌ها، هم‌زیستی با محیط‌زیست را در این دوران مدرن می‌توان یاد گرفت. تراژدی‌های ایرانی و یونانی در واقع حامل اندیشه‌ای هستند که می‌توانند به ما منتقل شوند.

او با بیان اینکه آنچه در کتاب زایش تراژدی، قهرمان تراژیک را قهرمان جلاک و قهرمان بازیگر و رقصنده می‌داند و صرفاً آن را قهرمان درام یا ضد قهرمان معرفی نمی‌کند، اضافه کرد: قهرمان کسی است که در افسانه سبزیف می‌بینیم. او هزار بار سنگ را تا بالای کوه حمل می‌کند و جلاکانه و همت مسیر را طی می‌کند و خسته نمی‌شود. این تراژدی، نه تنها نیپلیسیم و هیچ‌انگاری نیست، بلکه باعث می‌شود که انسان نگاهی آری‌گویانه به زندگی پیدا کند. نگاهی که در آن شادی موضوع آری‌گویی انسان است.

نویسنده کتاب «رنج تراژیک دانستن» ادامه داد: آنتی‌گونه و پرومته آدم‌هایی افسرده، مغموم و پوچی نیستند، بلکه افرادی خود بنیاد و خودانگیز هستند و دارای ارزش‌های انسانی هستند و برای این ارزش‌ها می‌جنگند. او با تأکید بر اینکه تراژدی بی‌واسطه، شادی‌بخش است، اظهار کرد: شادی‌بخش به این معناست که وقتی ما می‌فهمیم متناهی هستیم و غایت ما مرگ است، اراده می‌کنیم معنایی برای خود بسازیم. همان‌طور که در افسانه ادیپ شهریار می‌خوانیم، او برای اینکه می‌خواهد علت طاعون را بفهمد، با وجودی که از فرجام بد این فهمیدن آگاه است، چون هرکول پوآرو جستجوگرانه می‌رود و علت را که همان قتل پدرش توسط خود او و ازدواج با مادرش است را (که البته در ناآگاهی و عدم اطلاعش بود)، کشف می‌کند. در نهایت نیز خود را کور می‌کند و مادرش نیز خودکشی می‌کند و رنج تراژیک دانستن برای ادیپ اینجا رخ می‌دهد. در مرثیه‌ای که ادیپ برای نسل‌های بعدی گفته است، این مفهوم مستتر است که او حتی اگر به گذشته برگردد باز هم همین مسیر پر رنج را انتخاب خواهد کرد تا علت طاعونی که به شهرش زده را کشف کند.

تفکر شاعران را بسط می‌دهد و کار شاعر بزرگ هم در تقابل با کار فیلسوف نیست.

این پژوهشگر فلسفه تراژدی را یک بخشی از تفکر شاعرانه دانست و اضافه کرد: تراژدی به زبان اساطیری ظهور کرده است و وضعیت انسان در این جهان را برای ما روایت می‌کند. اینکه این انسان در جهان، هستی متناهی و محدودی دارد و لاجرم قرین با رنج است، در اساطیر روایت شده است. هیچ انسانی نیست که رنج نکشیده باشد و با رنج انتخاب است که انسان خودش را محقق می‌کند. در نهایت وجود همه ما مرگ از ابتدای زندگی با ما است. ما از ابتدا همسایه مرگ هستیم و کمابیش به‌صورت کمتر نمایان، زندگی تراژیکی داریم. انسان هرچقدر بزرگ‌تر باشد، مرگ بزرگ‌تری هم خواهد داشت.

علیرضا محمدی بارچانی، نویسنده کتاب «رنج تراژیک دانستن» ضمن تسلیت درگذشت میر شمس‌الدین ادیب سلطانی، در این نشست، گفت: جا دارد از دیوش مهرجویی و پایان تراژیک او یاد کنیم. او فیلسوف سینما بود و دغدغه‌های فلسفی نسل خود و نسل‌های بعدی را ارائه داد و تنها می‌توان اتفاقی پایان دهشتناک زندگی او را محکوم کرد.

او در خصوص بخش ابتدایی کتابش، تصریح کرد: بخشی از کتاب، به بررسی جنبه‌های فلسفی تراژدی‌های یونان باستان اختصاص یافته است. در این بخش صوری و تکنیکی کتاب، به تعریف و تبیین تراژدی، امر تراژیک و تقدیر و وحدت‌های سه‌گانه پرداخته شده است.

این محقق و نویسنده فلسفه با اشاره به اینکه بخش دیگر کتاب، بحثی است که در آن مسئله تراژدی را به معنای عام در نظر گرفته و می‌گوید به هر حال همه انسان‌ها با تراژدی محصور هستند، افزود: همه انسان‌ها با مرگ و تنهایی اصیل مواجه هستند. ما در زندگی همه آدم‌ها شاهد فقدان، واقعه درد انگیز، رنج، محدودیت، فرجام ناگوار، زجر و رنج قهرمان و در نهایت آگاهی تراژیک هستیم.

محمدی بارچانی در خصوص مفهوم آگاهی تراژیک، تصریح کرد: آگاهی تراژیک در مسیری رخ می‌دهد که در آن شخصیت اصلی هر داستان از ندانستن به دانستن می‌رسد و انسان باید در این مسیر رنجی را متحمل شود. «رنج بردن برای دانستن» ضرب‌المثل یونانی است که من در مقدمه کتاب هم به آن اشاره کردم.

او در مورد مسئله «اندیشه در تراژدی» اظهار کرد: «اندیشه در تراژدی» مسئله‌ای است که در این کتاب به آن نپرداخته‌ام و تصمیم دارم که در پروژه جدید خود به آن بپردازم. ارسطو اشاره می‌کند که در اجزای کیفی تراژدی، ما شاهد بخش‌های متعددی هستیم. این بخش‌ها شامل پیرنگ، سیرت، گفتار، اندیشه، منظره نمایش و آغاز است. پیرنگ نزد منتقدین ادبی و منتقدان ارسطو مطرح شده که با عناوینی چون واقعه درد انگیز و فرجام ناگوار قهرمان به‌عنوان تزه‌ای ارسطو مطرح است. درحالی‌که اندیشه تراژدی بحث مهم‌تری است.

این متفکر و پژوهشگر فلسفه، ادامه داد: وقتی هگل، آنتی‌گونه را صحنه تقابل حق و خیر می‌داند، تلقی‌اش از منظر خود او صحیح است، ولی ما وقتی به محتوا و دغدغه نمایشنامه‌نویس که می‌خواهد تفکر شاعرانه را نشان دهد، توجه می‌کنیم، می‌بینیم که دغدغه او دغدغه

او با بیان اینکه ویژگی سخن شاعر این است که هرچه هست، برای ما قابل پذیرش است، افزود: ما با شاعران وارد مجادله و چانه‌زنی نمی‌شویم. ما شاعر را راهنمای زندگی خود می‌دانیم. ارتباط ما با شاعر، رابطه‌ای استماع و پذیرش است. ما فکر می‌کنیم که حکمتی وجود دارد و شاعران بزرگ آن را دریافته‌اند. شاعران چگونه این حکمت و حقیقت را پذیرفته‌اند؟ شاعر برای ما استدلال نمی‌کند، بلکه تنها سخن خود را می‌گوید و ما او را می‌پذیریم چون فکر می‌کنیم سخن شاعر، سخن ماست.

این عضو سابق هیئت‌علمی ادامه داد: در فرهنگ ما مقام شعرا مقام بلندی است و برخی از شاعران را رسماً حکیم نامیده‌ایم؛ مثل حکیم ابوالقاسم فردوسی یا برخی از آنها را چون حضرت حافظ با صفتی مثل لسان‌الغیب می‌شناسیم.

صافیان که معتقد است یونانیان شعرا را حکایتگر می‌دانستند، تصریح کرد: شاعران حقیقتی که به ذوق حضور دریافته‌اند، حکایت می‌کنند. ما حکمتی به نام حکمت شاعرانه داریم. شاعر به این علت که اهل مفهوم‌پردازی نیست، به حقایقی اشاره می‌کند که در زندگی روزمره برای ما ممکن است اتفاق بیفتد.

او با اشاره به اینکه شاعر ما دریافته است که رمز جهان بر مدار دوستی است، بیان کرد: شاعر تلاش می‌کند در شعر خود نتایج دوستی و دشمنی را بیان کند و تذکر دهد که زندگی سالم و صحیح در این جهان منوط به دوست داشتن است.

او بن‌مایه تفکر شاعرانه را اسطوره و اسطوره‌پردازان را شاعران دانست و اظهار کرد: امروزه با تفکر اسطوره‌ای مخالفت می‌شود و از طرفی اسطوره‌زدایی دارای اهمیت است. از اساطیر به‌عنوان خرافات تعبیر می‌شود و اسطوره برچسب ضد علمی می‌خورد. گفته می‌شود که ما تا اساطیر را کنار نگذاریم نمی‌توانیم علمی فکر کنیم و به توسعه و خوشبختی برسیم. در تحلیل نهایی همه مشکلات را به گردن تفکر اسطوره‌ای می‌اندازند.

این عضو هیئت‌علمی سابق دانشگاه اصفهان با ذکر این نکته که ما زبان اسطوره را نمی‌شناسیم، تصریح کرد: ما فکر می‌کنیم زبان اسطوره همان زبان علمی است. چون حقانیت علم مفروض است، اندیشه اسطوره را با زبان علم می‌سنجیم. زبان اسطوره، زبان خاصی است و قابل قیاس با زبان فلسفی و زبان علمی نیست.

صافیان با بیان اینکه اسطوره‌نویسان و شاعران بزرگ در باب هستی، نسبت هستی آدمی با خدا و تقدیر اندیشیده‌اند و اندیشه آنها با صورت‌های خیال همراه بوده و به همان صورت بیان شده است، اظهار کرد: اندیشه شاعران و اسطوره‌نویسان، استعاری است و از سنخ سخن علمی نیست. در علم جدید، استعاری سخن گفتن، نهی می‌شود. زبان اسطوره، استعاری است و مخاطب باید متوجه تفاوت زبان استعاری و زبان علمی باشد.

او که معتقد است استعاره محتاج تفسیر است و با این تفاسیر معانی شعر و تراژدی و اسطوره آشکار می‌شود، افزود: اینجا وظیفه متفکران و فیلسوفان این است که سخنان جذاب و جالب شاعران را از خطر ابتذال ناشی از عمومی شدن، نجات دهند و معانی حقیقی آنها را آشکار کنند. بنابراین شاعران و متفکران در تقابل با یکدیگر نیستند. فیلسوف اگر صاحب تفکر اصیل باشد،

در نشست هفتگی فصل سخن مطرح شد:

نگاه خوش بینانه؛ راه مقابله با نامالایمات و شکست‌ها

مارتین سلیگمن، نویسنده کتاب «کودک خوش بین» به شما یاد می‌دهد که فرزندان خود را با نگاهی خوش بینانه و در عین حال واقع‌گرایانه نسبت به خود، زندگی و مشکلاتش، تربیت کنید تا بتوانند در برابر نامالایمات و شکست‌ها مقاومت و ایستادگی کنند.

این جمله‌ها، بخشی از محتوای کتاب «کودک خوش بین» نوشته «مارتین سلیگمن» با ترجمه‌ای از فروزنده داورپناه است که در یکی از سلسله نشست‌های فصل سخن در روز سه‌شنبه (۲ آبان‌ماه) در کتابفروشی اردیبهشت جهاد دانشگاهی واحد اصفهان مورد بررسی و گفت‌وگو قرار گرفت.



در ابتدای این نشست، غلامرضا نیکراهان، روانشناس و مدرس دانشگاه، صحبت خود درباره علت مهم بودن کتاب «کودک خوش بین» را با دو روایت شروع کرد و ضمن اشاره به اینکه کتاب‌های مارتین سلیگمن جزو پر فروش‌ترین کتاب‌های جهان است و او نویسنده‌ای است که بسیاری از کتاب‌ها را می‌نویسند تا هم خواننده عام و هم اهالی علم بتوانند از آن استفاده کنند، به موضوع واکنش‌ناهیون روانی تأکید و بیان کرد: زندگی همواره بر کام ما نیست، آیا ما همان‌طور که برای انواع بیماری‌های جسمی واکنشینه شده‌ایم، خود و فرزندان خود یعنی نسل بعدی را در برابر آسیب‌های روانی نیز واکنشینه کرده‌ایم؟

او ادامه داد: «جوانان سالک» کاشف واکنش فلج اطفال بود، یعنی کسی که دنیا را از فلج اطفال نجات داد، اما او بود که موضوع اصلاح واکنش‌ناهیون روانی را نیز مطرح کرد و به مارتین سلیگمن گفت «اگر من به دوران جوانی باز می‌گشتم به جای اینکه برای جسم آن‌ها واکنش ایجاد کنم، برای روان آنها ایجاد می‌کنم» که این حرف روی سلیگمن تأثیر بسیاری داشت.

نیکراهان با اشاره به نظریه دو ضربه‌ای، اشاره کرد که استرس‌ها و ناکامی‌ها جزئی از زندگی بشر است و سپس این پرسش را مطرح کرد که آیا من و فرزندانم می‌توانیم سپرهایی برای ایمن شدن داشته باشیم؟

این روانشناس اضافه کرد: در چنددهه اخیر، سرمایه‌های روان‌شناختی، کشف شده که هر کس آن‌ها را داشته باشد دارای قوی‌ترین پکیج واکنش‌ناهیون روانی است؛ سرمایه اول، خوش‌بینی و دومین سرمایه هم تاب‌آوری است، امید و اعتماد به نفس نیز سومین و چهارمین سرمایه روان‌شناختی هستند. در این بین، خوش‌بینی یکی از ستون‌های بسیار قوی است که اگر وجود داشته باشد، امید و

تاب‌آوری و اعتماد به نفس نیز افزایش پیدا می‌کند و کتاب «کودک خوش بین» درباره یکی از این سرمایه‌های روان‌شناختی یعنی خوش‌بینی توضیحاتی ارائه کرده است. او سپس به رازهای خوش‌بینی اشاره کرد و گفت: آدم‌هایی به‌رغم زندگی بالایی دارند که سلامت روان داشته‌باشند.

نیکراهان همچنین سه تعریف ارائه شده درباره خوش‌بینی را نیز چنین توضیح داد: بعضی گفته‌اند که خوش‌بینی یعنی دیدن جنبه‌های مثبت یک پدیده حتی در پدیده‌های منفی. دومین تعریف از خوش‌بینی به خوش‌بینی از آینده یعنی نگاه مثبت به جلو بازمی‌گردد و تعریف سوم این است که در زمان اتفاق‌های بد، تعاریف مثبتی از آن‌ها داشته باشیم.

این مدرس دانشگاه با بیان اینکه آثار خوش‌بینی بسیار زیاد است، بیان کرد: کسانی که خوش‌بین هستند نسبت به سایر افراد، ۱۹ درصد عمر طولانی‌تری دارند. همچنین مراجعه به پزشک در افراد خوش‌بین کمتر است، یعنی به لحاظ جسمی سالم‌تر هستند، چراکه روان‌شناسی روی اختلالات خود ایمنی اثرگذار است. ضمن اینکه افراد خوش‌بین در زمینه شغلی موفق‌تر هستند، درآمد بیشتری دارند، پشتکار و استمرار و پایداری و دوام آنها در کارها بیشتر است.

او افزود: افراد خوش‌بین در تحصیلات خود و فعالیت‌های ورزشی نیز موفق‌تر هستند؛ ضمن اینکه در مقایسه با کالسترول و فشارخون، اثر خوش‌بینی بر سلامت قلب بیشتر است و وقتی که شما بدبینانه فکر می‌کنید فاکتورهای التهابی در خون شما بالا می‌رود. روان‌ما با جسم ما کاملاً در ارتباط است و خوش‌بینی روی جسم اثرگذار است. او سپس این پرسش را مطرح کرد که آیا خوش‌بینان، ابله هستند؟ این روانشناس به این پرسش چنین پاسخ داد که خیر، اتفاقاً افراد خوش‌بین با توجه به تعریف علمی خود، از بقیه افراد سالم‌تر هستند. افراد خوش‌بین، امید به زندگی بیشتری دارند و در بیماری‌های جسمی، سبک جسمی سالم‌تری دارند. نیکراهان با بیان اینکه نسبت افکار منفی به مثبت در شما باید تغییر کند، گفت: اگر نسبت افکار مثبت و منفی به ترتیب، یک به یک بود، افسرده هستید؛ اگر این نسبت با برتری افکار منفی، دو به یک بود، خنثی هستید و اگر به ترتیب دارای نسبت سه به یک بود، آغاز بهداشت روانی است. در این بین، دو منطقه خطر وجود دارد که یکی در نسبت یک به یک و دیگری در نسبت یازده به یک وجود دارد؛ از این‌رو نسبت را باید بین سه به یک و هفت به یک نگه داریم.

این روانشناس با بیان اینکه بدبینی‌ها اتفاقات بد را تعمیم می‌دهند، افزود: برای ایجاد خوش‌بینی و یا بدبینی، زمان حساس وجود دارد؛ همان‌طور که در مسیر تحولی نیز زمان حساس مطرح است. یادمان باشد که اولین تجربه ما در هر مرحله از زندگی و در هر کاری اهمیت بسیاری دارد.

او سپس موضوع ایمن‌سازی را مطرح کرد و گفت: اگر تجارب موفقیت‌آمیزی برای افراد ناامید فراهم کنید، پیروز خواهید شد.

این مدرس دانشگاه گفت: اشتباه برخی افراد این است که همیشه به فرزند خود پیام مثبت انتقال می‌دهند و متوجه نیستند که اتفاقاً انسان ضعیفی را تربیت خواهند کرد، درحالی‌که منظور از خوش‌بینی اصلاً چنین نیست. اینجاست که تفاوت روان‌شناسی مثبت و روان‌شناسی زرد مطرح می‌شود. شکست‌ها موقتی است و با تمرین می‌توان آن‌ها را تصحیح کرد؛ بنابراین نباید در این دام افتاد و همواره این موضوع را برای فرزند خود مطرح کنیم که همه چیز روبه راه است.

نیکراهان تصریح کرد: خوش‌بینی یعنی تو الان شکست خورده‌ای ولی فردا معلوم نیست که شکست باشد. پس فرزند من باید احساس شکست را تجربه کند، بداند که شکست جزئی از زندگی است، باید جلود برود و بداند که فرمول پیروزی، تلاش است. انسان‌های موفق می‌دانند که از هر ۲۰ تلاش آن‌ها یکی نتیجه بخش است.

او ادامه داد: از دوره دبستان به بعد می‌توان درباره سازه‌های شناختی با فرزندان کار کرد که در این زمینه و برای خوش‌بین شدن کودکان باید سه کار انجام داد؛ اول اینکه احساس تسلط و چیرگی را به فرزندان خود بدهید. مورد دوم مثبت بودن است؛ یعنی نشانه‌هایی از ایمنی به فرزند خود بدهید که از آن جمله، رفتار گرم و محبت‌آمیز پدران و مادران، جو گرم و شاد خانه و غلبه افکار مثبت‌ها به منفی‌ها است. در سبک تبیین، به عنوان مورد سوم، در اتفاقات بد لازم است که سبک تبیین را تغییر داد.

این روانشناس توضیح داد: پشت روان‌شناسی مثبت، رویکردهای مدرن و فرامدرنی است که می‌گوید آنچه باعث افسردگی می‌شود، افکار منفی است. اتفاق بد باعث ناراحتی نمی‌شود، بلکه عداوت به دلیل باورهای منفی که از کودکی درباره خود، دنیا و آینده دارند، همیشه از هر اتفاقی افسرده می‌شوند و این باور و سبک تفکر در نگاه ما وجود دارد.

نیکراهان تأکید کرد: کتاب «کودک خوش بین» در عین خوش‌بین کردن آدم‌ها، بر اختلال افسردگی آدم‌ها نیز تمرکز دارد و اشاره می‌کند که برای پیشگیری از افسردگی فقط خوش‌بینی کافی نیست، بلکه باید مهارت‌های اجتماعی را مورد استفاده قرار داده و سبک تبیین را تغییر دهیم، افکار منفی را به بچه‌ها بشناسانیم تا ذهن آگاه شوند و بدانند که این افکار است که باعث ناراحتی می‌شود ولی همه افکار منفی، درست نیست. او افزود: در این کتاب سه گام برای اصلاح سبک تبیین ارائه شده؛ اول اینکه آیا امروز اوضاع من خراب است یا هر روز؟ یک چیز خراب است یا همه چیز؟ من مقصر هستم یا عوامل دیگر هم مقصر هستند؟ و حالا باید چه کاری انجام دهیم؟

این روانشناس با بیان اینکه کتاب «کودک خوش بین» یک پکیج ۲۲ ساعته برای آموزش والدین در خصوص تربیت فرزندان خوش‌بین است و در آن حدود ۱۵ تکنیک برای خوش‌بین کردن کودکان وجود دارد، به مهارت‌های اجتماعی نیز اشاره کرد و توضیح داد: چهار مهارت اجتماعی که باید به کودکان آموزش داد تا در زندگی و روابط اجتماعی موفق شوند عبارت‌اند از: مهارت حل مسئله، مهارت ابراز وجود و جرأت‌ورزی، مذاکره و گفت‌وگو.

شارژ یارانه کتاب روی کد ملی هر ایرانی همزمان با آغاز کار «بازار کتاب»



و در ادامه پیشنهاد کتاب‌های جدید به خریداران توسط هوش مصنوعی و... از امتیازات بازار کتاب است. برخی از این وجوه قابل توجه‌اند. به عنوان مثال دقت موتور جست‌وجو ارتقا یافته که با ثبت یک کلمه از نام نویسنده، ناشر یا نام کتاب، مخاطب را سریعتر و دقیقتر به هدف خود برساند. «بازار کتاب» در ادامه راه قرار است بهبود و ارتقای ساختار خود را به صورت مداوم داشته باشد. به نظر کارشناسانی که در امر راه‌اندازی آن یاری کرده‌اند، این فضا می‌تواند اتفاقات مهمی را در چرخه توزیع رقم بزند و به عنوان یک پایگاه پایدار فرهنگی و اقتصادی، رابط مناسبی بین ناشران، پخش‌کنندگان و کتابفروشان باشد و آرام به امنیت شغلی کمک کند و در نتیجه جذابیت شغل کتابفروشی را به دنبال بیاورد.

همه داده‌های «سامانه خرید از کتابفروشی» و همه امکانات، امتیازها و اطلاعاتی را که کاربران در سامانه خرید داشتند به «بازار کتاب» منتقل شده است. همچنین به مناسبت شروع فعالیت «بازار کتاب» با ساختار جدید، میزان یارانه‌های تخصیص یافته به هر فرد دوباره شارژ شده است. به عبارتی حتی اگر خریداران تاکنون همه مقدار یارانه تخصیص یافته به خود را در سامانه پیشین هزینه کرده باشند، بازهم به همان میزان مصوب در سامانه، یارانه جدیدی برای خرید از «بازار کتاب» به آن‌ها اختصاص پیدا می‌کند.

سامانه خرید از کتابفروشی‌ها با همین اهداف، سال گذشته راه‌اندازی شد. این سامانه آرام آرام توانست جای خود را میان خریداران و مخاطبان کتاب باز کند. به‌رحال مخاطبان می‌توانستند از طریق این سامانه از موجودی قفسه‌های همه کتابفروشی‌های ایران باخبر شوند. با رصد مداوم در یک سال، به مرور ایرادات فنی این سامانه خود را نشان داد. همچنین اطلاعات و داده‌های مفیدی نیز از فعالیت آن احصا شد و کارشناسان و متخصصان فن برخی از اشکالات را یافته و متذکر شدند. به همین دلیل ضرورت ارتقای فنی این سامانه با دو دستورکار پیش آمد؛ نخست: تقویت هرچه بیشتر اقتصادی بودن کار برای کتابفروشی‌ها و دوم: آسان‌تر کردن دریافت خدمات برای کاربران.

از وجوه ارتقا یافته در «بازار کتاب» به این شرح است: ارتقای رابط کاربری، بهبود و ارتقای سرعت جست‌وجوی کتاب‌ها با تفکیک اقلام اطلاعات اصلی مثل ناشر، پدیدآور، موضوع و فروشگاه، تحلیل سبد خرید مخاطبان، امکان خرید و تخصیص یارانه برای هموطنان زیر ۱۸ سال، امکان دریافت یارانه خانوادگی برای خرید کتاب، امکان ثبت درخواست‌های ناشران برای دریافت حمایت‌های نهادهای فرهنگی، امکان درج امتیاز به فروشندهگان توسط مخاطبان، امکان هدیه دادن مبالغ خرید کتاب به دیگران از طریق پروفایل کاربر

که طبیعتاً توسعه کتابفروشی‌های فیزیکی را در پی دارد، باید پیگیری شود اما با مانع مهم محدودیت منابع مالی روبروست. وظیفه ساختار مدیریت فرهنگی فراهم کردن زیرساخت‌ها و تسهیل شرایط ورود فعالان به این عرصه است. به همین دلیل باید شغل یا بنگاهی اقتصادی به نام کتابفروشی را برای فعالان عرصه اقتصاد، جذاب کند. مدیریت فرهنگ وظیفه مهمی به نام توزیع یارانه را هم برعهده دارد. بهترین جایگاه برای توزیع این منابع حمایتی، هم بر اساس عدالت و هم بر اساس نگاه آینده‌پژوهانه، حلقه آخر زنجیره توزیع است.

یعنی یارانه‌ها باید به خرید کتاب توسط مردم اختصاص پیدا کند. برای توسعه بازار کتاب باید طرح‌هایی باثبات را به مرحله اجرا درآورد، اگر صرفاً به توسعه کتابفروشی‌های فیزیکی فکر کنیم، مشخص نیست تا چند سال بعد همه شهرهای محروم بتوانند صاحب کتابفروشی‌های مجهز شوند.

به همین دلیل باید به صورت موازی ایده‌های اجرایی شود تا هم بتواند شغل کتابفروشی را جذاب و پایدار کند و هم بتواند تا زمان توسعه کتابفروشی‌های فیزیکی به راحتی کتاب‌ها را در دسترس همه ایرانیان قرار دهد و در نهایت و پس از توسعه چرخه توزیع نیز بدون مصرف نماید و بتواند به ایفای نقش خود در کنار کتابفروشی‌های فیزیکی ادامه دهد.

ارتقای سامانه خرید از کتابفروشی‌ها با ساختار جدید منجر به تولد «بازار کتاب» شد. همچنین به مناسبت شروع فعالیت «بازار کتاب» با ساختار جدید، یارانه‌های تخصیص یافته به هر فرد دوباره شارژ شد. به گزارش خبرگزاری فارس، در آبان ماه سال گذشته، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مطالعات میدانی و همچنین تحلیل داده‌های متعدد از برخی راهکارهای اجرا شده برای حل موقتی مسأله چرخه توزیع، ایده سامانه مجازی خرید از کتابفروشی را اجرایی کرد تا کتابفروشی‌های سراسر کشور، در هر منطقه و استانی که قرار دارند، بتوانند ویتیرینی به اندازه مرزهای ایران داشته باشند. ایده‌ای که مورد استقبال نسبی قرار گرفت و حتی آن دسته از فروشگاه‌هایی که شیوه سنتی فروش را پیشه خود داشتند، تلاش کردند تا با ارتقای سازوکار فروش خود و مجهز شدن به ساختار فروش مجازی در این عرصه قرار گیرند. پس از گذشت یکسال از فعالیت «سامانه خرید از کتابفروشی»، گروه‌های فنی و محتوایی با مطالعه ساختار و دستاوردها و همچنین پیشنهادهای کارشناسان اهل فن و فعالان عرصه نشر و همچنین نظرات مخاطبان و خریداران، اشکالات این سامانه را احصا و رفع کرده و نقاط قوت آن را نیز ارتقا دادند. اکنون ساختار تحول یافته «سامانه خرید از کتابفروشی» با عنوان جدید «بازار کتاب» به آدرس bazarketab.ir در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

دوباره چرایی گذر از سامانه خرید از کتابفروشی و تولد «بازار کتاب» باید گفت توسعه چرخه توزیع کتاب یا همان حلقه آخر صنعت نشر ایران همواره یکی از دغدغه‌های فرهنگی کشور بوده است. «توسعه مطلوب چرخه توزیع» یعنی اینکه کتاب به راحتی به دست تمامی مخاطبان در هر نقطه‌ای از کشور برسد. به دلایلی شغل کتابفروشی هنوز در ساختار اقتصادی کشور تثبیت نشده، پس باید به نحوه پوشش دادن این خلا فکر کرد. در گذشته برای پوشش این خلا، طرح‌ها و ایده‌های متعددی اجرا شد که جملگی آنها به طور طبیعی موقتی بودند و نقش «مُسکن» را داشتند. پوشش این خلا

نگاهی به «متافیزیک شعر» و ساختار و محتوای آن

کامران جوهری نویسنده و پژوهشگر می گوید کتاب «متافیزیک شعر»، کتاب مستطابی است که هیچ کتابخوان و کتابخانه‌ای از آن بی‌نیاز نیست.

کامران جوهری نویسنده و پژوهشگر یادداشتی با عنوان «هیچ کتابخانه‌ای بی‌نیاز از این کتاب مستطاب نیست» نوشته که در آن نگاهی به کتاب «متافیزیک شعر» داشته و آن را برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است. مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:

«شاعر، نویسنده و پژوهشگر نام‌اشنا مهدی مظفری ساوجی، جدیدترین تألیف‌اش، «متافیزیک شعر» (با حجمی قابل توجه (۱۴۷۰ صفحه) در ۳ مجلد به یکی از بکرترین تأملات ادبی در این زمینه اختصاص داده و اثری جدی و قابل توجه در حوزه تفکر در شناخت موجود (پدیده) و ناموجود (ایده) تألیف کرده است. پژوهشی بینارشته‌ای در خصوص درهم‌تنیدگی فلسفه و هنر هنرها (شعر) و تلاش برای تابانیدن پرتوی بر بنیان‌های مشترک این دو پدیده، با استناد به منابع و آرای نظریه‌پردازان و بزرگان عرصه‌های مزبور. ساوجی با دسته‌بندی مطالب و بعضاً واکوی جریان‌ات ادبی و هنری در پاره‌ای از مقاطع تاریخی (از جمله یونان و روم باستان، قرون وسطی، رنسانس و روشنگری و نیز مشروطیت در ایران) به سیر شعر و نسبت و تناسب آن با ادراکات متافیزیکی و ظهور و تکامل تخیل و خلاقیت‌های حاصل از آن پرداخته و سلوک تاریخی و اجتماعی شعر و پیوند آن با دیگر علوم و هنرها از جمله فلسفه، روانشناسی، موسیقی، تئاتر، سینما و... را با دقت نظری معطوف به منابع و مآخذ اصیل در معرض ارزیابی و تحلیل قرار داده است. مؤلف بر هر کدام از مجلدات مذکور عنوانی نمادین، پانیم‌نگاهی به‌عنوان کتب عهد عتیق، نهاده؛ جلد نخست: سفر تکوین، جلد دوم: سفر تکامل و جلد سوم: سفر خروج. سفرهایی که بی‌ارتباط با سفر تاریخی شعر و سیر تکاملی این هنر در ادوار تاریخ نیست و همین نشان می‌دهد که این نام‌گذاری‌ها هوشمندانه و با اشراف به سیر و سلوک تاریخی این هنر صورت گرفته است. در سفر تکوین (جلد اول)، که در حقیقت پایه‌های کتاب بر آن نهاده شده و تلویحاً شکل تکوین شعر را یادآور می‌شود، ضمن نگاهی کلی به جایگاه شعر و ارتباط ذاتی آن با دیگر ساحت‌های هنر، در آغاز به دیدگاه فیلسوفان از هراکلیتوس تا ویتهگنشتاین پرداخته شده و سپس «خلقت زبان»، «مساله خالق» و «عطش جاودانگی»، که همواره مطرح نظر شاعران در طول سده‌ها و اعصار بوده، مورد واکوی و تبیین قرار گرفته است. در ادامه پیدایش خط و الفبا، باورها و اسطوره‌های ملل، نقش ادیان در تکوین ادبیات و... به عنوان مبادی و مبانی متون مکتوبی نظیر گیل‌گمش، انوما‌الیش، اوپانیس‌ها و... مورد واکوی قرار گرفته و در فرازهایی دیگر از این گشت و گذار تاریخی و بالطبع، تحلیلی به آرا و نظریات فروید و یونگ نیز به عنوان بنیان روانشناسی، در یکی دو سده اخیر اشاراتی کامل و قابل تأمل شده است و ضمن همین یادکرد، نسبت و رابطه ادبیات با مسائل معطوف به روان انسان نیز در معرض اِمعان و داوری قرار گرفته است.

مخاطب در فرازی دیگر از متافیزیک شعر، با «شعر»، «تظم» و «ثر» به عنوان «ماده و صورت شعر» مواجه می‌شود و در پیوند با همین مسئله، تشریح این هنر را به میانجی ابعاد و اضدادی چند در ساخت و بافت شعر و مقایسه آن با «تظم»

و «ثر» پی می‌گیرد. مظفری در ادامه به مؤلفه‌های مختلف و مرتبط دیگر با ادبیات و شعر، از جمله «موسیقی»، «الهام و اراده»، «واقعیت و تخیل»، «... می‌پردازد و این نشانه‌ها و نمودها را که از دیرباز تا دوران معاصر در پرتو اساطیر، در قالب نهال‌های شعر بالیده و برگ و بر گسترده و در طول قرون به درختانی تاور و سایه‌گستر بدل شده‌اند به تفصیل بررسی و سپس لایه‌های مختلف دید پدیداری و هرمنوتیک در پیوند با شعر را از نظر بزرگان فلسفه مورد تفحص قرار داده است. سفر تکامل (جلد دوم)، همچنان که از عنوان آن پیداست، ناظر به دگر‌دیدی‌ها و دگر‌گونی‌های شعر است و همین تحول و تطور، خواننده را با دوران‌های گذار که اغلب به مواجهه تجدید و سنت می‌انجامد مواجه می‌کند.

در متافیزیک شعر ساوجی، تضاد سنت و مدرنیته، با اشاره به طلیعه آن در غرب و کم‌وکیف تأثیرپذیری شاعران، نویسندگان، پژوهشگران و منتقدان زبان و ادبیات فارسی از آن، مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این، نقش و پایگاه بنیان این جریان که به نوعی ریشه‌ای عمیقاً تاریخی دارد و طبق پژوهش‌های مظفری ساوجی نسب و نی‌ای آن از باب تبارشناسی، به یونان باستان و فلاسفه پیشاسقراطی از جمله هراکلیتوس می‌رسد، بررسی شده و در ایران نیز به تبع همین ارزیابی و تحلیل تاریخی، آرا و آثار صاحب‌نظران سیاسی و ادبی تأثیرگذار بر چنین جریان اصیل و به‌ظاهر متضاد و متناقضی بازنمایانده شده است. مؤلف در جستاری دیگر از کتاب خود پیوند موسیقی با ساختمان شعر را، با تمرکز بر مصالحی چون وزن، قافیه، محتوا و... در مدار شعر نو و سپید، در پرتو دیدگاه بزرگانی چون تیما، شاملو، فروغ، برهانی، شفیعی کدکنی و... بررسی کرده و میزان نفوذ در نفوس شعر با توجه به این عناصر را در معرض تحلیل و اِمعان نهاده است. پس از آن، مسائل دیگری از جمله زبان، فرم و محتوا، سادگی و پیچیدگی کلام، بحران مؤلف و مسئله روشنفکری نیز به‌طور مبسوط، از زوایای مختلف ادبی، تاریخی و فلسفی، با استناد به منابع و مآخذ اصیل و دست‌اول، مورد تحلیل و تعلیل قرار گرفته است.

سفر خروج (جلد سوم)، با واکوی «اتوپیا» (آرمان‌شهر) در سایه جمهور افلاطون، ضمن گریزی به «پایدیا»، آغاز و سپس به گیل‌گمش و شاهنامه و نقش آرمان‌شهر در پی‌افکنند فرازهایی از این آثار پرداخته شده است. علاوه بر این، در سطرهایی از این فصل، با نگاهی به مشخصه‌هایی چون شی‌وارگی انسان، تراژدی زبان، خلوص نژادی (با اشاره به نازیسم)، بهشت‌های دوزخین و... از حقیقت زندگی انسان معاصر در قاب «مجاز» رونمایی می‌شود و نقش عمیقاً دردناک انسان مدرن بر زمینه ایجاد چنین فجایعی ارزیابی و تأثیر این نقش در شعر طبیعی از شاعران و نویسندگان معاصر جهان از جمله تی. اس. الیوت، برتولت برشت، پل والری، سیلویا پلات، ریکاردو، فروغ فرخزاد، جورج اورول، فرانسیس کافکا، آلبر کامو، ماکسیم گورکی، الکساندر پوشکین، میلان کوندرا، اوژن یونسکو، آلدوس هاسکلی، ری برادبری، زامیاتین، داستایوفسکی و... بررسی و تحلیل شده است.

تشریح این عنوانی با اتکا به آرای پژوهشگران و منتقدان بزرگ معاصر، که در این عرصه صاحب‌نظرند کتاب را به منبعی معتنا به در حوزه دانش‌ها و بینش‌های معطوف به اتوپیاشناسی تبدیل کرده که می‌تواند راهگشای بسیاری از

علاقه‌مندان و پژوهشگران این عرصه باشد. همچنین ذیل عنوان «هوش و حواس پسانسان» و تحریف جایگاه او، این مضمون با تدقیق در نتایج مدرنیته در بستر تکنولوژی و صنعت عصر جدید که شرافت انسانی را به حاشیه رانده، شکافت و واکوی شده است. از این نظر گویی قلم مظفری نقش همان تیغ جراحی را بر عهده دارد که اعضا و جوارح جوامع بشری را می‌شکافد و لایه‌های زیر پوست را در پی عمل عفونت و التهاب می‌کاود.

ساوجی در پایان به شعر رجعت می‌کند و این هنر را مرهمی بر زخم‌ها و جراحات مزمنی می‌داند که آدمی همواره در طول اعصار و قرون بر روح خویش هموار و وارد است. در این مقام، شعر همان وطن آدمی است که هایدگر با نظر به هلدلین به آن اشاره می‌کند. وطنی که می‌خواهد انسان را از غربت و بی‌سامانی نجات دهد و او را به سرپناهی مألوف و مأنوس که همانا آسایشی توأم با آرامش است برساند.

پیوست‌های مکمل متن، مرجع شناخت دقیق و نمایه‌ها، بخش پایانی مجلد سوم را تشکیل داده‌اند.

در پایان باید یادآور شد که مؤلف با تفکیک و لایه‌بندی موضوعی، به تألیفی مطلوب رسیده و متنی ارائه کرده که خواننده ضمن سفری تاریخی و گذار از مباحث گسترده، به مناظر و چشم‌اندازهایی بکر و بدیع، که حاصل نگرش و نگارشی اصیل و عمیق است می‌رسد. شرح و بسط این تودرتو بودن مطالب و بهره‌گیری از ایده‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران به موازات حجم اثر، و نیز بیان موجز و در عین حال گویای کتاب که حاکی از کیفیت مطالب و آرای مؤلف است، در قالب چنین کوه‌یادداشتی نمی‌گنجد؛ به همین دلیل، آگاهی کامل از محتوای چنین اثری جز از طریق مطالعه کامل آن امکان‌پذیر نیست. از این نظر، باید اذعان کرد که متافیزیک شعر، کتاب مستطابی است که هیچ کتابخوان و کتابخانه‌ای از آن بی‌نیاز نیست.

شاید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قابل توجه در مواجهه با این متن، گفت‌وگوی شاعران و پژوهشگرانی است که از دیرباز تا امروز دیدگاه‌ها و آرای خود را درباره شعر، به عنوان هنر هنرها، ارائه و ابراز کرده‌اند و مهدی مظفری ساوجی با احاطه و اشراف کم‌نظیر خود به این معارف و بینش‌ها اثری خوانندگی و ماندگار به دوستداران شعر و فلسفه تقدیم کرده است. اثری که مؤلف، برای نگارش آن به مکالمه رو آورده و تقریباً در هیچ‌یک از فصل‌ها و فرازهای آن متکلم وحده نبوده است. در واقع ساوجی در متافیزیک شعر، ضمن ابراز دیدگاه‌های خود درباره شعر، به تناسب و اقتضا از بیان آرای صاحب‌نظران عرصه ادبیات و هنر، به ویژه شعر غافل نبوده و همین شکلی افلاطونی به کتاب او بخشیده است. شکلی که نشان از دیالکتیک و دیالوگ دارد و به اقتضای پیکره و ساختار خویش، از حدیث نفس می‌پرهیزد. مضافاً این که به استناد کثرت تألیفات مهدی مظفری ساوجی در حوزه ادبیات و اعتماد و اعتنا به داوری و دانش او در این باب که حاصل سال‌ها خردورزی و تحقیق این شاعر و پژوهشگر کوشا و پویاست می‌توان به نتیجه‌ای مطلوب و مقبول در خصوص اهمیت متافیزیک شعر رسید. به‌منظور درک پیوند دوسویه این دو پدیده به ظاهر متمایز، یعنی «شعر» و «فلسفه»، لزوم خوانش این اثر، به‌ویژه برای اهالی ادبیات امری خوشایند و در عین حال اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.»

رئیس انجمن ترویج زبان و ادبیات زبان فارسی؛

مولانا را هنوز نشناخته‌ایم آثار مولوی نیاز به بازنگری دارد



بگیریم. این عضو هیئت علمی در باب اینکه در دانشگاه‌ها و عرصه‌های علمی کشور چه باید بکنیم، خاطر نشان کرد: به طور خلاصه، به نظر می‌رسد که شناخت و معرفی و نیز این نکته که از اندیشه‌های مولانا متناسب با جامعه امروز بهره ببریم می‌تواند کمک کننده باشد.

وی در خصوص نکته سوم، تصریح کرد: ما در شناخت مولانا موفق نبوده‌ایم، ما هنوز مبانی عرفانی، سنت، مشرب و منظومه فکری او را در یک ساختار نظام‌مند و برنامه‌محور به طور کامل تبیین نکرده‌ایم، درباره آثار مولانا ما نیاز داریم که بخشی از آثار مولانا را بازنگری کنیم و چاپ درست و علمی از آن‌ها ارائه دهیم. هنوز دیوان غزلیات مولانا چندان معتبر نیست که بتوانیم به تمام سروده‌های او استناد کنیم. برخی از آثار او از جمله «مکاتیب» و «مجالس» نیاز به کار جدی دارد. البته، در باب مثنوی البته کارهای خوبی انجام گرفته و از این جهت کاستی محسوسی نداریم. وی در پاسخ به این پرسش که ما برای معرفی مولانا چه کرده‌ایم؟ گفت: باید بگوییم برای معرفی او، عملاً کار جدی و درخوری انجام نداده‌ایم.

رئیس ترویج زبان و ادبیات فارسی کشور، یادآور شد: اکنون بیش از ۸۰ درصد از جوانان و نوجوانان ما مولوی را از طریق داستانی به نام «ملت عشق» می‌شناسند. در حالی که این معلم چهره‌ای بسیار سخیف و غیر واقعی از مولانا ارائه می‌کند و این شخصیت به طور کامل در مقابل شخصیت حقیقی مولانا قرار می‌گیرد. چرا چنین کتابی باید بارها در کشور منتشر شود و خریدار داشته باشد؟ افتخار ما این است که مولانا از نافذترین شخصیت‌های علمی و ادبی ما است، اما می‌بینیم که سیمایی بسیار متفاوت از او در خارج از کشور در نهادهای مختلف معرفی شده است. شاید نزدیک به ۵۰ نوع معرفی از مولانا برای مثال در موسیقی، سینما یا بین نویسندگان و مترجمان در خارج از کشور ما وجود دارد. متأسفانه ما مرجع علمی موقتی برای معرفی مولانا به دنیا تهیه نکرده‌ایم، البته، ما «انسان‌نامه جامع مولوی» را طراحی کرده‌ایم که به نظر می‌رسد برای انجام آن به چندین سال زمان نیاز است.

فرهنگی و تمدنی، پیوستگی آن با منابع اسلامی و نیز شکل‌گیری آن در بستری فرهنگی به نام «ایران» است که همیشه سرشار از استعدادها بزرگی بوده و این در هم آمیختن ظرفیت‌ها باعث ایجاد یکی از درخشان‌ترین فرهنگ‌های عالم هستی شده است.

میرباقری فرد درباره نکته دوم از صحبت‌های خود، گفت: اگر بخواهیم در عرصه علمی به شخصیت‌های بزرگ کشور بپردازیم و تصویری روشن از جایگاه، نقش و تمدن اسلامی- ایرانی به دست آوریم، باید آگاه باشیم که «شناسایی و شناساندن» یا به عبارتی «شناخت و معرفی» این شخصیت‌ها موضوعی مهم است. اما چطور این کار صورت می‌گیرد؟ شناخت و معرفی این افراد با انجام کارهای پراکنده، سلیقه‌ای و ذوقی به‌طور کامل حاصل نمی‌شود. هم شناخت آن‌ها و هم معرفی آن‌ها باید بر اساس ساختارهای علمی دقیق صورت بگیرد تا بتوانیم در این زمینه به درستی عمل کنیم. باید از خود سوال کنیم که آیا مولانا را به درستی و کامل شناخته‌ایم و آیا او را به درستی معرفی کرده‌ایم یا خیر؟

وی در خصوص محور دوم از این نکته که در قبال چنین شخصیت‌هایی، ما چه اقداماتی باید انجام دهیم، اظهار کرد: علاوه بر معرفی و شناخت مولوی، ضرورت دارد که مولانا را از بطن تاریخ، از عصر، دوره و منطقه جغرافیایی که او می‌زیسته، همان‌گونه که خود خواسته و گفته است که «من به همه دوران تعلق دارم»، باید او را به دنیای امروز منتقل کنیم و ببینیم که چطور می‌توانیم از او بهره بگیریم. به عبارتی، مولوی را از در بطن جامعه، اثرگذار و اثربخش معرفی کنیم و از اندیشه و منظومه فکری او بهره ببریم.

رئیس ترویج زبان و ادبیات فارسی کشور با بیان اینکه متأسفانه ما در شناخت مولانا موفق نبوده‌ایم، افزود: زیرا ما او را در نمایشگاهی به نمایش می‌گذاریم و می‌گوییم که ما کسی را داشته‌ایم که در ۸۰۰ سال پیش چنین ویژگی‌هایی را داشت. این کار لازم است، اما کافی نیست. مولانا را باید از پشت این صحنه‌های نمایشگاهی در بطن جامعه قرار دهیم و متناسب با نیازهای روز از او بهره

رئیس انجمن ترویج زبان و ادبیات زبان فارسی گفت: ما هنوز مبانی عرفانی، سنت، مشرب و منظومه فکری مولانا را در یک ساختار نظام‌مند و برنامه‌محور به طور کامل تبیین نکرده‌ایم. درباره آثار مولانا ما نیاز داریم که بخشی از آثار او را بازنگری کنیم و چاپ درست و علمی از آن‌ها ارائه دهیم. «این گشایش چهارمین همایش بین‌المللی مولوی پژوهی»، امروز ۲۳ مهرماه در دانشگاه اصفهان برگزار شد. در این مراسم سید علی اصغر میرباقری فرد، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان و رئیس ترویج زبان و ادبیات فارسی کشور به بیان سه نکته در خصوص اهداف، چارچوب و فعالیت‌های همایش مولوی پژوهی پرداخت و در این خصوص، اظهار کرد: نکته اول اینکه «چرا ما باید در نظام دانشگاهی و علمی کشور به سرمایه‌های بزرگ فکری مانند مولانا جلال‌الدین محمد بلخی توجه کنیم؟» نکته دوم اینکه «درباره این سرمایه‌های علمی و فرهنگی چه اقداماتی باید انجام دهیم؟» و نکته سوم در این بحث این است که «تاکتون در دانشگاه‌ها و عرصه آموزش عالی کشور چه کارهایی انجام داده‌ایم؟». این سه نکته کلی است و می‌تواند در باب تمام سرمایه‌های علمی، فرهنگی و ادبی کشور مطرح شود.

وی در باب اینکه چرا باید به این چهره‌های اعلا و شخصیت‌های شاخص و به گذشتگان مان توجه کنیم، گفت: باید بگوییم که ما یک میراث بزرگ تمدنی و فرهنگی داریم و این اصالت، تمدن و فرهنگ را ما با معرفی چهره‌های برجسته بهتر و بیشتر می‌توانیم تبیین کنیم. با توجه به اینکه جریان‌های فرهنگی بیگانه و نامانوس، نگاه فرهنگی جامعه ما، و به ویژه نسل جوان را تحت تاثیر قرار داده، طبیعی است که انجام این کار بسیار ضروری است.

رئیس ترویج زبان و ادبیات فارسی کشور در خصوص دستاوردهای معرفی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، اظهار کرد: دستاوردهای این کار برای ما بسیار زیاد است. در این زمینه، ما می‌توانیم مسیری را فراهم کنیم تا جوانان ما به اینکه ما در عرصه تاریخ جهان، صاحب یک تمدن و فرهنگی اثرگذار هستیم، افتخار کنند. علت این غنای

تلاش مجلس برای ارتقاء بودجه فرهنگ

صدا و سیما و وزارت ارشاد در قبال کودک و نوجوان مسئول اند



نگاهی به فیلم کوتاه «صونا»، روایت یک دغدغه زنانه در بطن باورهای اجتماعی

باوری که گاهی فشار زیادی به دختران تحمیل و نگاه‌های سنتی‌تر آنها را وادار به تن دادن به موضوعاتی ناخواسته می‌کند. سوژه‌های زنانه اگر به درستی روایت شوند نه از جنبه ترحم، بلکه به دلیل ویژگی‌های زنانه وجه احساسی داستان را پررنگ‌تر می‌کنند و فیلم «صونا» هم خالی از این ویژگی احساسی و زنانه نیست، به همین جهت می‌تواند ذهن مخاطبش را هرچند کوتاه درگیر موضوع کند.

خود کارگردان در این باره گفته است: «به عنوان عضوی از جامعه با دغدغه‌های زنان سرزمین مان آشنا هستیم و این مشکلات را یا در خودمان یا در پیرامون مان می‌بینیم. من موضوع تجرد دختران را به کرات در اطرافم دیده بودم که از هر نظر خوب هستند، اما سنشان بالا می‌رود بدون این که شرایط ازدواج پیش بیاید.»

فیلم کوتاه «صونا» پیش از این در بیست‌وهفتمین جشنواره کانبرا استرالیا، پانزدهمین جشنواره مدیا آمریکا، سیزدهمین جشنواره فیگاری ایتالیا، هفتمین جشنواره زنان آمریکا و هشتمین جشنواره بوستون آمریکا هم حضور داشته است. فیلم کوتاه «صونا» ساخته زهرا ترکمنلو و محصول باشگاه رویاد است و در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران نمایش داده می‌شود.

بزرگ نسبت به گذشته نمود خیلی کمتری پیدا کرده است، اما متأسفانه همچنان در برخی فرهنگ‌ها وجود دارد و گاهی در پس زمینه نگاه‌های سنتی جامعه دیده می‌شود و به شکل‌هایی دیگر خودش را نشان دهد. صونا دختری است که با مادرش زندگی می‌کند و در یک خیاطی مشغول به کار است. او در آستانه چهل سالگی قرار دارد و برای رهایی از تنهایی با مشکل روبه‌رو است.

زهرا ترکمنلو در روایت کوتاهش به مشکلات یک دختر در مورد ازدواج و قیدوبندهای اجتماعی آن پرداخته است و در کنار روایت تنهایی این دختر به برخی خرافه‌ها هم که در این موضوع وجود دارد اشاره می‌کند.

فریبا سهرابی بازیگری نقش «صونا» را برعهده دارد؛ پیش از این او را در فیلم «خانه» به کارگردانی مرحوم اصغر یوسفی‌نژاد دیده بودیم. سهرابی از عهده ایفای این نقش برآمده و با تصویری روان و آرام، تنهایی دختری را به نمایش می‌گذارد که میان رهایی از این تنهایی، نگرانی‌های مادرش و نگاه‌های جامعه سردرگم است و برای پایان دادن به این سردرگمی به موضوعات مختلفی فکر می‌کند.

«صونا» نقد باوری است که موفقیت و حال خوش زندگی زنان را بیش از اندازه وابسته به ازدواج می‌داند،

زهرا ترکمنلو در روایت کوتاهش به مشکلات یک دختر در مورد ازدواج و قیدوبندهای اجتماعی آن پرداخته است و در کنار روایت تنهایی این دختر به برخی خرافه‌ها هم که در این موضوع وجود دارد اشاره می‌کند.



به گزارش خبرگزاری تسنیم، «صونا» به کارگردانی زهرا ترکمنلو از فیلم‌های راه یافته به چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران است که سراغ سوژه و دغدغه‌های زنانه رفته است و با روایت صریح و روانی که دارد یکی از باورهای سنتی در مورد ازدواج را مورد نقد قرار می‌دهد. آنچه در داستان «صونا» می‌بینیم موضوعی است واقعی که اگرچه در جامعه امروز به خصوص در شهرهای

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده مطرح کرد

نقش مهم کتابخانه‌های عمومی در آموزش فرهنگ واقعی کار در جامعه

بازار را بشناسیم و چگونگی و کجایی ارائه محصول و کیفیت محصول را بیاموزیم و در این مسیر نیز به کتاب و کتابخانه و نقش مهمی که کتابخانه می‌تواند در این مسیر داشته باشد، نیاز است بنابراین ما به دانش و مهارت هم در بخش پیشینی هم پسینی و هم همراه و همگام با کسب و کار نیاز داریم. معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه ورود کتاب به اقصی نقاط کشور مسئله مهم دیگری است، گفت: کتاب در روستاها و شهرهای کوچک نفوذ دارد، اگرچه در شهرهای بزرگ کم‌رنگ شده یا به شکل‌های دیگری غیر کتابخانه فیزیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فرصت مغتنمی است و باید از آن استفاده کنیم.

خزعلی گفت: کشور ما با کاهش جمعیت مواجه است و به تله جمعیتی نزدیک می‌شویم. این مشکل جدی که بسیاری از کشورهای دیگر با آن مواجه شده و نتوانستند از آن خارج شوند و ما در مرز آن قرار گرفتیم. کاهش جمعیت ما با کشور ترکیه بسیار ترکیه است؛ هر ۲ کشور به عدد ۱.۶ رسیده و اختطار جمعیتی داده و برنامه‌های افزایش جمعیت را دنبال می‌کنند. هرچند ما یک مزیت داریم و آن روستاهای ماست؛ جمعیت روستایی ما ۲۵ درصد است و ترکیه ۵ درصد، اما متأسفانه این در حال کاهش است

وی افزود: کتابخانه‌های عمومی نقش مهمی در حفظ روستاها، آگاهی دهی، مهارت‌آموزی برای کار و پشتیبانی از کسب‌وکارهای کوچک و ماندگاری روستاها دارند و علم و دانش همراه با پشتیبانی‌های کسب‌وکار که موجب قوت روستا می‌شود، را ارائه می‌دهند.

خزعلی تصریح کرد: زنان نقش مهمی در جوامع روستایی دارند و اکثریت اقتصاد روستایی و عشایر توسط زنان اداره می‌شود؛ همانگونه که بانوان سهم مهمی در اداره کتابخانه‌های عمومی دارند. بنا به گفته دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ۶۰ درصد کتابخانه‌های عمومی را بانوان اداره می‌کنند.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه به برکت انقلاب اسلامی در همه روستاها و جمعیت عشایری ایران سواد رواج دارد، گفت: از این موقعیت باید به خوبی استفاده کرد. نقش کتابخانه‌ها در این زمینه بسیار ارزنده است. همچنین در زمینه بازماندگی از تحصیل کتابخانه‌ها می‌توانند نقش ایفا کنند. اگر مدارس سیار و صوتی و تصویری را به روستاها و مناطق عشایری ببریم و در کنار کتابخانه‌های روستایی قرار دهیم، بازمانده از تحصیل نخواهیم داشت. بر اساس گزارش روابط عمومی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، وی تصریح کرد: امیدوارم با همتی که در این یکی ۲ سال به وجود آمده، شاهد شکوفایی بیشتر شهرها و روستاهای کوچک باشیم و حرکت خوبی را برای مهاجرت از شهرها به روستاها شاهد باشیم.



بخوانیم که گویا نه صدایش و نه تصویرش به گوش مدعیان حقوق بشر نمی‌رسد. وی اضافه کرد: شاهد بودیم برای حقوق زنی به صورت غیرمستند چه کردند، اکنون برای زنانی و کودکانی که اکثریت کشتگان و مجروحان غزه را تشکیل می‌دهند، صدای طلبکاران و مدعیان حقوق بشر بلند نیست.

خزعلی ضمن عرض تسلیت برای حوادث روزهای گذشته در غزه ادامه داد: طلب دعا و فرج می‌کنیم برای همه کسانی که اسیر چنین ظلم‌هایی شده‌اند و به امید روزی که این غده سرطانی از روی زمین برچیده شود معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در ادامه به حرکت مثبت کتابخانه‌ها در پرداختن به موضوع کسب و کار اشاره و عنوان کرد: تشکر می‌کنم از این نهضتی که برای آوردن کتاب ودانش به میدان و برای استفاده از آن در حیطه‌های کاربردی و رفع خلاهای زندگی و برای بسط کتابخوانی در جامعه و بهره‌مندی خانواده‌ها ایجاد شده است و ما نیاز داریم که در کسب و کارهایمان از علم بهره بگیریم حرکت‌های دانش بنیان را رواج دهیم.

وی افزود: یکی از خلاهای کار در جامعه ما، مسئله فرهنگ کار است و ما نیاز داریم خانواده‌های ما، فرهنگ واقعی کار و زحمت‌کشی را برای رسیدن به گنج، هم تمرین کنند هم بشناسند و هم به خوبی درک کنند و این از مسیر کتاب و کتابخانه میسر است.

خزعلی در ادامه با بیان اینکه باید کسب و کار خود را با مهارت کافی و در مرزهای دانش حرکت دهیم، اضافه کرد: این همراه با کسب و کار است. نیاز داریم

خراسان رضوی معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به حرکت مثبت کتابخانه‌ها در پرداختن به موضوع کسب و کار گفت: به آموزش فرهنگ واقعی کار در جامعه نیاز داریم و این مهم از مسیر کتاب و کتابخانه میسر می‌شود.

انسبه خزعلی، ۲۶ مهرماه، در اختتامیه دومین همایش بین‌المللی «کتابخانه‌های عمومی و کسب و کارهای کوچک»، اظهار کرد: هرگاه از خواندن سخن به میان می‌آید، اولین کلام خداوند خطاب به آخرین پیامبرش را به یاد می‌آورد که بر امر خواندن تأکید کرده است.

وی با اشاره به حوادث دلخراش غزه گفت: دوست داشتیم امروز از کتاب و مهارت و کار بخوانیم، از نشاط و سرزندگی و بالندگی در شهر و روستا بخوانیم و از کتابخانه‌هایی بگوییم که به میدان کار و اقتصاد آمده و در عمل کارهای خود را ثابت کرده‌اند؛ اما حادثی که روزهای گذشته پیش آمد ما را به خوانش دیگر کشید به گونه‌ای که امروز باید از اشک، خون و درد و غزه بخوانیم. از اطفال قطعه قطعه شده و مادران فرزندان از دست داده و فرزندان بی‌مادر شده بخوانیم

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، حوادث اخیر را اوج جنایت بی‌حساب و غیر قابل توصیف برشمرد و گفت: آیا بشر می‌تواند به این حد از رذالت و حسیض دچار شود و دست به چنین جنایات هولناک و نسل‌کشی بزند؛ افسوس که مجبور هستیم ببینیم و امکان بودن در کنار این عزیزان و همدلی با آنان را نداریم. مجبور هستیم حادثی را بشنویم و

بازیگری مؤثر کتابخانه «حجازی» همدان در رونق کسب و کار

به همت مسئول کتابخانه عمومی شهیدان حجازی شهر همدان، «مرکز آفرینش‌های هنری مبتنی بر دانش کسب و کار» با نگاه علمی و تلفیق تجربیات کتابداران و هنرمندان در این محل برپا شده است. مأموریت‌های این مرکز آموزش کسب و کارهای هنرمحور، ارائه فضا برای تولید محصولات هنری برای فروش یا (makerspace)، آموزش و مشاوره به افراد در حوزه‌های بازاریابی، ذات‌شناسی، مشتری‌مداری، روزآمدسازی محصولات، رزومه‌نویسی، مهارت سوادساز، خرید محصولات مرکز به عنوان جایز مورد نیاز کتابخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، راه‌اندازی نمایشگاه و فروشگاه از محصولات مربیان و هنرجویان و معرفی هنرچوها به بازار کار تعریف شده است.

جامعه، باید به مقوله‌های اقتصادی واکنش نشان دهند. وی با بیان اینکه درهم‌تنیدگی اطلاعات با شیوه‌های کسب و کار در دنیای کنونی، کتابخانه‌ها را به بازیگری مؤثر در رونق کسب و کار تبدیل کرده است، ادامه داد: اجرای طرح «مرکز آفرینش‌های هنری مبتنی بر دانش کسب و کار» در کتابخانه عمومی شهیدان حجازی شهر همدان، با نگاه علمی و تلفیق تجربیات کتابداران و هنرمندان است و قصد دارد به عنوان یک «مدل» اجرا شود و سازوکار الگوسازی آن در دیگر کتابخانه‌ها دیده شده است. نجفی خواه اضافه کرد: در تشریح چرایی اجرای این طرح می‌توان به اهدافی چون رشد ضریب نفوذ کتابخانه در محله، ارزش افزوده‌سازی از اطلاعات و دانش کتابخانه‌ای، افزایش عضویت، امانت‌کتاب و مراجعه‌کنندگان به کتابخانه،

دانش کسب و کار به پشتوانه تجربه گذشته و دانش امروز، در حال ساختن آینده‌ای اثرگذار است. مسئول کتابخانه شهیدان حجازی همدان بیان کرد: یکی از نکات مهم در راه‌اندازی بخش‌های جدید در کتابخانه‌ها، دستورالعمل‌ها و قراردادهای آن بخش‌هاست. به علت کمبود نیرو در کتابخانه‌ها، بهره‌مندی تخصصی از پرسنل در بخش‌های جدید کتابخانه‌ها میسر نیست همچنین اجاره دادن فضاهای کتابخانه به افراد، موجب کاهش نظارت، دخالت و حمایت کتابخانه از مستأجر خواهد شد و نگاه درآمذزایی قالب بر رویکرد فرهنگساز می‌شود بنابراین در این طرح ما توانستیم با استفاده از ظرفیت هنرمندان به سیستم خودگردان دست یابیم؛ یعنی فضای کتابخانه را طبق دستورالعمل مشخص و سیاست‌های کتابخانه‌های عمومی در اختیار افراد متعدّد و هنرمند قرار داده و هر ساله، در قالب قرارداد متعدّد و متعدّد له، به فعالیت‌ها ادامه می‌دهیم.

وی تأکید کرد: مرکز آفرینش‌های هنری مبتنی بر دانش کسب و کار در بخش غیرقابل استفاده از کتابخانه که نزدیک به ۱۰ سال کاربری مشخصی نداشت، راه‌اندازی شد. در ابتدا به مدت یک ماه با همکاری جمعی از هنرمندان، خیرین و حمایت اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان همدان، مکان در نظر گرفته شده، بازسازی شد. با مجموعه‌ای از هنرمندان در قالب تفاهم‌نامه، قرارداد واگذاری مرکز آفرینش‌های هنری منعقد شد تا با توجه به سیاست‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور فعالیت‌های مربیان در حوزه کسب و کار به انجام رسد. پیرو حمایت‌های کتابخانه‌ها از فعالان هنری در حوزه کسب و کار برای مرکز نام «آفرینش‌های هنری مبتنی بر دانش کسب و کار» انتخاب شد و تکیه بر کلمه «دانش» در این عنوان، نشان از ارتباط خدمات کتابخانه‌ای با رونق کسب و کار دارد.

مسئول کتابخانه شهیدان حجازی همدان گفت: در حال حاضر کارگاه‌های هنری منبت‌کاری، معرق، رزین‌کاری، چرم‌دوزی، طراحی و نقاشی، پتینه‌کاری، گرافیک، عکاسی، ویتراژ، نقاشی روی سفال، خلاقیت‌پروری، ساخت‌وساز با وسایل دورریز و طراحی لباس در این مرکز فعال است.

وی تصریح کرد: یکی از اقدامات شاخص این مرکز برگرفته از بورسیه افراد مستعد همچون افراد تحت پوشش بهزیستی و کودکان کار توسط خیرین در این مرکز یا فعالیت تولیدی هنرچوها به عنوان شهریه است همچنین خیرپروری را در دستور کار قرار دادیم چراکه کتابداران علاوه بر تربیت افراد کتابخوان، تربیت افراد کتابخانه‌ساز را نیز بر عهده دارند؛ بدان معنا که حمایت از کسب و کار افراد و رونق وضعیت مالی‌شان، در آینده آنها را به کارآفرینی تبدیل خواهد کرد که موفقیت خود را ناشی از حمایت کتابخانه از وی می‌داند، این فرهنگ‌سازی و افزایش نفوذ کتابخانه در رشد مالی افراد در طولانی‌مدت منجر به وجود آمدن افراد کتابخانه‌ساز و کتابخانه‌پار خواهد شد.



هم‌افزایی و مشارکت افراد فرهیخته به ویژه هنرمندان با کتابخانه، تلاش در جهت‌دهی به فعالیت‌های ذی‌نفعان، افزایش روحیه فعالیت‌های داوطلبانه، ارائه خدمات به گروه‌های خاص (کودکان کار، افراد تحت پوشش بهزیستی، زنان سرپرست خانواده)، کانال اطلاعاتی و ارتباطی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، حرکت کسب و کارهای سنتی به سمت پلتفرم‌های نو و تقویت روحیه کسب و کارهای جمعی (اتوماسیون‌سازی حوزه کسب و کار) اشاره کرد. وی تأکید کرد: پیش از اجرای این طرح در کتابخانه شهیدان حجازی، کتابداران در طرح با عنوان‌های تجربه نخستین ساخت‌کنده ایرانی در کتابخانه عمومی، خدمتی نو برای تسهیل خلق دانش در کتابخانه عمومی فرهنگیان همدان و تجربه مدل پلتفرم در اجرای فعالیت‌های کتابخانه با استفاده از ظرفیت ذی‌نفعان داوطلب، طراحی و اجرا کردند و طرح جدید مرکز آفرینش‌های هنری مبتنی بر

مسئول کتابخانه شهیدان حجازی همدان و خالق این طرح اظهار کرد: کتابخانه‌های عمومی به عنوان نهادی اجتماعی در عرصه فرهنگی- اجتماعی نقش بسزا در آموزش همگانی جامعه دارند. امروزه افزایش دغدغه‌های اقتصادی و گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌های نوین، بعضاً نقش کتابخانه‌ها را در حد امانت و تحویل کتاب یا تأمین فضای سالن مطالعه تنزل داده این در حالیست که کتابخانه‌ها از نمایندگان اصلی فرهنگ هستند که نقشی بی‌بدیل در تأمین نیازهای آموزشی و فرهنگی افراد و جامعه دارند.

محسن نجفی خواه افزود: روزآمدسازی مهمترین رکن حیات سازمانی است و لازمه آن شناخت نیازهای جامعه و چالش‌های اجتماعی است. اقتصاد در جامعه ایران به‌مانند جامعه جهانی از مهمترین مسائل محسوب می‌شود و کتابخانه‌های عمومی به عنوان بنده حساس به کنش‌های

معاون امور مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد حمایت از فراگیر شدن کسب و کارهای کوچک در کتابخانه‌های کشور



گرفته، مشارکت می‌کنیم و حوزه رسانه‌ای، تبلیغاتی و خبری این اتفاق موثر که می‌تواند پیوندهای جدیدی بین ما و مردم برقرار کند را توسعه خواهیم داد.

امیدواریم ایده کسب و کارهای کوچک در کتابخانه‌ها عمیق‌تر شود

معاون امور مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: طی ۲ سال گذشته و با حضور مدیریت جدید در نهاد کتابخانه‌های عمومی، رویدادهای بسیار زیادی مربوط به حوزه کسب و کارها اتفاق افتاده که بنده توفیق حضور در برخی از این رویدادها را داشته‌ام. امیدوارم ایده کسب و کارهای کوچک در کتابخانه‌ها عمیق‌تر شود و ما نیز نقش خود را به جهت تبلیغاتی و رسانه‌ای برای فراگیر شدن آن ایفا کنیم.

حمایت از فراگیر شدن کسب و کارهای کوچک در کتابخانه‌های کشور

در ادامه همچنین از ۱۰ نفر به عنوان برگزیده جایزه ملی خدمات کتابخانه‌های عمومی تقدیر به عمل آمد که از جمله آن‌ها می‌توان به علی کریمی، کتابخانه قدس همدان؛ کیمیا اندیشمند، کتابخانه ثامن الائمه (عج) خوزستان؛ زینب نوروزی، کتابخانه مهتاب قاسم‌آباد سیستان و بلوچستان؛ سمانه رستمی باباقری، کتابخانه شهدای علویه فارس؛ محمد عبدلی، کتابخانه حکمت همدان؛ افسانه مظفری، کتابخانه زنده یاد محمدحسن رجبی فارس؛ راحله شبان سروسنایی، کتابخانه علامه طباطبایی فارس؛ فاطمه سادات هاشمی علی‌آباد، کتابخانه علوی اصفهان؛ زهرا پورحسن درگیری، کتابخانه فرهیختگان هرمزگان و اکرم بابایی، کتابخانه بصیرت زنجان اشاره کرد.

استان‌های اردبیل، خوزستان و یزد نیز به دلیل برگزاری داوطلبانه رویداد ملی کسب و کار با اهدای لوح تقدیر از سوی دبیرکل نهاد تقدیر شدند. بر اساس گزارش روابط عمومی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در مرحله رای‌گیری ۴۳۱ نفر از اعضای پیوسته انجمن علمی ارتقای کتابخانه‌های عمومی ایران مشارکت داشتند.

معاون امور مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد از فراگیر شدن ایده کسب و کارهای کوچک در کتابخانه‌ها حمایت خواهد کرد.

فرشاد مهدی‌پور، ۲۶ مهرماه، در مراسم اختتامیه دومین همایش بین‌المللی «کتابخانه‌های عمومی و کسب و کارهای کوچک» طی سخنانی و با ذکر روایتی مربوط به دوره حکومت حضرت علی (ع) اظهار کرد: در زمان حکومت ایشان به زنی یهودی تعرض شد و ایشان فرمودند «اگر هر مسلمانی از غصه این تعرض، یعنی کشیدن خلخال از پای یک زن یهودی، بمیرد، رواست». امروز ما در جایی هستیم که دولتی بر ساخته که خود را به دین یهود متصل می‌کند، یعنی صهیونیست‌های خونخوار هر روز مسلمانان را زیر سلطه و فشار خود قرار می‌دهند و دیشب اتفاقی افتاد که فقط با ظلم خود صهیونیست‌ها و نازی‌ها قابل سنجش است. دیشب هولوکاست واقعی در غزه اتفاق افتاد و امیدوارم به مدد نیروهای جهادی، جبهه مقاومت و مقاومت مردم غیور فلسطین لکه این غده سرطانی، به فرموده امام راحل به زودی پاک شود. وی ادامه داد: کتابخانه‌های عمومی را می‌توان از دو سطح یکی کتاب، کتابداری و کتابخانه و دیگری از سطح عمومی گسترش داد. در دوره جدید مفهوم عمومی، مفهومی توسعه یافته است. به نظر می‌رسد در دوره جدید شاید ما عرصه خصوصی خیلی منحصر به فردی نداشته باشیم و حوزه عمومی کاملاً توسعه یافته است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز این موضوع را توسعه داده‌اند.

مهدی‌پور تصریح کرد: به گمان من ایده این همایش توسعه مفهوم عمومی کتابخانه عمومی است؛ یعنی بخشی که با مخاطب گسترده، بازیگران جدید و ذی‌نفعان متعدد و نوینی رو به رو است. وقتی درباره عمومی صحبت می‌کنیم، منظور همه مردم است. البته کسب و کاری که در کتابخانه می‌بینیم باید نسبتی با کتاب، کتابداری و کتابخانه داشته باشد تا این موضوعات را توسعه و تعمیم دهد و به صورت سطحی موزای با کتابخانه حرکت نکند.

وی گفت: ما به سهم خود در معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد اسلامی در عمومی و فراگیر شدن این فرایند و ابتکار عملی که نهاد کتابخانه‌ها پیش

بحثی درباره هنر و ادبیات فلسطین

در نشست ویژه شهر کتاب با عنوان «سرزمین کلمه: غفلت‌های ما از هنر و ادبیات فلسطین» گفته شد: نوشتن آخرین چیزی است که برای گفتن از خویش برای فلسطینی‌ها می‌ماند؛ یعنی فلسطینی بودن نوشتن و ادبیات است. از فلسطینی بودن به جای سرزمین فرهنگ فلسطینی مانده است.

به گزارش ایسنا، نشست ویژه شهر کتاب با عنوان «سرزمین کلمه: غفلت‌های ما از هنر و ادبیات فلسطین» به ادبیات، فرهنگ و هنر فلسطین اختصاص داشت و با حضور هادی خانیکی، موسی اسوار، رافائل مائوریلو و مهدی فیروزان با پخش سخنانی از بیانکا مار یا اسکار چیا درباره اهمیت ادبیات فلسطین در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.



پرای آنچه ماندنی است

علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب در این نشست در سخنانی اظهار کرد: ادبیات و هنر فلسطین در هفت دهه گذشته، پیش از آن چه مرحالی را طی کرده است و انواع ادبی و هنری در چه حال و موقعیتی قرار داشته‌اند؟ ما در این هفت دهه و به‌ویژه در سال‌های قبل بیشتر با شعر فلسطین و نام‌هایی چون محمود درویش، سمیع القاسم، ابراهیم طوقان و کمال ناصر آشنایی داشته‌ایم تا ادبیات آن. آثار کاریکاتورست‌های فلسطینی در رسانه‌های ایران منعکس می‌شود. در خصوص دیگر حوزه‌ها باید صاحب‌نظران سخن بگویند. او بابیان اینکه شعر معمولاً بخش عمده میراث فلسطین است، افزود: داستان کوتاه و رمان فلسطین به‌اندازه شعر آن درخشان نیست. اگر بخواهیم از شاعری نام ببریم که در ایران همواره با نام فلسطین تداعی می‌شود، قطعاً محمود درویش است که آثار بیشتری از او به فارسی ترجمه شده و آثارش نماد مقاومت فلسطینیان است.

او تأکید کرد: منتقدان یکی از ویژگی‌های شعر مقاومت فلسطین را سادگی زبان و روشنی تصاویر دانسته‌اند. ادبیات داستانی فلسطین هم قابل تحلیل و بررسی است. برای مثال غسان کنفانی، که در سنین جوانی ترور شد، امروزه از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان فلسطینی است که ج‌دا از ترجمه آثارش، تحقیقات فراوانی بر آن‌ها صورت گرفته است.

محمدخانی یادآور شد: این روزها مسأله فلسطین و درگیری‌های در جریان در حوزه سیاسی مطرح است، اما آنچه ماندنی است ادبیات و فرهنگ و هنر است.

هویت زبان‌مند و هم‌سرشتی دیرینه ما

مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب هم در این نشست

با اشاره به اینکه دنیای تفکر و دنیای احساس در روزهای اخیر از منظرهای مختلف به مسأله فلسطین و منازعه او با دولت اسرائیل نگاه کرده است، گفت: بسیاری از متفکران اگر در این روزها سکوت کرده‌اند، به‌نوعی بحث می‌کنند. من نمی‌گویم جانب‌دارانه است یا نمی‌خواهم بگویم در دفاع از این گروه یا آن گروه نگاهی جانب‌دارانه دارم. اما حادثه به‌قدری عمیق است که هرکسی متناسب تخصص خودش باید در آن بنگرد. شهر کتابی که همیشه کوشیده دور از منازعات به فرهنگ بیندیشد و تلاش کند که از فرهنگ محافظت نکند این بار به این قضیه پرداخته است، چراکه احساس می‌کند سکوت در چنین شرایطی غیرفرهنگی است.

او با اشاره به اینکه شهر کتاب می‌تواند در حوزه فرهنگ به منازعه اسرائیل و فلسطین بپردازد؛ آن‌هم به بخش مبنایی آن، نه بخش زودگذرش، گفت: حوادث خشونت‌بار، نظامی و درگیری‌هایی از این دست می‌گذرد و آنچه می‌ماند فرهنگ است. هرچند این وقایع بر فرهنگ اثر می‌گذارد، بالاخره آنچه امروز به من ایرانی هویت می‌دهد فرهنگ من است. کسی به یاد ندارد که در گذشته من قاجار و صفویه و پهلوی بوده است. من امروز را با هویت امروز می‌شناسند که بیشتر فرهنگی است. پس، به گمان من باید از این منظر به قضیه فلسطین نگریست. چراکه هم تخصص شهر کتاب است، هم به برکت متفکرانی که در شبکه تولید فکر و اندیشه شهر کتاب هستند، امروز در جایگاه یک بازبگر فرهنگی وظیفه دارد که سکوت نکند. فیروزان خاطرنشان کرد: متأسفانه بسیاری از رویکردهای نسل جوان با نسل زد به دلیل رویکردهای غالب سیاسی به بن‌بست رسیده و وارد آن حوزه نمی‌شوند؛ یعنی اگر امروز رجال سیاسی جهان و ایران به مسأله فلسطین می‌پردازند، اصلاً جوان ما وارد این حوزه نمی‌شود و آن را حیطه ممنوعه خودش می‌شمارد، چراکه نمی‌خواهد وارد علاقه‌مندی‌های گرایشی خاص شود. اما اینجا حق بزرگی قربانی می‌شود. بخشی از جوانان ما حتی به اخبار فلسطین توجه نمی‌کند، چراکه قرائت مسلط رایجی از قضیه حمایت با آن با مخالفت می‌کند. او ادامه داد: اگر ما می‌خواهیم مبنایی به فرهنگ بنگریم، وظیفه داریم این مسأله را از زاویه علاقه‌مندی‌های جوان مطرح کنیم؛ از زاویه شعر، ادبیات، رمان، کاریکاتور، سینما و اتفاقاً فلسطین در این حوزه‌ها فعالیت فراوانی داشته است. ضمن اینکه فلسطین یکی از اولین سرزمین‌های این منطقه است. فلسطین از زمان قبل از تاریخ به‌عنوان یک سرزمین وجود داشته است. بعدها بابلی‌ها آن را اشغال کرده‌اند، در ادامه کوروش آنجا را بازسازی کرده و به دنبال آن داریوش. فلسطین سرزمینی کهن و مانند دیگر تمدن‌های شکل‌گرفته در ناحیه خاورمیانه یکی از سرزمین‌های تمدن‌ساز منطقه است. اگر این سرزمین را با شامات در نظر آوریم، منطقه‌ای است که در طول تاریخ از دادوستدها گرفته تا ناصر خسرو و سعدی و پیش‌تر در متون پهلوی و اوستایی از آن نشان‌های بسیار داریم.

مدیرعامل شهر کتاب با طرح این پرسش که این سرزمین کجا با هویت ما ایرانیان پیوند می‌خورد؟ گفت: بتول فیروزان در مقدمه کتاب «لهجه‌ها اهلی نمی‌شوند» می‌نویسد: «هگل آزادی را «در خانه بودن» تعریف می‌کند. من تاگی‌ها به بیان جدیدی برای خانه رسیده‌ام. انکار جابه‌جایی مکان فیزیکی خانه مرا به‌سمت معنای استعاری خانه برده است. فهمیده‌ام که خانه برای من مکان‌مند نیست. زبان‌مند است. حالا خانه برای من

در زبان است و در کلمه‌ها جایی است که هر دو زبان عربی و فارسی در هر لحظه جاری‌اند. جایی است که هر وقت بخواهی می‌توانی با کلمه‌ها و عبارتهایی از هر دو زبان میان جمله‌هایت پل بزنی و هویتت را بسازی.» او می‌گوید من به‌عنوان کسی که با دو هویت سروکار دارم، هویت ایرانی و لبنانی، همیشه به دنبال این هستم که هویتم در کجا شکل می‌گیرد؛ مکان‌مند است یا زمان‌مند؟ و در ادامه با این کتاب به این کشف می‌رسد که هویت «زبان‌مند» است.

او ادامه داد: امروز در عصر رسانه و شبکه‌های اجتماعی هویت من را همین کلماتی تعریف می‌کنند که به‌کار می‌برم. همان‌طور که در زبان‌شناسی می‌گوییم اگر زبانی واژگان علمی داشت متفکران آن زبان می‌توانند به آن زبان فکر علمی و تولید علمی بکنند، زبان و واژگان آن در حوزه هویتی بر من بسیار اثر می‌گذارد، چراکه جریان تفکر من، بیان من به دیگری و گفت‌وگوی من را تسهیل می‌کند. پس امروز باید از این نگاه نیز به هویت بنگریم. چندی پیش از بین‌رشته‌ای سخن می‌گفتمیم و مثلاً روان‌شناسی را با فلسفه پیوند می‌زدیم. امروز شاخه‌ای از سیاست آغاز شده است که با فیزیک پیوند می‌خورد. آن درهم‌آمیختگی که در گذشته به‌عنوان یک پدیده فیزیکی - شیمیایی مطرح بود، امروز در سیاست شکل می‌گیرد. سیاست مدرن مبتنی بر صرف نظریه و پراکسیس سیاسی نیست. سیاست امروز از فیزیک، شیمی و رسانه پیوند می‌گیرد و با همه این‌ها آمیخته می‌شود. سیاستی که امروز با درهم‌آمیختگی شکل می‌گیرد، سیاستی است که از نو ما را به تلاش سیاسی دعوت می‌کند. مهدی فیروزان افزود: اگر دنیای امروز از حیث سیاسی چنین است و به همه چیز پیوند می‌خورد، من در جایگاه یک هویت، دیگر نمی‌توانم فقط جهان وطن باشم. من برای اینکه بتوانم تعریف فرهنگی خودم را حفظ بکنم، باید با امکانات هویت‌های مشتری که با دیگران دارم، هویت خودم را سامان‌دهی بکنم. بعد از کرونا تحقیقی در جهان صورت گرفت و ژنتیک همه اقوام را بررسی کردند. بررسی‌های ژنتیکی نشان داد که فلسطینی‌ها از نظر ژنتیکی با مصری‌ها، لبنانی‌ها، ایرانی‌ها، کرتان‌ها، مقدونیه‌ای‌ها، ساردنی‌ها، تارکان‌ها، الجزایری‌ها، اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و باستانی‌ها ارتباط دارد. پس، ما از حیث ژنتیکی گذشته‌های در سرزمینمان داریم که در یک گروه ژنتیکی می‌نشانمان. او با بیان اینکه از زبانی، امروز به‌عنوان یک هویت زبان‌مند نیز مشتری‌کاتی داریم، ادامه داد: پس پرداختن به هویت‌هایی که با ما اشتراک دارند امروز باید چه از رویکردهای ما باشد. چه از نظر سیاسی خوشمان بیاید چه مخالف قرائت رایج باشیم، ما ناگزیریم برای حفظ هویتمان از این‌ها استفاده کنیم. به همین دلیل گمان می‌کنم غفلت‌هایی که به دلیل همه عوامل پس‌زنده از زبان و ادبیات فلسطین کردیم، باید جبران شود و نسل جوان امروز ما چون به فکر ساختن شخصیت خودش است، باید در شناخت ادبیات و هنر فلسطین به این قسمت هم بپردازیم. احساس ضرورت می‌کنم که جوانان امروز ما برای این دنیا و این هویت (زن، گذشته، آینده مشترک) به ادبیات، فرهنگ و هنر عرب، مصر، شامات و عراق بپردازند.

چرا بر این دیواره نکوبیدید؟

موسی اسوار، مترجم ادبیات عرب هم در سخنانی گفت: قوت مسأله فلسطین و ضرورت پرداختن به آن به‌قدری عیان

داستانی نیز هست.

روایت رنج در فقدان دیگری شونونه

همچنین هادی خانیکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در سخنانی اظهار کرد: به رغم آنکه شاید در حوزه سیاست دیدن آن سخت باشد، آنچه در فرایند مبارزه و این جنگ اتفاق می افتد پیروزی تدریجی با حداقل برآمدن روایت فلسطینی است در برابر الگوریتم اسرائیل. از منظر ارتباطی ما شاهد آن هستیم که با جابه جایی روایت با برآمدن روایت با الگوریتمی که مبتنی بر اطلاعات صرف، فن های خبری و فناوری است، روایتی به مثابه ابزار مقاومت شکل می گیرد.

او افزود: شاید روایت فلسطینی برای نسل من و نوع زیستی که در گذشته داشته است، روایتی نوستالژیک هم باشد. بالاخره سرود، شعر، کاریکاتور، قصه و هنر فلسطینی برای نسل ما هم پیوندی و هم سرشتی و هم سرنوشتی ای را ایجاد می کرده است. اما اکنون در تحولات و آرایش های سیاسی به گونه های دیگر مطرح و فهمیده می شود. تغییرات ارزشی و نگرشی در جوامع در حال گذار مثل ایران خیلی نسل نمی شناسد. شاید نسل خود ما هم در بازخوانی گذشته اش با به خصوص بانگاه های پسینی (نگاه از دیروز به امروز) همان پرسش هایی را داشته باشد که نسل جوان دارد. به نظر من، مرزهای نسلی فروپاشیده و نمی توان در فهم و طرح این موضوعات مسأله را خیلی سنی فهمید.

خانیکی با تأکید بر اینکه روایت فلسطینی فقط در سیاست یا فقط در دایره نظامی ساخته نمی شود، بیان کرد: این روایت ریشه و قصه و تاریخ دارد و آن را باید در حقوق و اخلاق و رنج فهمید. اتفاقاً در حوزه فلسطین و مسأله فلسطین آن بخش های مرتبط با منطق و مفهوم و مفهوم سازی مهم اند؛ اینکه مهاجر کیست؟ جامعه مهاجر چیست؟ حقوق بشر چیست؟ در این حوزه اهمیت دارد و باید به نگاه نظریه پردازان و متفکرانی پرداخت که برای خلق مفاهیمی پیچیده برای ادامه زندگی شان گردهمی آیند. یکی از شناخته شده ترین این مفهوم سازان ادوارد سعید است، هر چند همواره کسانی بوده اند که در مورد جنگ و مقاومت و مبارزات در حوزه اندیشه و فرهنگ و هنر کار کرده اند؛ کسانی مثل همینگوی در جنگ ویتنام، گرامشی در برابر فاشیسم و تجاوز، کاستلز در برابر شکل گیری هویت، باختین در برابر انسداد و مکالمه، فاکتور و هابرماس. همچنین، کسانی مثل پور ترابوت که اخیراً به مسأله روایت پرداخته است. ولی مشخصاً در موضوع فلسطین کار ادوارد سعید و نوع پیوندی که میان حوزه مقاومت و اندیشه برقرار می کند، خواندنی است.

او افزود: بهر حال، مفاهیمی که سعید دور از وطن خلق کرده، آنجا نمانده و در فلسطین و غزه خوانده می شود. او شیوه های خاموش و شیوه های صدادار را در مقاومت مطرح کرده و کتاب های موضوع حلقه های کتاب خوانی جوانان در فلسطین و غزه بوده است. در نهایت، سعید به درستی از خلق تصاویر معیوب رسانه ای علیه فلسطین، شرق و اسلام سخن می گوید و این ها را به عنوان مویرگ هایی مطرح می کند که می تواند به نوعی نفوذ منجر شود و آنجاست که از فلسطینی جنگجوی بی فرهنگ می سازد. طبیعتاً این مفهوم پردازی ساخت بزرگی مثل فرهنگ و هنر می خواهد. به نظر من این نه فقط در ادبیات و هنر فلسطینی، بلکه در هنر و ادبیات ایرانی نیز خودش را نشان داده است، ولی شاید در هنر و ادبیات ایرانی وقتی گرفتار روس می شود و در خوانش های قطبی سیاسی قرار می گیرد و متوجه گفتمان رسمی است، نوعی مقاومت ایجاد می شود و خوانشی مبتنی بر سیاست و سیاست زدگی و قطبیت روز شکل می گیرد که راه بر گفت و گو بسته با ننگ می کند.

حادثه جنگ ژوئن ۱۹۶۷ سه رمان درخشان نوشته است. رمان «مردانی در آفتاب» داستانی سه فلسطینی است که وقتی مجبور به جلائی وطن می شوند، نفت کشف شده و سرزمین کویت مقصد نیروهای کار جهان عرب است. این سه نیز از طریق یک قاچاقچی در تانکر خالی آب شیرین راهی کویت می شوند. اما وقتی به ایستگاه مرزی پلیس می رسند، افسر سر به سر قاچاقچی می گذارد و معطلش می کند. در این فاصله این سه در آفتاب نیمروز صحرای کویت در تانکر از تشنگی می میرند. سرانجام، مرد قاچاقچی هر سه جسد را در زیاله دان می اندازد و با عبارتی بسیار نمادین بر سرشان فریاد می کشد: «چرا بر دیواره تانکر نکوبیدید؟ چرا نکوبیدید؟ چرا نکوبیدید؟» «مردانی در آفتاب» نمادی از وضعیت مردمان سرزمین فلسطین شناخته شده است: محبوس بودن، در ستم قرار گرفتن، مظلومانه مردن. غسان کنفانی این رمان را در ۲۶ سالگی نوشت و این رمان در آن سال ها شناخته شده نبود. اما تا به امروز از درخشان ترین رمان های معاصر جهان عرب تلقی می شود. او در سال ۱۹۷۲ در انفجاری به دست موساد کشته شد. اسوار در ادامه یادآور شد: رمان «آنچه برای شما به جا مانده است» به قوت «مردان در آفتاب» نیست. اما کنفانی در رمان «آنکه به حیفا بازگشت» منظری کاملاً متفاوت اتخاذ می کند. این رمان داستان خانواده ای است که وقتی موجودیت اسرائیل شکل می گیرد، از سرزمین مادری شان فرار می کنند و فرزندشان را به جا می گذارند و وقتی سال ها بعد به فلسطین برمی گردند، متوجه می شوند که یک زوج یهودی او را بزرگ کرده اند. پسر به طرف پدر و مادر اصلی خودش نمی رود و ترجیح می دهد به سمت زوجهی برود که او را بزرگ و تربیت کرده اند. استنتاج می شود که اینجا مسأله فقط مسأله ارتباط خونی نیست، بلکه نگاه های دیگری نیز در میان است: تربیت و امید. این افراد در خلق ادبیات داستانی در تاریخ معاصر فلسطین بسیار مؤثر بودند.

او سپس توضیح داد: یکی از کسانی که بعد از سال ۱۹۶۷ در رمان نویسی فتح بابی کرد، امیل حبیبی، فلسطینی ساکن بخش های اشغالی، بود. از آثار او می توان به مجموعه داستان کوتاه «شش گانه شش روز» و کتاب «ماجرای شگفت ناپدید شدن سعید ابو نحس بدخوشبین» اشاره کرد که ظرف یکی دو سال ابتدایی قدر شناخته نشد و بعد از ترجمه جنبه جهانی پیدا کرد. این کتاب نخست به عبری ترجمه شد و در سال اول انتشار سه بار تجدید چاپ شد و در ادامه به زبان های دیگر برگردانده شد. امیل از طنز برای نشان دادن تلخی ها و مرارت ها استفاده کرده است. نمونه چنین کاری با عنوان رمان های پیکارسک شناخته شده است. می گویند این رمان تحت تأثیر «شوایک سرباز پاکدل» است، چراکه ژانر کاملاً منطبق است. ولی خود نویسنده مدعی است که از «کلنید» ولتر تأثیر گرفته. این اثر بسیار درخشان به زبان های متعددی برگردانده شده و بلی گشوده است. این رمان به قدری ارزشمند است که در مقاله مفصلی در یکی از مداخل «فرهنگ آثار» آمده است.

اسوار افزود: بعد از او نویسندگان مطرح دیگری مثل خلیل السواحری، یحیی یخلف، توفیق فیاض، محمد نفاع، محمد علی طاهو و ابراهیم نصرالله در کرانه باختری ظهور کردند. سحر خلیفه نیز چهره های بسیار درخشان در ادبیات داستانی فلسطین است که داخل فلسطین زندگی می کند و بخش عمده مبارزاتش جدا از مسأله فلسطین، در خصوص حقوق زنان و نویسندگی به عنوان زن است. از رمان های او می توان به «کاکتوس»، «آفتابگردان» و «خطرات زنی غیر واقعی» نام برد. نویسندگان کمتر مشهوری نیز امروز در حوزه ادبیات داستانی فلسطین فعالیت می کنند. در یک کلام، ادبیات معاصر فلسطین فقط شعر نیست، ادبیات

است که جنبه هنری و ادبی فلسطین تا حدودی به حاشیه رانده شده است. البته شرایط مقدر آن سرزمین همین بوده است. اما ما نباید از جوهر هنری استعداد ذاتی و خلاقیت خدادادی اهل قلم این سرزمین غافل باشیم. نویسندگان و هنرمندان فلسطین علاوه بر استعداد، از حیث ممارست دائم، آزمون و تجارب نو، آشنایی با جریانات تازه جهانی و پرداختن به مضامین انسانی و موضوعات جهانی همیشه سرآمد بوده اند و فقط به اعتبار سیاسی مسأله فلسطین به دنیا شناسانده نشده اند.

او با بیان این که بیشتر درباره شعر فلسطین کار کرده ایم و از جنبه های دیگر ادبی این سرزمین تا حدودی غافل مانده ایم، درباره ادبیات داستانی این سرزمین توضیح داد: ادبیات داستانی در فلسطین، مانند بقیه جهان عرب، در نیمه اول قرن بیستم شروع به ظهور کرد. در اواخر قرن نوزدهم آغاز نهضت ترجمه از زبان های بیگانه با آمدن چاپخانه به این قسمت از جهان و فعال شدن نشر و ترجمه از زبان های دیگر، در جهان عرب تحول تازه ای پدید آورد و فلسطین نیز از این تأثیرات برکنار نبود. برعکس روال معمول، آغاز ادبیات داستانی در فلسطین با رمان بوده است. چند تن در این حرکت مؤثر بوده اند: خلیل پیدس پدر رمان نویسی فلسطین، احمد شاکر الکریمی و جمیل البحری. این ها در نیمه نخست قرن بیستم شروع به رمان نویسی کردند. رمان «وارث» پیدس اولین رمانی بود که از لحاظ جنبه های هنری واجد ساختار هنر و دیگر مختصات رمان بود. در این مقطع رمان «خطرات یک مرغ» اسحاق موسی که در حوزه قابل می گنجد نیز منتشر شد که منشأ اثر واقع شد و بسیار به آن تأسی کردند.

او ادامه داد: از زمان پیدایش اسرائیل در سال ۱۹۴۸ حرکت داستان و رمان نویسی به دست چهار نویسنده معروف (محمود سیفالالدین الایرانی، سمیره عزام، جبرا ابراهیم جبرا و غسان کنفانی) شکوفا شد که البته به جز یکی همه این نویسندگان بیرون از فلسطین بودند. ادبیات داستانی فلسطین در فاصله سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ راه خودش را پیدا کرد. جبرا ابراهیم جبرا چندین مجموعه داستان و رمان منتشر کرد که هر یک ناظر بر وقایع خاصی از تاریخ معاصر فلسطین بودند. رمان «کشتی» ناظر بر حوادث ۱۹۴۸ بود. «صیادان در خیابانی تنگ» را به انگلیسی نوشت و بعداً به عربی ترجمه شد. «در جستجوی ولید مسعود» نیز به حوادث متأخر فلسطین اختصاص دارد و از رمان های درخشان اوست. آخرین رمان او نیز «آفاق های دیگر» بود. جبرا ابراهیم جبرا یکی از برجسته ترین منتقدان ادبی در جهان عرب است. او شاعر خوبی بود. همچنین، آثاری چون «شاه لیر»، «مکبث»، «هملت» و «شب دوازدهم» را از شکسپیر و «خشم و هیاهو» را از ویلیام فاکتور ترجمه کرد و ناقد درخشان ادبیات معاصر نیز بود. سمیره عزام مدتی در قبرس در رادیو گویندگی و مجری گری کرد. در ادامه قصه نویسی کرد و در این حوزه بسیار موفق بود. گفته می شود که جبرا ابراهیم جبرا نمونه ها را با الگوهای خارجی همساز می کرد، ولی سمیره عزام سوزهایش را از متن واقعیت فلسطین می یافت و سوزهایش برای مخاطبان ملموس تر است.

این متن جز زبان عربی ادامه داد: غسان کنفانی قصه نویسی را از حدود بیست سالگی آغاز کرد و در همان سال ها با داستان «پیران دزدی» برنده مسابقه داستان کوتاه نویسی در کویت شد. او چهار مجموعه داستان کوتاه منتشر کرد: «مرگ تخت خواب شماره ۱۲»، «سرزمین برتقال اندوهناک» و «جهانی که از آن ما نیست» که مسائلی جهان شمول تر را در بر دارد و به سوزهای متفاوتی می پردازد. آخرین کتاب او، «درباره مردان و زنان و تنگ ها»، مختص مبارزات فلسطینی است. همچنین پیش از

توجه کتابخانه عمومی به رفع چالش‌های موجود کشور به عنوان یک نهاد اجتماعی

نقش‌ها است که به کتابخانه جایگاه می‌دهد نه قفسه و درجه کتابخانه، مردمی که شاید به «شکل دیگر خواندن» می‌اندیشند و ماهیت جمعی فرهنگ را در کتابخانه سراغ می‌گیرند.

عبداللهی با تأکید بر اینکه کتابخانه نظم اجتماعی پدید می‌آورد، گفت: کتابخانه‌ها جامعه را توانمند می‌کند، پاسدار سرمایه اجتماعی است، خاطره می‌سازد، تجربه می‌آفریند، آموزش می‌دهد، به مهارت توجه می‌دهد، خلاق و ارزش‌مدار است و دلگرمی به بار می‌آورد. معاون برنامه‌ریزی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با بیان اینکه مطالبات و مطلوبیات از کتابخانه و کتاب خوانی، خیال‌پردازی و آرزوی محال نیست، اضافه کرد: وجود برخی تجربه‌های ایرانی و جهانی که در همین دو روز جلوه‌های آن را دیدیم و شنیدیم، تحقق‌پذیر بودن آن را تأیید می‌کند. اما توسعه و تکمیل این تجربه‌ها زمانی محقق می‌شود که از آنچه اکنون هستیم نظراً و عملاً فراتر برویم. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌کوشد با فهم واقع‌بینانه این تغییر را نه در حد یک ایده ادراکی و اقدام مدیریتی، بلکه در قامت یک ضرورت و نیاز ببیند، نیازی که هم‌زمان باید هم برطرف و هم ایجاد شود. بر اساس گزارش روابط عمومی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، وی پاسخگویی به نیاز مخاطبان در حوزه کتاب را یک کار فرادستگاهی برشمرد و گفت: پیگیری و پاسخگویی به این نیاز، نیازمند هم‌نوایی صمیمانه همه افراد و دستگاه‌هایی است که از فرهنگ و جامعه می‌گویند، می‌نویسند و به آن می‌اندیشند. همدلی همه فرهنگیان که کتابخانه را به مثابه بخش مهمی از زیست‌بوم فرهنگی ایرانی مسلمان می‌دانند، به قول قرآن مصداق «تعاون بر بر» است که رسالت هر انسان خردمندی است.

و کارهای کوچک در فضای کتابخانه‌های عمومی به ویژه زیربنای اجتماعی و بازاریابی، تدوین برنامه‌های راهبردی برای توسعه کسب و کارهای کوچک با توجه به زیرساخت‌های لازمی که باید در کتابخانه ایجاد شود، جلب مشارکت ذی‌نفعان کسب و کار، شبکه‌سازی میان ذی‌نفعان، مشتری‌مداری و توجه ویژه به جمعیت خدمت‌گیر بوده‌اند. وی با اشاره به حضور و مشارکت میهمانان خارجی در این همایش، گفت: لازم است به عنوان یک نهاد اجتماعی به ویژگی‌های اجتماعی توجه بیشتری داشته باشیم. در نهایت می‌توان گفت دستاوردهای این همایش در گرو ایجاد زیرساخت‌ها، تدوین برنامه عملیاتی با مشارکت تمامی نهادهای ذی‌ربط و حمایت دولت است.

کتابخانه‌ها جامعه را توانمند می‌کند و پاسدار سرمایه اجتماعی است

در ادامه سید باقر میر عبداللهی، معاون برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، اظهار کرد: برگزاری این همایش تلاش یک ساله نهاد برای تدوین ملزومات علمی و عملی «دومین همایش بین‌المللی کتابخانه‌های عمومی» بود که فرجامی رضایت‌بخش یافت.

وی با بیان اینکه با پایان این همایش، کار کتابخانه‌های عمومی برای تبیین سوبه‌های مفهومی و اجرایی الگوهای نوین خدمت‌رسانی به مردم آغاز می‌شود، گفت: کتابخانه‌های عمومی ملزم به ارائه خدمت به مردم هستند، مردمی که دل در گرو دانستن دارند، مردمی که به کتابخانه معنا می‌دهند و آن را فراتر از «مجموعه‌سازی»، «ده‌بندی» و «منبع کتابخانه‌ای» می‌بینند؛ مردمی که پذیرفته‌اند که این ارتباطات و

دبیر علمی همایش بین‌المللی «کتابخانه‌های عمومی و کسب و کارهای کوچک» گفت: کتابخانه به عنوان یک نهاد اجتماعی باید چالش‌های موجود را ببیند و برای رفع آن‌ها تلاش کند.

اعظم صنعت‌جو، ۲۶ مهرماه، در اختتامیه دومین همایش بین‌المللی «کتابخانه‌های عمومی و کسب و کارهای کوچک»، اظهار کرد: در این دوره از همایش به گفت‌وگو، بحث و تبادل نظر در قالب سخنرانی، ارائه مقاله و همچنین انتقال تجربیات کتابداران به ویژه در مناطقی با حفظ سنت‌های بومی محلی پرداخته شد. ماحصل این همایش ارائه ۲۵ مقاله در ۱۲ مرحله و با موضوعیت «چرایی و چگونگی»، «چالش‌ها» و «چگونگی رفع چالش‌ها» بود. به عبارت ساده‌تر در این همایش به نقش کتابخانه‌ها در حمایت از کسب و کارهای کوچک، چالش‌های پیش رو و راه‌های رفع این چالش‌ها پرداخته شد. وی اضافه کرد: کتابخانه به عنوان یک نهاد اجتماعی باید چالش‌های موجود را ببیند و برای رفع آن‌ها تلاش کند، آن هم در شرایطی که جامعه ایران دچار یک سری مشکلات اقتصادی است. امروز بحث توجه به مشتری، خدمت‌گرایی در کتابخانه‌های عمومی و به ویژه کسب و کارهای دانش‌بنیان را داریم.

صنعت‌جو ادامه داد: کسب و کارهای کوچک از حیث اینکه به منابع مالی محدودی نیاز دارند، در عین این که زود بازده و از ریسک‌پذیری کمی نیز برخوردار هستند، حائز اهمیت است.

دبیر علمی دومین همایش بین‌المللی کتابخانه‌های عمومی و کسب و کارهای کوچک عنوان کرد: برگزارکنندگان این همایش به دنبال ایجاد زمینه و زیرساخت‌های لازم برای توسعه کسب



محبت‌ورزی در خانواده؛ تامین حیات جامعه



IRNA
Ali Sharifzadeh

سازنده بین همسران است و تا زمانی که خانواده، بنیان سالم و محکمی نداشته باشد، عاقبت آن فضایی منفی، محیطی تاریک و افراد مستعد ابتلا به انبوهی از مشکلات جسمی و روحی خواهند بود. تحقیقات نشان می‌دهد که فقدان روابط صمیمانه می‌تواند افراد را آماده ابتلا به اختلالات روانی مانند افسردگی کند که یکی از دلایل عمده مراجعه به مراکز روانپزشکی است و عاملی برای ایجاد اختلال در یک جامعه. پس از آنچه ذکر شد، خانواده به عنوان نهاد سازنده جامعه باید از سلامت کامل برخوردار باشد تا جامعه نیز سلامت بماند. اگر زوجین بتوانند رابطه عاشقانه سالمی را با حفظ هر سه بعد تشکیل داده و نیز مهمتر از آن حفظ کنند، نه تنها خود را حفظ نموده، همین الگوی عشق ورزی و رشد و بالندگی را به فرزندان خود نیز آموزش خواهند داد اما متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها این الگوی سالم وجود نداشته و فرزندان نیز آن را فراموش خواهند گرفت.

اینجاست که نهادهای آموزشی مثل مدارس و رسانه‌های رسمی باید برای تبیین یک رابطه سالم تلاش کنند و در این الگوی رفتاری آنان را به بالندگی و رشد رسانند. ابتدا باید این امر را در زوجین ترمیم کرد و بعد از آن باید الگوی سالم را در نوجوانان، درونی ساخت تا از چالش‌های متعددی برای فرد، خانواده و جامعه جلوگیری کرد. متأسفانه آموزش یک رابطه سالم بین زوجین، امروزه از هیچ نهاد سنتی و تخصصی حاکمیتی آموزش داده نمی‌شود.

جنبه‌های عاطفی و انگیزشی عشق است. صمیمیت به رفتارهایی اشاره دارد که نزدیکی عاطفی را افزایش می‌دهد که شامل حمایت، همدلی، ارتباط و به اشتراک گذاری است. بنابراین در محدوده خود شامل احساساتی می‌شود که باعث تجربه گرما در یک رابطه عاشقانه می‌شود.

تعهد در کوتاه مدت به تصمیم برای دوست داشتن یک فرد خاص و در درازمدت به تصمیم برای حفظ آن عشق به سمت آینده‌ای قابل پیش‌بینی اشاره دارد. تعهد در خدمت یک عملکرد شناختی و نه احساسی است و شامل قصد عمدی و عمدی است.

به طور کلی می‌توان شور، صمیمیت و تعهد را به ترتیب جنبه عاطفی، رفتاری و شناختی عشق در نظر گرفت. سه جزء عشق با یکدیگر تعامل دارند. اشتیاق منجر به مشارکت در یک رابطه صمیمی می‌شود. صمیمیت همراه با اشتیاق باعث ایجاد اعتماد و کاهش احساس تنهایی می‌شود. در نهایت، تعهد، که به عنصر دلبستگی اشاره دارد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. اینجا جایی است که «همسر» به وجود می‌آید. بنابراین، عشق را نمی‌توان تجربه کرد، مگر اینکه اشتیاق ایجاد شود، سپس با صمیمیت ترکیب شود و در نهایت، احساس دلبستگی همراه با تعهد حاصل شود. شاید بتوان گفت اینجاست که انسان به بالندگی می‌رسد.

سلامت و سعادت خانواده و پس از آن سلامت و سعادت جامعه در گرو وجود روابط صمیمانه، سالم و

تهران- ایرنا- سلامت و سعادت خانواده و پس از آن سلامت و سعادت جامعه در گرو وجود روابط صمیمانه، سالم و سازنده بین همسران است و تا زمانی که خانواده، بنیان سالم و محکمی نداشته باشد، عاقبت آن فضایی منفی، محیطی تاریک و افراد مستعد ابتلا به انبوهی از مشکلات جسمی و روحی خواهند بود.

ازدواج و تشکیل خانواده از پیچیده‌ترین مراحل زندگی انسان است. ازدواج یک رابطه انسانی پیچیده و پویا با جنبه‌های منحصر به فرد است که حاصل آن خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است. فداکاری، فضای سالم و سازنده و روابط بین‌فردی گرم و صمیمی در خانواده می‌تواند به رشد و رضایت فردی کمک کند. خانواده سالم، پایه و اساس جامعه سالم است. محققان در زمینه‌های روان‌شناسی، روان‌پزشکی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و آموزش، همگی بر این عقیده‌اند که عشق یک پدیده عاطفی آموخته‌شده است. عشق ما به دیگران و عشق دیگران به ما، می‌تواند ما را تشویق کند تا بدترین شرایط زندگی را تحمل کنیم. در مفهوم عشق سه ضلع صمیمیت، تعهد و اشتیاق وجود دارد.

اشتیاق به انگیزه‌هایی اشاره دارد که به عشق، جاذبه فیزیکی و کمال جنسی منجر می‌شود. همچنین به نیازهایی مانند عزت نفس، نزدیکی و خودشکوفایی اشاره دارد. اشتیاق شامل احساساتی مانند امید، شرم، آسیب‌پذیری، میل و تحسین است. پس شور و شوق شامل

دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی مطرح کرد ویژگی‌های منحصر به فرد زبان فارسی



خطرات موجود هم همین خطرات فرهنگی و آسیب زدن به زبان و فرهنگ است که باید آنها را حفظ کنیم. برای پشتیبانی از منابع مکتوب زبان آموزان در جهان آمادگی داریم. ایران هر سال در نمایشگاه بین‌المللی کتاب دهلی شرکت می‌کند. از شما دعوت می‌کنم به غرفه جمهوری اسلامی ایران در این نمایشگاه مراجعه کنید و ارتباطات خود را با ما ادامه دهید.

ادبیات و شعر در کشور ما مقوله عمومی است

در ادامه این نشست، علی رضانی، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات با بیان اینکه در این برنامه با دانشجویان زبان و ادبیات فارسی از کشورهای مختلف بدون واسطه گفت‌وگو می‌کنیم و صحبت‌های یکدیگر را متوجه می‌شویم، گفت: همه ما به زبان شیرین فارسی صحبت می‌کنیم. برای دومین بار در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب و ادبیات ایران در خدمت فارسی‌آموزانی از کشورهای هند و روسیه هستیم. او با اشاره به اینکه خانه کتاب و ادبیات ایران محلی است که اهالی قلم، اهالی کتاب و ادبیات به آن رفت و آمد دارند، بیان کرد: در این مجموعه جوایز اصلی حوزه کتاب همچون جشنواره بین‌المللی شعر فجر و جایزه ادبی جلال آل احمد برگزار می‌شود. ادبیات و شعر در کشور ما مقوله عمومی است و شاعران در بین مردم ما از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند و شعر در حافظه جمعی ما موضوعی بسیار قوی به حساب می‌آید. همه ما به زبان فارسی صحبت می‌کنیم و میهمان سفره گسترده‌ای هستیم که میزبان آن کلمات هستند.

ما با ادبیات زندگی می‌کنیم، ادامه داد: ما از کودکی شعر می‌خوانیم و شعر می‌شنویم. چند نسل گذشته، پدران و مادران ما و شما به یک زبان خواب می‌دیدند و رویاهای آنها به یک زبان بود. دنیای ما و شما خیلی با هم متفاوت نیست و اشتراکات و نزدیکی‌های زیادی داریم. زمینه اصلی این اشتراکات عشق و محبت است و پذیرندگی، انعطاف و محبت توانسته در طول تاریخ، زبان فارسی را نگه دارد. زبان فارسی ویژگی مادری دارد و از این رو، زایشگر و آفریننده است. این زبان دائماً در حال نو شدن است. میرشمس‌الدین ادیب سلطانی یکی از زبان‌شناسان بنام ایرانی بود که به تازگی در گذشته است. اگر برخی از نوشته‌های او را بخوانیم شگفت‌زده خواهیم شد. این مرد بزرگ توانایی‌های زیادی در استخدام و خلق واژگان نو و بدیع در زبان فارسی داشت.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه زبان فارسی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، گفت: دلیل این منحصر بودن این است که زبان فارسی چون مادر و زمین است. به همین دلیل دائماً آفرینش دارد و دائماً از آن گل، سبزه و درخت بیرون می‌آید. بیست‌وچهارم مهرماه در بزرگداشت محمد فرخی یزدی حضور پیدا کردم. ما در زبان فارسی، ادبیات اعتراض، غم، عشق، آزادی و... داریم و حالات و ویژگی‌های فردی و جمعی انسان‌ها در ادبیات بروز پیدا می‌کند.

یاسر احمدوند در پایان سخنان خود گفت: ما مشتاقیم با زبان و فرهنگ کشورهای شما بیشتر آشنا شویم. جهان آینده، جهان ارتباطات فرهنگی است.

دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی در دیدار با فارسی‌آموزان دیگر کشورها، با بیان اینکه زبان فارسی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، گفت: دلیل این منحصر بودن این است که زبان فارسی چون مادر و زمین است و به همین دلیل دائماً آفرینش دارد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، یاسر احمدوند، دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی و معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اهالی قلم دوشنبه (بیست‌وچهارم مهرماه ۱۴۰۲) در سرای کتاب خانه کتاب و ادبیات ایران با دانشجویان زبان و ادبیات فارسی از کشورهای هند و روسیه دیدار و گفت‌وگو کردند.

در این دیدار، علی رضانی، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، شهروز فلاحت‌پیشه، معاون امور بین‌الملل بنیاد سعدی، محمدرضا سنگری، گلستان جعفریان، علی‌اصغر عزتی‌پاک و زهیر توکلی نیز حضور داشتند.

ما با ادبیات زندگی می‌کنیم

یاسر احمدوند در این نشست با اشاره به کیفیت برگزاری محفل‌های شعری در ایران گفت: این محفل‌ها ممکن است در کشورهای دیگر نباشد. ما دور هم جمع می‌شویم و شعر می‌خوانیم. در دوره‌های خانوادگی با هم مشاعره می‌کنیم. یکی از سرگرمی‌های ما در خانواده‌های مختلف این است که بزرگتر خانواده «شاهنامه» می‌خواند. در برخی از مناطق «افتخارنامه حیدری» یا قصه‌ها و منظومه‌های دیگری می‌خوانند. دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی با تأکید بر اینکه

فضای غنی ادبیات برای فیلمسازی

فیلم کوتاه بستر مناسبی برای تجربه اقتباس است



تهران- ایرنا- کارگردان فیلم کوتاه «نام، نام خانوادگی» گفت: به نسبت ظرفیت و فضای غنی ادبیات، ما در حوزه اقتباس جلو نیستیم. چراکه برخی از فیلمسازان ترجیح می‌دهند فیلمنامه تالیف خودشان باشد یا نویسندگان از اینکه داستانشان به فیلم تبدیل شود، استقبال نکنند. نازنین چیت‌ساز که برگزیده بخش «کتاب و سینما» چهارمین جشنواره فیلم کوتاه شد، درباره اثر اقتباسی خود و تفاوت آن با اثر قبلی به خبرنگار سینمایی ایرنا گفت: این فیلم کوتاه اقتباسی از یک نویسنده داستان نویس جوان و خوش ذوق ایرانی به اسم محمدرضا زمانی است. بر خلاف تجربه قبلی من در فیلم «پرتاب ناگهانی یک فیلم» که اقتباسی از داستان کوتاه خارجی به اسم «تقسیم طولانی» اثر ری برد بری بود.

وی افزود: موضوع هر دو فیلم کوتاهی که ساختم روابط انسانی و احساسات درونی دو نفره در فضای خانواده است. با این تفاوت که فیلم قبلی رابطه بین یک زوج و این فیلم رابطه بین یک پدر و پسر است. این کارگردان جوان در ادامه این بحث اضافه کرد: در فیلم کوتاه «پرتاب ناگهانی یک فیلم» موضوع زوجی است که در آستانه جدایی به سر می‌برند، اما در پایان فیلم نسبت به این جدایی دچار مکث و تأمل می‌شوند. اما در فیلم «نام خانوادگی» رابطه پدر و پسر در وضعیتی است که صمیمیت ندارد و فاصله بین آنها قابل مشاهده است. قرار است این رابطه به خاطر مسیری که پدر شروع کرده و وارد جمع پسرها می‌شود، بازسازی شود.

وی ادامه داد: به لحاظ حال و هوا و فضای کلی، داستان «نام خانوادگی» در فضایی شلوغ با جمعی از پسران جوان روایت می‌شود و این مساله به لحاظ کارگردانی برای من چالش بیشتری داشت؛ چون در فیلم کوتاه قبلی ماجرا صرفاً بین دو زوج بود.

چیت‌ساز درباره فضای اقتباس در فیلمسازی اظهار کرد: به نسبت ظرفیت و فضای غنی ادبیات، ما در حوزه اقتباس جلو نیستیم فضای اقتباس معادله بردبرد می‌خواهد، این معادله به طوری است که نویسنده از اینکه داستانش قرار است به فیلم تبدیل شود باید احساس خوبی داشته باشد و مطمئن باشد حقوق معنوی و مادی او رعایت می‌شود. علاوه بر این فیلمساز هم از این که از ظرفیت غنی ادبیات استفاده کند و فیلم‌هایی با ایده‌های جذاب موجود و با ارزش افزوده برای داستان داشته باشد، رضایت کامل داشته باشد.

چیت‌ساز با اشاره به اینکه کوتاه یا بلند بودن داستان ربطی به موضوع ندارد، بیان کرد: در هر حال، تبدیل داستان به فیلمنامه راه سختی است. اما طی کردن مسیر و دیدن نتیجه نهایی جذابیت فوق‌العاده‌ای دارد. حتی ممکن است به نوعی ارزش افزوده‌ای از سمت شما در داستان اتفاق افتاده باشد.

فضای غنی ادبیات برای فیلمسازی/ اقتباس هزینه تولید فیلم را کاهش می‌دهد

تخصصی و با دآوری جدی روی فیلم اقتباسی کار کند، بسیار اتفاق خوبی است که در سال‌های گذشته نداشتیم. این کار باعث می‌شود فیلمسازان بیشتر به سمت این بخش بیایند و این نکته حائز اهمیت است.

وی درباره استقبال مخاطبان جشنواره از آثار بخش «سینما و کتاب» که به سانس فوق‌العاده رسید، عنوان کرد: خوشحالم از اینکه فیلمم در این بخش حضور دارد و مورد توجه واقع شده است. همچنین اینکه فیلم به سانس فوق‌العاده رسید شهادی بر این موضوع است که قالب فیلم استاندارد بوده و مخاطب کار را پسندیده است. چیت‌ساز درباره ایده ساخت فیلم کوتاهش نیز توضیح داد: من این داستان کوتاه را سال قبل خواندم و موقعیت اولیه جالبی برایم داشت. جزو داستان‌هایی بود که خیلی سهل و ممتنع به نظر می‌آمد. برای همین زمان زیادی گذشت و با همفکری حسن حبیب زاده به نتیجه رسیدیم که چگونه از کاری که هم سخت است و هم آسان اقتباس کنیم. حیف بود که در زمان کوتاه و قبل از رسیدن به طرح کلی کاری بکنیم. به همین دلیل حدود ۴ یا ۵ ماه قبل نگارش فیلمنامه شروع شد. این ایده که پسری در جمع دوستانش به سر می‌برد و در یک شب پدرش وارد جمع می‌شود و دیگر نمی‌رود؛ برایم موقعیت جالبی داشت.

چیت‌ساز- کارگردان فیلم کوتاه «نام، نام خانوادگی» این کارگردان با اشاره به اینکه متأسفانه برخی از فیلمسازان منت بر سر نویسندگان می‌گذارند که از داستانشان فیلم بسازند، توضیح داد: این در حالی است که بخش اعظم کار توسط نویسندگان خلق می‌شود! فیلمسازان فیلم کوتاه به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن بهتر است که از اقتباس بهره ببرند، چون فرآیند جالبی است و نتیجه‌اش هم بی‌نظیر است. فیلمسازان فیلم کوتاه به دلیل کم‌هزینه‌تر بودن بهتر است که از اقتباس بهره ببرند، چون فرآیند جالبی است و نتیجه‌اش هم بی‌نظیر است.

وی در ارتباط با زمان و شیوه پرداختن به داستان اقتباسی بیان کرد: ممکن است فقط موقعیت اولیه داستان برای شما جالب باشد و با الهام از آن، اقتباس آزاد داشته باشید. گاهی هم ممکن است انقدر کلیت داستان کامل و با جزئیات تصویری باشد که احتیاج به کار بیشتری نداشته باشد. در این حالت شاید تصمیم شما این باشد که به اقتباس وفادار بمانید. در عین حال ممکن است از یک داستان کامل که خط پیرنگ درستی دارد؛ اقتباس آزاد داشته باشید.

کارگردان «نام، نام خانوادگی» در مورد بخش «سینما و کتاب» در جشنواره افزود: اینکه یک بخش به طور

نگاهی به نقش زنان در جریان مقاومت و جنگ در لابه لای روایت کتابها

هرچند هر لحظه باید منتظر مهمان‌ها ناخوانده‌ای به اسم بمب باشی.

کسانی که در این سه کتاب روایت شده‌اند، زن‌های قدرتمندی هستند که به آینده امیدوار بودند و خودشان روایت‌های کتاب‌هایی چون «باغ‌های معلق»، «پانصد صدلی خالی» و «آخرین روز جنگ» را نوشتند. قطعا در همان لحظه‌هایی که می‌نوشتند، تمام خاطرات تلخ آن لحظات محاصره و جنگ از جلوی چشمشان می‌گذشت و چشم‌هایشان به اشک می‌نشست؛ ولی ترجیح دادند بنویسند تا آن دردها و رنج‌ها، لابلای صفحه‌های تاریخ گم نشود.

در بخشی از کتاب باغ‌های معلق می‌خوانیم: فراموشی بهترین نعمت روزهای جنگ است اما به اندازه‌ی غذا و آب روزهای محاصره کمیاب است. روز سوم بعد از انفجار که خسته از جبرین برگشتم از من پرسیدند حاضری داوطلبانه زنان و کودکان حادثه انفجار را غسل و کفن کنی؟ بهت‌زده نگاهشان کردم. غسل و کفن بعد از سه روز؟! حق داشتند؛ تمام حواس ما به زنده‌ها بود و کشته‌شدگان حادثه را فراموش کرده بودیم. من زنده‌های آن حادثه را دیده بودم و می‌دانستم روبرو شدن با چیزی که آن‌ها را این‌طور متحیر کرده بود کار راحتی نیست. اولین عکس‌العمل فقط سکوت بود.

اطمینان نداشتیم که توان دیدن آن همه جنازه را داشته باشیم. نمی‌توانستیم تصمیم بگیریم اما اگر کسی حاضر نمی‌شد آن جنازه‌ها را غسل دهد چه؟ ماجرا را به همسرم گفتم. او هم در شرایطی نبود که بتواند مانع این کار شود. در جوابم گفتم: «اختیار با خودت. تو باید ببینی می‌تونی اون شرایط رو تحمل کنی یا نه.» با این که اختیار داشتم اما تردید و ترس نمی‌گذاشت تصمیم بگیرم. اگر قبول می‌کردم این اولین بار بود که غسل دادن جنازه را تجربه می‌کردم. با هزار تردید و ترس پذیرفتم. می‌خواستیم هرطور شده از این مرحله هم بگذرم.

تابه‌حال در زندگی‌ام اینقدر احساس ضعف نکرده بودم. خودم را شمانت کردم که بس کن هناه! تو روزهای سختی را پشت سر گذاشتی. اما فقط چند دقیقه کافی بود تا دوباره برای این ترس‌ها و دلهره‌ها به خودم حق بدهم. مگر یک انسان چقدر توان و قدرت تجربه‌ی مرگ و درد را دارد؟ ما همه زن‌های جنگ‌دیده بودیم، مرگ عزیز را لمس کرده بود اما هنوز آدم دیدن قیامت نبودیم و آنجا در بیمارستان محشر کبری بود... برای آشنا شدن با حالاتی که این روزها بر زنان و کودکان غزه می‌گذرد، پیشنهاد می‌کنیم خواندن این روایت‌های دست اول را در کتاب‌های ارزشمندی چون «باغ‌های معلق»، «پانصد صدلی خالی» و «آخرین روز جنگ» را از دست ندهید. علاقه‌مندان برای مشاهده و تهیه این کتاب، می‌توانند از وبگاه من و کتاب manvaketab.ir و همچنین از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ کتاب را با تخفیف ویژه تهیه کنند.

شده آتش بمب هواپیماها، غذایشان شده تیر و ترکش و آبشان شده خون شهدای بی‌شمارشان.

چند سال پیش مردم منطقه «نیل» و «الزهر»ی سوریه هم همین حالت را داشتند و چنین روزهایی را تجربه می‌کردند. کاملا محاصره بودند؛ چهار سال محاصره و محروم از هرگونه کمکی. حتی خیالش هم ترسناک و ناراحت‌کننده است. چه برسد به اینکه واقعیت داشته باشد. این اتفاق قطعا برای زن‌ها سخت‌تر از مردها است. زن‌هایی که شاید بعد از تمام شدن جنگ داعش علیه مردم سوریه، گل‌ها و میوه‌های قرمز، پارچه‌های سرخ و شفق آسمان، ناخودآگاه ذهنشان را به چهار سالی می‌برد که در آن هر روز خون دیدند و رنگ باختن چهره عزیزانشان.

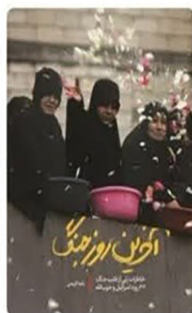
کتاب «باغ‌های معلق» نوشته سمیه عالمی، کتاب‌های پانصد صدلی خالی و کتاب آخرین روز جنگ نوشته خانم رقیه کریمی، روایت‌هایی است از همین جنس؛ از زن‌هایی که اتفاقات آن روزهای تلخ را روایت می‌کنند. روایت‌هایی شبیه روایت این روزها و شب‌های غزه و فلسطین عزیز. خانم آلکسیویچ در کتاب معروف خودش با نام «جنگ چهره زنانه ندارد» گفته بود: «جنگ یعنی یک جمله: خارج شدن زندگی از حالت عادی. نمی‌توانی هر روز دوش بگیری. نمی‌توانی هر روز منظم قرار ملاقات بگذاری. نمی‌توانی با خیال آسوده فرزندت را به شهر بازی ببری و نمی‌توانی مثل قبل توانمند باشی.» اما زن‌های این کتاب، در باغچه خانه‌شان نهال می‌کاشتند، سبزی می‌کاشتند و این یعنی به فردا و فرداها امیدوار بودند؛

روایت سه کتاب از زن‌های قدرتمندی که به آینده امیدوار بودند و خودشان روایت‌های کتاب‌هایی چون «باغ‌های معلق»، «پانصد صدلی خالی» و «آخرین روز جنگ» را نوشتند.

به گزارش تسنیم، جذابیت ادبیات به این است که هر نویسنده‌ای فرهنگ خودش را معرفی می‌کند. این مسئله حتی در ادبیات جنگ هم صادق است. از منظومه حماسی «انه‌اید» که ویرژیل شاعر روم باستان آن را در اواخر قرن یکم قبل از میلاد نوشت، «سفر به انتهای شب» لویی فردیناند سلین، «سقوط» امیل زولا، «جنگ و صلح» تولستوی، «دن آرام» میخائیل شولوخوف، «جنگ چهره زنانه ندارد» آلکسیویچ گرفته تا آثار دفاع مقدسی خودمان مثل «دا» نوشته سیده اعظم حسینی، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان، «شطرنج با ماشین قیامت» حبیب احمدزاده و «هفتاد و دومین غواص» حمید حسام. دنیای جنگ، یک دنیای بدون پایان است. در ظاهر شاید روزی تمام شود؛ اما تا چند نسل این جنگ خودش را در جان آدم‌ها و خاک آن کشور جاگیر می‌کند و اثراتش ادامه دارد. این روزها مردم غزه در حال تجربه کردن لحظه‌های سختی هستند. هر لحظه بمب بر سرشان می‌بارد و هر لحظه ممکن است آخرین نگاه، آخرین لبخند، آخرین گریه و آخرین در آغوش گرفتن یک خانواده باشد. تصور کنید آب و برق هم قطع باشد، آن وقت حتی تصور چنین شرایطی دشوار است. ما اگر یک ساعت برقمان قطع شود، زندگی‌مان مختل می‌شود، حالا آنها نه برق دارند، نه آب و نه مواد غذایی کافی. برقشان



فوعه اکفريا



طوفان الاقصی

محمد قاسم زاده:

هوش مصنوعی جهان را برهوت نمی کند



پیدایمی کند.

قاسم زاده درباره تأثیری که مثلاً هوش مصنوعی می تواند بر ادبیات بگذارد، گفت: به نظر من هوش مصنوعی کمی دارد آدمها را می ترساند. ولی بشر به این موضوعات غلبه می کند؛ زمانی قرن بیستم را به ما گفتند قرن سفر، بعد گفتند قرن اتم و سپس گفتند قرن کامپیوتر. تحولات به قدری زیاد بود که قرن اسم عوض می کرد. نه کامپیوتر ما را ترساند و نه اتم زیرا بشر همیشه برای معضلاتش راه چاره پیدا می کند. در آینده نمی دانم هوش مصنوعی به کجا خواهد رسید؛ ولی آیندگان که با هوش مصنوعی زندگی می کنند برای خود راه‌هایی می یابند.

این نویسنده تأکید کرد: آثار فرهنگی جهان از بین نمی رود. هوش مصنوعی نیامده که جهان را به برهوت تبدیل کند. همه امکانات دست کیست؟ خب دست آدمها. هوش مصنوعی که خارج از آدمها نیست. آن‌ها برای چه کسی کار می کنند؟ برای انسان‌ها. در واقع انسان‌ها به وسیله این امکان‌ها به ایده‌های خود عمل می کنند. محمد قاسم زاده در پایان گفت: باز هم می گویم من جهان بدون ادبیات را تصور نمی کنم، جهان ادبیات خواهد داشت؛ زیرا سابقه ادبیات همیشه همراه با بشر است. شما گیلگمش را دارید تا به بورخس و کافکا برسید، مگر ما انسان‌های قرن بیست و یکم گیلگمش را رها کرده‌ایم؟ الان در قرن بیست و یکم باز هم گیلگمش را ترجمه می کنیم. مطمئناً در آینده دوره ما را قضاوت خواهند کرد. آینده بشر همیشه بهتر از گذشته خواهد بود.

می بینید، باستان‌شناسی می بینید و... همه این‌ها را در ادبیات می بینید. نویسنده «مردی که خواب می فروخت» و «چیدن باد» با تأکید بر این که آینده را بدون ادبیات نمی بیند، گفت: ممکن است اشکال ادبیات برحسب زندگی آینده ما فرق کند؛ اما ادبیات از بین نمی رود؛ زمانی شاعران با ما حرف می زدند، الان هیچ شاعری با ما حرف نمی زند. زمانی که بشر پا بر روی ماه گذاشت و تازه مردم دانستند ماه چیست و ماه از حالت قبلی‌اش خارج شد. یا امروز بعد مسافت از بین رفته است، دیگر راه دور وجود ندارد، زمان حافظ کسی تصور نمی کرد کسی در تهران باشد و نیم ساعت بعد در شیراز. مطمئناً در آینده چیزهایی به وجود خواهد آمد که امروز به ذهن ما نمی رسد. قاسم زاده افزود: اما موضوعاتی در زندگی بشر وجود دارد که موضوعات عام بشری است؛ مولوی، عطار، سنایی، سروانتس، شکسپیر، گوته و دیگران همه در زمان خود زندگی می کردند و با دیدگاه‌های خود حرف می زدند؛ اما هنوز چیزهایی برای ما دارند و مطمئناً نویسندگانی ما نیز حرف‌هایی برای آیندگان دارند.

این داستان‌نویس خاطرنشان کرد: تاریخ اندیشه بشر این گونه نیست که در دوره‌ای محو شود و دیگر اثری از آن نباشد، امروز کسانی هستند که مجموعه آثار افلاطون را تهیه می کنند تا بدانند سقراط چه گفته است. سقراط ۲۵۰۰ سال قبل زندگی می کرده و زیست‌شان کاملاً متفاوت با انسان‌های امروزی بود، به گونه‌ای که اگر الان سقراط به زندگی ما بیاید، با دیدن چیزهایی دیوانه می شود. در آینده هم همین شکل است؛ زیرا بشر تحول

محمد قاسم زاده با تأکید بر این که آینده بدون ادبیات برایش متصور نیست، می گوید: هوش مصنوعی دارد آدمها را کمی می ترساند، آثار فرهنگی جهان از بین نمی رود و هوش مصنوعی نیامده که جهان را به برهوت تبدیل کند.

این نویسنده در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به این که چرا ادبیات باید ادامه پیدا کند، اظهار کرد: نسل معاصر برای آیندگان نمی نویسد، این نگاه که ما برای آیندگان می نویسیم، یک دید غلط است. من در این زمانه زندگی می کنم، زندگی را می بینم و بر اساس آن می نویسم، برای کسانی می نویسم که آن‌ها را می شناسم نه برای کسانی که نمی شناسم. من نمی دانم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و آیندگان چه کسانی هستند. این زمانه است که مشخص می کند من وجود دارم یا ندارم، آینده مشخص می کند چه کتابی باشد یا نباشد. ما برای حال می نویسیم، برای کسانی که با آن‌ها زندگی می کنیم. زمانه یا اثر را نگه می دارد و یا اثر محو می شود. هرکسی بگوید برای آینده می نویسد مطمئن باشید، اثرش قبل از این که خودش نباشد، از بین می رود. او همچنین درباره آینده بدون ادبیات، با اشاره به سخنی از یوسا، گفت: روزگاری تمام علوم از پزشکی گرفته تا فیزیک و شیمی در فلسفه بودند، بعدها همه این‌ها از فلسفه جدا شده، حالت استقلال پیدا کردند و فقط فلسفه ماند. اما چیزی که همه این‌ها را در یکجا جمع می کند، ادبیات است. همه این علوم، مرز مشترک دارند و آن ادبیات است. شما در ادبیات پزشکی می بینید، فیزیک می بینید، شیمی

امیرخانی مطرح کرد؛

برقراری شیفت شب کتابخانه ملی امکان پذیر نیست

شد اما انجام کارهای ماندگار و در خور شأن تمدن ایرانی، نیازمند توجه خاص سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران است.

این مقام مسئول کتابخانه ملی ایران درباره بازگشت شیفت‌های شب کتابخانه ملی گفت: هیچ کتابخانه ملی در دنیا شیفت شب ندارد. شیفت شب کتابخانه‌های عمومی حق تمامی دانشجویان و پژوهشگران است اما این امر وظیفه کتابخانه ملی، نیست بلکه وظیفه کتابخانه ملی، تأمین منابع برای تحقیق و پژوهش است. این وظیفه بی‌دلیل بر عهده کتابخانه ملی گذاشته شده بود چون سازمان‌های دیگر از پذیرش این وظیفه شانه خالی کرده بودند. اگر چه کتابخانه ملی با افتخار خدمت‌رسانی می‌کرد.

وی با تأکید بر اینکه شیفت‌های شب کتابخانه ملی ایران با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود، گفت: عمده مراجعان از شیفت شب تا ساعت ۱۲ شب از کتابخانه استفاده می‌کردند که همچنان هم پابرجاست. اما چرا نباید این وظیفه را شهرداری با بودجه‌های کلانی که در اختیار دارد، بر عهده بگیرند؟ اولین کتابخانه شبانه روزی تهران، پیش از این در فرهنگسرای اندیشه راه‌اندازی شد و چه اشکال دارد تعدادی از کتابخانه‌های عمومی شهرداری به صورت شبانه‌روزی فعالیت داشته باشند؟

امیرخانی با برشمردن دلایل دیگر برداشته شدن شیفت شب کتابخانه ملی افزود: در چند ساعت اولیه بامداد تعداد مراجعین کم بود، هزینه‌های زیادی هم به کتابخانه برای این ساعات تحمیل می‌شد. ضمن اینکه برخی مشکلات امنیتی هم وجود داشت.

پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، هندو (I) بیشتر هستند. مشاور رئیس کتابخانه ملی ایران گفت: استفاده از منابع کتابخانه ملی برای تمامی محققان امکان‌پذیر است اما برای استفاده روزانه به دلیل تعداد زیاد مراجعه‌کننده محدودیتی برای مدرک تحصیلی در نظر گرفته شده است. دانشجویان کارشناسی ارشد به بالا امکان عضویت در کتابخانه ملی را دارند و البته تمامی مؤلفان و محققان و پژوهشگران هم می‌توانند از امکانات این کتابخانه استفاده کنند. گردآوری منابع مکتوب و غیر مکتوب و هر آنچه در قالب کتاب و مجله منتشر می‌شود، برقراری ارتباطات بین‌المللی؛ گردآوری، نگهداری، مرمت و آفت‌زدایی نسخه‌های خطی از وظایف مهم کتابخانه ملی است.

وی با بیان اینکه کتابخانه ملی در بحث آموزش و پژوهش هم فعالیت‌های مختلفی دارد، گفت: کتابخانه ملی چند مجله پژوهشی منتشر می‌کند و همین‌طور کتاب‌هایی در حوزه‌های مختلف از جمله تاریخ و اطلاع‌رسانی و تاریخ شفاهی منتشر می‌کند. تاریخ شفاهی عموماً به خاطرات چهره‌های معاصر می‌پردازد و تا کنون دهه‌ها کتاب در این حوزه در سازمان اسناد کتابخانه ملی منتشر شده است. امیرخانی گفت: وضع کتابخانه ملی از نظر بودجه‌ای بد نیست و مشکلات آن تا حدودی برطرف شده است. اگر چه برای برخی طرح‌ها مثل بازگرداندن نسخه‌های ارزشمندی که از کشور خارج شده و حتی خرید نسخه‌های ارزشمند در داخل کشور، نیازمند بودجه‌های کلان هستیم. وی افزود: سال ۹۶ بیش از ۲۰۰ نسخه و سال گذشته هم چند نسخه کتاب نفیس به منابع کتابخانه ملی افزوده

مشاور رییس کتابخانه ملی ایران گفت: هیچ کتابخانه ملی در دنیا شیفت شب ندارد و این امر بر عهده کتابخانه‌های عمومی شهرداری است؛ بنابراین برقرار شیفت شب کتابخانه ملی امکان‌پذیر نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، غلامرضا امیرخانی مشاور رئیس کتابخانه ملی ایران در برنامه رادیویی سعدآباد، با بیان اینکه کتابخانه ملی محلی برای مراجعه رفت و آمد همه کسانی است که به فرهنگ و تمدن کهن ایران زمین علاقمند هستند گفت: کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر در تمامی کشورها شناخته شده و معمولاً در پایتخت وجود دارد.

وی افزود: کتابخانه ملی ایران ابتدا در سال ۱۳۱۵ و در خیابان ۳۰ تیر ساخته شد. از ابتدا هم مشخص بود ساختمان این کتابخانه چند صد متری، پاسخگوی نیازهای یک کشور با فرهنگ و سابقه مثل ایران نخواهد بود. به همین جهت در دهه ۷۰ ساخت ساختمان جدیدی با وسعت ۱۰۰ هزار متر مربع آغاز و در نهایت در سال ۸۳ افتتاح شد. اگر چه این بنا؛ به جز ساختمان آرشیو ملی است.

امیرخانی گفت: کتابخانه ملی هر روز ۱ هزار تا ۱۶۰۰ مراجعه‌کننده دارد که عمدتاً دانشجویان و محققان و افراد تحصیل کرده با مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند و البته محققان از صنوف مختلف هم از این کتابخانه استفاده می‌کنند.

وی افزود: این کتابخانه از اکثر کشورهای جهان عضو داراماطبیعتاً تعداد اعضا از کشورهای همسایه و کشورهای عراق، که از نظر فرهنگی و تمدنی به ایران نزدیک هستند (عراق،



محمد گلریز: آرزو دارم روزی برای مردم فلسطین بخوانم



محمد گلریز که صدایش به عنوان میراث شفاهی ایران در سازمان میراث فرهنگی ثبت شده است، گفت: خواندن برای مردم غزه و فلسطین را افتخاری برای خودم می‌دانم و آرزو دارم روزی برای مردم فلسطین بخوانم و اگر حمایت شوم از خداوند می‌خواهم که آلبومی برای مردم فلسطین منتشر کنم.

محمد گلریز در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت هنرمندان ما جمع شدند که حمایت‌های خود را از مردم فلسطین و همچنین انزجار خود را از رژیم کودک‌کش اسرائیل غاصب اعلام کنند. من هم به عنوان عضو کوچکی از جامعه هنری وظیفه خودم دانستم تا در این عرصه وارد میدان شوم و با صدای حقیر خودم و کارهایی که می‌توانم در این رابطه انجام دهم جامعه را ترغیب و تشویق کنم که حامی رزمندگان فلسطین و مقاومت باشند. وی افزود: ما هنر را باید در جاهایی خرج کنیم که لازم است. امروز، واقعا آزادگان جهان احتیاج به این مسائل دارند و می‌بینیم که در اعصار مختلف ملت‌های کشورهای دیگر چقدر در این رابطه فعالیت دارند و به صحنه می‌آیند و ما هم باید به وظیفه خودمان عمل کنیم و در عرصه هنرهای مختلف وارد میدان شویم.

گلریز گفت: هنرمندان ما اکثرا ثابت کردند که در مواقع حساس و در جاهایی که لازم بوده است پای کار آمدند و حمایت کردند و با کارهای هنری خودشان در

برای مردم فلسطین آماده کنم.

این خواننده حماسی افزود: همیشه در عرصه سروده‌های حماسی، آیینی و کارهایی که برای شهدا انجام شده همیشه پیشقدم بودم ولی خودم به تنهایی نمی‌توانم این کار را انجام دهم و باید حمایت شوم. این را وظیفه خودم می‌دانم و افتخار می‌کنم که در این راه انجام وظیفه کنم.

عرصه‌های مختلف خیلی تاثیرگذار بودند.

او که کاری با نام فلسطین با شعری از مرحوم محمود شاهرخی و آهنگسازی یک بسبجی به نام رمضان عظیمی عرضه کرده گفت: خواندن برای مردم غزه و فلسطین را افتخاری برای خودم می‌دانم. آرزو دارم برای مردم فلسطین بخوانم و اگر حمایت شوم و سرمایه‌گذاری کنند و از خداوند می‌خواهم که آلبومی

کتابخانه امیر کبیر کرمانشاه ۸۰۰ نسخه کتاب خطی دارد

رحمت فراوان به وجود آوردند. وی در ادامه تصریح کرد: بخش نسخ خطی هر کتابخانه استانی، بایگانی منابع نفیس نیست، منظور واقف از وقف این منابع ارزشمند حفظ نگهداری صحیح در محل کتابخانه و استفاده پژوهشگران از آن است و کار ما هم فقط نگهداری نیست تمام تلاش ما در نهایت اطلاع رسانی و ارائه خدمات به مراجعین، فرهیختگان و پژوهشگران، مورخان و اصحاب فرهنگ و هنر است.

محمدپور اظهار کرد: برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی با پژوهشگران در این خصوص می‌تواند بسیار مثمر‌تر باشد، پژوهشگران افراد فرهیخته و صاحب فکر جامعه هستند و ارتباط با آنها نفع متقابل برای کتابخانه‌ها است.

وی در پایان عنوان کرد: در بررسی بخش منابع سنگی، سربی، خطی و اسناد تاریخی کتابخانه امیرکبیر طبق دستورالعمل و رده‌بندی ویژه این بخش تفکیک شده و پس از بررسی‌های نهایی آماده بهره‌برداری است.

عصر صفویه است. مدیرکل کتابخانه های عمومی کرمانشاه ادامه داد: در مجموعه میراث مکتوب ایران، نسخه‌های خطی از جایگاه ویژه ای برخوردارند بنابراین حفظ و شناسایی و معرفی این آثار می‌تواند نسل امروز و فردا را از سیر تحول اندیشه در تمدن ایرانی، آگاه کرده و نوعی خودشناسی را ایجاد کند.

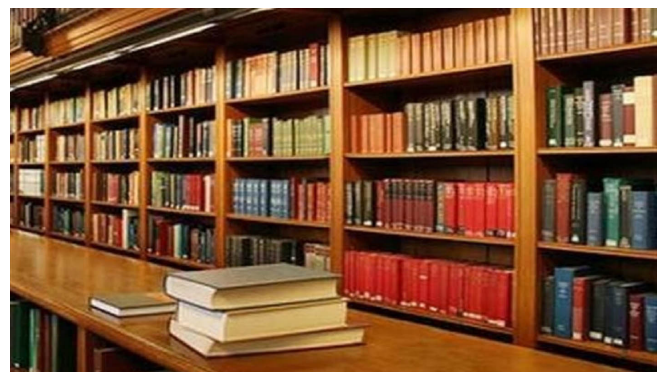
کارشناس نسخ خطی و بخش منابع سنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز گفت: بخش نسخ خطی اتاق فکر پژوهشگران است، همچنین نسخه‌های خطی آثار باقیمانده از تولید فکر و اندیشه پیشینیان ما هستند این آثار بجا مانده ما را با فرهنگ گذشتگان پیوند می‌دهند.

«رضا محمدپور» با بیان اینکه یکی از افتخارات و خلاقیت‌های ایرانیان کتاب آرای تولید نسخ خطی است، افزود: تمام مراحل تولید یک کتاب خطی همراه بوده با خلاقیت و شگفتی انسان‌ها و تمام دستاوردهای مدرن بشر امروزی مدیون نسخه‌های خطی است که گذشتگان با

آماده‌سازی بهره‌برداری از آن افزود: بخش اسناد، نسخ خطی و نفایس چاپی کتابخانه عمومی امیرکبیر کرمانشاه با زیربنای ۳۰ مترمربع و شرایط و تجهیزات تقریبا استاندارد، آماده ارائه خدمت به پژوهشگران است.

وی اظهار کرد: از این منابع، تعداد ۲۱ نسخه خطی، ۶۰۹ نسخه چاپ سنگی و تعداد ۱۴۷ نسخه چاپ سربی و مابقی آن منابع نفیس چاپی قدیمی است که قدیمی‌ترین نسخه این بخش مربوط به

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان کرمانشاه گفت: بخش نسخ خطی کتابخانه عمومی امیرکبیر کرمانشاه با ۸۰۰ نسخه کتاب خطی، چاپ سنگی و سربی و منابع نفیس آماده ارائه خدمت به پژوهشگران و علاقه‌مندان استان است. به گزارش ایرنا، «محمدامین بهرامی» در بازدید کارشناس نسخ خطی اعزامی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برای بررسی و سازماندهی بخش منابع خطی و سنگی کتابخانه عمومی امیرکبیر و



شاعری که بعد از ۵۰ سال پیداشد!



جهانی، سیاسی بود. بنابراین چون پاسخ زیادی از نظر مخاطب کسب نمی‌کردند، درون‌گراتر شده و به تدریج به سوی عرفان رفتند.

این موضوع در کناره‌گیری از شعر هم تأثیر داشته است؟

برخی شعر را کنار گذاشتند و به سمت عرفان رفتند؛ البته برخی به صورت کامل رفتند مثل اسلام‌پور که تعداد شعرهایش محدود است یا محمود شجاعی که شعر را قطع کرد و شعرگویی را به آن معنی، امر خیلی مفیدی نمی‌دانست یا شعرهای بیژن الهی گاه در دهه ۱۳۵۰ پیش می‌آید و بعد تقریباً شعر را کنار می‌گذارد و به طرف بازسرای شعر جهان می‌رود. در واقع نداشتن مخاطب و پاسخ نگرفتن از جامعه‌ای که به شدت سیاسی بوده، در این موضوع تأثیر داشته است.

آیا این مسائل در این‌گونه گروه محدودی هستند، تأثیر داشته است؟

هر شاعری علاقه‌مند است مخاطبی داشته باشد اما زمانی که شما پاسخ لازم را به دلیل فضای گفتمان سیاسی و اجتماعی چپ‌گرایانه (که در آن زمان رایج بود) از جامعه نگیرید، زمانی که به شما اجازه فعالیت ندهد و یا فکر شما را درخور اهمیت نشمارد طبعاً به جهان خاص خود پناه می‌برید و همچنان که جامعه با شما قهر می‌کند، طبعاً شما هم با جامعه قهر کرده به سمت انزوا می‌روید. ظاهراً رفتار شاعران موج نو به این صورت بوده است.

این شاعران در دو دهه اخیر است که کمی شناخته شده‌اند، حتی تا دهه ۱۳۷۰ هم آثارشان در حاشیه و محاق بود زیرا داشتیم ادامه جریان‌های شعری دهه ۴۰ و ۵۰ را در دهه ۶۰ و ۷۰ مرور می‌کردیم؛ در طول دو دهه اخیر جامعه بعد از سپری شدن آن فضای گفتمان سیاسی و اجتماعی و فروپاشی شوروی و نهضت چپ جهانی علاقه‌مند شد ببیند آن‌هایی که در آن دوره حرفی برای گفتن داشتند اما انتشار آثارشان محدود بود و خیلی در محفل‌ها و شعرخوانی‌ها شرکت نمی‌کردند چه کسانی بود؟ چه می‌گفتند؟ نوشته‌هایشان چه بود؟ آثارشان چه بود؟ شعرشان به چه صورت است؟ در چه فضایی سیر می‌کردند و اصولاً حرف‌شان چه بود؟ در دو دهه اخیر است که بیژن الهی و هوشنگ چالنگی و پرویز اسلام‌پور شناخته شدند و آثارشان منتشر شد و

این را از موج نو فیلم‌سازان فرانسوی اقتباس کرده بود. احمدرضا احمدی، هوشنگ چالنگی، بیژن الهی، پرویز اسلام‌پور، محمدرضا اصلانی، بهرام اردبیلی، محمود شجاعی و چند نفر دیگر را می‌توانیم از اعضای شناخته‌شده این نسل بشناسیم، آن‌ها در مجله‌ها و جُنگ‌های شعری آثار خود را منتشر می‌کردند و برخی نیز دفتر داشتند. پراثرترین فردی که در این دوره به عنوان شاعر موج نو شناخته شد، احمدرضا احمدی بود. او در دهه ۱۳۴۰، سه چهار دفتر چاپ کرد و بیشتر شناخته شد، تصویرها و نوع زبان شاعرانه‌اش در این دوره مورد توجه خاصی قرار گرفت.

به جز یکی دو نفر از شاعران این گروه، بقیه فقط به شعر اکتفا نکردند؛ به طرف سینما یا افکار عرفانی، ترجمه شعر و زمینه‌هایی از این دست رفتند. مثلاً محمدرضا اصلانی به طرف سینما رفت، بیژن الهی به طرف عرفان و ترجمه یا بهتر بگویم بازروایت یا بازاندیشی شعر جهان که روایت دوباره‌ای از این شعرها به دست می‌داد، رفت. بهرام اردبیلی به سمت عرفان رفت و شعر را کنار گذاشت زیرا آن را بیپوده و بی‌فایده می‌دانست. یا محمود شجاعی که به سمت خانقاه رفت و عضو خانقاه شد و شعر را کنار گذاشت و بعد از دهه ۱۳۴۰ به ندرت سراغ شعر می‌رفت. منظوم این است فضای فعالیت آن‌ها فقط شعر نبود بلکه سراغ کارهای دیگری هم رفتند و وضعیت‌های این‌گونه در میان آثارشان وجود دارد. یکی از شخصیت‌های محوری این گروه بیژن الهی بود؛ چون در خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کرد، این امر باعث شده بود افرادی که در شهرستان یا جاهای دیگر زندگی می‌کردند، گاه‌گاه به او سر بزنند و او شخصیتی محوری برای عده‌ای از این گروه پیدا کرده بود. بعدها تعداد دیگری به این گروه پیوستند و در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ تعداد شاعران «موج نو» شاید قدری زیاد شده بود بنابراین گروه کوچکتری را که نخبه‌گراتر بود به نام «شعر دیگر» تشکیل دادند که دو مجموعه شعر نیز چاپ کردند.

این شاعران یک گروه کوچک در حوزه ادبیات و شعر بودند که در ابتدا تمایل‌شان به سمت شعر و ادبیات خارجی بود و هرچه جلو آمدند تمایل‌شان به طرف عرفان بیشتر شد و به عرفان و شعر عرفانی توجه داشتند. این موضوع را می‌توانیم در آثار بیژن الهی کاملاً ببینیم، او هم روی متون عرفانی کار کرده و هم شعر جهان. او سعی کرد بود هر دو آن‌ها را با هم پیش ببرد؛ هرچند بیشتر به شعر جهان تمایل داشت.

این فردگرایی یا درون‌گرایی‌شان باعث شده به سمت عرفان بروند یا دلیل دیگری داشته است؟

احتمالاً یکی از دلایل این بوده است. دلیل دیگر این بوده که بخش اعظم آن‌ها ذهنیت سیاسی نداشتند و دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اوج ذهنیت سیاسی جامعه ایرانی بوده است. البته نه تنها ذهن جامعه ایرانی بلکه جامعه

دفتر شعری که ۵۰ سال بعد از تحویل به ناشر منتشر شده، شاعری که شعر را کنار گذاشته و به گفته گردآورنده کتاب، شاعری جامانده از دهه ۱۳۴۰ و حلقه مفقوده‌ای از شعر «موج نو».

دفتر شعر دست‌نویسی با جلد مشکی سال‌های سال در قفسه انتشارات مروارید خاک خورده، بدون آن‌که رد و نشانی از شاعرش باشد. «مروا - برگ و ستاره» در اول دفتر آمده و در صفحه بعد نوشته شده با مقدمه‌ای از فریدون رهنما که جایش خالی است. «مروا» تنها چیزی است که از صاحب دفتر مشخص است، نه تاریخی دارد نه فایمیلی‌ای، نه کسی سراغ دفتر آمده است.

کامیار عابدی، گردآورنده این دفتر می‌گوید ناشر کتاب را به او داده و گفته «ببینید این «مروا» کیست؟» تازه ماجرا آغاز می‌شود و سرانجام کتاب بعد از حدود ۵۰ سال منتشر می‌شود. پای صحبت‌های کامیار عابدی از قصه این کتاب و شعرهای مروا و سال‌هایی که در آن شعر می‌گفته، نشستیم.

در ادامه مشروح گفت‌وگوی ایسنا با کامیار عابدی را درباره موج نو و شاعری جامانده از آن می‌خوانید: به نظر و بر اساس آنچه در مقدمه گفته شده، این مجموعه اولین و شاید آخرین تجربه شعری مروا نبیلی است. طبق دسته‌بندی شما در دسته شاعران موج نو قرار گرفته است. از جریان شعری دهه ۱۳۴۰ برایمان می‌گویید، شاعرانی که جریان‌های سیاسی و اجتماعی دهه ۱۳۳۰ را پشت‌سر گذاشته و خواهان تجربه‌های نو هستند و نوعی بی‌اعتنایی به مسائل سیاسی در شعرشان وجود دارد.

از حدود اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ یک نسل بسیار جوان در حوزه شعر می‌خواست ظهور و بروز پیدا کند که این نسل بسیار جوان علاقه‌مندی چندانی به ایده‌های نیمایی، چه خود نیما و چه شاگردانش مثل اخوان ثالث و احمد شاملو نداشت. این گروه جوان بیشتر تحت تأثیر ادبیات جهانی بودند که به زبان فارسی ترجمه می‌شد. تعداد این شاعران به اندازه انگلستان دو دست یا کمی بیشتر بود.

گذشته از اینکه علاقه نداشتند شعر نیمایی بگویند، از فضای شعر سیاسی چندان خشنود نبودند و به طرف یک نوع شعر غیرسیاسی تمایل داشتند؛ شعری که درون‌گراتر یا فردی‌تر است. تقریباً می‌شود گفت بخش اعظمشان به طرف شعر منثور یا گاهی نثر شاعرانه تمایل بیشتری داشتند و تأثیر ترجمه شعر اروپا و آمریکا در آثارشان خیلی آشکارتر بود.

این گروه که از حدود دهه ۱۳۴۰ تا اواخر این دهه به انتشار آثارشان مبادرت می‌کردند چندان مورد علاقه شاعران نیمایی قبل از خود نبودند ولی کسانی مانند فریدون رهنما علاقه‌مند بودند که آن‌ها حمایت شوند و احتمالاً فریدون رهنما بوده که تعبیر «موج نو» را برای این شاعران استفاده کرده است زیرا احساس کرده آن‌ها، موج نوی هستند که دارند وارد شعر می‌شوند و ظاهراً

است.

اما اینکه کی فریدون رهنما این دفتر را به انتشارات مروارید می‌دهد، اطلاعی نداریم زیرا کسانی که در آن دوره در نشر مروارید بودند بعد از انقلاب جای خود را به گروه دیگری در این نشر می‌دهند. بین این دوره تا زمانی که فریدون رهنما فوت می‌کند، نباید فاصله زیادی باشد، احتمالاً دفتر را زمانی به انتشارات می‌دهد که خود دچار بیماری شده بود و در سال ۱۳۵۴ از دنیا می‌رود و این دفتر همچنان می‌ماند.

این دفتر در دهه ۱۳۴۰ پاکنویس و با حوصله نوشته شده است.

خود نیبلی از وجود این دفتر مطلع بود؟

فکر می‌کرده گم شده است؛ چون فریدون رهنما عمر کوتاهی داشت و نیبلی نمی‌دانست که رهنما این دفتر را برای انتشار به انتشارات مروارید داده است. صفحه اول نوشته شده «مروا - برگ و ستاره» صفحه بعد که خالی است نوشته شده با مقدمه فریدون رهنما. بعداً یاد آمد در «شعر دیگر» مقاله را دیده‌ام و معلوم شد همان مقدمه است که در سال ۱۳۴۷ منتشر شده است.

مروا چگونه پیدا شد؟

به این دلایل این کتاب در آرشیو انتشارات مانده بود. سال ۱۳۹۵ بعد از بازگشتم از ژاپن با آقای حسن‌زاده (مدیر انتشارات مروارید) دیداری داشتیم. در این دوره در حوزه شعر تحقیقاتی داشتیم و آقای حسن‌زاده که می‌دانستند به این حوزه علاقه‌مند هستم، این دفتر را به من داد و گفت «تحقیق کنید این خانم کیست؟ ما در طول سال‌ها هرچه گشتیم، متوجه نشدیم این خانم مروا کیست؟» خب این اسم خاص و عجیب است. اگر در سال ۱۳۹۵ در اینترنت سرچ می‌کردید، مطلقاً مطلبی درباره‌اش نبود. آن زمان نام خانوادگی‌اش را هم نمی‌دانستیم. بعد از مدتی یاد آمد دو مجموعه دارم (شعر دیگر و جنگ طرفه) که از مروا شعری دیدم اما نام فامیلی‌اش در آنجا نیامد بود و فقط یک اسم بود: «مروا». البته آقای حسن‌زاده به من گفته بود دو سه سال قبل با آقای اصلانی صحبتی داشته و او گفته بود مروا را می‌شناخته. به او هم تماس گرفتم. شماره موبایلش را نداشتم و به منزلش زنگ می‌زدم اما او برای فیلمبرداری در یکی از شهرستان‌ها بود که یک ماه بعد برگشت. بعد به من گفت مروا نیبلی جزء هم‌نسلانش بوده است. بعد در صحبتی که با خانم امامی داشتیم گفت اسم شناسنامه‌اش مارتا بود و آرام آرام بالاخره «مروا نیبلی» را پیدا کردم. بعد متوجه شدیم بعد از «سیاوش تخت جمشید» تا زمانی که فیلم خود را به نام «خاک سر به مهر» در سال ۱۳۵۵ بسازد، بیشتر در انگلستان و امریکا بوده و گاهی به ایران می‌آمده، در فیلم «سمک عیار» اصلانی با او همکاری داشته و بعد هم ایران را برای همیشه ترک می‌کند و برنمی‌گردد.

ما حتی برای سال تولدشان هم به مشکل برخوردیم زیرا مدارک ایرانی‌اش از بین رفته بود و نمی‌دانست متولد ۱۳۲۰ است یا ۱۳۲۱. چند باری این تاریخ را عوض کردیم، بالاخره در متن ۱۳۲۱ آمده و پشت جلد ۱۳۲۰. اما ظاهراً متولد ۱۳۲۰ است.

نرسیده بود. یعنی سهراب سپهری‌ای که می‌شناخت سهراب «شرق اندوه» و «آوار آفتاب» بود. بنابراین تأثیر بخشی از شعرهای سهراب در دهه ۱۳۳۰ را بر شعرهای خانم مروا می‌بینیم، البته خانم مروا نوآوری‌هایی را هم دارد ولی از نظر زبانی شبیه شعرهای سهراب سپهری در دهه ۱۳۳۰ است.

تفاوت‌های شعری مروا نیبلی با شاعران موج نو از جمله احمد رضا احمدی چیست؟

شعرهای احمد رضا احمدی سوررئالیستی‌تر است؛ شعرهای اولیه احمد رضا احمدی در دهه ۱۳۴۰ سوررئالیستی‌تر است ولی شعرهای مروا سوررئالیسم کمتری دارد و در بخشی از شعرهایش هم جنبه‌های فمینیستی وجود دارد که این نکته سبب تمایز او از شاعران دیگر موج نو می‌شود. اما از نظر طبقه‌بندی و تاریخ شعر چاره‌ای نداریم که در مجموع مروا نیبلی را جزء همین شاعران موج نو بدانیم. البته یکی از دلایلی که این موضوع (دسته‌بندی مروا نیبلی در جریان موج نو) را اثبات می‌کند مقاله کوتاهی است که زنده‌یاد فریدون رهنما در آبان ۱۳۴۳ در جنگ طرفه منتشر کرده است. (این جنگ نشریه‌ای بود که شاعران و نویسندگانی مانند احمد رضا احمدی، محمدعلی سپانلو، غفار حسینی، نادر ابراهیمی و دیگران در آن دوره مدتی منتشر می‌کردند.) در این شماره فریدون رهنما مقاله‌ای با عنوان «دو نوزاد باور کردنی» می‌نویسد و در آنجا بیژن الهی و مروا نیبلی را معرفی می‌کند. این مقاله در کتاب آمده است. در واقع فریدون رهنما به جامعه ادبی می‌گوید این دو شاعر و شاعرانی مانند آن‌ها را باید بخوانید و جدی بگیرید.

دفتر شعر مروا کی سروده شده؟

بنابراین این دفتر شعر در اواخر دهه ۱۳۴۰ به ناشر تحویل داده شده است؟ این دفتر شعر از سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ نوشته شده است. خانم مروا به یاد نمی‌آورد این دفتر را کی به فریدون رهنما داده است. ولی احتمالاً اواخر دهه ۱۳۴۰ یا اوایل ۱۳۵۰ دفتر شعر را به زنده‌یاد فریدون رهنما تحویل داده است.

اینکه می‌گویم احتمالاً در این تاریخ بوده به این دلیل است که خانم مروا بعد از پایان دانشکده، در فیلم «سیاوش در تخت جمشید» فریدون رهنما در سال ۱۳۴۴ نقش اصلی را بازی می‌کرده است. بعد از این همکاری، رهنما به او پیشنهاد می‌کند برای ادامه تحصیل در حوزه سینما با توجه به علاقه شدیدش به اروپا برود. خانم مروا ابتدا به انگلستان می‌رود. بعد از آشنایی با فیلم در انگلستان به او گفته می‌شود برای آموزش در حوزه فیلم‌سازی و کارگردانی بهتر است به امریکا برود که او با وجود داشتن لیسانس هنر، در نیویورک هم لیسانس و فوق لیسانس سینما می‌خواند. در این دوره ارتباطش با ایران کمتر است. او نیمه دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ را بیشتر در انگلستان و امریکا می‌گذراند و گاهی به ایران سری می‌زند که احتمالاً در یکی از دیدارها دفتر شعرش را به فریدون رهنما می‌دهد که برایش منتشر کند. فریدون رهنما مقدمه‌ای برای آن می‌نویسد که در واقع در کتاب «شعر دیگر» با عنوان «مقدمه‌ای بر دفتر شاعران جوان» در سال ۱۳۴۷ چاپ شده است. احتمالاً در آن زمان بوده

در دسترس مخاطبان قرار گرفت، درباره‌شان مقاله‌هایی نوشته شد. حتی تک‌نگاری‌هایی به صورت کتاب درباره آن‌ها نوشته شد. متأسفانه از نظر سنی هم در یک موقعیت بودند و درگذشت بیشتر آن‌ها در طول دهه اخیر بود. این شاعران دیر کشف شدند. بله، در واقع در سال‌های پایانی عمرشان تازه کشف شدند.

زمانی که افراد مطرح این گروه را نام بردید، همه آقایان بودند. بله، در این میان تعداد خانم‌ها محدود بوده است. مروا نیبلی شاعری متأثر از سهراب سپهری و فریدون رهنما

خب درباره مروا نیبلی می‌گویید که چرا آن زمان در این دسته‌بندی‌ها قرار نگرفته بود؟

مروا نیبلی جزء کسانی است که در دوره‌های اولیه این مجموعه جای می‌گیرد. اما نکته عجیب برایم این بود چندین باری که تلفنی با او صحبت کردم تا اجازه چاپ دفترش را بگیرم، از آن دوره به جز احمد رضا احمدی، هیچ‌کس را به یاد نمی‌آورد. این موضوع شاید به این دلیل است که او در دوره خاصی به شعر توجه می‌کرده که هنوز موج نو آنچنان که باید و شاید شکل نگرفته بود یعنی فعالیت شعری مروا نیبلی در دوره بسیار آغازین شعر موج نو بوده است و هنوز این جریان شکل نگرفته بود.

نکته دیگر اینکه نیبلی از نظر شعری، ادبی و هنری تحت تأثیر سهراب سپهری و فریدون رهنما بوده است؛ چرا؟ چون این دو نفر استادان نیبلی در دانشکده هنرهای تزئینی بودند. (دانشکده هنرهای تزئینی، دانشکده‌ای بود که بعد از انقلاب همراه چند دانشکده دیگر مانند فارابی به دانشکده هنر تبدیل شد.) نیبلی از اولین دانشجویان دانشکده هنرهای تزئینی بود. گلی امامی، مترجم معروف هم در این دانشکده درس خوانده و او یکی از کسانی است که به ما کمک کرد تا خانم نیبلی را پیدا کنیم. در یک تماس با خانم امامی به صورت اتفاقی خانم نیبلی را به یاد آورد که اوایل دهه ۱۳۴۰ از دانشجویان دانشکده هنری‌ها تزئینی بود و حتی گفت به یاد می‌آورد که اسم شناسنامه‌ای او، مروا نبوده بلکه مارتا بوده است.

خانم نیبلی با سهراب سپهری و فریدون رهنما بیشتر ارتباط داشته است؛ از نظر سینما با فریدون رهنما ارتباط داشته و از نظر نقاشی و شعر با سپهری. بنابراین با بقیه اعضای موج نو ارتباطی نداشته، گویا فقط با احمد رضا احمدی آشنایی داشته است. البته سال‌های پیش احمد رضا احمدی نیز در یکی دو مصاحبه از خانم مروا یاد کرده بود.

شعر مروا چه ویژگی‌هایی دارد؟

نکته مهم از نظر سبک شعری مروا نیبلی این است که او با وجود اینکه تصویرهای نوی در شعرهایش وجود داشته و از نظر زبانی با شاعران نیمایی فرق دارد به شاعران موج نو نزدیک است، ویژگی خاصی دارد که شعرش را با شاعران موج نو متمایز می‌کند؛ یکی از آبخورهای اصلی شعرهای مروا، تداوم شعر سهراب سپهری در «آوار آفتاب» است. در واقع مروا نیبلی زمانی با سهراب سپهری آشنا شد که هنوز به صدای پای آب، مسافر و حجم سبز

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

جهش‌های بزرگی در حوزه کتابخانه‌ها داشتیم



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: این همایش یک حرکت خوب در حوزه اقتصاد و فرهنگ است. توقع ما از برگزاری همایش این است که به ما در مدیریت و سیاست‌گذاری کتابخانه‌ها راهکارهای جدیدی را در حوزه اقتصاد و فرهنگ کتاب ارائه کند. وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به حماسه‌آفرینی رزمندگان جبهه مقاومت و رزمندگان فلسطینی عنوان کرد: روزهای گذشته روزهای تاریخی و تکرارنشدنی برای جهان اسلام بود. از روز اولی که رژیم جعلی صهیونیستی با به عرصه حیات نامشروع خود گذاشته، قساوت و جنایت زیادی در حق فلسطینیان انجام داده و صحنه‌های وحشتناکی از قتل و جنایت آفریده است.

اسماعیلی افزود: یک فهرست بلند و سیاه از اقدامات صهیونیست‌ها در حافظه تاریخ برای همیشه ماندگار شده است و امروز نیز در قطع آب، برق و ارسال کمک‌های غذایی و دارویی، انهدام بیمارستان‌ها و کشتن زنان، کودکان و خبرنگاران نقش دارد که این کارها از رژیم صهیونیستی چیز جدیدی نیست. آنچه جدید است و تازگی دارد این نوع از مقاومت است که در یک روز بیش از ۱۰۰۰ صهیونیست اشغالگر توسط رزمندگان فلسطینی مورد حمله قرار گرفته و از بین رفتند.

باید پذیرفته شود که مردم فلسطین در یک همه‌پرسی نوع حکومت خود را انتخاب کنند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: ظلم و تجاوز به مردم فلسطین جز با برقراری یک نظام عادلانه مبتنی بر آرای مردم فلسطین امکان اصلاح ندارد. باید بپذیرند مردمان اصیل فلسطینی اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان در یک همه‌پرسی نوع حکومت و حکمرانی را انتخاب کنند. این روش غلطی است که مردم ساکن در خانه و محل زندگی‌شان را مورد تجاوز و غارت قرار دهند. صهیونیست‌ها امروز با این روش ناعادلانه حکمرانی در فلسطین را در اختیار دارند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در حوزه کتابخانه‌ها جهش‌های بزرگی داشتیم و در دو سال اخیر تلاش شد بخش مهمی از مشکلات مربوط به حوزه اداری و ساختار اجرایی نهاد کتابخانه‌ها حل‌وفصل شود.

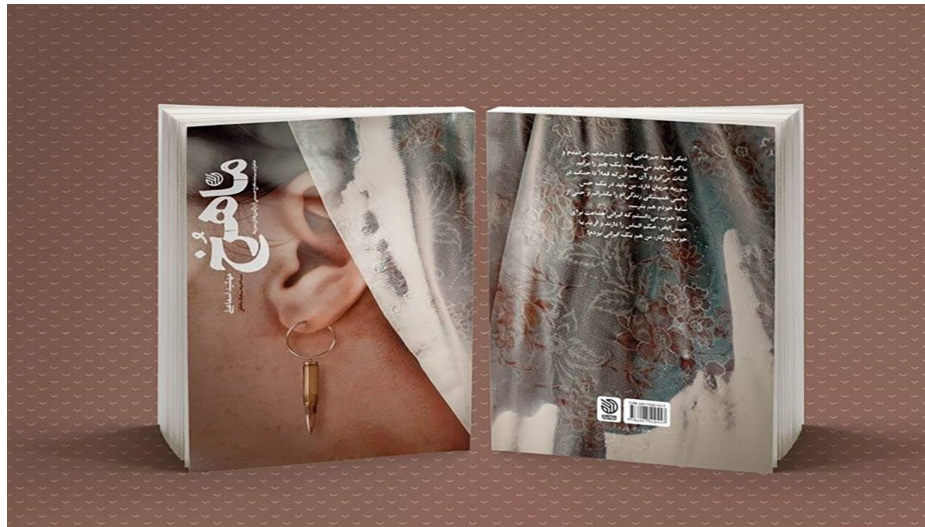
محمد مهدی اسماعیلی ۲۵ مهرماه، در دومین همایش بین‌المللی کتابخانه‌های عمومی با عنوان «کتابخانه‌های عمومی و کسب‌وکارهای کوچک» که در مجتمع فرهنگی آفتاب ولایت برگزار شد، به صورت ویدئو کنفرانسی اظهار کرد: از رئیس‌جمهور به واسطه تمام پشتیبانی‌ها از حوزه فرهنگ، هنر، رسانه و ادب تشکر می‌کنم. ما بر اقدامات آموزشی و پژوهشی در همه فعالیت‌ها تاکید داریم و امیدواریم بتوانیم از اهتمام، دانش و حوزه‌های مطالعاتی بیش از گذشته بهره‌مند باشیم.

وی با اشاره به اینکه در حوزه کتابخانه‌ها جهش‌های بزرگی داشتیم، تصریح کرد: در دو سال اخیر تلاش شد بخش مهمی از مشکلات مربوط به حوزه اداری و ساختار اجرایی نهاد کتابخانه‌ها حل‌وفصل شود. آقای رضانی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تلاش‌های زیادی کردند و امروز ما شاهد هستیم که بخش عمده‌ای از این مشکلات حل شده و نهاد کتابخانه‌های عمومی دور جدیدی از خدمات‌دهی خود را آغاز می‌کند.

کتابخانه دیگر تنها محلی برای خواندن و امنیت کتاب نیست

اسماعیلی ادامه داد: کتابخانه دیگر تنها محلی برای خواندن و امنیت کتاب نیست، امروز در مجموعه‌های مختلفی که افتتاح شده، ده‌ها خدمت متفاوت توسط کتابخانه‌ها ارائه می‌شود. کتابخانه‌ها امروز محلی برای رشد حوزه دانش، آموزش و پژوهش شدند. کتابخانه‌ها و کتاب‌دارها از نهادهای پیشروی فرهنگ آموزش در کشور هستند و بالاترین بهره‌وری‌ها را در کتابخانه‌ها شاهد هستیم.

چند روایت معتبر از زندگی در محاصره داعش وقتی گوشت گربه هم حلال شد!



خانه‌های خالی مردم، آذوقه و لباس بردارید. حتی گوشت گربه را هم حلال اعلام کردند و برای همین، بعد از چند روز، دیگر گربه هم در خیابان‌ها پیدا نمی‌شد؛ چون مردم گربه‌ها را کشته و خورده بودند. حتی در آن مدت اگر خبردار می‌شدند کسی خر و الاغ دارد، می‌رفتند آن را می‌دزدیدند و می‌خوردند.

«همین که طفلک مامان به وزارت امور خارجه می‌گفت سازمان ملل، کاری می‌کرد که دلم برایش پر بکشد»

«به خدا می‌گفتم من جزء معدود بنده‌های هستم که قیامت را دو بار به چشمانم می‌بینم.»

«سربازان (ارتش سوریه)، روی سر مردم سیگار ریختند و گفتند: «بکشید، سگ‌های گرسنه!»

«بچه‌ها هم چون معده‌هایشان گنجایش نداشت، بیشتر نظاره‌گر خوراکی‌ها بودند. مثلاً سوسو، دختر جمیله، سه روز تمام بیسکوئیتش را نگاه می‌کرد و بعد آن را بغل می‌کرد و می‌خوابید، تا جایی که بعد از سه روز، تمام بیسکوئیت پودر شد.»

«شما فکر می‌کردید یک روزی از حصار خارج شوید؟ - بله. - چطور این قدر مطمئن بودید؟ - در واقع‌ه‌ی عاشورا، دو دست قمر بنی‌هاشم (ع) بیخود از کتف جدا نشد. دو دست حضرت ابوالفضل (ع) به زمین افتاد که دست امثال من را بگیرد.»

«در مدتی که وسایلم را می‌گشتند، چند نفرشان درگیر خواندن اسمم در گذرنامه بودند. به آن‌ها گفتم: «فیلیم هندی می‌بینید؟!» - آره. چطور مگر؟ - اسم شاهرخ‌خان را شنیده‌اید؟ - آره. - من دختر عموی او هستم. اسمم ماهرخ خوانده می‌شود.»

«توی کوچه، زن‌های همسایه میز و صندلی گذاشته بودند و داشتند چای می‌خوردند. وقتی داشتیم رد می‌شدیم، صدای آن‌ها را می‌شنیدم: «شنیده‌ای بچه‌های ما یک زن جاسوس ایرانی را گرفته‌اند؟»، «آره، نهایتاً دو سه روز دیگر دلخس را می‌آورند!»، «روزی که خبر مرگش بیاید، من از خوشحالی برنج می‌ریزم!»

همراه هزینه‌هایی که برای پذیرایی از هر یک کرده بودیم، در آن نوشته بود. یک بار که بحث ازدواج من پیش آمد، گفتم: «من که خواستگار درست و حسابی نداشتم!» برادرم رفت و آن دفتر را آورد، گذاشت جلوی من، و گفت: «یعنی از بین این همه آدم، یکی‌شان درست و حسابی نبود؟!»

«در میان درس‌هایم، عربی‌ام واقعا ضعیف بود و هیچ وقت نمره‌ی بالای یازده نیاوردم؛ ولی عاقبت دست قضا، من را به یک کشور عرب‌زبان کشاند!»

«ما آدم‌ها گاهی محبت‌مان نسبت به بعضی اشخاص به قدری زیاد است که حاضریم برای رضایت دل‌شان با پای خودمان برویم وسط دریای بدبختی. مامان برای من از آن جنس آدم‌هایی بود که برای رضایت و آرامشش حاضر بودم از جانم هم بگذرم، جوانی و آرزوهایم که جای خودش را دارد!»

«خانواده‌ی محمد چون اسم من را نمی‌توانستند تلفظ کنند، ازم پرسیدند: «معنای اسمت چیست؟» گفتم: «ماه‌رخ به معنی کسی است که صورت مثل ماه دارد.» - پس ما تو را «قمر» صدا می‌کنیم؛ از آن به بعد، در میان خانواده‌ی همسرم به نام قمر معروف شدم.»

«از وقتی به زانوهایم برق وصل کردند، پاهایم حس ندارند و نمی‌توانم تعادل خودم را حفظ کنم. - برای چی بهت برق وصل کردند؟ - برای اعتراف.»

«به نظرم علاقه‌ی خانم‌ها به خرید در حدی است که اگر جنازه‌ی یک خانم در حال رفتن به قبرستان باشد و در مسیر یک دست‌فروش پیدا شود، خانم زنده می‌شود و می‌گوید: «چند لحظه صبر کنید، من قیمت این جنس را بگیرم، بعد برویم!»

«نان تافتون را که خورد، گفت: «این نان است یا بیسکوئیت؟ بین ایرانی‌ها چه نانی خوبی می‌خورند؛ نه سوخته است، نه خمیر، رنگش سفید است، طعم بیسکوئیت هم می‌دهد. ایرانی‌ها همین‌ها را می‌خورند که می‌توانند انرژی هسته‌ای درست کنند!»

«از نظر مواد غذایی در مضیقه قرار گرفتیم. دیگر حتی نان خالی هم نداشتیم. شیخ اهل سنت فتوا داد می‌توانید از

کتاب «ماه‌رخ» ماجرای زندگی یک زن ایرانی به نام ماه‌رخ است که به اصرار مادرش با یک مرد فلسطینی ازدواج می‌کند و بعد از مدتی راهی سوریه می‌شود تا در بین فلسطینیان سوریه زندگی کند.

به گزارش تسنیم، کتاب «ماه‌رخ» روایتی است واقعی از زندگی یک سال و نیمه سخت و طاقت‌فرسای «سیده ماه‌رخ حسینی» در حصار جبهه‌النصره و جیش الحر که برای زنده ماندن از کشتار و خرابی می‌جنگد و حتی خانواده شوهرش نیز بنا به لو دادن او به نیروهای مسلح را دارند. این کتاب ماجرای زندگی یک زن ایرانی به نام ماه‌رخ است که به اصرار مادرش با یک مرد فلسطینی ازدواج می‌کند و بعد از مدتی راهی سوریه می‌شود تا در بین فلسطینیان سوریه زندگی کند. زندگی این زن ایرانی با کث و قوس فراوان و تولد ۴ فرزند ادامه پیدا می‌کند تا به جنگ داعش در سوریه می‌رسیم. در ادامه برش‌هایی از این کتاب جذاب را با هم می‌خوانیم:

«من در خانه به دنیا آمدم. پدرم می‌گفته چون در بیمارستان همه‌ی کادر و پزشکان مرد هستند، دوست ندارم زرم در بیمارستان زایمان کند.»

«مادرم مدام می‌گفت: «دوست نگیر! دوست، چیز خوبی نیست. اگر هم می‌خواهی در مدرسه دوست بگیری، این را بدان که دوست فقط برای مدرسه است. بیرون از مدرسه می‌آیی، دیگر همدیگر را نمی‌شناسید.»

«خواهرم منصوره مدتی قبل از مرگش به مادرم گفت: «مرا ببر سوریه. می‌دانم اگر بروم سوریه، حضرت زینب (س) شفایم می‌دهد.» مادرم خودش و منصوره را ثبت‌نام کرد؛ ولی اسم‌شان در قرعه‌کشی درنیامد. منصوره در حیاط می‌نشست و هر وقت هواپیمای بالای خانه‌مان عبور می‌کرد، نگاهش را به آن می‌دوخت و می‌گفت: «طیاره، بیا پایین، مرا هم با خودت ببر حرم حضرت زینب (س).»

«تقریباً از ده یازده سالگی کلی خواستگار داشتیم؛ اما اصلاً در قیدوبند ازدواج نبودم. برای همین، تمام خواستگارهایم را رد کردم. تا جایی که برادرم یک دفتر بزرگ برداشته بود و اسم و مشخصات تمام خواستگارها را

دادبه مطرح کرد؛

نباید میراث خود را نفی کنیم

اصغر دادبه، پژوهشگر حوزه فلسفه اسلامی در جلسه نقد کتاب «از مانویت به تصوف» گفت: به هیچ وجه نباید میراث خود را نفی کنیم و آن را از دست بدهیم؛ اگر قرار است که بمانیم و هویت ما حفظ شود.

وی ادامه داد: این تفکری که ما پیش از اسلام چیزی نبودیم و مانی تنها یک نقاش بوده و این‌ها همه مشرک بودند و غیره، درست نیست. این صحبت‌ها همه از دید ظاهری است که باید آن‌ها را کنار بگذاریم. با تفسیرهای

ارزش‌هایی است که تأیید اسلامی هم شده است. کار بزرگ این کتاب نشان دادن این بخش از فرهنگ ما است که با تحقیق ارجمند و جدی استاد پورجوادی ارائه شده است.

وی گفت: این اثر علاوه بر اینکه به عنوان یک تحقیق، کار درجه یکی است، شهامت علمی استاد عزیز در مطرح کردن آن، ارزشی افزون بر آن بخشیده است. چراکه ما به هیچ وجه نباید میراث خود را نفی کنیم و آن را از دست بدهیم. اگر قرار است که بمانیم و هویت ما حفظ شود باید به همه این مسائل توجه داشته باشیم.

پیوند و تأثیرات مانویت در تصوف

ادامه این نشست با سخنان سعید کریمی همراه بود که وی با اشاره به پژوهش‌های گسترده نصرالله پورجوادی در حوزه تصوف گفت: این کتاب دو جنبه دارد یکی مانویت و یکی تصوف؛ این کتاب می‌خواهد بگوید که مانویت بر تصوف اثر گذاشته و دست ما را می‌گیرد و قدم به قدم با خود می‌برد. این کتاب از ۹ فصل تشکیل شده که ۶ مقاله از آن بیشتر در رسانه‌ها منتشر شده و سه مقاله آن جدید هستند که در تمام این مقالات تلاش شده تأثیری که مانویت بر تصوف گذاشته نشان داده شود.

وی با اشاره به فصل‌هایی از کتاب گفت: آقای پورجوادی در فصل اول کتاب درباره واژه «زنده‌گری» بحث کرده‌اند؛ واژه‌ای که اصل و ریشه مانویت است. «زنده‌گری» یعنی کاری که یک فرد با دانش و علم باطنی خود فردی دیگر را از زندگی تاریک خود جدا می‌کند و به زندگی آسمانی متصل می‌کند. مانی یکی از کسانی بوده که به کار زنده‌گری می‌پرداخته و کتاب‌هایی که از مانی باقی مانده این واژه را به خوبی به ما نشان می‌دهد.

سعید کریمی افزود: صوفیان برای اینکه بتوانند این مفهوم را بیان کنند از واژه «زندگانی» استفاده کردند و آن را به معنای استغفار و توبه به کار بردند؛ یعنی بازگشتی که شخص از یک زندگی نفسانی به یک زندگی روحانی می‌رساند که یعنی همان توبه و بیدار شدن از خواب غفلت.

این پژوهشگر گفت: در فصل دوم بحث بر سر «نحلل» است. واژه‌ای که در مانویت بحث مهمی به شمار می‌رود و بسیاری آن را در اینجا به معنی متلاشی شدن بدن بعد از مرگ تعبیر کرده‌اند؛ اما کار ویژه‌ای که آقای دکتر پورجوادی انجام دادند این است که آن را به معنی استغفار، توبه یا همان اعتراف به گناه مطرح کردند. موضوعی که از پایه‌های مانویت بوده است.

وی افزود: امتیاز بزرگ این کتاب همین است که یک قدم بزرگ در جهت روشن کردن تأثیر مانویت و تصوف برداشته و مشخص کرده که تصوف آن چیزی نبوده که به یکباره و به فی‌البداهه در قرن سوم به وجود آمده باشد.



ظاهری و نگاه ظاهری که به دین راه به جایی نمی‌بریم. ما باید برگردیم به این تفکر اصیل که همه ادیان یکی است و آنجا متوجه می‌شویم که ما یک آفریدگار داریم که یا به او می‌گوئیم الله یا به او می‌گوئیم اهورا مزدا یا برای هر اسم دیگری.

این فیلسوف مطرح ایرانی افزود: مفهوم حکمت از مانی آغاز می‌شود که در فارسی به آن «خرد» می‌گویند؛ همان چیزی که بعداً در دوره اسلامی از آن به عنوان حکمت یاد می‌شود. کتابی که در این زمینه نوشتیم در واقع یک قدم اولیه برای نشان دادن این موضوع است که ما بدون در نظر گرفتن تأثیر «مانویت» در دوره اسلامی به خصوص در ایران نمی‌توانیم «مانی» به درستی را بشناسیم و نادیده گرفتن ارتباط آن با ایران در تحقیقات فرنگیان درست نیست.

نباید ارزش‌ها و دستاوردهای گذشته را نفی کنیم

در ادامه این نشست اصغر دادبه، پژوهشگر حوزه فلسفه اسلامی و ادبیات عرفانی درباره کتاب «از مانویت به تصوف» گفت: این کتاب مانند سایر کتاب‌های استاد پورجوادی کار شایسته و کم نظیری است. در این اثر سیر حرکت انسانی که به دنبال تعالی است در حدود ۹ مقاله به زیبایی مطرح شده است. به طوری که به غیر از جنبه‌های علمی و جدی، کار بزرگ ایشان دست گذاشتن روی فرهنگ و شخصیت عظیمی است که همواره در طول تاریخ نفی شده است.

دادبه افزود: ما نباید ارزش‌ها و دستاوردهای گذشته را نفی و انکار کنیم؛ اینکه اسلام بر یک بربریت غلبه کرده باشد بهتر است یا بر یک فرهنگ عظیم؟ همه این‌ها

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست «عرفان و معنویت ایرانی» از سلسله نشست‌های نقد کتاب در مؤسسه اطلاعات با محوریت کتاب «از مانویت به تصوف» و با حضور نصرالله پورجوادی، اصغر دادبه، سعید کریمی و مسعود رضوی به عنوان دبیر جلسه برگزار شد.

نصرالله پورجوادی در این نشست در سخنانی گفت: امروزه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دو دسته تحقیقات را در حوزه حوزه دین‌شناسی دنبال می‌کنند؛ یکی مربوط به آئین مهر و دیگری درباره مانی. اما اکثر این تحقیقات و حتی می‌توانم بگویم همه این تحقیقات از دیدگاه غربی است و می‌خواهند بگویند که هم «آئین میترا» و هم و آیین مانی هر دو هیچ ربطی به «مهرگشت»، «اوستا» و به طور کلی ایران ندارند.

وی افزود: به ندرت پیدا می‌شود محققانی که نیم‌نگاهی به ایران و منابع پارسی و اوستا داشته باشند. همین موضوع درباره مانی نیز صادق است و غربیان در تحقیقات خود این گونه القا می‌کنند که زبان مانی ایرانی نبوده و اصلاً مانی اهل بابل بوده است؛ بگذریم از اینکه بابل هم زمانی جزئی از ایران بوده است.

لزوم حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی گذشته

پورجوادی درباره کتاب «از مانویت به تصوف» گفت: در این کتاب سعی کردم یک قدم در ارتباط مانی و معارف آن در دوره اسلامی بردارم. سعی کردم بگویم که اصلاً مانی‌شناسی بدون مطالعه زبان فارسی دوره جدید یعنی، زبان دری و بدون در نظر گرفتن تأثیری که مانویت در دوره اسلامی در ایران داشته، ناقص است و نمی‌تواند درست باشد.